

۴۰ حدیث
جمعی از مؤلفان
اتحاد و انسجام اسلامی


بسم الله الرحمن الرحیم

چهل حدیث در مورد انسجام اسلامی (انسجام اسلامی از دیدگاه روایات)

نویسنده:

مجتمع آموزش عالی امام خمینی رحمه الله

ناشر چاپی:

جامعهٔ المصطفی (صلی الله علیه وآله) العالمیهٔ

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

چهل حدیث در مورد انسجام اسلامی (انسجام اسلامی از دیدگاه روایات)

مشخصات کتاب

عنوان و نام پدیدآور: چهل حدیث در مورد انسجام اسلامی (انسجام اسلامی از دیدگاه روایات) / جمعی از مؤلفان مجتمع آموزش عالی امام خمینی رحمه الله.

مشخصات نشر: قم، مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و آله، ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری: ۲۱۶ ص.

شابک: ۴-۲۰۸-۱۹۵-۹۶۴-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیپا

یادداشت: کتابنامه: ص. ۲۱۳-۲۱۶.

موضوع: وحدت اسلامی -- احادیث؛ اربعینات -- قرن ۱۴

موضوع: احادیث شیعه -- قرن ۱۴

شناسه افزوده: مجتمع آموزش عالی امام خمینی رحمه الله

شناسه افزوده: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و آله.

رده بندی کنگره: ۱۳۸۹ ۹ چ ۳ و / ۱۴۱/۵ BP

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۲۱۸

شماره کتاب شناسی ملی: ۲۱۱۰۵۰۹

چهل حدیث در مورد انسجام اسلامی

تألیف: جمعی از مؤلفان مجتمع آموزش عالی امام خمینی رحمه الله

ناشر: مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و آله

چاپ اول: ۱۳۸۹ ش/ ۱۴۳۲ ق

چاپ: توحید قیمت: ۲۹۰۰۰ ریال شمارگان: ۲۰۰۰

مراکز فروش:

قم، چهارراه شهدا، خیابان حجتیه، فروشگاه مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و آله؛ تلفکس: ۰۲۵۱۷۷۳۰۵۱۷

قم، بلوار محمد امین، سه راه سالاریه، فروشگاه مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و آله؛ تلفن: ۰۲۵۱۲۱۳۳۱۰۶ - فکس: ۰۲۵۱۲۱۳۳۱۴۶

www.miup.ir www.eshop.miup.ir

E-mail: admin@miup.ir

root@miup.ir

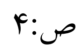
ص :۱

اشاره

چهل حدیث در مورد انسجام اسلامی (انسجام اسلامی از دیدگاه روایات)

جمعی از مؤلفان مجتمع آموزش عالی امام خمینی رحمه الله

ص :۳



سخن ناشر

(وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّهِ جَمِيعاً وَ لا تَفَرَّقُوا) ؛ و همگی به ریسمان خدا، تمسّک جویید، و پراکنده نشوید.

مهم ترین عامل پایداری، ماندگاری و پیشرفت هر قوم و قبیله، هر فرهنگ و تمدن، انسجام و یک پارچگی است و حربه ای سخت تر از تفرقه بر جبهه هیچ جماعتی فرود نیامده است.

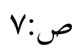
کتاب حاضر که به همت والای جمعی از مؤلفان گرامی نگاشته شده، تلاشی در بازشناسی عوامل اتحاد و انسجام امت اسلام، شناخت عوامل تفرقه و دیدگاه برخی بزرگان دراین باره است.

مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و آله ضمن تقدیر و تشکر از زحمات مؤلفان ارجمند، مطالعه این اثر را به عموم اهل فرهنگ و اندیشه توصیه می کند.

مرکز بین المللی ترجمه و نشر المصطفی صلی الله علیه و آله

ص:۵

فهرست



۱- بررسی انسجام و ناپایداری وحدت در جامعهٔ اسلامی

اشاره

آقای احمد سعادت

۱- عوامل و محورهای وحدت

الف) خدای واحد، پدر و مادر واحد، دین واحد

مهم ترین عامل وحدت جامعه اسلامی داشتن پروردگار، پدر و مادر و دینی واحد است، با قبول این اصل هیچ گونه اختلاف نژادی و اعتقادی مورد پذیرش نیست.

حدیث اول

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می فرمایند:

«یَا أَیُّهَا النَّاسُ، إن الرَّبَّ واحِدٌ والاَبَّ واحِدٌ وإن الدِّینَ واحدٌ لیسَتِ العَرَبیّهُ لأحدِکُم باَبٍ ولاَ أمٍّ وإنمَا هیَ اللِّسَانُ فَمَن تعَلّمَ العَرَبیّهَ فَهُو عربیٌّ؛(۱) ای مردم! پروردگار شما یکی است (الله)، پدر همه شما یکی است «آدم» و دین همه یکی است (اسلام). عربیت، پدر و مادر هیچ یک از شما نیست، بلکه آن هم یکی از زبان هاست و هرکس زبان عربی را بیاموزد، عربی است.»

۱- (۱) معالم الحکومه، ص ۴۰۴.

نکته ها

۱. مسلمانان دارای محورها و عوامل متعدد وحدت بخش هستند: خدایی یگانه که مورد قبول همگان است؛ داشتن نژاد و خونی واحد، بدین معنا که همه فرزند یک پدر به نام آدم هستند و نیز داشتن دین واحدی به نام اسلام.

۲. عربیت یا عجمیت از نظر اسلام نژاد محسوب نمی شود، زیرا بر طبق نگاه دین، همهٔ انسان ها فرزند یک پدر و مادر هستند.

۳. عربیت یک زبان است و براساس حدیث شریف هرکسی که با آن تکلم کند، عرب نام دارد. بنابراین، عربیت نمی تواند موجب تفرق و اختلاف گردد.

ب) اطاعت از رهبری

یکی از محورهای وحدت در جامعه، اطاعت از اوامر و فرامین رهبر اسلام است.

حدیث دوم

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمایند:

«إسمَعُوا وأطِیعُوا لمَن ولّاهُ اللهُ الأمرَ، فَإنَّهُ نظَامُ الإسلامِ؛(۱) از حاکمان الهی اطاعت کنید و گوش بفرمان باشید، زیرا اطاعت از رهبری مایه وحدت امت اسلام است».

نکته ها

۱. مسلمان ها باید گوش به فرمان حاکمان الهی و رهبری باشند.

۲. حاکمی که اطاعت از او واجب و لازم است، حاکم الهی می باشد، نه حاکم جور و مستبد و دیکتاتور.

۱- (۱) امالی مفید، ج ۱، ص ۱۴، حدیث ۲.

۳. اطاعت از ولی امر مسلمین، عامل و محور وحدت جامعه اسلامی است.

۴. ولی امر و حاکم اسلامی، باید همیشه مصالح جامعه اسلامی و هم بستگی آنها را در نظر داشته باشد.

حدیث سوم

امام علی علیه السلام نیز درباره جایگاه رهبر و نقش وحدت آفرین او در جامعه می فرمایند:

«وَ مکَانُ القَیّمِ بالْأمرِ مکَانُ النِّظَامِ منَ الْخَرَزِ یجْمَعُهُ ویضُمُّهُ فَإذا انقَطَعَ النّظَامُ تفَرّقَ الْخَرَزُ وذَهَبَ ثُمّ لمْ یجْتَمِع بحَذافِیرِه أبدَا؛(۱) جایگاه رهبر و سرپرست در اجتماع، جایگاه رشته ای است که دانه ها را به هم پیوند داده و جمع می کند، و آن گاه که آن رشته بگسلد، دانه ها پراکنده گشته و هرگز تمام آنها جمع نخواهند شد.»

نکته ها

۱. رهبر و ولی امر مسلمین، عامل وحدت جامعه است.

۲. اطاعت از رهبر به منزله رشتهٔ وحدت، موجب اتحاد و هم دلی جامعه می گردد و سرپیچی از فرامین او باعث افتراق و اختلاف افراد جامعه می شود.

۳. بدون رهبر و ولی امر، مسلمین هرگز به وحدت و هماهنگی نمی رسند.

ج) دین مقدس اسلام

حدیث چهارم

دین مقدس اسلام از دیگر محورهای وحدت به شمار می رود. چنان که در حدیثی آمده؛ یکی از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله همراه برادرش خدمت آن حضرت می رسند و می گویند که بر هجرت بیعت فرما، آن

۱- (۱) نهج البلاغه، خطبه ۱۴۶.

حضرت فرمود:

«مضت الهجره لاهلها»، صحابی (مُجاشع) گفت که پس برای چه بیعت کنیم؟ حضرت فرمود:

«عَلَی الاِسلاَمِ والجِهَادِ؛ برای اسلام و جهاد بیعت نما.»(۱)

نکته ها

۱. اسلام، محور وحدت، بیعت و اطاعت است.

۲. هر حادثه و واقعه مهمی، دارای مدت مشخصی است، ولی دین و اسلام جاوید و همیشگی است و در هر زمانی کارایی خاص خود را دارد و همیشه می تواند منشأ و محور وحدت قرار گیرد.

حدیث پنجم

امام علی علیه السلام در کلامی وحدت بخش خطاب به عمر که از امام برای هدایت لشکر اسلام توسط خود در جنگ مشورت خواسته بود، به یکی از عوامل وحدت آفرین اشاره می فرماید. این کلام هم چنان زنده و پیام آن زندگی بخش و چراغ راه مسلمانان است، آن حضرت می فرمایند:

«وَالْعَرَبُ الْیوْمَ، وإنْ کَانُوا قلِیلاً، فَهُمْ کَثِیرُونَ بالاِسْلاَم، عزِیزُونَ بالاِجْتِمَاع؛(۲) عرب با این که امروز از نظر تعداد اندکند، اما با نعمت اسلام فراوانند و با اتحاد و هماهنگی عزیز و قدرتمندند.»

نکته ها

۱. دین مقدس اسلام می تواند منشأ و محور وحدت و کثرت واقع گردد؛

۲. وحدت و هماهنگی، نیز عامل عزت و قدرت محسوب می شود؛

۳. اسلام، عامل وحدت و وحدت، عامل عزت و قدرت مسلمان هاست؛

ص:۱۶

۱- (۱) صحیح بخاری، ج ۴، ص ۶۱.

۲- (۲) نهج البلاغه، خطبه ۱۴۶.

۴. عزت و قـدرت اعم از قـدرت فرهنگی، سیاسـی، اقتصادی، نظامی و غیره است، که همه این امور فقط در سایه وحدت و در زیر پرچم مقدس اسلام و عمل به آیین وحیانی آن میسر است.

د) اهل بیت پیامبر علیهم السلام

از عوامل و محورهای اساسـی وحـدت جامعه اسـلامی، اهل بیت پیامبر علیهم السـلام می باشـد. براساس حـدیث ثقلین قرآن و عترت دو عامل اتحاد و محور هم بسـتگی و چراغ راهنما برای هدایت امت است، که تمسک به آنها باعث نجات و رسـتگاری خواهد شد.

حدیث ششم

در حدیثی رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمایند:

«... فَأنتُم «اَهلُ البَیتِ» أهلُ اللهِ عزَّوجَلّ الَّذِینَ بهِم تمَّتِ النِّعمَهُ واجتَمَعَتِ الفُرقَهُ وائتَلَفَتِ الکَلِمَهُ؛(۱) شما اهل بیت علیهم السلام، اهل الله هستید که به برکت شما، نعمت کامل گشته و پراکندگی برطرف شده و اتحاد کلمه پدید آمده است.»

نکته ها

۱. اهل بیت پیامبر علیهم السلام محور وحدت و هم بستگی مسلمانان هستند، نه تفرقه و پراکندگی.

۲. اهل بیت علیهم السـلام منشأ الهی و قدسـی دارند، که اطاعت و پیروی از آنها موجب سـعادت و رسـتگاری انسان ها خواهد شد

«أهلُ اللهِ عزَّوجَلّ».

۳. اهل بیت علیهم السـلام کسانی هسـتند که نعمت الهی به واسـطه آنان بر بشـریت به طور عام و مسلمان به طور خاص، کامل گردیده است:(الْیَوْمَ أَکْمَلْتُ لَکُمْ

۱- (۱) الکافی، ج ۱، ص ۴۴۶.

دِینَکَمْ وَ أَتْمَمْتُ عَلَیْکَمْ نِعْمَتِی وَ رَضِیتُ لَکَمُ الْإِسْلامَ)۱ و

«بِهِم تَمَّتِ النِّعمَهُ».

۴. اگر مسلمانان بر محور اهل بیت علیهم السلام گرد آیند، نعمت و آسایش آنها به شکوفایی می رسد، وحدت و قدرت می یابند و از ضعف و تفرقه و ذلت رهایی پیدا می کنند.

حدیث هفتم

در حدیث دیگری رسول خدا صلی الله علیه و آله با خطاب به امام حسن علیه السلام می فرمایند:

«اِبنی هذا سیدٌ ولَعَلَ اللّه أن یصلِحَ به بینَ فِئَتینِ من المُسلمینَ؛(۱) فرزندم امام حسن علیه السلام سید و آقایی است که شاید خداوند به واسطه او بین دو طائفه از مسلمانان صلح برقرار سازد.»

نکته ها

۱. امام حسن مجتبی علیه السلام که به دلایل مختلف نقلی و روایات متواتر یکی از افراد اهل بیت علیهم السلام محسوب می شود، می تواند محور وحدت و صلح بین مسلمانان باشد.

۲. حدیث شریف شاید اشاره باشد به وقایع تاریخی آینده که رسول خدا صلی الله علیه و آله به نحوی از آن خبر می دهد و موضع برجسته امام حسن علیه السلام را نشان داده و تأیید کرده است

۳. صلح امام حسن علیه السلام جهت وحدت و برای مصلحت جامعهٔ اسلامی اتفاق افتاده است.

۵ –) برابری نوعی و برادری دینی

یکی از عوامل و محورهای عمده ای که می توان روی آن تکیه کرد،

۱- (۲) صحیح بخاری، ج ۵، ص ۳۲ و ج ۹، ص ۷۱.

هم نوعی بشری است. ما همه انسانیم و خون هیچ کسی بر دیگری رنگین تر نیست؛ علاوه بر آن، مسلمان ها در دین، برادر یک دیگر هستند و خدای واحد، کتاب واحد و پیامبر واحد دارند.

حدیث هشتم

پیامبرخدا صلی الله علیه و آله می فرمایند:

«أَلمُؤمِنُونَ إخوَةٌ تَتَكَافَؤُ دِمَاؤُهُم وهم يَدٌ عَلَى من سِوَاهُم؛(۱) مؤمنان با هم برادرند و خونشان برابر است و در برابر دشمن متحد و یک پارچه اند.»

نکته ها

۱. مسلمان ها دست کم دو محور و عامل وحدت دارند: یکی برابری در نوع و هم سانی در بشر بودن (هم خونی) است و دیگری برادری و هم سانی در مسلمانی و عقیدهٔ مشترک؛

۲. در اسلام محور هم بستگی عقیده و ایمان است و هم نوع نیز قابل احترام می باشد؛

۳. در اسلام از این لحاظ که معیار ارزش گزاری، عقیده و ایمان است، تنها خون مؤمن با یک دیگر تکافؤ و برابری دارد؛

۴. اتحاد و یک پارچگی مسلمان ها در برابر اغیار و بیگانگان است، که با آنها از لحاظ ایمان و باورهای دینی یکسان نیستند.

و) اخوت اسلامی

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله مسلمانان را برادر هم دیگر دانسته که هیچ کسی بر دیگری فضل و برتری ندارد، جز به تقوای الهی که در اسلام ملاک برتری محسوب می شود.

۱- (۱) کافی، ج ۱، ص ۴۰۴.

حدیث نهم

رسول خدا صلی الله علیه و آله در حدیثی می فرمایند:

«المُسلِمُونَ اخوَهٌ لَافَضْلَ لَاحَدٍ علَی احَدٍ الَّا بالتَّقوَی؛(۱) مسلمانان با هم برادرند و هیچ کس بر دیگری برتری ندارد جز به تقوا.»

نکته ها

۱. در اسلام هیچ یک از ملاک هایی که برای برخی معیار امتیاز و تفاخر و برتری است، ملاک فضل و برتری محسوب نمی شود، از قبیل: نژاد، ثروت و حتی عقیده و باور به یک آیین.

۲. مسلمانی و عقیده مشترک، فقط ملاک اخوت، برادری و وحدت است، اما معیار برتری تقوای الهی می باشد

۳. ملاک برتری و تفضّل فقط و فقط تقوا و عمل کرد نیک خود فرد است، نه انتساب او به نژاد خاص و سیادت خانوادگی و امور دیگر.

۲- عوامل تفرقه

الف) دامن زدن به اختلافات

دامن زدن به اختلافات یکی از عوامل تفرقه است که در احادیث مختلفی به آن اشاره شده است.

حدیث دهم

امام علی علیه السلام در این زمینه می فرمایند:

«سَبَبُ الْفُرْقَهِ الاِخْتِلافُ؛(۲) اختلاف به جدایی می انجامد.»

نکته ها

۱- (۱) کنزالعمال، ج ۱، ص ۱۴۹؛ نهج الفصاحه، ح ۳۱۱۲.

۲- (۲) نهج البلاغه، خطبه ۱۲۷.

۱. اختلاف از اسباب و موجبات تفرقه محسوب می گردد.

۲. اختلاف می تواند هم در نظر باشد و هم در عمل و رفتار.

۳. تفاوت ها را نباید با اختلاف یکی گرفت. در هر جامعه ای ناگزیر تفاوت هایی وجود دارد، ولی این تفاوت ها نباید منشأ اختلاف و در نتیجه تفرقه گردد که تفرقه خود عامل هلاکت و نابودی است.

ب) کناره گیری از مردم

از عوامل دیگر تفرقه، کناره گیری و دوری از مردم است. کسی که از مردم دوری می گزینند، همکار و تحت فرمان شیطان می شود.

حدیث یازدهم

امام علی علیه السلام دراین باره می فرمایند:

«اِیاکُمْ والْفُرْقَهَ فَاِنَّ الشّاذَّ منَ النّاسِ للشَّیطانِ؛(۱) از تفرقه و اختلاف بپرهیزید، زیرا کسی که از مردم کناره گرفت و تنها گشت، از آن شیطان خواهد بود.»

نکته ها

۱. کسی که از مردم کناره گیری می نماید و از آنها دوری می گزیند، هم گام با شیطان شده و شیطان او را از همهٔ انسان های خوب جدا می کند و در مسیر خودش رهنمون می کند.

۲. مسیر شیطان غیر از مسیر وحدت و هم گرایی است. شیطان می کوشد که در بین مسلمانان تفرقه و جدایی براندازد.

۱- (۱) نهج البلاغه، خ ۱۲۷، ص ۳۹۲.

ج) مفاخره و برتری جویی

از علل دیگر تفرقه مفاخره و برتری جویی است، که در لسان آیات و بسیاری از روایات به شدت از آن نهی گردیده است.

حدیث دوازدهم

امام علی علیه السلام در این زمینه می فرمایند:

«اَیهَا النّاسُ،... عرِّجُوا عنْ طَرِیقِ الْمُنافَرَهِ، وضَعُوا تیْجَانَ الْمُفَاخَرَه؛(۱) ای مردم... از اختلاف و پراکندگی به درآیید و تاج تفاخر و برتری جویی را از سر بنهید.»

نکته ها

۱. در اسلام اساساً مفاخره و برتری جویی از هر لحاظ و با هر ملاکی، مردود و غیر قابل ارزش گذاری است. ملاک ارزشمندی در اسلام فقط تقوای الهی می باشد.

۲. برتری جویی علاوه بر این که از لحاظ اخلاقی یکی از رذایل محسوب می گردد، از لحاظ اجتماعی موجب اختلاف و تفرقه می گردد.

د) گوش به فریب کاری شیطان

یکی از عوامل تأثیرگذار تفرقه، گوش دادن به وسوسه ها، زمزمه ها و فریب کاری های شیطان است.

حدیث سیزدهم

امام علی علیه السلام دراین باره می فرمایند:

«إِنَّ الشَّیطَانَ یسَنِّی لکُمْ طُرُقَهُ، ویرِیدُ أن یحُلَّ دینَکُمْ عقْدَهً عقْدَهً،

۱- (۱) نهج البلاغه، خطبه ۵.

ویعْطِیکَمْ بالْجَمَاعَهِ الْفُرْقَهَ، وبِالْفُرْقَهِ الْفِتْنَهَ. فَاصْدِفُوا عنْ نزَغَاتِهِ ونَفَثَاتِهِ؛(۱) همانا شیطان راه های خود را به شما آسان جلوه می دهد، تا گره های محکم دین شما را یکی پس از دیگری بگشاید و به جای وحدت و هماهنگی، بر پراکندگی شما بیفزایند و در پراکندگی شما را دچار فتنه گرداند، از وسوسه ها و فریب کاری های شیطان روی گردانید.»

نکته ها

۱. شیطان همواره در پی اختلاف و تفرقه افکنی است و از این راه می تواند به مقصد خود نائل گردد.

۲. وسوسه ها و فریب کاری های شیطان مبنی بر تفرقه است و از تفرقه، فتنه را نتیجه می گیرد.

۳. راه مبارزه با شیطان گوش ندادن به وسوسه ها و فریب کاری های او و در مقابل تلاش به هماهنگی و هم گرایی است.

ه) تحقیر و تذلیل برادر مسلمان

از دیگر عوامل تفرقه، تحقیر و خوار شمردن و ظلم به برادر مسلمان است. رسول خدا صلی الله علیه و آله به شدت از ظلم و تحقیر و خوار شمردن نهی نموده است.

حدیث چهاردهم

در حدیثی پیامبراکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند:

«المُسلِمُ اخُو المُسلِمِ، لاَیَظلِمُهُ ولایَخْذُلُهُ ولایَحقِرُهُ؛(۲) مسلمان برادر مسلمان است، نه به او ظلم می کند ونه او را خوار و ذلیل می شمارد و نه تحقیرش می کند.»

نکته ها

۱. بین مسلمانان اخوت و برادری برقرار است.

۱- (۱) همان، خطبه ۱۲۱.

۲- (۲) شرح صحیح مسلم، ج ۱۶ و ۱۵، ص ۳۵۶.

۲. روح اخوت و برادری با ظلم و تحقیر و خوارشماری سازگاری ندارد.

۳. در جامعه ای که ظلم و تحقیر رایج می گردد، دل ها نسبت به هم دیگر غیر مهربان و بدبین است و در نتیجه آن جامعه به اختلاف و تفرقه کشیده می شود؛ لذا ظلم و تحقیر و خوار شمردن یک دیگر، موجب نفاق و علت تفرقه است.

۳- موانع وحدت

الف) کینه توزی

یکی از موانع خطرناک وحدت که موجب اختلاف و زوال هم دلی می گردد، کینه توزی و ترک برادر مسلمان به قصد دشمنی و عداوت است.

حدیث پانزدهم

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند:

«لَاتَبَاغَضُوا ولا تحَاسَدُوا ولَاتَدَابَرُوا وکُونُوا عبَادَاللهِ اخوَاناً ولایَحِلُّ لمُسلِمٍ أن یهجُرَ اخَاهُ فَوقَ ثَلاثَهَ ایّام؛(۱) نسبت به یک دیگر بغض و حسد نداشته باشید و بر هم دیگر پشت نکنید، بلکه بنده خدا و برادر دینی باشید و برای هیچ مسلمانی جایز نیست که بیش از سه روز متوالی برادر دینی اش را به قصد کینه و عداوت ترک نماید.»

نکته ها

۱. بغض و حسد از خصایص و رذایل نفسانی بوده و موجب روی گردانی مؤمنان از هم دیگر و در نتیجه باعث اختلاف و تفرقه می گردد.

۲. ممکن است بین دو نفر مسلمان بر اثر عواملی، دل گیری و

۱- (۱) صحیح بخاری، ج ۸، ص ۲۳؛ شرح صحیح مسلم، ج ۱۶ و ۱۵، ص ۳۵۱ و ۳۵۴؛ لؤلؤ ومرجان، ح ۱۶۵۸.

ناراحتی پیدا شود، ولی نباید مسلمانان این ناراحتی را دامن زده و به کینه و عداوت درازمدت تبدیل کنند.

۳. در اسلام از کینه توزی و ادامه دادن مسائل اختلاف برانگیز، که از موانع وحدت و هم دلی به شمار می رود، به شدت نهی شده است.

ب) سوءظن و بدفهمی

از دیگر موانع وحدت سوءظن، گمان باطل، کج فهمی و برداشت بد می باشد.

حدیث شانزدهم

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمایند:

«اِیَّاکُم والظَّن فَإنّ الظَّنَّ اکـذَبُ الحَدِیثِ ولاَتَحَسَّسُوا ولاَ تجَسَّسُوا ولاَ تَنَاجَشُوا ولا تحَاسَدُوا ولاَتَبَاغَضُوا ولاَتَدابَرُوا وکُونُوا عبَادَاللهِ اخوَاناً؛(۱) از ظن و گمان پرهیز کنید، زیرا ظن، دروغ ترین سخن است. به دنبال عیب جویی و جاسوسی یک دیگر نباشید و در معاملهٔ با یک دیگر مکر و حیله ننمایید و نسبت به یک دیگر حسد نبرید و با یک دیگر بغض و کینه نداشته باشید و به یک دیگر پشت نکنید، بندگان خدا و برادران دینی یک دیگر باشید.»

نکته ها

۱. نکته های اخلاقی، فردی و اجتماعی زیادی در حدیث شریف می باشد. صریح ترین نکته این است که سوءظن، عیب جویی، حسادت، بغض و کینه و روی گردانی نسبت به هم دیگر، از موانع وحدت، اخوت و بندگی خدا محسوب می شود.

۲. یک فرد مؤمن و مسلمان به امری که یقین حاصل ننموده، نباید ترتیب اثر دهد و آن را منشأ تصمیم گیری و عمل کرد خود قرار دهد.

ص:۲۵

۱- (۱) لؤلؤ و مرجان، ح ۱۶۵۸.

۳. سوءظن و گمان، همواره انسان را به خطا رهنمون می کند، زیرا در ذات گمان، سخن دروغ نهفته است.

۴. سوءظن، عیب جویی، حسادت، بغض و کینه و روی گردانی نسبت به هم دیگر، مخالف روح بندگی خدا و هم دلی و اخوت می باشد.

۵. راه وحدت و اخوت، از مسیر اعتماد به هم دیگر و حسن ظنّ می گذرد.

۶. بندگی خداوند، با هم دلی و اخوت، رابطه وثیق و تنگاتنگی دارد.

ج) جهل و نادانی

یکی از موانع وحدت، جهل امت اسلامی است. مسلمانان اگر نسبت به هم دیگر شناخت پیدا کنند و از سر صدق و علم سخن بر زبان برانند و از جعلیات و گزافه گویی نسبت به هم دوری گزینند، اختلاف و تفرقه در آنها به حداقل رسیده و یا از بین خواهد رفت.

حدیث هفدهم

امام علی علیه السلام می فرمایند:

«لَو سَکَتَ الجَاهِلُ ما اختَلَفَ النَّاسُ؛(۱) اگر نادان خاموشی می گزید، مردم دچار اختلاف نمی شدند.»

نکته ها

۱. جهل و نادانی باعث بدبختی، اختلاف و تیره روزی مردم است.

۲. اگر امور به دست عالمان و دانشمندان آگاه و بیدار سپرده شود، وحدت و هم دلی در جامعه حکم فرما می شود.

۳. کسانی که در جامعه به تفرقه و اختلاف دامن می زنند، جاهل و نادان هستند، حتی اگر جامهٔ علم و دانش به تن کرده باشند.

۱- (۱) بحار الانوار، ج ۷۸، ص ۸۱.

۴- ضرورت و اهمیت وحدت اسلامی

الف) عدم وحدت، موجب گسستن از اسلام

ضرورت و اهمیت وحدت جامعه اسلامی به حدی است، که اگر کسی از آن دوری گزیند، در واقع از اسلام گسسته است.

حدیث هجدهم

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند:

«مَنْ فَارَقَ الْجَمَاعَةَ شبْراً خلَعَ ربْقَةَ الِاسْلَامِ منْ عنُقِهِ؛(۱) هر که یک وجب از جماعت دور شود، طوق مسلمانی از گردن خود بردارد.»

نکته ها

۱. دین مقدس اسلام برای اجتماع اهمیت فوق العاده قائل است. این دین یک آیین فردی و صرفاً عبادی نیست، بلکه به امور و مسائل اجتماعی و سیاسی نیز پرداخته است.

۲. اجتماع و وحدت جامعهٔ اسلامی، به اندازه ایمان و اعتقاد یک فرد مسلمان اهمیت دارد، به نحوی که دوری از اجتماع به معنی دوری و خروج از اسلام محسوب می شود.

۳. کسانی که به بهانه های مختلف از وظایف و مسئولیت های اجتماعی شانه خالی می کنند و انزوا و گوشه گیری اختیار می نمایند، از نظر اسلام پسندیده و مورد قبول نیستند.

ب) وحدت، موجب شوکت و قدرت

حدیث نوزدهم

در کلام دیگری حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند:

۱- (۱) مسند احمد، مسندالانصار، ح ۲۰۵۸۱؛ کافی، ج ۱، ص ۴۰۴؛ نهج الفصاحه، ح ۲۷۶۹.

«وَ هم یدٌ علَی من سوَاهُم؛(۱) همهٔ مسلمانان ید واحده و یک قدرت متشکل علیه دشمنان خود هستند.»

نکته ها

۱. وحدت، موجب شوکت و قدرت مسلمانان می گردد و اجتماع بزرگ اسلامی مانور عظیمی است که پشت دشمنان و بدخواهان را به لرزه در می آورد.

۲. مسلمانان در قبال بیگانگان

(مَن سوَاهُم) باید متحد و با شوکت و قدرت ظاهر شود.

۳. رمز این شوکت و قدرت در برابر بیگانگان، همان وحدت و هم بستگی در میان خود می باشد.

ج) دست خدا با جماعت

از نشانه های بارز وحدت اسلامی این است که دست خداوند با جماعت است و شیطان با کسی همراه است که با جماعت ناسازگار باشد.

حدیث بیستم

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند:

«یَدُاللّهِ علَی الجَماعَهِ والشَّیطانُ معَ من خالَفَ الجَماعَهَ یرکُضُ؛(۲) دست خدا بر سر جماعت است و شیطان با کسی همراه است که با جماعت ناسازگار باشد.»

نکته ها

۱. شاید منظور از تعبیر «دست خدا» قدرت الهی، امداد حضرت حق و یا تأیید حق تعالی باشد.

۲. همراهی شیطان با کسی که با جماعت ناسازگار باشد، به معنای انصراف او از جاده حق و صراط مستقیم الهی است.

۱- (۱) امالی صدوق، ص ۴۳۲؛ وسائل الشیعه، ج ۲۹، ص ۷۵.

۲- (۲) نهج الفصاحه، ج ۳۲۱۱، کنزالعمال، ح ۱۰۳۱.

۳. وحدت و همراهی با جماعت، موجب اعطای قدرت و امداد از طرف حضرت حق است و ناسازگاری با جماعت باعث شادمانی دشمن الهی و همراهی با شیطان و جنود او است.

حدیث بیست و یکم

امام علی علیه السلام نیز دراین باره می فرمایند:

«وَالْزَمُوا السَّوادَ الْاَعْظَمَ فَاِنَّ یدُاللّهِ معَ الْجَماعَهِ واِیّاکُمْ والْفُرْقَهَ؛(۱) همراه توده مردم باشید زیرا دست خدا با جمعیت است و از جدایی و پراکندگی بپرهیزید.»

نکته ها

۱. قدرت و شوکت با جماعت است و ذلت و هلاکت با تفرقه و اختلاف.

۲. قدرت و شوکت جماعت و هماهنگی و وحدت آنها منشأ امداد الهی و تأیید حضرت حق دارد.

۳. ذلت و خواری تفرقه، منشأ غیرالهی و ریشه در اختلاف دارد.

د) لزوم شرکت در جماعت

شرکت در جماعت مسلمین و هماهنگی و اتحاد با آنها، از مسائل مهمی است که در دین مقدس اسلام به آن توصیه جدی صورت گرفته است و دوری و جدایی از جماعت مسلمانان به شدت نهی گردیده است.

حدیث بیست و دوم

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمایند:

«تلْتزِمُ جماعَهَ المُسلمینَ وامَامَهُم، قلتُ (حذیفه بن یمان): فإن لم یکُن لهُم جماعهٌ ولا امامٌ؟ قال: فَأعتزِل تلکَ الفِرقَ کلَّها؛(۲) رسول خدا صلی الله علیه و آله در پاسخ یکی

۱- (۱) نهج البلاغه، ۱۲۷.

۲- (۲) صحیح بخاری، ج ۹، ص ۶۵.

از اصحاب خود می فرمایند: در شرکت به جماعت مسلمین و پیشوای آنها ملتزم باش. آن صحابی می گوید: اگر در بین آنها اتحاد و هماهنگی و جماعت و امامی نباشد، چه کنم؟ حضرت می فرمایند: از همه آن فرقه ها دوری و عزلت بگزین.»

نکته ها

۱. مسلمان ها باید به وحدت و جماعت شان ملتزم باشند.

۲. همه در اطراف امام و پیشوای شان جمع شوند.

۳. از تفرقه و جدایی بپرهیزند.

۴. جامعه ای را که اتحاد نداشته و در اطراف امامی گرد نیامده اند، باید مورد ترک و عزلت قرار دهند.

۵- تلاش برای وحدت و حفظ آن

الف) حفظ پیمان پیوند

مسلمانان دارای یک پیمان مبنی بر پیوند و هم بستگی در میان خود می باشند و باید همگان در حفظ آن بکوشند.

حدیث بیست و سوم

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند:

«ذِمّهُالمُسلِمینَ واحِدهٌ یسعَی بها ادنَاهُم؛(۱) همهٔ مسلمانان دارای یک پیوند و یک پیمان هستند؛ حتی ضعیف ترین آنها هم باید تلاش کند.»

نکته ها

۱. مسلمانان دارای پیمان برادری و برابری هستند.

۲. در حفظ این پیمان باید همگی بکوشند؛ حفظ وحدت وظیفه همگانی و عمومی است و حتی کسانی که تصور می کنند تلاش آنها

۱- (۱) مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۴۵؛ صحیح بخاری، ج ۸، ص ۱۴۵.

ثمری ندارد، باید از کوشش در این جهت فروگزاری نکنند.

۳. در مسائل اجتماعی همه مسئولند، کسی نمی تواند به هر بهانه ای وظیفه اش را به عهده دیگری بیندازد.

ب) حفظ جماعه و پرهیز از تفرقه

هم بستگی اجتماعی از مسائلی است که دین اسلام به شدت روی آن حساسیّت به خرج داده و بارها پیامبراعظم صلی الله علیه و آله دربارۀ وحدت و حفظ آن تأکید ورزیده اند.

حدیث بیست و چهارم

در حدیثی پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله می فرمایند:

«أیّهَاالنَّاسُ! علَیکُم بالجَمَاعَهِ وإیاکُم والفُرقَهُ؛(۱) ای مردم! بر شما باد به جماعت و بپرهیزید از جدایی.»

نکته ها

۱. از تعابیر و لحن حدیث شریف استفاده می شود، که حفظ جماعت (وحدت) و ارتباط اجتماعی بین مسلمانان، اهمیت فوق العاده ای دارد، زیرا تفرقه و دوری از اجتماع با لحن تحذیر بیان گردیده است.

۲. ممکن است دستور به حفظ وحدت و دوری از تفرقه یک امر ارشادی و برای سامان بخشی به امور اجتماعی مسلمانان باشد و نیز احتمال دارد امر مولوی و تکلیف بخش برای امت محسوب شود. با توجه به احادیث دیگر که خروج از جماعت را گسستن از اسلام می داند،(۲) احتمال اخیر بعید به نظر نمی رسد.

۱- (۱) میزان الحکمه، ح ۲۴۳۴.

۲- (۲) مسند احمد، مسند الانصار، ح ۲۰۵۸۱؛ کافی، ج ۱، ص ۴۰۴؛ نهج الفصاحه، ح ۲۷۶۹.

حدیث بیست و پنجم

در حدیث دیگر امام علی علیه السلام می فرمایند:

«اَلْزِمُوا الْجَماعَهَ واجْتَنِبُوا الْفُرْقَهَ؛(۱) به جماعت روی آورید و از تفرقه و جدایی بپرهیزید.»

نکته ها

۱. حفظ جماعت و وحدت یک امر الزامی و واجب است.

۲. پرهیز از تفرقه نیز به عهده مسلمانان یک الزام و تکلیف است و همه موظف به ترک آن می باشند.

ج) حفظ ارتباطات و دوری از قطع رابطه

حدیث بیست و ششم

امام علی علیه السلام در حدیثی، به ارتباط بین مسلمانان و بخشش به هم دیگر را تأکید نموده و از پشت کردن و دوری گزیدن از یک دیگر به شدت نهی کرده است:

«عَلَیکُم بالتَّواصُلِ والتَّباذُلِ وایاکُم والتَّدابُرَ والتَّقاطُع؛(۲) بر شما باد به ارتباط و بخشش به یک دیگر و دوری گزیدن از جدایی و پشت کردن به یک دیگر.»

نکته ها

۱. ارتباط و بخشش با هم دیگر، موجب وحدت و هم دلی می گردد.

۲. پشت کردن و دوری گزیدن از یک دیگر باعث دل گیری و تفرقه می شود.

۱- (۱) شرح غررالحکم، ج ۲، ص ۲۴۰.

۲- (۲) نهج البلاغه، نامه ۴۷.

۳. مسلمانان در ارتباطاتشان با هم دیگر باید دقت کنند و نباید با عدم ارتباط و دوری گزیدن از هم دیگر باعث ایجاد خلأ در بین آنها شوند و زمینه تفرقه را مهیا سازند.

د) لزوم وحدت عملی و رفتاری

لزوم وحدت و هم دلی فقط در نظر و اندیشه نیست، بلکه در مقام رفتار نیز باید این خصلت پسندیده و لازم را عملاً نشان داد.

حدیث بیست و هفتم

امام علی علیه السلام در این زمینه می فرماید:

«... ایَّاکُم والتّفَرُّق فَـاِذَا نزَلْتُم فَانزِلُوا جمِیعاً وإذَا ارْتَحَلْتُم فَارْتَحِلُوا جمِیعاً؛(۱) از تفرقه و جدایی بپرهیزید، سپس هرگاه در جایی فرود آمدید، همگی فرود آیید و هرگاه کوچ کردید، باهم کوچ کنید.»

نکته ها

۱. مسلمانان باید در همه رفتارهای خود وحدت اجتماعی را مدِّ نظر قرار دهند.

۲. رفتارهای وحدت آفرین که در ظاهر جزئی و کوچک هستند، می توانند موجب وحدت و دوری از تفرقه گردد.

۳. مسلمانان در حرکت و سکون و در صلح و جنگ شان باید هماهنگ و همگام باشند. آن گاه که می ایستند همه باهم بایستند و آن گاه که حرکت می کنند دسته جمعی حرکت نمایند. آن گاه که با کسی در صلح و سلم به سر می برند همه به آن پای بند باشند و زمانی که با دشمنی در جنگ و ستیز هستند، همه به پشتیبانی یک دیگر بکوشند.

۱- (۱) نهج البلاغه، وصیت ۱۱.

ه -) لزوم حفظ وحدت برای بقا

بـا توجه به این که اسـتکبار و اربابان قـدرت و ثروت، دنـدان طمع تیز کرده و هر لحظه ممکن است ضـعفا را پاره پاره کرده و طعمه خود سازند، برای بقا و حفظ حیات خود نیاز به حفظ وحدت و شوکت و هم بستگی داریم.

حدیث بیست و هشتم

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله با یک تمثیل زیبا می فرمایند:

«عَلَیکَ بالجَمَاعَهِ، فَإنَّمَا یأکُلُ الذِّئبُ القَاصِیهَ؛(۱) با جماعت همراه شو، زیرا گرگ، گوسفند دور مانده را می خورد.»

نکته ها

۱. این حـدیث شـریف چه قـدر زیبـا دنیـای امروز مـا را به تصویر می کشـد. در دنیـای گرگ و میش امروزی، اگر یک لحظه غفلت کنی و از جمع جدا شوی، همان لحظه طعمهٔ گرگ های قدرت و ثروت و... خواهی شد.

۲. در جماعت و وحدت، قدرت و شوکتی نهفته است که هیچ دندان تیزی جرأت حمله و نفوذ به آن را ندارد.

۳. در جماعت و هم بسـتگی، امنیتی بیشتر برای زیسـتن وجود دارد و در اختلاف و تفرقه امیـدی به زیسـتن و یا دست کم بهتر زیستن وجود ندارد.

و) حفظ آداب و اعتقاد جماعت

تلاش برای تحقق و حفـظ وحـدت، گـاهی موجب می گردد که انسـان از برخی آداب و اخلاـق و حـتی اعتقـاد خود به دلیل مصلحت و وحدت و هماهنگی با جمع، دست بردارد.

۱- (۱) مسند احمد، ج ۶، ص ۴۴۶.

حدیث بیست و نهم

زید شحام از امام صادق علیه السلام نقل کرده است، که آن حضرت فرمودند:

«خَالِقُوا النَّاسَ بَاخلاقِهِم، صلّوا فِی مسَاجِدِهِم وعودُّوا مرضَاهُم واشْهَدُوا جنَائِزَهُم وان اسْتَطَعْتُم أن تکُونُوا الائِمَّه والمُؤذّنِین فَافْعَلُوا فَانّکُم اذَا فَعَلتُم ذلکَ قالُوا هؤُلاءِ الْجَعْفَرِیه رحِمَ اللّهُ جعفراً ما کَانَ احسَنَ ما یؤدِّب اصحابَه واذَا ترکتُم ذلکَ قالُوا هؤلاءِ الجَعفریه فعَلَ اللّهُ بجَعْفَرِ ما کَان اسوء ما یؤَدّب اصحَابَه؛(۱) با مردم با رفتار خودشان رفتار کنید، در مساجدشان نماز بخوانید، از مریض های شان عیادت کنید، جنازه های شان را تشییع نمایید اگر امکان داشت که امام جماعت و یا مؤذن شدید، براساس اعتقاد آنها رفتار نمایید، زیرا اگر این گونه رفتار نمودید، خواهند گفت: آنها جعفری هستند، خداوند جعفر را رحمت کند، اصحابش را به چه آداب نیکو آراسته است و اگر برخلاف آن عمل نمودید، خواهند گفت که آنها جعفری هستند، خداوند با جعفر آن گونه رفتار کند، اصحابش را به چه آداب بدی آراسته است.»

نکته ها

۱. به علت مصلحت و تحقق وحدت و هماهنگی با جماعت، می توان تقیه نمود.

۲. دلیل این تقیه، نه ترس و نه امر دیگری است، بلکه صرفاً تخلّق به آداب و نیکو داشتن مقام جماعت و ضرورت وحدت در جامعه اسلامی است.

۳. تمام رفتار مأمومان به امام نسبت داده می شود. بنابراین شیعیان در رفتار و عمل کردهای شان باید متوجه باشند که زمینه سوءنیت و رفتار بد را برای دیگر فِرق مهیا نسازند.

۱- (۱) من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۳۸۳.

۴. مسلمانان دست کم برای حفظ مصلحت و تحقق وحدت، باید در امور روزمره هم دیگر کمک نمایند. در مساجد هم دیگر نماز بخوانند، از مریض های یک دیگر عیادت کنند و بر تشییع جنازه های شان نیز حضور به هم رسانند. این گونه رفتارها علاوه بر دستور مستقیم دینی، یک امر اخلاقی و پسندیده عرفی نیز است، که موجب هم گرایی و وحدت بیشتر می گردد.

ز) تلاش و دل سوزی برای تحقق وحدت

مسلمانان اگر می خواهند به وحدت و هم دلی واقعی دست یابند، باید همه باهم در راه رسیدن به وحدت و تحقق آن تلاش و دل سوزی نمایند.

حدیث سی ام

امیرمؤمنان علیه السلام خطاب به ابوموسی اشعری می فرمایند:

«وَلَیسَ رجُلٌ - فَاعْلَمْ - أَحْرَصَ علَی جمَاعَهِ أُمَّهِ محَمَّدٍ صلَّی اللّهُ عَلَیهِ وَ آلِهِ و سلَّم و أُلْفَتِهَا منِّی، أَبْتَغِی بذلِکَ حسْنَ الثَّوَابِ، وکَرَمَ الْمَآبِ؛(۱) پس بدان در امت اسلام، هیچ کس همانند من وجود ندارد که به وحدت امت محمد صلی الله علیه و آله و به انس گرفتن آنان به هم دیگر، از من دل سوزتر باشد. من در این کار پاداش نیک و سرانجام شایسته را از خدا می طلبم.»

نکته ها

۱. صرف خواستن و سخن گفتن از وحدت برای رسیدن به آن کافی نیست، باید برای به دست آوردن و تحقق وحدت، تلاش و دل سوزی به خرج داد.

۲. در تلاش دل سوزانه برای تحقق وحدت، نباید از کسی امید و توقع پاداش داشت، فقط این کار را برای خدا و به امید پاداش شایسته او انجام داد.

۳. تلاش برای وحدت یک امر معنوی و دارای پاداش الهی است.

ص:۳۶

۱- (۱) نهج البلاغه، نامه ۷۸.

ح) تفرقه افکنی، بدترین تلاش

مسلمان ها بایـد در راه رسـیدن به وحـدت و دوری از تفرقه تلاش نمایند. بدترین تلاش ها، کوششـی است که در راه تفرقه و جدایی انداختن بین دو یا چند نفر انجام می گیرد.

حدیث سی و یکم

امام علی علیه السلام دراین باره می فرمایند:

«بِئْسَ السَّعْی التَّفْرِقَهُ بینَ الْاَلَیفِین؛(۱) بدترین تلاش، جدایی انداختن میان دو دوست است.»

نکته ها

۱. تلاش در جهت وحدت امری شایسته و در جهت جدایی انداختن و تفرقه، امری مذموم و ناشایسته است.

۲. انسان ها باید بکوشد که مناسبات بین دو دوست را مستحکم نماید، نه این که با تفرقه افکنی و اختلاف انگیزی روابط آنها را در هم ریخته و به جدایی بکشاند.

۳. همه افراد جامعه و کلیهٔ مسلمانان در حکم دوست هستند

«المؤمنون اخوه» ؛ لذا تیره سازی روابط بین مسلمانان در یک جامعه بدترین تلاش محسوب می گردد.

۶- آثار وحدت

الف) تعاون و همکاری

از مهم ترین آثار وحدت این است که مسلمان ها با وحدت و هم دلی می توانند تکیه گاه و معاون هم دیگر باشند و هم چون بنیانی مرصوص و

۱- (۱) شرح غررالحکم، ج ۳، ص ۲۵۶.

استوار، هم دیگر را استحکام بخشند و با تکیه بر یک دیگر در برابر تهدیدهای بیگانگان و بحران های داخلی ایستادگی کنند.

حدیث سی و دوم

پیامبرخدا صلی الله علیه و آله می فرمایند:

«أَلمُؤمِنُ للمُؤمِنِ كَالبُنیان المَرصُوص یشُدُّ بعضُهُ بعضًا؛(۱) مؤمن نسبت به مؤمن مانند بنای استواری است که اجزای آن، یک دیگر را استحکام می بخشند.»

نکته ها

۱. وحدت و هم دلی، استحکام و استواری می بخشند، برخلاف تفرقه که ذلت و سستی به دنبال دارد. بنایی که براساس هم بستگی و هم دلی بنا شده است، استوار و مستحکم می باشد، ولی بنایی که با شک و بدگمانی و گسستگی پایه ریزی می شود، هر لحظه ممکن است فرو بریزد.

۲. مؤمنین هم چون اجزای یک مجموعهٔ منسجم، باید همکار و تکیه گاه هم باشند و در سختی ها و مشکلات هم دیگر را یاری رسانند.

۳. وحدت و هم بستگی هم چون دژی تسخیرناپذیر است، اما اگر اختلاف و تفرقه در آن رخنه کند، از استحکام و استواری اش کاسته می شود.

ب) وحدت مایه رحمت

از آثار مهم وحدت رحمت و از نتایج زیان بار اختلاف و تفرقه عذاب دردناک الهی است.

۱- (۱) صحیح بخاری، ج ۸، ص ۲۳؛ صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۹۹۹؛ نهج الفصاحه، حدیث ۳۱۰۳.

حدیث سی و سوم

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمایند:

«ألجَمَاعَهُ رحمَهٌ والفُرقَهُ عذَابٌ؛(1) جماعت (وحدت)، مایه رحمت و تفرقه موجب عذاب است.»

نکته ها

۱. در جماعت و وحدت، رحمت و گشایش است و درهای لطف و رحمت الهی به واسطه این هم بستگی و هم دلی گشوده می شود.

۲. این رحمت می تواند رحمت و نعمت های مادی باشد که در دنیا موجب توسعه و گسترش اقتصادی، شکوفایی علمی و فرهنگی گردد و نیز می تواند رحمت الهی در آخرت و بخشش و غفران پروردگار باشد.

۳. تفرقه موجب عذاب و بدبختی است. این بدبختی می تواند عذاب دردناك الهی در آخرت باشد و یا عذاب و رنج دنیوی باشد که در معیشت و امور دیگر دنیوی به سختی و مشقت گرفتار شود.

ج) امداد الهی در سایه وحدت

از آثار مهم وحدت و هم بستگی جامعه اسلامی این است، که امداد الهی شامل افراد و جوامع متحد می گردد و آنها را قدرتمند و صاحب نفوذ و نیرومند می کند.

حدیث سی و چهارم

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله می فرمایند:

«یَدُ اللهِ علَی الجَمَاعَهِ؛(2) دست خدا بر سر جماعت است.»

۱- (۱) نهج الفصاحه، حدیث ۱۳۲۳.

۲- (۲) همان، ح ۳۲۱۱.

نکته ها

۱. منظور از «ید» قدرت و مدد الهی است، که جامعه متحد می تواند از آن بهره مند شود.

۲. این توانایی و مدد الهی در ساحات مختلف زندگی می تواند تجلی یابد، از قبیل: قدرت نظامی، سیاسی، اقتصادی و غیره.

۳. جامعه ای که متحد و هماهنگ باشد، جامعه ای قدرتمند، پیشرفته و توسعه یافته از لحاظ نظامی، سیاسی، اقتصادی و... خواهد بود.

۴. جامعه ای که هم دلی و هم بستگی در آن جامعه حاکم نیست، جامعه ای ضعیف، ذلیل، متفرق و در هم کوبیده خواهد بود.

د) قدرت و تسلط

یکی از آثار مهم وحدت، قدرت و تسلط بر دیگران است.

حدیث سی و پنجم

امام علی علیه السلام در خطاب به اصحاب خود و نکوهش آنان جهت کندی و رکود در جهاد و مخالفت با امر رهبری، می فرمایند:

«وَإنّی واللّهِ لَاظنُّ ان هؤُلاءِ القَوْمَ سَیُدالُونَ مِنْکُمْ باجْتِماعِهِمْ علی باطِلِهِمْ وتفَرُّقِکُمْ عن حقِّکُمْ؛(۱) به خدا سوگند من یقین دارم که آنان (مزدوران معاویه)، به دلیل اتحادشان بر باطل و تفرقه شما بر حق، به زودی بر شما مسلط خواهند شد.»

نکته ها

۱. نتیجه اتحاد و هم بستگی، قدرت و تسلط بر طرف مقابل است.

۲. بدون توجه به حقانیت و صواب بودن موضع افراد و جامعه، اگر

۱- (۱) نهج البلاغه، خطبه ۲۵.

وحدت در بین افراد یک جامعه حاکم باشد، نتیجه آن قدرت و تسلط بر دیگران - کسانی که در بین خودشان اختلاف و تفرقه دارند - می باشد.

۳. تفرقه و اختلاف در بین یک گروه و یا یک جامعه، آنان را سست و ضعیف و در نتیجه نابود خواهد ساخت.

۷- نتایج تفرقه

الف) دین زدایی ثمرهٔ اختلاف

از آثار بسیار خطرناک و زیان بار اختلاف، دین زدایی و ستردن تقدس از دین است.

حدیث سی و ششم

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمایند:

«أَلَا ان فِی التَّبَاغُضِ الحَالِقَةَ لَا أَعنِی حالِقَةَ الشَّعرِ ولکِن حالِقَةَ الـدِّین؛(۱) آگاه باشید که در دشمنی ها، ستردن و تراشیدن نهفته است، اما نه تراشیدن مو، بلکه ستردن دین.»

نکته ها

۱. اختلاف و تشتت، حالت تقدس و حرمت دین را از بین می برد و موجبات تقدس زدایی و دین گریزی را فراهم می سازد.

۲. دین زدایی از طرف مؤمنان نیز انجام می پذیرد، بدون این که خود به نتیجه عمل کردشان آگاه باشند و آن تفرقه و دشمنی با یک دیگر است.

۳. نخستین جرقه های دین زدایی از طرف مؤمنان به واسطه تفرقه و اختلاف با یک دیگر کلید می خورد و سپس ممکن است با شعله ور سازی از طرف بیگانگان این فرایند سرعت بگیرد.

۱- (۱) کافی، ج ۲، ص ۳۴۶.

۴. اگر بـا وحـدت و هم دلی دژ تسـخیرناپذیر ایمان حفظ شود، هیـچ کسـی توانایی نفوذ و انجام عملیات خراب کاری از قبیل دین زدایی را نخواهد داشت.

ب) چیرگی باطل بر حق

یکی از آثار و پیامدهای اختلاف و عدم وحدت، پیروزی گروه باطل بر طائفه حق است.

حدیث سی و هفتم

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمایند:

«مَا اختُلِفَ أمَّهٌ بعدَ نبِیّهَا الاّ ظهَرَ أهلُ باطِلِهَا علی اهلِ حقِّهَا؛(۱) هیچ امتی پس از پیامبرشان، اختلاف نکردند مگر آن که گروه باطل بر حق گرایان چیره شدند.»

نکته ها

۱. باطل همیشه از گرد و غبار تشتت و اختلاف سوءاستفاده می کند و از آب گل آلود ماهی می گیرد.

۲. با وحدت و هم دلی و هم بستگی می توان جلو باطل را سد کرد؛

۳. در صورت بروز اختلاف، آن که برنده می شود و پیروز میدان می گردد، باطل است، نه حق.

۴. همـواره حـق بـا اکـثریت نیست، ممکن است که گروه باطـل بر اثر اختلاـف و تفرقه سوءاسـتفاده کرده، بنیـهٔ خود را قوی و تشدید نموده و بر جمعیت خود افزوده باشد.

ج) مرگ جاهلی

از آثـار زیـان بـار اختلاف و جـدا شـدن از جماعت (وحـدت) مسـلمانان و رسـیدن مرگ در همین حالت، عـدم اعتقاد به دین مقدس اسلام و مرگ جاهلی است.

ص:۴۲

۱- (۱) کنزالعمال، حدیث ۹۲۹.

حدیث سی و هشتم

پیامبراعظم صلی الله علیه و آله می فرمایند:

«مَن فَارَقَ الجَمَاعَهَ (شبرًا) مَاتَ میتَهً جاهلیّهً؛(۱) هرکس از گروه (مسلمانان) جدا شود، بر مرگ جاهلیت بمیرد.»

نکته ها

۱. از نظر اسلام، اختلاف به حدی ناپسند و مردود است، که عامل به آن جاهل و غیر آشنا به اسلام قلمداد می شود.

۲. اساس اسلام وحدت و جماعت است، زیرا مرگ کسی که در حالت تفرق و جدایی از گروه مسلمانان اتفاق بیفتد، مانند مرگ دوران جاهلیت است، یعنی: «گویی اسلام به گوش او نرسیده است».

د) اختلاف، موجب هلاکت

همان طور که وحدت، موجب تقویت و قدرت می گردد، اختلاف نیز باعث هلاکت، ضعف و نابودی می گردد.

حدیث سی و نهم

پیامبراعظم صلی الله علیه و آله می فرمایند:

«لاتَختَلِفُوا فَاِنَّ من کَانَ قبلَکُم اختَلَفُوا فَهَلکُوا؛(۲) اختلاف نکنید (در میانتان تفرقه نباشد)، آنان که قبل از شما بودند اختلاف کردند و هلاک شدند.»

نکته ها

۱. اتحاد و هم بستگی موجب تقویت و نیرومندی می گردد، دامن زدن به اختلافات موجب تفرقه و - چنان که روشن است - تفرقه باعث از بین

۱- (۱) صحیح بخاری، ج ۹، ص ۵۹ - نهج الفصاحه، ح ۲۸۵۵.

۲- (۲) کنزالعمال، ح ۸۹۴؛ امالی، ص ۲۹۷.

رفتن قدرت و سلطه فردی و اجتماعی و در نتیجه هلاکت می شود.

۲. تقویت و شکوفایی یک جامعه و یا ذلت، خواری و هلاکت آنان، به دست خودشان می باشد.

۳. جوامع اسلامی باید از گذشتگان عبرت بگیرند. این سنت الهی است که اختلاف، نتیجه اش هلاکت و بدبختی است و اگر کسی دچار آن گردد، ناگزیر باید انتظار نتیجه را نیز بکشد.

۴. هلاکتی که در این جا پیش بینی شده ممکن است، دنیوی باشد و ذلت و خواری اجتماعی را در پی داشته باشد، ممکن است هلاکت اخروی باشد و رنج و عذاب آخرتی را نیز به دنبال آورد.

ه) تفرقه موجب عذاب

یکی از نتایج زیان بار اختلاف و تفرقه، عذاب دردناک الهی است.

حدیث چهلم

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمایند:

«أَلجَمَاعَةُ رحمَةٌ والفُرقَةُ عذَابٌ؛(۱) جماعت (وحدت)، مایه رحمت و تفرقه، موجب عذاب است.»

نکته ها

۱. تفرقه موجب عذاب و بدبختی است.

۲. این عذاب می تواند عذاب دردناک الهی در آخرت باشد و می تواند عذاب و رنج دنیوی باشد که در معیشت و امور دیگر دنیوی به سختی و مشقت گرفتار سازد.

۱- (۱) نهج الفصاحه، حدیث ۱۳۲۳.

۲- اهمیت اتحاد، انسجام و سازگاری میان مسلمانان

اشاره

اسحاق ذاکری

مقدمه

وحدت و انسجام امت اسلامی ضرورتی است انکارناپذیر که دارای ریشه قرآنی و مورد تأکید سنت اسلامی می باشد. توجه به اوضاع و احوال کنونی جهان اسلام، این ضرورت را به یقین دو چندان نموده و وظیفه نخبگان علمی و سیاسی جوامع اسلامی است که در راه تحقق اخوت و سازگاری میان امت اسلامی گام های عملی و اساسی بردارند. بر همین اساس رهبر معظم انقلاب اسلامی به عنوان ناخدای کشتی پرتلاطم امت اسلام در عصر حاضر، در پیامی عمومی، همه جوامع اسلامی را به اتحاد و انسجام اسلامی دعوت کردند و این دعوت خیرخواهانه ایشان به صورت عموم و خصوصاً در میان نخبگان علمی کشورهای اسلامی این زمینه را به وجود آورد که یک بار دیگر سنت اسلامی براساس ریشه های قرآنی و دستورهای نبی مکرم اسلامی و ائمه معصومین علیهم السلام و با رویکرد اتحاد و برادری میان مسلمانان، بازخوانی

ص:۴۵

شود. ازاین رو بعد از تبیین اهمیت اتحاد و انسجام اسلامی در آیات قرآن کریم و سیره عملی پیامبرگرامی اسلام، به سیره گفتاری پیامبربزرگ اسلام صلی الله علیه و آله و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام توجه شده و در این موضوع، احادیثی که بیانگر اهمیت و ضرورت اخوت و اصلاح میان مسلمانان است بازگو خواهد شد.

قرآن کریم، در آیات متعدد امت اسلامی را به انسجام و سازگاری فرا خوانده است و از نفاق و اختلاف میان مسلمانان برحذر داشته است مانند:(وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّهِ جَمِیعاً وَ لا تَفَرَّقُوا وَ اذْکُرُوا نِعْمَتَ اللّهِ عَلَیْکُمْ إِذْ کُنْتُمْ أَعْداءً فَأَلَّفَ بَیْنَ قُلُوبِکُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْواناً وَ کُنْتُمْ عَلی شَفا حُفْرَهٍ مِنَ النّارِ فَأَنْقَذَکُمْ مِنْها)۱ در آیه ای دیگر نیز فرموده اند:(إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَهٌ فَأَصْلِحُوا بَیْنَ أَخَوَیْکُمْ وَ اتَّقُوا اللّهَ لَعَلَّکُمْ تُرْحَمُونَ) .(۱)

هم چنین خداوند متعال در آیات دیگر، مسلمانان را از تفرقه و اختلاف و نفاق میان شان برحذر داشته و برای جمعیتی که دنبال نفاق و اختلاف باشند، عذاب عظیم وعده داده است:(وَ لا تَکُونُوا کَالَّذِینَ تَفَرَّقُوا وَ اخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ ما جاءَهُمُ الْبَیِّناتُ وَ أُولئِکَ لَهُمْ عَذابٌ عَظِیمٌ) .(۲)

سیره عملی وگفتاری پیامبر بزرگ اسلام صلی الله علیه و آله نیز گویای اهمیت انسجام و اتحاد مسلمانان در نزد آن حضرت است، به گونه ای که حضرت در همان ابتدای تشکیل حکومت اسلامی در مدینه، به ساختن مسجد به عنوان محل اجتماع مسلمانان اقدام می کنند و در یکی دیگر از اقدام های مهم شان در راه تحقق اتحاد و انسجام میان مسلمانان، برنامه

۱- (۲) حجرات، آیهٔ ۱۰.

۲- (۳) آل عمران، آیهٔ ۱۰۵.

عقد اخوت میان انصار و مهاجر را به اجرا گذاشته اند

«اخی النبی بین اصحابه من المهاجرین والانصار اخوین اخوین.»(۱)

۱- چهل حدیث در موضوع اتحاد و انسجام امت اسلامی

اشاره

بـا یک نگاه کلی و بررسـی مختصـر منابع روایی معتبر در نزد مـذاهب اسـلامی، می توان ادعا کرد احادیثی که مسـلمانان را به الفت و اخوت و هم بسـتگی و هم یاری دعوت می کند و یا بیان کننده حقوق برادران دینی بر یک دیگر در زندگی اجتماعی است و یا به صورت کلی مسـلمانان را به اتحاد و انسجام در مسائل سیاسی و دیگر عرصه ها دعوت می کند، در حد تواتر بوده و جای هیچ گونه شک و شـبهه ای باقی نمی گذارد. از آن جا که در این گفتار مجال بررسـی تفصـیلی این موضوع نیست، به اختصار به چهل حدیث از پیامبراسـلام صـلی الله علیه و آله، و اهل بیت گرامی آن حضـرت که در زیر مجموعه های زیر دسته بندی می شود، اشاره خواهد شد.

الف) اهمیت اتحاد و انسجام امت اسلامی و عدم تفرقه میان مسلمانان

حدیث اول

یکی از احـادیثی که از پیـامبر گرامی اسـلام صـلی الله علیه و آله و از طریق منـابع روایی معتبره فریقین روایت شـده است و بر اهمیت و ضرورت انسجام و یک پارچگی امت اسلامی دلالت می کند، این حدیث شریف است:

«إن المسلمین امه واحده من دون الناس»(۲). پیامبر گرامی اسـلام صلی الله علیه و آله در این حدیث شریف از مسلمانان، بدون در نظر گرفتن پیروان دیگر ادیان الهی

۱- (۱) بحارالانوار, ج ۳۸, ص ۳۳۶.

۲- (۲) سیره ابن هشام، ج ۲، ص ۱۴۳.

به عنوان یک «امت» یاد کرده است. این مطلب بیان کننـده این نکته است که مسـلمانان براساس اعتقاد توحیدی و دیگر اصول مشترکی که دارند باید اتحاد و انسـجام کافی را که لازمه «امت واحده» است، داشـته باشـند، چنان که در آیاتی از قرآن کریم نیز از مسـلمانان به عنوان «امت» یـاد شـده است (وَ کَذلِکَ جَعَلْنـاکُمْ أُمَّهً وَسَطاً لِتَکُونُوا شُهَداءَ عَلَی النّاسِ)۱ و در آیـه دیگر خداونـد متعال بر «توحید کلمه» و «کلمه توحید» تأکید کرده است:(إِنَّ هذِهِ أُمَّتُکُمْ أُمَّهً واحِدَهً وَ أَنَا رَبُّکُمْ فَاعْبُدُونِ)۲ یعنی تمام مسـلمانان براساس اعتقاد توحیدی که دارند که باید خدای واحد را پرسـتش کنند و خودشان نیز باید متحد و منسـجم باشند تا امت واحده ای را تشکیل بدهند.

حدیث دوم

حدیث دیگری که نه تنها مسـلمانان را به اتحاد و انسـجام و عدم اختلاف و افتراق دعوت می کند، بلکه راه و شـیوه رسیدن به سعادت ابدی آنها را نیز تبیین می کند، حدیث «ثقلین» است در این حدیث شـریف، پیامبرگرامی اسـلام صلی الله علیه و آله نه تنها اتحاد و انسـجام امت اسـلامی را به اطاعت و پیروی از دسـتورهای «قرآن کریم» و «اهل بیت عصـمت و طهارت» پیوند زده است بلکه سعادت و رستگاری ابدی مسلمانان را نیز در گرو متابعت از «قرآن کریم» و «اهل بیت» دانسته اند:

«انی ترکت فیکم ما ان تمسـکتم به لن تضـلوا بعدی، کتاب الله حبل ممدود من السماء إلی الارض وعترتی اهل بیتی ولن یفترقا حتی یردا علی الحوض فانظرو کیف تخلفونی فیهما؛(۱) من در میان شما چیزی به ودیعه گذاشتم

۱- (۳) به نقـل از المراجعات، ص ۶۶: این روایت را ترمـذی از زیـد بن ارقم نقل کرده انـد و این همان حدیث ۸۷۴ از کتاب کنزالعمال، ص ۴۴، جزء اول است.

که اگر بدان اخذ کنید پس از من هرگز گمراه نخواهید شد قرآن، کتاب خدا را که هم چون ریسمان از آسمان تا زمین امتداد یافته است، و عترتم (اهل بیتم) این دو هرگز از هم جدا نمی شوند تا کنار حوض کوثر به من ملحق شوند، پس بنگرید چگونه به جای من با آنها رفتار می کنید.»

این حدیث شریف به عبارات مختلف و از طریق منابع مختلف روایی نقل شده است در عبارت دیگری به نقل از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله چنین آمده است: «من به زودی از جانب خداوند دعوت می شوم و اجابت خواهم کرد و من در بین شما دو ثقل (دو شیء گران بها) می گذارم؛ کتاب خدا و عترتم، کتاب خدا ریسمانی است ممتد که از آسمان تا زمین امتداد یافته و عترتم اهل بیت من هستند و خداوند لطیف و خبیر به من خبر داده که آنها از هم جدا نخواهند شد تا هنگامی که در کنار حوض کوثر به من رسند و بنگرید چگونه پس از من با آنها رفتار می کنید.»(۱)

از امتیازات حدیث ثقلین نقل متواتر این حدیث در منابع معتبره فریقین است. چنان که علامه شرف الدین در این موضوع فرموده اند: «سنت صحیح که حکم به وجوب تمسک به ثقلین می کند متواتر است و به طور متضافر از بیست و چند نفر از اصحاب پیامبراسلام صلی الله علیه و آله رسیده است.»(۲) و یا در مورد دیگر فرموده اند: «به این مطلب گروهی از دانشمندان بزرگ اهل تسنن اعتراف کرده اند. حتی ابن حجر پس از نقل حدیث ثقلین می گوید: «آگاه باش که حدیث لزوم تمسک به قرآن و

۱- (۱) مسند؛ احمد حنبل، جز پنجم، ص ۱۸۲ و ۱۸۹. کنز العمال، جزء اول، ص ۴۴، حدیث ۸۷۳.

۲- (۲) المراجعات، ص ۷۰، نامه هشتم.

عترت طرق فراوانی دارد و از بیست و چند نفر از اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله نقل شده است.»(۱) سپس ابن حجر اضافه کرده است که: «طرق مبسوطی از این حدیث در شبهه یازدهم گذشت، در بعضی از آن طرق آمده است، که پیامبر صلی الله علیه و آله آن را در «حجه الوداع» در «عرفه» فرموده اند، در بعضی دیگر آمده که در مدینه هنگام بیماری در آن موقع که اتاقش مملو از اصحاب بود و در طریق دیگر رسیده است که در غدیرخم و در مورد دیگر است که پس از بازگشت از طائف همان طور که گذشت، فرموده است.»(۲)

ابن حجر کلامش را چنین ادامه داده است: «اینها منافاتی باهم ندارد، زیرا مانعی ندارد که آن حضرت در تمام این موارد و موارد دیگر نیز این حقیقت را تکرار کرده باشد و این به دلیل اهمیتی است که در قرآن و عترت پاك او وجود دارد.»(۳)

بنابراین حدیث «ثقلین» از نظر سندی، متواتر و در منابع معتبره فریقین نقل شده است. از نظر دلالتی هم حدیث شریف، با صراحت و به روشنی، تمام مسلمانان را به پیروی مطلق از کتاب خدا «قرآن کریم» و «اهل بیت» دعوت کرده است و اتحاد و انسجام امت اسلامی را در پیروی از آنها دانسته اند. نکته مهم دیگر که در بعضی از احادیث بر آن تأکید شده است، عدم تفکیک میان «قرآن کریم» و «اهل بیت» است؛ بدین معنا که تمسک و پیروی از «ثقلین» مانع از گمراهی و ضلالت است و فرد مسلمان به هر دو اینها باید متمسک شود، چنان که در فرازی از حدیث ثقلین طبق نقل طبرانی بر آن تأکید شده است:

«فلا تقدموهما ولاتقصرو

ص:۵۰

۱- (۱) المراجعات، ص ۷۰، نامه هشتم.

۲- (۲) الصواعق المحرقه، ص ۱۴۸.

۳- (۳) همان.

عنهما فتهلكو ولا‌تعلموهم فانهم اعلم منکم؛ از آنها پیش نیافتید که هلاک می شوید و در مورد آنان کوتاه نیایید (از آنها عقب نمانید) که هلاک می شوید، به آنها چیزی نیاموزید که از شما داناترند.»(۱)

حدیث سوم

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

«فانتم (اهل البیت) اهل الله عزوجل الذین بهم تمت النعمه واجتمعت الفرقه وأتلفت الکلمه.»(۲)

پیامبراسلام صلی الله علیه و آله در این حدیث شریف نیز جایگاه «اهل بیت» خویش را به خوبی تبیین کرده و در عظمت آنان فرموده اند: «شما اهل بیت، اهل الله هستید که به برکت شما، نعمت کامل گشته و پراکندگی برطرف شده و اتحاد کلمه پدید آمده است.»

به یقین، اهل بیت پیامبرگرامی اسلام صلی الله علیه و آله، از جایگاهی عظیم در میان اسلام دارند و مسلمانان از تمام فرق و مذاهب اسلامی، احترام و محبت خاصی برای اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله قائل اند. ازاین رو، تمسک به «اهل بیت» و پیروی از آنها، نقش مهمی در اتحاد و انسجام اسلامی دارد و علما و دانشمندان مسلمان که انگیزه تقریبی و اصلاحی داشته اند همواره بر محبت و پیروی از دستورات اهل بیت پیامبراسلام به عنوان یکی از راه های تقریب مذاهب اسلامی تأکید کرده اند.

حدیث چهارم

امام علی علیه السلام می فرماید:

«ایاکم والفرقه فان الشاذ من الناس لشیطان کما ان الشاذ من الغنم للذئب؛(۳) از تفرقه و اختلاف بپرهیزید، چرا که

۱- (۱) الصواعق المحرقه، ص ۱۴۸.

۲- (۲) کافی، ج ۱، ص ۶.

۳- (۳) غررالحکم ودررالکلم، للآمدی، شماره ۱۰۷۱۶؛ نهج البلاغه، خطبه ۱۶۹.

هرکس از اجتماع دور بیافتد طعمه شیطان می شود و مثل گوسفند دور افتاده، طعمه گرگ است.»

امام علی علیه السلام در این حدیث شریف، با تمثیلی که آورده اند به روشنی جایگاه اتحاد و عدم تفرقه میان مسلمانان را تبیین کرده و بیان داشته اند که شیطان از نفاق و اختلاف میان مسلمانان بیشترین استفاده را می برد.

عمل کرد و گفتار امام علی علیه السلام در تاریخ سرنوشت ساز صدر اسلام، در موضوع اتحاد و انسجام میان امت اسلامی به گونه ای بوده است که از آن حضرت به عنوان اولین منادی وحدت امت اسلامی نام برده شده است و سیره عملی و گفتاری آن حضرت نیز مبتنی بر صیانت از اتحاد امت اسلامی بوده است: چنان که حضرت در نامه ای خطاب به ابوموسی اشعری می گوید:

«ولیس رجل - فاعلم - احرص علی جماعه امه محمد والفتها منی، إبتغی بذالک حس الثواب وکرم الماب؛(۱) بدان هیچ کس به اندازه علی حریص به وحدت و اتحاد امت اسلامی نیست و هم چنین انسش نسبت به آن از من بیشتر نیست و من در این کار پاداش نیک و سرانجام شایسته از خدا می طلبم.»

در مورد دیگری، ابوسفیان بعد از جریان سقیفه خطاب به حضرت علی علیه السلام می گوید: «آیا شایسته است پایین ترین تیره های قریش در کسب قدرت از تو پیش بیافتند؟ به خدا قسم اگر بخواهی در حمایت از شما، مدینه را پر از سواران جنگی می کنم، دست خود را دراز کنید تا با شما بیعت نمایم.»

۱- (۱) نهج البلاغه، نامهٔ ۷۸.

پاسخ امام علی از این پیشنهاد ابوسفیان، به خوبی روشنگر اهمیت وحدت امت اسلامی در نزد امام است. حضرت در پاسخ به ابوسفیان می گوید: «ای ابوسفیان نه؛ تو همیشه به دنبال ضربه زدن به دین اسلام هستی و من هیچ نیازی به کمک تو که پیوسته با اسلام و مسلمانان خصومت داری ندارم.»(۱)

بنابراین از بررسی گفتار و عمل کرد حضرت امام علی علیه السلام در طول حیات شان بعد از پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله این نکته به خوبی روشن می شود که معیار اصلی گفتار و حرکت های آن حضرت در مواجهه با حوادث جامعه اسلامی آن روز، حفظ وحدت امت اسلام و در سایه آن حفظ دین اسلام بوده است و این مسئله، بیانگر اهمیت وحدت و اتحاد در جامعه اسلامی است.

حدیث پنجم

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

«ما اختلف امه بعد نبیها إلا ظهر أهل باطلها علی أهل حقها؛(۲) هیچ امتی پس از پیامبرشان اختلاف نکردند، مگر آن که گروه باطل بر حق گرایان چیره و مسلط شدند.»

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، در این حدیث شریف - با یادآوری سرنوشت امت های گذشته که با هم اختلاف کردند و در نتیجه از مسیر حق منحرف شدند و اهل باطل سرنوشت آنها را به دست گرفت - این نکته را برای امت اسلامی تذکر داده اند که در صورت پدیدار شدن اختلاف میان آنها، حق و باطل مخدوش شده و اهل باطل حاکمیت پیدا خواهند نمود؛ چیزی که امروزه در اکثر کشورهای اسلامی به تجربه عملی ثابت شده است.

۱- (۱) النزاع والتخاصم فیمابین بنی امیه وبنی هاشم, ص ۷۳.
۲- (۲) کنزالعمال، ح ۹۲۹.

حدیث ششم

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

«لا تختلفوا فان من کان قبلکم، اختلفوا فهلکوا؛(۱) اختلاف نکنید، آنان که قبل از شما بودند، اختلاف کردند و هلاک شدند.»

در این حدیث شریف، پیامبرگرامی اسلام صلی الله علیه و آله، با بیان تاریخ امت های گذشته، سرنوشت کسانی را که با هم اختلاف داشته باشند، همانا هلاکت و فلاکت می دانند و مسلمانان را از آن پرهیز می دهند.

حدیث هفتم

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

«خیر المؤمنین من کان مألفه للمؤمنین ولا خیر فیمن لا یألف ولا یؤلف؛(۲)

بهترین اهل ایمان کسی است که محور الفت و وحدت مؤمنان باشد. کسی که انس نگیرد و با دیگران مأنوس نشود، خیری در او نیست.» پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در این حدیث شریف، بر نکته ای تأثیرگذار در زندگی اجتماعی مسلمانان اشاره کرده است و آن عبارت است از انس و الفتی که باید در میان مسلمانان و در زندگی اجتماعی آنها حاکم باشند.

حدیث هشتم

پیامبراکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

«ان المسلمین ید واحده علی من سواهم، وانه لایخرج من جماعه المسلمین الا مفارق معاند لهم، مظاهر علیهم...؛(۳) مسلمانان در مقابل دیگران باید متحد و یک دست باشند و هرآینه کسی از جماعت مسلمین فاصله نمی گیرد مگر این که جدا شده از آنها و

۱- (۱) کنزالعمال، ح ۸۹۴.

۲- (۲) بهار، ج ۷۱، ص ۱۳.

۳- (۳) الصواعق المحرقه، ص ۷۷.

دشمن آنان باشند.» در این حدیث شریف، کسانی که از امت اسلامی فاصله گیرند و باعث تفرقه میان آنان شوند، جدا شده از مسلمانان و در زمره دشمنان آنها محسوب می شوند.

حدیث نهم

امام باقر علیه السلام می فرماید:

«المؤمنون فی تبارهم وتراحمهم وتعاطفهم کمثل الجسد اذا استکی تداعی له سائره باالسهروالحمی؛ مؤمنان در نیکی و شفقت و مهربانی نسبت به یک دیگر مانند یک پیکرند، که اگر به عضوی از آن آسیبی برسد، تمام اعضا در تب و بی خوابی گرفتار آیند.»

احادیثی که بدین مضمون از پیامبر اسلام و دیگر پیشوایان دینی وارد شده است - که مسلمانان را مانند پیکر واحد می دانند و باید در سختی ها و درد و رنج دیگر اعضا، شریک هم باشند - در متون دینی به حد تواتر است و این خود نشان از اهمیت انسجام و هم دردی میان مسلمانان است.

حدیث دهم

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«ایها الناس، علیکم بالجماعه وایاکم والفرقه؛(۱) ای مردم! بر شما باد که همراه هم و اجتماع باشید و از تفرقه میان خودتان اجتناب کنید.»

حدیث یازدهم

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

«من فارق المسلمین قید شبر فقد خلع ربقه الاسلام من عنقه؛(۲) هر کسی به اندازه یک وجب، از مسلمین دوری اختیار کند، قید اسلام از گردن او برداشته شده است.»

۱- (۱) کنزالعمال، ج ۱، ص ۲۰۶. و میزان الحکمه، ج ۱، ص ۴۰۶.

۲- (۲) همان، ج ۱، ص ۲۰۷.

ب) بیان حقوق مسلمانان نسبت به یک دیگر

حدیث دوازدهم

در حدیث دیگر پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله چنین فرموده اند:

«المسلم اخو المسلم لایظلمه ولایسلمه، ومن کان فی حاجه اخیه کان الله فی حاجته ومن فرج عن مسلم کربه فرج الله عنه کربه من کربات یوم القیامه ومن ستر مؤمنا ستره الله یوم القیامه؛(۱) مسلمان برادر دینی مسلمان دیگر است، به او ظلم نمی کند و او را تسلیم نمی کند. هرکس دنبال برآوردن حاجت برادر دینی خود باشد، خداوند حاجت او را برآورده کند و هرکسی گرفتاری مسلمانی را حل کند و نسبت به خطای برادر مسلمان خود چشم پوشی داشته باشد، خداوند، گرفتاری ای از گرفتاری های روز قیامت او را حل کرده و نسبت به خطاهای او، چشم پوشی خواهد داشت.»

در این دسته از احادیث، حقوق برادران دینی و همکاری آنها برای حل مشکل هم دیگر به خوبی تبیین شده است و ثوابی بس عظیم برای آن که همانا برآورده شدن حاجت او در نزد خداوند است - منظور شده است.

حدیث سیزدهم

ابن عمر از پیامبراسلام صلی الله علیه و آله روایت کرده است:

«من اکرم اخاه فانما یکرم ربه؛(۲) هرکس برادر دینی خود را اکرام و تعظیم کند، هرآئینه پروردگارش را تکریم کرده است.»

حدیث چهاردهم

امام علی علیه السلام می فرماید:

«اجعل نفسک میزانا بینک وبین غیرک، واحب له ما تحب لنفسک، واکره له ما تکره لها، واحسن کما تحب ان یحسن الیک

۱- (۱) التاج الجامع، ج ۵، ص ۲۰. اصول کافی، ج ۲، ص ۲۰۰.

۲- (۲) کنزالعمال، ج ۲، ص ۱۵۴.

ولا تظلم کما تحب ان لاتظلم؛(۱) همواره نفس خود را معیار و میزان میان خود و غیر خود قرار بـده و آن چه را برای او بخواه که برای خود می خواهی و آن چه را برای خود نمی پسـندی، برای او نیز نپسـند و نیکویی پیشه کن نسـبت به او هم چنـان که دوست داری که به تو نیکویی شود و ظلم روا مدار چنان که دوست داری به تو ظلم نشود.»

حدیث پانزدهم

بخاری در صحیح خود چنین روایت کرده است: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

«اذاالتقی المسـلمان بسـیفهما فالقاتل والمقتول فی النار، فقلت یا رسول الله هـذا القاتل فمابال المقتول، قال: إنه کان حریصا علی قتل صاحبه؛(۲) وقتی دو مسـلمان باهم به جنگ و کشـتار روی می آورنـد، قاتل و مقتول هر دو جایگاه شان در جهنم خواهند بود، وقتی از حضـرت سؤال می شود، مقتول چرا بایـد در جهنم باشد، حضـرت در جواب فرمودند: به علت آن که او نیز قصـد قتل طرفش را داشته است.»

حدیث شانزدهم

بخاری در صـحیح خود روایت کرده است: «قال عبدالله بن عمر: ان رجلا سأل رسول الله صـلی الله علیه و آله: أیّ الإسلام خیر؟ قال: تطعم الطعام وتقرأ السلام علی من عرفت ومن لم تعرف؛(۳) پیامبرگرامی اسلام صلی الله علیه و آله در پاسخ به سؤالی که بهترین اسـلام و مسلمانی را سؤال می کند، فرموده اند: بهترین مسلمان کسی است که اطعام کند و سلام نماید چه به کسی که می شناسد و چه به کسی که نمی شناسد.»

۱- (۱) غرر الحکم، ج ۱، ص ۱۲۳.

۲- (۲) صحیح بخاری, ج ۱ و ۲, ص ۷۹.

۳- (۳) همان, ج ۱ و ۲, ص ۶۹.

حدیث هفدهم

بخاری در صحیح خود روایت کرده است:

«قالوا یا رسول الله أی الإسلام افضل؟ قال: من سلم المسلمون من لسانه ویده؛(۱) رسول خدا صلی الله علیه و آله در جواب اصحاب خود فرمود: بهترین اسلام و مسلمانی این است که دیگر مسلمانان از زبان و دست او در امان باشند.»

در این حدیث شریف، پیامبرگرامی اسلام صلی الله علیه و آله به نکته بسیار مهمی اشاره دارند و آن عبارت است از این که مسلمانان باید هیچ گونه آزار ناروا به دیگران نرسانند و مسلمان واقعی کسی است که مردم از آزار و اذیت زبانی و عملی او در امان باشند.

حدیث هجدهم

بخاری در کتاب صحیح خود از انس روایت کرده است: پیامبراکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

«لایؤمن احدکم حتی یحب لاخیه ما یحب لنفسه؛(۲) هیچ یک از شما ایمان نیاورده است مگر این که آن چه را برای خود می خواهد، برای برادر دینی خود نیز بخواهد.»

حدیث نوزدهم

امام علی علیه السلام می فرماید:

«المسلم من سلم المسلمون من لسانه ویده إلا با الحق ولا یحل أذی المسلم إلاّ بما یجب؛(۳) مسلمان کسی است که مردم از زبان و دست او در امان باشند مگر به اندازه حق او، و برای هیچ مسلمانی اذیت و آزار مسلمان دیگر روا نیست مگر به مقداری که برای او واجب شده و اجازه داده شده است.»

۱- (۱) صحیح بخاری، ج ۱-۲، ص ۶۸، کتاب الایمان.

۲- (۲) همان، ص ۶۹.

۳- (۳) شرح نهج البلاغه، ج ۹، ص ۲۸۸.

حدیث بیستم

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«المسلم اخوالمسلم، هوعینه ومرآته ودلیله، لایخونه ولا یخدعه، ولا یظلمه ولایکذبه ولا یغتابه؛(۱) مسلمان برادر مسلمان است، چشم و آئینه و راهنمای اوست، به او خیانت و نیرنگ نمی کند، به او ظلم نمی کند و به او دروغ نمی گوید و غیبت او را نمی کند.»

ج) اهمیت محبت میان مسلمانان و دوری از کذب و سوءظن

حدیث بیست و یکم

در حدیث نبوی دیگر چنین آمده است:

«لاتدخلون الجنه حتی تؤمنوا ولا تؤمنون حتی تحابوا، اولا ادلکم علی شیء اذا فعلتموه تحاببتم افشو السلام بینکم.»(۲)

در این حدیث شریف پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله مسلمانان را مورد خطاب قرار داده فرموده اند: «به بهشت راه پیدا نمی کنید مگر این که ایمان پیدا کنید و در جرگه مؤمنان داخل نمی شوید مگر این که هم دیگر را دوست داشته باشید، آیا نمی خواهید شما را به چیزی رهنمون کنم که اگر آن را انجام دهید، هم دیگر را دوست خواهید داشت و آن چیز اشاعهٔ سلام میان شماست.»

حدیث بیست و دوم

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

«ایاکم والظن فان الظن اکذب الحدیث، ولاتحسسوا ولا تجسسوا ولا تنافسوا ولاتحاسدوا ولا تدابروا ولا تباغضوا وکونوا عبادالله اخوانا ولا یحل لمسلم ان یهجر اخاه فوق ثلاثه ایام؛(۳) از

۱- (۱) الکافی، ج ۲، ص ۱۶۶.
۲- (۲) تاج الجامع، ج ۵، ص ۳۰.
۳- (۳) همان، ص ۲۹.

گمان بد پرهیز کنید، زیرا گمان بد، کاذب ترین سخن است: تجسس و تفحص نسبت به کارهای هم دیگر نداشته باشید، هم چنین حسد و بغض نسبت به یک دیگر نداشته باشید و به یک دیگر پشت نکنید و برادران دینی هم باشید و برای هیچ مسلمانی روا نیست که از برادر دینی خود بیش از سه روز، دوری گزیند.»

حدیث بیست و سوم

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

«ان من أحبکم إلی واقر بکم منی مجلسا یوم القیامه احاسنکم اخلاقا وان ابغضکم إلی وابعد کم منی مجلسا یوم القیامه الثرثارون والمتشدقون؛(۱) با محبت ترین شما نسبت به من و نزدیک ترین شما از حیث جایگاه در روز قیامت نسبت به من، خوش اخلاق ترین شماست و کسی که زیاد سخن گوید و نسبت به مردم زبان درازی کند، مبغوض من و دورترین افراد نسبت به من در روز قیامت خواهد بود.»

حدیث بیست و چهارم

زبیر بن عوام از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده است: رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

«لاتدخلوا الجنه حتی تؤمنوا ولا تؤمنوا حتی تحابوا؛(۲) به بهشت راه پیدا نمی کنید، مگر این که ایمان بیاورید و در زمرهٔ مؤمنین داخل نمی شوید مگر این که محبت و دوستی در راه خدا داشته باشید.»

حدیث بیست و پنجم

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

«ود المؤمن للمؤمن فی الله من اعظم شعب الایمان، الا ومن احب فی الله وابغض فی الله واعطی فی الله ومنع فی الله فهو

۱- (۱) تاج الجامع، ج ۵، ص ۶۴.

۲- (۲) سنن ترمذی، ج ۴، ص ۷۴.

من اصفیاء الله؛(۱) دوست داشتن مؤمن از بزرگ ترین شعبه های ایمان است: هرآینه کسی که دوستی کند در راه خدا و دشمنی کند در راه خدا و عطا کند در راه خدا و دریغ کردن او در راه خدا باشد، چنین شخصی از برگزیده های خداوند است.»

حدیث بیست و ششم

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

«ان الله تعالی یقول یوم القیامه: این المتحابون بجلالی الیوم اظلهم فی ظلی؛(۲) خداوند متعال در روز قیامت خطاب می کند: کجایند متحابون (کسانی که دیگران را برای خدا دوست داشتند و دیگران نیز آنها را دوست داشتند) قسم به جلالم، آنها در روزی که هیچ پناه گاهی برای کسی نیست، در پناه و سایه من خواهند بود.»

د) اهمیت به امور مسلمین و اصلاح میان آنها

حدیث بیست و هفتم

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده:

«أحب المؤمنین إلی الله من نصب نفسه فی طاعه الله ونصح لامه نبیه و...؛(۳) محبوب ترین مؤمن در نزد خداوند، کسانی هستند که خودشان را در راه اطاعت خدا و نصحیت و خیرخواهی امت پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نصب کرده اند و گام برداشته اند.....»

حدیث بیست و هشتم

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده:

«من أصبح ولایهتم بأمور المسلمین فلیس منهم، من سمع رجلا ینادی یا للمسلمین فلم یجبه فلیس بمسلم؛(۴) هرکس

۱- (۱) اصول کافی، ج ۴، کتاب ایمان، ص ۳۷۶.

۲- (۲) تاج الجامع، ج ۵، ص ۸۳.

۳- (۳) میزان الحکمه، ج ۲، ص ۲۱۹.

۴- (۴) جامع احادیث الشیعه، ج ۲۰، ص ۳۴۵.

صبح کند، درحالی که به کارهای مسلمانان اهمیتی نمی دهد و به فکر مسلمین نیست، او از آنان نیست. و هرکس بشنود که کسی مسلمانی را به کمک فرا می خواند ولی پاسخش را نمی دهد، مسلمان نیست.»

در این حدیث شریف پیامبرگرامی اسلام صلی الله علیه و آله، به نکته مهم و تأثیرگذار در زندگی اجتماعی مسلمانان اشاره دارند که عبارت است از اهمیت دادن به امور و احوال مسلمین و دوری از حالت بی تفاوتی نسبت به سرنوشت برادران دینی.

حدیث بیست و نهم

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده:

«یا ابا ایوب، الادلک علی صدقه یحبها الله ورسوله؟ قلت: بلی یا رسول الله، قال: تصلح بین الناس اذا تفاسدوا؛(۱) ای ابا ایوب! آیا نمی خواهید شما را به صدقه ای رهنمون کنم که مورد رضایت خدا و رسول خداست؟ گفتم: چرا؟ گفت: بعد از آن که رابطه میان مردم به افساد و اختلاف گرایید، به اصلاح و صلح میان آنها بکوشید.»

حدیث سی ام

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

«الدین نصیحه، قلنا: لمن؟ قال: لله ولکتابه ولرسوله ولائمه المسلمین ولعامتهم، والّذی نفسی بیده لا یؤمن عبد حتی یحب لأخیه ما یحب لنفسه؛(۲) کمال دین در نصیحت و خیرخواهی است. وقتی از حضرت سؤال می شود، نصحیت برای چه کسی؟ در جواب گفته اند: نصیحت برای خدا و نسبت به دین خدا و نسبت به کتاب خدا و نسبت به رسول خدا و نسبت به حاکمان جامعه اسلامی و نسبت به عامه مردم و قسم به کسی که جان من در دست اوست، کسی صاحب ایمان نیست مگر این که دوست

۱- (۱) کشف الاسرار وعده الابرار، ج ۹، ص ۲۵۸.

۲- (۲) تاج الجامع، ج ۵، ص ۷۲.

داشته باشد نسبت به برادر دینی خود، آن چه را که برای خود دوست دارد.»

حدیث سی و یکم

جریربن عبدالله می گوید:

«بایعت رسول الله صلی الله علیه و آله علی اقام الصلاه وایتاء الزکاه والنصح لکل مسلم؛(۱) من با رسول خدا صلی الله علیه و آله بیعت کردم تا اقامه نماز کرده و زکات مال خود را بدهم و نصیحت و خیرخواهی نسبت به هر مسلمانی داشته باشم.»

حدیث سی و دوم

معاویه بن وهب از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

«یجب للمؤمن علی المؤمن النصیحه له فی المشهد والمغیب؛(۲) حق واجب مؤمن بر مؤمن، نصیحت و خیرخواهی نسبت به اوست، چه در حضور و چه در غیبت او.»

ه) معنای اسلام و ایمان و احترام نفس و مال مسلمانان

حدیث سی و سوم

انس بن مالک می گوید:

«قال رسول الله صلی الله علیه و آله: من صلی صلاتنا واستقبل قبلتنا واکل ذبیحتنا، فذالک المسلم؛(۳) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هرکسی نماز را طبق دستور ما اقامه کند و به سوی قبله ما بایستد و از ذبیحه ما بخورد، او مسلمان خواهد بود.»

حدیث سی و چهارم

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

«من شهد أن لا اله الا الله واستقبل قبلتنا وصلی صلاتنا واکل ذبیحتنا فذالک المسلم، له ما للمسلم وعلیه ما علی

۱- (۱) صحیح مسلم، ج ۱، ص ۵۴. و صحیح بخاری، ج ۱ و ۲، ص ۹۳.

۲- (۲) کافی، ج ۲، ص ۲۰۸، ح ۲.

۳- (۳) سنن نسائی، ج ۸، ص ۱.۵.

المسلم؛(۱) هرکس به وحدانیت خدا شهادت دهد، و به سوی قبله ما رو کند و صلاه را اقامه کند و از ذبیحه ما اکل کند، او در زمره مسلمانان است، برای اوست تمام حقوق فرد مسلمان و بر اوست تمام تکالیفی که هر مسلمان دارد.»

حدیث سی و پنجم

بخاری در کتاب صحیح خود از ابن عباس نقل می کند که: رسول خدا صلی الله علیه و آله در هنگام فرستادن «معاذ بن جبل» به مأموریت یمن به او چنین گفت:

«إنّک ستأتی قوماً أهل کتاب، فـذا جئتهم فأدعهم إلی أن یشهدو أن لا إله إلّا الله وأن محمّـداً رسول الله، فإن أطاعوا بـذالک أخبرهم إن الله قـد فرض علیهم خمس صلوات فی یوم ولیله، فإن هم أطاعو لک بـذالک، أخبرهم ان الله قـدقرض علهم صدقه تؤخـذ من اغنیائهم فترد علی فقرائهم، فإن هم أطاعو لک بـذالک، فإیّاک وکرائم أموالهم - الحدیث؛(۲) شما با قومی از اهل کتاب مواجه می شوید، هنگامی که با آنها رسیدید آنها را به شهادت به وحدانیت خدا و رسالت محمد صلی الله علیه و آله دعوت نمایید، اگر دعوت شما را پذیرفتند و امر شما را اطاعت کردند بر آنها خبر بدهید که خداوند بر اغنیای آنها صدقه ای را واجب نموده است که بایـد به فقیران و تهیدستان خود بدهند و اگر آنها در این امر از شما اطاعت کردند، برحذر باشید از آسیب رساندن به مال آنها.»

پیامبرگرامی اسلام صلی الله علیه و آله در این حدیث شریف، به صراحت تأکید دارد که هر قومی که شهادتین بگوید، مال آنها - چه رسد به عرض و نفس شان - محترم است و باید از تعرض مصون باشند.

۱- (۱) همان، ص ۱۰۵ و صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۰۹، کتاب الصلاه.

۲- (۲) صحیح بخاری، ج ۲، ص ۱۵۷ باب زکات. و صحیح مسلم، ج ۱، ص ۱۵۰.

حدیث سی و ششم

بخاری به نقل از انس بن مالک نقل می کند: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

«امرت ان اقاتل الناس حتی یقولوا لا إله إلّا الله، فاذا قالوها وصلوا صلاتنا واستقبلوا قبلتنا وذبحوا ذبیحتنا حرمت علینا دماؤهم واموالهم؛(۱) من مأمورم با مردم به جهاد بپردازم تا شهادت به وحدانیت خداوند دهند، و هنگامی که شهادت دادند و نماز به پاداشتند و به سوی قبله ما روی آوردند و از ذبیحه ما استفاده کردند، مال و جان آنها حرمت پیدا می کند.»

حدیث سی و هفتم

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

«من قال: لا إله إلاّ الله، وکفر بما یعبدون من دون الله، حرمه ماله ودمه وحسابه علی الله؛(۲) هرکسی لا اله الاالله بگوید و از پرستش غیر خدا اجتناب کند، مال و جان او در امان است و حساب او با خدا خواهد بود.»

حدیث سی هشتم

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

«من دعا رجلا بالکفر وقال له: عدوالله ولیس کذالک، الا حار علیه؛(۳) کسی که دیگری را با نام کافر بخواند و به او بگوید دشمن خدا، حال آن که آن شخص چنین نباشد، آثار آن به خود گوینده برمی گردد.»

حدیث سی و نهم

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

«ایهاالناس ان ربکم واحد وإن أباکم واحد کلکم لآدم وآدم من تراب «إنّ أکرمکم عندالله اتقیکم» ولیس لعربی علی

۱- (۱) صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۰۹.

۲- (۲) صحیح مسلم، ج ۱، ص ۴۰.

۳- (۳) نظره النعیم، ج ۱۱، ص ۵۵۰۴.

عجمی فضل إلّا بالتقوا؛(۱) ای مردم! پروردگارتان یکی است، پدرتان هم یکی است. همهٔ شما از آدم هستید و آدم از خاک است (گرامی ترین شما نزد خداوند، با تقواترین شماست) عرب را بر عجم برتری نیست، مگر به تقوای الهی.»

حدیث چهلم

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

«المسلم علی المسلم حرام دمه وعرضه وماله، المسلم اخو المسلم لاـ یظلمه ولاـ یخذله التقوا ههنا - اشار بیده إلی القلب - وبحسب امری من الشر ان یحقر اخاه المسلم؛(۲) حق مسلمان بر مسلمان این است که حرام است بر او، نفس و ناموس و مال برادر مسلمان. مسلمان برادر مسلمان است، به او ظلم نمی کند و او را مخذول نمی کند. پیامبر صلی الله علیه و آله - درحالی که به قلب مبارکش اشاره می کرد - فرمود: تقوای الهی در نزد من است، و به حسب دستور من، تحقیر برادر مسلمان، شر و ظلم است.»

۱- (۱) تحف العقول، ص ۴.

۲- (۲) المعجم الکبیر، ج ۲۲، ص ۷۴.

کتاب نامه

۱. قرآن کریم.

۲. نهج البلاغه.

۳. آمدی، غررالحکم و دررالکلم، مؤسسه اعلمی، بیروت ۱۴۰۷ ق.

۴. ابن حجر، الصواعق المحرقه، نوبت چاپ دوم، دارمکتبه القاهره، مصر ۱۹۶۵ م.

۵. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، کتاب فروشی اسلامیه، تهران ۱۳۸۴ ق.

۶. ابن هشام، سیره، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت.

۷. ثقه الاسلام کلینی، اصول کافی، ترجمه محمد باقر کوه کمره ای، دوم، اسوه، ۱۳۷۲ ش.

۸. حرانی، تحف العقول، منشورات دارالکتب العلمیه، قم.

۹. ری شهری، میزان الحکمه، منشورات دارالحدیث، قم.

۱۰. سنن ابی داود، دار الفکر، بیروت.

۱۱. سنن ترمذی، دارالکتب العلمیه، بیروت.

۱۲. سنن نسائی، دار الکتب العلمیه، بیروت.

۱۳. شرف الدین موسوی، سید عبد الحسین، المراجعات، تحقیق: شیخ حسین الراضی، مجمع جهانی اهل بیت، قم ۱۴۲۲ ق.

۱۴. صالح بن عبدالله وعبد الرحمن بن محمد، نظره النعیم فی مکارم الاخلاق الرسول الکریم، منشورات دارالوسیله، جده.

۱۵. صحیح البخاری، تحقیق: شیخ قاسم الشماعی الرفاعیی، نوبت چاپ: اول، دارالقلم، بیروت ۱۹۸۷ م.

۱۶. صحیح مسلم، بشرح النووی، نوبت چاپ: سوم، مؤسسه تاریخ العربی ودار الاحیاء التراث العربی، بیروت ۱۹۸۷ م.

۱۷.

۱۸. طباطبایی بروجردی، سید حسین، جامع الاحادیث الشیعه، منشورات مهر، قم ۱۳۶۷ ش.

۱۹. طبرانی، المعجم الکبیر، منشورات مکتبه ابن تیمیه، قاهره.

۲۰. علامه مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، نوبت چاپ: دوم، دار الاحیاء التراث العربی، بیروت ۱۹۸۳ م.

۲۱. متقی هندی، کنز العمال، مؤسسه الرساله، بیروت ۱۹۸۹ م.

۲۲. مسند الامام احمد حنبل، تحقیق: شیخ شعیب الرنووط، مؤسسه الرساله، اول، بیروت ۱۹۹۹ م.

۲۳. مقریزی، تقی الدین، النزاع والتخاصم فیما بین بنی امیه و بنی هاشم، ترجمه: میرسید جعفر غضبان، انتشارات مرتضوی.

۲۴. میبدی، کشف الأسرار وعده الأبرار، امیرکبیر، تهران ۱۳۶۴.

۲۵. ناصف، شیخ منصور، التاج الجامع، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت ۱۹۸۶ م.

محمد اسحاق ذاکری

ص:۶۸

۳- اتحاد و انسجام اسلامی در نگاه امام و رهبری

اشاره

آقای الریال کشمیری

رهبر معظم انقلاب اسلامی، حضرت آیه الله خامنه ای (دام ظله العالی):

«ما اگر بخواهیم اتحاد ملی و انسجام اسلامی تحقق پیدا کند، بر اصولی که بین ما مشترک است، تکیه کنیم نباید خود را سرگرم فروعی بکنیم که مورد اختلاف است.»

اتحاد و یک پارچگی مسلمانان و ضرورت توحید کلمه از تعالیم و آموزه های اساسی دین مبین اسلام و سیره و سنت نبوی است. نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله در تحقق سنت الهی

«إنما المؤمنون اخوه» بنیان امت اسلام را بر پایه وحدت و اخوت دینی قرار داد. ایشان با اجرای مؤاخات و پیمان برادری، بنیان های وحدت، الفت و هم بستگی را در بین مسلمانان تحکیم بخشید. با پیدایش اختلاف بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و ظهور فِرَق و مذاهب گوناگون در بین مسلمانان ضرورت توجه به وحدت و اتحاد اسلامی، دو چندان گردید.

ائمه اطهار علیهم السلام و یاران نزدیک شان، وحدت امت و مبارزه با ریشه های تفرقه را، یک استراتژی در حوزه اندیشه و سیره عملی خویش قرار داده و در جهت تحکیم آن تلاش های فراوانی انجام دادند.

اندیشه «وحدت امت اسلامی» یکی از دغدغه های جدّی عالمان بزرگ در طول تاریخ اسلام بوده است. ظهور سید جمال الدین اسدآبادی فصل جدیدی را در تحقق بیداری مسلمانان و اتحاد اسلامی در پیش روی اندیشمندان مسلمان قرار داد.

در بین علمای معاصر حضرت امام رحمه الله تا جایی برای وحدت و اخوت اسلامی اهمیت قائل بود که آن را مقصد بزرگ انبیا علیهم السلام و ادیان الهی بر شمرده است:

«یکی از مقاصد شرایع و انبیا علیهم السلام توحید کلمه و توحید عقیده است و اجتماع در مهام امور و جلوگیری از تعدیات ظالمه ارباب تعدی است. این مقصد بزرگ انجام نگیرد مگر در سایه وحدت نفوس و اتحاد همم و الفت و اخوت و صداقت قلبی و صفای باطنی و ظاهری و افراد جامعه به طوری شوند که نوع بنی آدم تشکیل یک شخص دهند.... مسلمین مأمورند به دوستی و مواصلت و نیکویی به یک دیگر و مودت و اخوت و معلوم است آن چه موجب ازدیاد این معانی شود، محبوب و مرغوب است و آن چه این عقد مواصلت و اخوت را بگسلد و تفرقه در بین جمعیت اندازد، مبغوض صاحب شرع و مخالف مقاصد بزرگ او است.»(۱)

«وحدت مسلمانان» نه تنها از دل مشغولی های دیرینه حضرت امام رحمه الله است، بلکه یکی از ارکان و بنیان های فکری و اندیشه سیاسی ایشان بوده است و در بخشی از نظریه «ولایت فقیه» چنین آورده است:

به منظور تحقق وحدت و آزادی ملت های مسلمان بایستی پس از سرنگونی دولت های مستبد و دست نشانده استعمارگران غربی، حکومت عادلانه اسلامی را که در خدمت مردم و برای حفظ نظام و وحدت

۱- (۱) چهل حدیث، ص ۳۰۹، ۳۱۰.

مسـلمین است به وجود بیاوریم. چنان که حضـرت زهرا علیها السلام می فرماید: امامت برای حفظ نظام و تبدیل افتراق مسلمین به اتحاد است.»(۱)

رهبر معظم انقلاب اسـلامی نیز در مورد ضرورت اتحاد در بین مسلمین و تکیه بر نقاط مشترک میان مذاهب و فرق اسلامی در جمع عالمان مسلمان از شیعه و سنی می فرماید:

وحدت میان شـیعیان و اهل تسنن در شرایط حساس و بحرانی امروز یک الزام محسوب می شود. تز ایجاد اختلاف میان شیعیان و اهل تسنن باید با آنتی تز پیوستگی فرق اسلامی پاسخ داده شود.

... نقاط اشتراک میان اهل تسـنن و شـیعیان از جمله: شـهادت به وحدانیت خداوند و حقانیت پیامبراعظم صـلی الله علیه و آله و نیز پیروی از قرآن کریم و داشـتن قبله واحد و بسـیاری از ارزش های مشترک میان این دو، به اندازه ای وزن و اعتبار دارند که می توان با استناد به این موارد میان آنها رابطه ای برادرانه و مستحکم ایجاد نمود.

امروز زمـان تکیه بر نقاط مشترک میان مـذاهب و فرق مختلفی اسـلامی است. پررنگ ساختن نقاط افتراق میان شـیعیان و اهل تسنن در شرایط کنونی، بازتاب غرض ورزی عده ای از مخالفان اسلام است.»(۲)

امیـد است عالمـان درد آشـنای جهان اسـلام به ویژه بزرگان حوزه علمیه قم با ترجمه به حضور مخرب اسـتعمارگران غرب در کشورهای اسـلامی، امت مسـلمان از شـیعه و اهل سـنت را به اتحاد و انسـجام اسـلامی دعوت نموده و زمینه بازگشت به اسلام راستین و

ص:۷۱

۱- (۱) نامه از امام موسوی، ص ۴۱، ۴۲

۲- (۲) بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با شرکت کنندگان در هم اندیشی علمای شیعه و اهل سنت. ۱۳۸۶ ه.

تحقق آرمان های اسلامی را در عصر و نسل امروز فراهم نمایند.

دراین جا به تعدادی از احادیث اهل سنت و شیعه با ترجمه و شرح مختصر اشاره می کنیم.

حدیث اول

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

«اَیها النَّاسُ عَلَیکُمْ بالْجَمَاعَهِ واِیاکُمْ والْفُرْقَه؛ ای مردم! بر شما واجب است که متحد و متفق باشید و از اختلاف و افتراق دوری جویید.»

حدیث دوم

مَعَاذ بن جبل:

«اِنَّ نبِی اقَالَ: ان الْشَیطَانَ ذِئبُ الِانْسَاْنِ کذِئبِ الْغَنَم، یأخُذُ الْشَّأهَ الْقَاْصِیهَ الْنَّاحِیهُ، فَاِیاکُمْ والْشِعَابِ، عَلَیکُمْ بالْجَمَاْعَهِ والْعَامَّهِ والْمَسْجِدِ؛ نبی اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: شیطان برای انسان مانند گرگی می باشد برای گله گوسفندها، گرگ هنگامی که یک گوسفند از گله جدا افتاد به او حمله می کند و آن را می خورد. پس از تقسیم شدن به فرقه ها و گروه ها دوری جویید و بر شما واجب است که متحد و متفق باشید.»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به امت خود ماهیت شیطان را معرفی می کند. شیطان همیشه آماده حمله به کسی است که از برادران دیگر جدا شده باشد تا او را طعمه خود قرار دهد و از اسلام خارج کند ولی اگر آن شخص با جماعت باشد، شیطان از حمله کردن به او عاجز خواهد ماند.

حدیث سوم

ابْنُ عمَرٍ می گوید:

«قَالَ رسُولُ ا صلی الله علیه و آله فی حدِیثٍ: فَعَلَیکُمْ بسَوَادِ الاَعْظَمِ، فَاِنَّه منْ شذَّ شذَّ فی النَّارِ؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: بر شما واجب است که باهم یک دست باشید چون کسی که از جماعت جدا شود در جهنم سقوط خواهد کرد.»

ما از یک پدر و مادر هستیم، چرا در دام شیطان بیفتیم و از جماعت دور بشویم این کار در آخرت ما را تنها خواهد گذاشت و از تنهایی دچار وحشت خواهیم شد و کسی به کمک ما نخواهد رسید.

حدیث چهارم

«جُبَیر بن مطْعَمْ عنْ ابِیه قالَ: قالَ رسُولُ‌اِ صلی الله علیه و آله ثَلاث لا یغُلُّ علَیهنَّ قلْبُ مؤمِنٍ، إِخْلاصُ العَمَلِ ، والنَّصِیحَهُ لِوُلاهِ المُسْلِمینَ، ولزُوْمُ جماعَتِهِمْ، فَإِنَّ دعْوَتَهمْ تحیطُ منْ ورائِهِمْ؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: سه چیز هستند که در مورد آنها دل مؤمن فریب نمی دهد، در عمل اخلاص برای خدا داشتن و برای مسلمین خیرخواه و دردمند بودن و همراه جماعت مسلمین بودن که آن را واجب و فریضه الهی می داند، زیرا که دعوت توحید، مسلمانان از پشت محکم و قوی می کنند.»

برادری و همراه جماعت بودن، مسلمانان را محکم و آنها را در مقابل دشمنان قوی می کند. مؤمن و دل مؤمن همیشه با اخلاص عمل را انجام می دهد و اتحاد را امر خدا می داند و عمل به آن را واجب.

حدیث پنجم

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

«اَیها النَّاسُ علَیکُمْ بالجَماعَهِ وإِیاکُمْ والفُرْقَهِ؛ ای مردم! متحد و متفق باشید و یک دست باشید و از اختلاف و افتراق دوری کنید. این وظیفه الهی بر شماست.»

یک دست بودن ما در مقابل دشمن و برای حفظ اسلام و مسلمین، فریضهٔ الهی است و اگر به این فریضه عمل نکنیم مثل امت های قبل نابود خواهیم شد.

حدیث ششم

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

«أَتانی جبْرَئیلُ فَقَالَ: یا محَمَّدُ، الأِسْلامُ عشْرَهُ أَسْهمٍ وخابَ منْ لا سهمَ له أَوَّلُها، شهادَهُ إن لَّا اله أَلَّا ا، والثَّانی

أَلصَّلاةُ وهی الطَّهرَةُ، ألی ان قالَ والتَّاسِعُ أَلْجَماعَةُ وهی الألْفَةُ، والعاشِرَةُ الطَّاعَةُ وهی الْعِصْمَةُ؛ جبرئیل پیش من آمد و گفت: ای محمد! اسلام بر ده بخش استوار است و پست آن کسی است که از اینها بخشی (بهره ای) نداشته باشد؛ بخش اول آن شهادت به توحید و بخش دوم آن نمازی که پاکیزگی دارد و تا به این جا رسید که بخش هشتم آن با جماعت بودن است و جماعت به معنای الفت است؛ و بخش دهم آن اطاعت است که باعث پرهیز انسان است.»

جبرئیل به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پیام آورد که اسلام ده طبقه دارد و مهم تر و قوی تر از همه آنها با جماعت بودن و الفت است که موجب استواری اسلام می شود و با الفت بخش های دیگر حفظ خواهند شد و مسلمانان از شر دشمنان مصون خواهند بود.

حدیث هفتم

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«قَالَ أبی قالَ رسُولُ ا صلَّی ا علَیه وآلِه وسلَّمَ: أیمَا مسْلِمینَ تهاجَرا فَمَکَثا ثَلاثاً لاَّ یصْطَلِحانِ ألَّا کانا خارِجینَ منَ الأسْلامِ ولمْ یکُنْ بینَهما ولایه فَأیهما سبَقَ ألی کلام أخیه کانَ السَّابِقُ ألی الجَنَّهِ یوْمَ الحِسابِ؛ اگر دو مسلمان با هم قهر کنند و سه روز به قهر خود ادامه دهند و آشتی نکنند، هر دو از اسلام بیرون می روند و میان آنان هیچ پیوند دینی نمی ماند و هرکس از آنها پیش از دیگری با برادرش حرف بزند در روز حساب رسی زودتر به بهشت می رود.»

شرح: کسی که مسلمان باشد، قهر نمی کند ولی اگر قهر کرد طول نمی دهد، چون از اسلام خارج شد و غذای شیطان خواهد شد. مسلمان ها باید قهر را طولانی نکند و الّا دشمن از این کار استفاده خواهد کرد و قدرت شما را از بین خواهد برد. فکر نکنید آنها دل سوز ما هستند.

ص:۷۴

حدیث هشتم

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

«جآئَنِی جبْرائیلُ فَقالَ لی: یا أحْمَدُ! ألاِسْلامُ عشَرَهُ أسْهم، وقدْ خابَ منْ لا سهمَ له فِیها، أوَّلُها شهادَهُ ان لا اله ألّا ا وهی الکَلِمَهُ، ألثّانِیهُ ألصَّلاهُ وهی الطُهرَهُ..... الی ان قالَ والتّاسِعَهُ الجَماعَهُ وهی الألْفَهُ والعاشِرَهُ الطّاعَهُ وهی العِصْمَهُ؛ جبرئیل پیش من آمد و گفت: یا احمد! اسلام بر ده بخش استوار هست و پست آن کسی است که از اینها حصه ای نداشته باشد، بخش اول شهادت به لااله الا ا که کلمه هست و بخش دوم نماز که پاک است و تا به این جا رسید که فرمود بخش نهم آن جماعت به معنای الفت هست و دهم آن اطاعت به معنای عصمت است.»

شرح: حضرت جبرئیل به پیامبراکرم صلی الله علیه و آله از طرف خداوند متعال این پیام آورد که امت شما فکر نکنند که با جماعت بودن فایده ندارد بلکه به آنها بگو که با جماعت بودن جزئی از دین اسلام است و رحمت خدا بر کسی است که با جماعت باشد.

حدیث نهم

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

«اِثْنانِ خیر منْ واحِدٍ، وثَلاثَه خیر منْ اثْنَینِ، واَرْبَعَه خیر منْ ثَلاثَهٍ، فَعَلَیکُمْ بالْجَماعَهِ فَاِنَّ یدَ امَعَ الْجَماعَهِ ولمْ یجْمَعِ ا (عَزَّ وجلَّ) امَّتی الّا علی هدًی واعْلَمُوْا ان کلَّ شاطِنٍ هدِی فی النّارِ؛ جمع شدن دو نفر از یک نفر بهتر و جمع شدن سه نفر از دو نفر بهتر و جمع شدن چهار نفر از سه نفر بهتر است. پس بر شما واجب است که با هم باشید و با جماعت باشید زیرا قدرت خدا با جماعت است و خداوند عزّوجلّ امت من را فقط بر هدایت جمع کرده است و هر که از حق و هدایت دوری اختیار کند جایگاهش در جهنم خواهد بود.»

پیامبراکرم صلی الله علیه و آله به امت خود می فهماند که هرچه قدر شما بیشتر جمع

شوید، بهتر است و رحمت خدا و لطف خدا و قدرت پروردگار نیز برای شما بیشتر خواهد شد؛ وگرنه طعمه جهنم خواهید شد و زیان دنیا و آخرت خواهید دید و این موجب افسردگی شما در آخرت می گردد.

حدیث دهم

الحَارِثُ الاَشْعَرِی می گوید

: «قَالَ رسُوْلُ ا صلی الله علیه و آله فی حدِیثٍ: وأنا آمُرُکُمْ بخَمْسٍ اُ امَرَنی بهنَّ؛ السَّمْعِ والطَّاعَهِ والجِهادِ والهِجْرَهِ والجَماعَهِ، فَاِنَّه منْ فارَقَ الجَماعَهَ قیدَ شبْرٍ فَقَدْ خلَعَ ربْقَهَ الأسْلامِ منْ عنُقِه، ألَّا ان یراجَعَ ومنْ ادَّعی دعْوی الجَاهلِیهِ فَاِنَّه منْ جثِیی جهنَّمَ؛ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: در مورد پنج چیز به شما امر می کنم که خدا در مورد آنها به من امر فرموده است: گوش کردن، اطاعت کردن، جهاد کردن، هجرت کردن و متحد شدن و هر کس از جماعت یک وجب هم دور شود گویا او طناب اسلام را از گردن خود در آورده مگر این که به طرف جماعت بازگردد.»

از برادری و مهرورزی و با جماعت بودن مسلمین، اسلام حفظ خواهد شد در غیر این صورت دشمنان اسلام، اسلام را نابود خواهند کرد و آن را از جامعه دور خواهند کرد و شناخت حق و باطل مشکل خواهد شد. (اسلام مساوی با اتحاد و عدم اتحاد مساوی با عدم اسلام است).

حدیث یازدهم

کَثیربن عبْدِ ابن عمَرو بن عوْف عنْ أبیه عنْ جدِّه: «أنَّ رسُولَا صلی الله علیه و آله قالَ: أعْتَصِمُوا بحَبْلِ ا جمیعاً ولا تفَرَّقُوا ولا تکونوا کالَّذینَ تفَرَّقوا واخْتَلَفُوا منْ بعْدِ ما جائَهمْ منَ البَیناتِ؛ پیامبراکرم صلی الله علیه و آله فرمود: همه شما طناب خدا را محکم بگیرید و در میان خود تفرقه اندازی نکنید و مثل بقیه مردم نباشید که با جماعت نیستند و بعد از آمدن نشانه های واضح، باز هم اختلاف می ورزند.»

با اختلاف طناب خدا پاره خواهد شد و اگر می خواهید طناب خدا را محکم حفظ کنید، پس با جماعت باشید. و اگر مثل دیگران اختلاف ورزید پس بدانید از لطف خدا محروم خواهید شد و این موجب ذلالت انسان است و برای شما در تاریخ نشان های واضح و روشن وجود دارد و نشان می دهد که کسانی که اختلاف ورزیدند، نابود شدند.

حدیث دوازدهم

امام علی علیه السلام می فرماید:

«اِیاکَ والفُرْقَهَ فَأَنَّ الشَّاذَّ منَ النَّاسِ شیطان؛ از متفرق و جدا جدا شدن بپرهیزید کسانی که از مردم (جماعت) جدا شدند در دام شیطان می افتادند.»

شیطان برای انسان شبیه گرگی می باشد برای گله گوسفند. هنگامی که یک گوسفند از گله جدا افتاد گرگ به او حمله می کند و آن را می خورد یعنی نابود می کند پس باید بیدار باشیم که از جماعت جدا نشویم و الا غذای، شیطان خواهیم شد.

حدیث سیزدهم

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«مَنْ خلَعَ جمَاعَهُ المُسْلِمینَ قدْرَ شبْرٍ خلَعَ ربْقَهَ الأیمانِ منْ عنُقِه؛ کسی که از جماعت مسلمین به مقدار یک وجب هم جدا شد گویا طناب اسلام را از گردن خود درآورده است.»

هنگامی که شخص از جماعت مسلمین جدا شود گرگ (شیطان) به او حمله و نابودش خواهد کرد مگر این که به طرف جماعت بازگردد. وقتی که انسان طناب کنترل اسلام را از گردن در بیاورد مسلماً از رحمت خدا نیز محروم خواهد شد.

حدیث چهاردهم

حَبَشی بن حرْبٍ می گوید:

«أَنَّهمْ یا رسُولَ ا صلی الله علیه و آله انا نأکُلُ ولا نشْبَعُ،

قالَ: فَلَعَلَّکَمْ تأکُلُونَ متَفَرِّقینَ؟ قالُوا: نعَمْ، قالَ: فَاجْتَمِعُوا علی طَعامکَمْ، واذْکُرُوا اسْمَ ا علَیه یبارِکُ لکَمْ فیه؛ مردم به رسول ا صلی الله علیه و آله گفتند یا رسول ا! ما می خوریم ولی سیر نمی شویم. پیامبر فرمود: شاید شما غذا در تنهایی و جدا جدا می خورید. آنها گفتند بله، گفت غذای خودتان را با جماعت بخورید و وقت غذا خوردن اسم خدا را ببرید تا خداوند متعال در غذا شما برکت دهد.»

باید برادران مسلمان با جماعت باشند و کارهای اجتماعی را باهم انجام بدهند و در مقابل دشمنان اسلام یک دست باشند، حتی اگر کار کوچکی مثل غذا خوردن باشد.

حدیث پانزدهم

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

«کُلُوا جمِیعاً ولا تفَرَّقُوا فَأنَّ البَرْکَهَ فی الجَماعَهِ؛ یک دست و یک پارچه باشید و متفرق نشوید، چون که برکت خدا در جماعت است.»

اگر کسی می خواهد در سایه پروردگار عالم باشد و از شر شیطان و دشمنان در امان باشد، باید با جماعت مسلمین یک دست شود که با این کار اسلام نیز محکم خواهد شد.

حدیث شانزدهم

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند:

«لاتَحاسَدُوا وتنافَسُوا ولا تباغَضُوا ولا تدابَرُوا وکونُوا عبیدَاِ أخْوَاناً؛ و با یک دیگر حسد نورزید و از یک دیگر جلو نروید و با هم بغض نورزید به یک دیگر پشت نکنید ای بندگان خدا! با هم برادر و رفیق باشید.»

شیطان دنبال مرض های قلبی انسان خصوصاً حسد و خودنمایی است. او انسان را با مرض های قلبی نابود و از اسلام خارج می کند.

ص:۷۸

علاج این امراض فقط با جماعت بودن است و شما با این کار بر شیطان و بر دیگران غلبه خواهید کرد.

حدیث هفدهم

امام صادق علیه السلام فرمود:

«المُسْلِمُ أخُو المُسْلِمِ، هوَعَینُه ومرْآتُه ودلِیلُه لا یخُونُه ولایخْدَعُه ولا یظْلِمُه ولا یکْذِبُه ولایغْتابُه؛ مسلمان برادر مسلمان است، او چشم و آئینه وی است، خیانتش نکند و فریبش ندهد و ستم به او نکند و او را دروغ گو نشمارد و پشت سر او بد او (غیبت) نگوید.»

اگر کسی دید که به برادر دینی او ظلم و ستم می شود و پشت سر او غیبت می کنند، واجب است که از برادر مسلمان دفاع کند و اگر در این دفاع بمیرد شهید خواهد مرد.

حدیث هجدهم

جابر می گوید: «پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

ألْمُؤمِنُ یألَفُ ویؤلَفُ، ولا خیرَ فی منْ لا یألَفُ ولایؤلَفُ؛ مؤمن انس می گیرد و با او انس می گیرند و کسی که انس پذیر و انس گیر نباشد از خیر و برکت بی بهره است و بهترین مردمان کسانی هستند که برای دیگران (مردم) سودمندتر باشند.»

با رفتار خوب و خوش انسان می تواند دیگران را تسخیر کند و با یک رفتار نیز می تواند دشمنی ایجاد کند که موجب نابودی او شود، پس لازم است که خوب باشیم و برای دیگران سودمند باشیم تا اسلام محفوظ بماند.

حدیث نوزدهم

امام صادق علیه السلام فرمود:

«ان منْ حقِّ المُسْلِمِ الواجِبُ علی أخِیه أجابَهُ دعْوَتِه؛ حق برادر مسلمان بر برادر مسلمان دیگر این است که دعوت او را اجابت (قبول) کند.»

اگر انسان دعوت برادر مسلمان را قبول کند حتماً کینه و حسد و مرض های روحی او از جا کنده و نابود خواهد شد و بین دو برادر مسلمان الفت و دوستی برقرار خواهد شد.»

حدیث بیستم

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«أنَّ لِلْمُسْلِمِ علی أخیه المُسْلِمِ منَ المَعْرُوفِ ستاً ألی ان قالَ ویحِبُّ ما یحِبُّ لنَفْسِه ویکْرِه له ما یکْرِه لنَفْسِه؛ هر مسلمان شش حق بر برادر مسلمان خود دارد، یکی از آنها این است که برای او همان چیزی را بپسندد که برای خود پسند می کند و همان چیزی را بر او نپسندد که برای خود ناپسند می داند.»

اگر مسلمان ها با هم برادر باشند و یک دیگر را با جماعت مستحکم کنند، دیگر نباید کاری کنند که این دوستی و الفت تبدیل به دوری و فراق شود و اگر مطابق این حدیث عمل شود حتماً الفت و دوستی زیاد خواهد شد و رحمت خدا نیز بیشتر خواهد شد.

حدیث بیست ویکم

علی علیه السلام فرمود:

«قَالَ رسُولُ ا صلی الله علیه و آله: منْ أکْرَمَ اخاه المُسْلِمَ فَاِنَّما یکْرِمُ ربَّه؛ کسی که به برادر مسلمان اکرام کند گویا خدا را اکرام کرده است.»

اکرام به برادر مسلمان، اکرام به خداست. تصور نکنید اگر برای برادر مسلمان کار کوچک انجام دادی، کوچک یا پست شده ای، بلکه خدا به کارهای کوچک هم اجر خواهد داد. ما باید برای امت اسلامی خیرخواه و سودمند باشیم، نه نابودگر و تباه کننده.

حدیث بیست ودوم

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«مَنْ أکْرَمَ أخاه المُسْلِمَ بکَلِمَةٍ یلْطُفُه بها ومجْلِسٍ یکْرِمُه به لمْ یزَلْ فی ظلِّ ا عزَّ وجلَّ ممْدُوداً علَیه بالرَّحْمَةِ ما کانَ

فی ذلِکَ؛ هر که به برادر مسلمان خود سخنی مهرآمیز بگوید و او را در جای محترمانه ای از مجلس بنشاند تا زمانی در آن کار باشد پیوسته سایه رحمت خداوند بر سر او گسترده خواهد بود.»

ای برادر مسلمان! اگر با کسی انس بگیرید با شما انس خواهند گرفت و اگر به کسی احترام کنید، خدا شما را محترم خواهد شمرد و لطف خدا همراه شما خواهد بود ولی اگر احترام و انس نگیرید از خیر و برکت الهی محروم خواهید شد.

حدیث بیست وسوم

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده:

«ألا ـ ومنْ أکْرَمَ أخاه المُسْلِمَ فَأنَّما یکْرِمُ اعَزَّ وجلَّ؛ آگاه باشید کسی که به برادر مسلمان خود اکرام کند گویا او خداوند عزّوجلّ را اکرام کرده است.»

اکرام به برادر مسلمان، اکرام به خداوند و اکرام به خدا، اکرام به رسول ا صلی الله علیه و آله هست، این از وظایف اسلام است که به دیگران اکرام کنیم و با این عمل، دین گسترش خواهد یافت و دوستی ها در بین بیشتر و محکم تر خواهد شد.

حدیث بیست وچهارم

ابُوموسی می گوید: قالَ رسُولُ ا صلی الله علیه و آله:

«ألمُؤمِنُ للْمُؤمِنِ کالبُنْیانِ یشُدُّ بعْضَه بعْضاً؛ مؤمن برای مؤمن مانند ساختمان است که اجزای مختلف آن یک دیگر را محکم می کنند.»

ما مثل یک ساختمان و یک خانواده هستیم و یک قرآن، یک پیامبر، یک قبله داریم و جزئی از اجزاء خانواده امت اسلامی هستیم. برای حفظ این امت، برادران مسلمان باید یک دست باشند تا کسی به این اجماع اسلامی آسیب نرساند.

حدیث بیست وپنجم

حُذَیفَهُ بنُ الیمانِ می گوید:

«قَالَ رسُولُ ا صلی الله علیه و آله؛ منْ لا یهتَمُّ بأمْرِ المُسْلِمینَ فَلَیسَ منْهمْ ومنْ لمْ یصْبَحُ ویمْسِ ناصِحاً وَ لرَسُولِه ولکِتابِه ولاِمامِه ولعامَّهِ المُسْلِمینَ فَلَیسَ منْهمْ؛ پیامبراکرم صلی الله علیه و آله فرمود: اگر کسی برای امور مسلمین اهتمام نکند او مسلمان نیست و اگر کسی هر صبح و شام و برای خدا و رسول و برای قرآن و امام و برای عموم مسلمانان، خیرخواه نباشد از مسلمانان نیست.»

مسلمان کسی است که دردمند باشد و احساس درد داشته باشد و برای دیگر مسلمین نیز سودمند و نافع باشد با این کار او محبوب مسلمین خواهد بود و به دین و کتاب و دیگران هم آسیب نخواهد رساند. برای یک مسلمان انسانیت لازم است تا دشمنان از او استفادهٔ سوء و نکنند او را به غفلت نکشانند.»

حدیث بیست وششم

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«استو واولا تختلفو فتختلف قلوبکم؛ با یک دیگر برابر باشید و دگرگون شوید که دل هایتان دگرگون می شود.

امت اسلامی یک دین و یک قبله و یک پیامبر و یک پدر و مادر دارند و با هم مثل ساختمان یک مجموعه اند و ما باید این یکی بودن را حفظ کنیم تا شیطان و دشمنان اسلام نتوانند بین ما تفرقه ایجاد کنند و ما را از بین ببرند.

حدیث بیست وهفتم

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«مَنْ ردَّ عنْ قوْمٍ منَ المُسْلِمینَ عادِیَهَ ماءٍ أو نارٍ وجَبَتْ له الجَنَّهُ؛ اگر کسی مسلمانان را از خطر سیل یا آتش سوزی نجات دهد، بهشت بر او واجب می شود.»(۱)

ص:۸۲

۱- (۱) نهج البلاغه، خطبهٔ ۲۲۸.

در عصر حاضر مسلمانان جهان می دانند که استکبار جهانی برای اسلام و مسلمین خطر بزرگی است، پس اگر ساکت بمانند به جهنم خواهند رفت و از اسلام خارج خواهند شد. لذا بر هر مسلمان واجب است که برای حفظ دین اسلام و مسلمانان جهان در حدّ توان خویش مسلمانان را از این خطر بزرگ نجات دهد و دشمنان اسلام را ناامید کند.

حدیث بیست وهشتم

امام صادق علیه السلام می فرماید:

قَالَ رسُولُ ا صلی الله علیه و آله: «منْ اصْبَحَ لا یهتَمُّ بأُمُورِ المُسْلِمینَ فَلَیسَ بمُسْلِمٍ؛ کسی که صبح کند و برای امور مسلمین اهتمام نکند، مسلمان نیست.»

مسلمان برادر مسلمان است و باید فکر دیگران هم باشد تا دیگران نیز درباره او فکر کنند. اگر یک مسلمان برای دین، کتاب، رسول و مسلمین، خیرخواه و فایده مند نباشد، مسلمان نیست.

حدیث بیست ونهم

أبُو ذَرٍّ می گوید:

«قَالَ رسُولُ ا صلی الله علیه و آله تبَسُّمُکَ فی وجْه أخیکَ لکَ صدْقَه؛ پیامبراکرم صلی الله علیه و آله فرمود: مواجهه با برادر مؤمن با چهره ای بشاش برای شما مانند صدقه ای است.»

دادن صدقه به نیازمندان، جایگاه انسان را از لحاظ اجتماعی و مالی محکم تر خواهد کرد. اگر اینها با برادر دینی خود رفتار خوب و برخورد مناسبی داشته باشند، نتیجه آن تسخیر آن فرد خواهد شد و باعث رفاقت آن دو و ایجاد ارتباط اجتماعی وسیع تر خواهد بود.

حدیث سی ام

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

«حَقّ علی المُسْلِمِ أذا أرادَ سفَراً ان یعْلِمَ أخْوانَه وحقّ علی أخْوانِه أذا قدِمَ ان یاتُوه؛ هرگاه مسلمانی قصد سفر نماید

سزاوار است به برادران دینی خود اطلاع دهد و آنان وظیفه دارند که هرگاه برادرشان از سفر بازگشت به دیدارش بیایند.»

وقتی انسان برای دیـدار یک برادر برود و با چهره ای بشاش کهماننـد دادن صـدقه است، دیـدار کنـد، یقیناً بین آنها دوستی و احترام زیادی به وجود می آیـد این دیـدارها باعث نزدیک شـدن و جمع شـدن مسـلمانان خواهد شد و پشت آنها را محکم تر خواهد کرد.

حدیث سی ویکم

حضرت علی علیه السلام می فرماید:

«یقُولُ اسُبْحانَه واعْتَصِمُوا بحَبْلِ ا جمیعاً ولا تفَرَّقُوا"فَأنّی سمِعْتُ رسُولَ ا صلی الله علیه و آله یقُولُ: ان صلاحَ ذاتِ البَینِ أعْظَمُ منْ عامَهِ الصَلاهِ والصِّیامِ؛ بعد از تلاوت این آیهٔ کریمه از پیامبراکرم صلی الله علیه و آله شنیدم که می فرمود: در میان دو نفر صلح کردن بهتر است از یک سال نماز خواندن و روزه گرفتن.»

دو نفر را جمع کردن و یا صلح کردن بین آنها بهتر از یک سال عبادت است. این کار هم برای محکم شـدن احکام اسلام و هم برای انسان در دنیا و آخرت فایده مند خواهد بود.

حدیث سی ودوم

ابُو أیوبَ می گوید: قالَ رسُولُ ا صلی الله علیه و آله:

«یا أبا أیوبَ، ألا أدُلُّکَ علی صدَقَهٍ یحِبُّها اوَ رسُولُه؟ قلْتُ: بلی، یا رسُولَ ا! قالَ تصْلِحُ بینَ النَّاسِ أذا تفاسَدُوا؛ آیا شما را به طرف صدقه ای هدایت و راهنمایی نکنم که خدا و رسول آن صدقه را دوست می دارنـد؟ ابا ایوب گفت: بله یا رسول ا! پیامبراکرم صلی الله علیه و آله فرمود: در میان مردم صلح کن وقتی در فساد باشند.»

اگر انسان فساد را تبدیل به صلح و صفا بکند، اسلام و مسلمین محکم تر خواهند شد، و إلّا اگر در فساد باشیم دشمنان از ما علیه

یک دیگر استفاده خواهند کرد و ما را با دست خودمان از بین خواهند برد. پس لازم است با هم بود و در صلح و صفا باشیم تا آسیبی به این وحدت نرسد.

حدیث سی وسوم

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده:

«أَلمُؤمِنُون کرَجُلٍ واحِدٍ أذا اشْتَکی رأسَه تداعی له سائِرُ الجَسَدِ بالسَّهرِ والحُمّی؛ مؤمنین با هم مثل پیکر یک آدمند. اگر سر کسی درد بگیرد تمام اعضای بدن او به درد خواهند آمد.»

ما باید بدانیم که یکی هستیم و یک پدر و مادر داریم و یک امت اسلامی هستیم و باید یک دست باشیم. هر کسی از هم بستگی خارج شود، طعمه شیطان خواهد شد و از بین خواهد رفت. مسلمان بودن یعنی همراه با جماعت بودن، نه جدا جدا شدن؛ قدرت خدا نیز و لطف خدا بر سر جماعت خواهد بود. ما نباید تحت استکبار باشیم و در مقابل ظلم سکوت کنیم. ما نیازمند خدا هستیم، نه نیازمند استکبار.

حدیث سی وچهارم

امام صادق علیه السلام می فرماید:

«أَلمُؤمِنُ أَخُو المُؤمِنِ کالجَسَدِ الواحِدِ، ان اشْتَکی شیئاً منْه وجَدَ أَلَمَ ذلِکَ فی سائِرِ جسَدِه وأرْواحُهما منْ روْحٍ واحِدَهٍ؛ مؤمن برادر مؤمن است، هم چون یک پیکر که هرگاه عضوی از آن به درد آید دیگر اندام های آن نیز درد را حس می کنند؛ ارواح آنها از یک روح هست.»

اگر امروز در فلسطین و عراق افغانستان و کشمیر، ظلم و ستم می شود نباید ساکت و خاموش بمانیم باید عکس العمل نشان بدهیم چون از یک پدر و مادر هستیم و یک روح و یک اسلام داریم. پس باید درد دیگران را حس کنیم.

ص:۸۵

حدیث سی وپنجم

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

«ألمُؤمِنُونَ أخْوَه، تتَکافی دمائُهمْ وهمْ ید علی منْ سواهمْ یسْعی بذَمَّتِهمْ أدْناهمْ؛ مؤمنان برادر یک دیگرند خونشان برابر است؛ در برابر دیگران یک دست اند.»

هیچ وقت ما نمی توانیم ببینیم که مؤمن با مؤمن دیگر در جنگ و اختلاف به سر می برد؛ چون آنها از یک روح و از یک دینند و در مقابل دشمن یک دست اند و احکام دین و اسلام را با هم حفظ می کنند.

حدیث سی وششم

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

«ألا وان المُؤمِنینَ أذا تحآبّا فی ا عزَّ وجلَّ وتصافَیا فی اکانا کالجَسَدِ الواحِدِ، أذَا أشْتَکی أحَدُهما منْ جسَدِه موضِعاً وجَدَ الآخَرُ ألَمَ ذلِکَ المَوضَعَ؛ بدانید اگر مؤمنان برای خدای بزرگ به هم مهرورزند و برای خدا صادقانه دوستی کنند مانند یک پیکرند که هرگاه جایی از یک پیکر به درد آید، دیگری در همان قسمت از پیکر خود احساس درد می کند.»

مسلمانان باید برای خدا به یک دیگر کمک کنند و صادقانه کار بکنند و تصور نکنند که ما جدا جدا هستیم؛ چون شیطان و دشمنان اسلام از این فرصت سوءاستفاده خواهند کرد. مسلمان ها باید برای حفظ مسلمان های دیگر در مقابل دشمن قیام کنند تا دشمن از امت اسلام شکست بخورد.

حدیث سی وهفتم

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

«یدُ اعَلی الجَماعَهِ، والشَّیطانُ معْ منْ خالَفَ الجَماعَهَ یرْکُضُ؛ قدرت خدا بر سر جماعت است و کسی که با جماعت ناسازگار باشد شیطان با او است و همراه او می رود.»

ص:۸۶

اگر کسی با جماعت نباشد شیطان او را گمراه خواهد کرد، ولی اگر با جماعت باشد قدرت خدا بر سر او خواهد بود و شیطان توان گمراه کردن او را نخواهد داشت و از شر شیطان در امان خواهد ماند.

حدیث سی وهشتم

امام علی علیه السلام می فرماید:

«سَلامَهُ الدِّینِ والدُّنْیا فی مداراهِ النَّاسِ؛ سلامتی دین و دنیا در مدارا کردن با مردم است.»

اگر یک مسلمان می خواهد بین مردم خوب و محبوب باشد و دین و دنیایش را حفظ کند، باید با مردم با نرمی و حسن خلق رفتار کند تا با این رفتار آنها را تسخیر کند که انسانیت یک انسان به همین است.

حدیث سی ونهم

ابْنُ مسْعُودٍ می گوید:

«قَالَ رسُولُ ا صلی الله علیه و آله: لا تخْتَلِفُوا فَأنَّ منْ کانَ قبْلَکُمْ اخَتَلَفُوا فَهلَکُوا؛ پیامبراکرم صلی الله علیه و آله فرمود: اختلاف نکنید چون کسانی که قبل از شما اختلاف کردند هلاک و نابود شدند.»

در تاریخ تجربه شده است که با گروه گروه شدن نمی شود به پیروزی دست یافت، بلکه خود انسان (اختلاف کننده) نابود خواهد شد. آن چیزی که شما را در مقابل دشمن محکم می کند فقط و فقط با جماعت و یک دست بودن است.

حدیث چهلم

امام علی علیه السلام می فرماید:

«سَبَبُ الفُرْقَهِ الإخْتِلافُ؛ علت جدایی اختلاف است.»

دشمنان اسلام همیشه دنبال این هستند که بین مسلمان ها اختلاف بیندازند و اگر بین آنها اختلاف به وجود بیاید پشت آنها ضعیف و پشت دشمنان محکم خواهد شد و در نتیجه اسلام هم ضعیف خواهد شد.

۱– وحدت اسلامی در کلام مراجع تقلید و علما

۱. باید با وحدت، شمع دین را روشن نگهداشت.

۲. برای اتحاد بین المسلمین، به عقیده من سه کار باید کرد:

– اتحاد را تعریف کنیم؛

– به مقدسات یک دیگر اهانت نکنیم؛

– اتحاد را از صورت حرف و شعار درآوریم.

۳. همه باید برای ایجاد اتحاد ملی و انسجام اسلامی تلاش کنند، هرگاه میان مسلمانان تفرقه ایجاد شد، زمینه ای برای نفوذ و استعمار بیگانگان نیز مهیا گردیده است.

۴. شیعیان و اهل تسنن، هیچ فرقی باهم نمی کنند بلکه شما برادران ما و از خودمان هستید، هیچ فرقی بین ما و شما نیست، اختلافات دینی و علمی بین علما، اختلافات اساسی به شمار نمی رود و ریختن خون هر کس که بر زبان لا ـإله إلاّ ـا محمّد رسول ا را جاری کند، حرام است.

۵. اگر مسلمانان به وصیت پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله جامه عملی پوشانده بودند و با تمسک به دو میراث گران بهای آن پیامبر رحمت (کتاب و اهل بیت) اتحاد بین خودشان را حفظ کرده بودند، اکنون امت منسجم اسلامی بر جهان حکومت می کرد و در عصر کنونی نیز اگر همه مسلمانان یعنی دنیای اسلام که بیش از یک میلیارد نفر در دنیا جمعیت دارد یک پارچگی و انسجام بین خودشان را حفظ نمایند، بر همه جهان مسلط می شوند.

۶. قرآن کریم، ما را به سه وحدت دعوت می کند: وحدت ملی؛ وحدت منطقه ای؛ وحدت بین المللی.

وحدت ملی برای زندگی سالم و امن داخل مرزهای کشور است، وحدت منطقه ای، یعنی این که مسلمانان، یهودیان و مسیحیان که خدا را

قبول دارنـد با هم بـدون جنگ و خون ریزی زندگی کنند: اما وحدت بین المللی از این جهت است که انسان ها با سایر انسان ها فرقی از لحاظ ذات و ماهیت ندارند. و همگی خلق و بنده خدا هستند.

۷. تجربه تاریخی نشان می دهـد که غربی ها هر وقت مسـلمانان را در حال نزاع ببیننـد، درست در همان زمان موقعیت را برای حضور تجاوزگرانه مساعـد تشـخیص داده، ضـربه خود را وارد می کننـد. در شـرایط امروز درگیری های فرقه ای درون جهان اسلام، بزرگ ترین گناه کبیره است.

۸. اتحاد ملی و انسـجام اسلامی در کنار تقربی که بین مسلمانان وجود دارد باعث خواهد شد تا دشمن به اهداف شوم خود در قبال مسلمانان که ایجاد اختلاف و کینه است، دست پیدا نکند.

۹. دشـمنان اسـلام و انقلاب، با هراس و خشم از وحـدت مسـلمانان، ایجاد تفرقه بین شـیعه و سـنی را در دسـتور کار خود قرار دادند و به مقابله با این حرکت جهانی پرداخته اند، اما با هوشیاری مسلمانان این توطئه تا امروز نقش برآب شده است.

۱۰. انسجام اسلامی، یعنی کار و تلاش برای امت اسلام.

۱۱. وحـدت، جزء اصول کلی اسـلامی و در ردیف توحیـد، از طرف خداونـد متعـال مطرح شـده و در قرآن کریم هم بارها به وحـدت در میان مسـلمانان سـفارش و تأکید شده است. بسیاری فکر می کنند وحدت یک کار مسـتحبی است درحالی که از واجبات است.

۱۲. اتحاد، رمز پیروزی مسـلمانان است که مورد تأییـد امام راحل رحمه الله نیز بوده است. اکنون اسـتکبار از هر توطئه ای برای چیرگی بر مسـلمانان دنیا و به راه انداختن فتنه و جنگ بین شیعه و سنی استفاده می کنند. آن چه در عراق اتفاق می افتد نمونه ای بارز این استراتژی است.

اخیراً کتابی به نام نقشه ای برای جداء مکاتب الهی در آمریکا انتشار یافته است که در آن گفت وگوی مفصلی با «دکتر مایکل برانت» یکی از معاونان سابق سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) انجام شده است. وی در این گفت وگو به طرح هایی اشاره می کند که علیه شیعیان و مذهب شیعه تدارک دیده شده است. بخش هایی از این کتاب به طور خلاصه در زیر از نظر خوانندگان می گذرد:

«جهان اسلام از قرن ها پیش تحت سیطره دول غربی بوده است و اگرچه در یک قرن اخیر اغلب کشورهای اسلامی به ظاهر استقلال خود را به دست آورده اند، ولی نظام های سیاسی و اقتصادی و به خصوص فرهنگ این جوامع هنوز در کنترل غربی هاست و از آنها پیروی می کند.

درسال ۱۳۵۷ شمسی، با وقوع انقلاب اسلامی در ایران، آمریکایی ها متحمل خسارات سنگینی شدند. ابتدا ما فکر می کردیم این انقلاب خواست طبیعی جامعه مذهبی ایران است که رهبران مذهبی آن قصد بهره گیری از شرایط را دارند و با کنار رفتن شاه، ما می توانیم به مرور افراد مطلوب خود را بر روی کار بیاوریم و سیاست های خود را در ایران تداوم بخشیم.

اما با گذشت زمان و گسترش فرهنگ انقلاب اسلامی در کشورهای منطقه به خصوص در عراق، پاکستان، لبنان، کویت و دیگر کشورها متوجه شدیم که در تحلیل های خود اشتباه کرده بودیم.

در یک گردهمایی که با حضور مقامات سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) برگزار شده که در آن نماینده سرویس اطلاعاتی انگلیس (به علت تجارب زیاد این کشور در جوامع اسلامی) نیز حضور داشت، به این نتیجه رسیدیم که پیروزی انقلاب اسلامی فقط نتیجه سیاست های

اشتباه شاه در مقابله با این انقلاب نبوده، بلکه عوامل دیگر مانند قدرت رهبر مذهبی آن و استفاده از فرهنگ شهادت دخیل بودند که این فرهنگ از هزار و چهارصد سال پیش توسط نوه پیامبر اسلام (امام حسین علیه السلام) به وجود آمده است و هر ساله با عزاداری در ایام محرم این فرهنگ ترویج و گسترش می یابد. ما هم چنین به این نتیجه دست یافتیم که شیعیان بیشتر از دیگر مذاهب اسلامی فعال و پویا هستند.

در این گردهمایی تصویب شد که بر روی مذهب شیعه تحقیقات بیشتری صورت بگیرد و طبق این تحقیقات برنامه ریزی ها داشته باشیم.

به همین منظور ۴۰ میلیون دلار بودجه برای آن اختصاص دادیم و این پروژه در سه مرحله به ترتیب زیر انجام شد:

۱. جمع آوری اطلاعات و آمار؛

۲. اجرای اهداف کوتاه مدت با انجام تبلیغات علیه شیعیان و راه اندازی اختلافات مذهبی میان شیعیان با دیگر مذاهب اسلام؛

۳. اجرای اهداف بلندمدت جهت از بین بردن این مذهب.

براساس مرحله اول پروژه، محققانی به سراسر جهان اعزام شدند که به سؤالات زیر پاسخ داده شود:

الف) شیعیان در کدام مناطق جهان و در هر منطقه چه میزان نفوذ دارند؟

ب) چگونه تضادهای داخلی شیعیان را می توان تحریک نمود؟

ج) چگونه بین شیعیان و سنی ها اختلاف انداخته و از این اختلافات بهره برداری کنیم؟

پس از نظر سنجی ها و جمع آوری اطلاعات از سراسر جهان به نتایج مهمی دست یافتیم. ما متوجه شدیم که قدرت مذهب شیعه در دست مراجع و روحانیت می باشد. آنها در هر زمان و از این مذهب صیانت و پاسداری می کنند.

ص:۹۱

مراجع شیعه در طول تاریخ هیچ گاه از حاکم غیر اسلامی و ظالم تبعیت نکرده اند. در ایران با فتوای آیه ا شیرازی سیاست های انگلیس با شکست مواجه شد و حکومت شاه که هم پیمان آمریکا بود توسط آیه ا خمینی برچیده شد. در عراق صدام با تمام توان خود نتوانست حوزه علمیه نجف را مجبور به تبعیت از خود کند و به همین منظور مجبور شد. این مرکز دینی را تا سال ها از فعالیت باز دارد. در لبنان نهضت آیه ا امام موسی صدر ارتش های انگلیس، فرانسه و اسرائیل را مجبور به فرار از این کشور کرد و حزب ا لبنان نیز صدمات سنگینی را به ارتش اسرائیل در جنوب این کشور وارد کرد.

این تحقیقات ما را به این نتیجه رساند که به طور مستقیم نمی توان با مذهب شیعه رو در رو شد و امکان پیروزی بر آن بسیار سخت است و باید پشت پرده کار کنیم. ما به جای ضرب المثل انگلیسی «اختلاف بیانداز و حکومت کن» از سیاست «اختلاف بیانداز و نابود کن» استفاده کردیم.

در همین راستا برنامه ریزی های گسترده ای را برای سیاست های بلند مدت خود طرح کردیم. حمایت از افرادی که با مذهب شیعه اختلاف نظر دارند و ترویج کافر بودن شیعیان به گونه ای که در زمان مناسب علیه آنها توسط دیگر مذاهب اعلام جهاد شود. هم چنین باید تبلیغات گسترده ای علیه مراجع و رهبران دینی شیعه صورت دهیم تا آنها مقبولیت را در میان مردم از دست بدهند.

یکی دیگر از مواردی که باید روی آن کار می کردیم، موضوع فرهنگ عاشورا و شهادت طلبی بود که هر ساله شیعیان با برگزاری مراسمی این فرهنگ را زنده نگه می دارند. ما تصمیم گرفتیم با حمایت های مالی از برخی سخنرانان و مداحان و برگزار کنندگان اصلی این گونه مراسم که

افراد سودجو و شهرت طلب هستند، عقاید و بنیان های شیعه و فرهنگ شهادت طلبی را سست و متزلزل کنیم و مسائل انحرافی در آن به وجود بیاوریم، به گونه ای که شیعه یک گروه جاهل و خرافاتی در نظر آید.

در مرحله بعد باید مطالب فراوانی علیه مراجع شیعه جمع آوری شده و به وسیله مداحان و نویسندگان سودجو انتشار دهیم و تا ۱۳۸۹ ش، مرجعیت را که سد راه اصلی اهداف ما می باشد تضعیف کرده و آنان را به دست خود شیعیان و دیگر مذاهب اسلامی نابود کنیم و در نهایت تیر خلاص را بر این فرهنگ و مذهب بزنیم.

۲- ده راهکار عملی برای انسجام اسلامی

۱. وحدت اسلامی را از واجبات بدانیم؛

۲. به حج، به عنوان فرصت طلایی وحدت بیشتر توجه کنیم؛

۳. تحمل در برابر آراء و عقاید یک دیگر داشته باشیم؛

۴. انتقادی بدون اهانت به یک دیگر انجام دهیم؛

۵. از تأکید بی جا بر مسائل جزئی بپرهیزیم؛

۶. هیچ کس را تکفیر نکنیم؛

۷. در تبلیغ دین، مرزهای نژادی و جغرافیایی را نادیده بگیریم؛

۸. بر توصیه قرآن در سوره حجرات عمل کنیم؛

۹. نکات گفته شده را با دیگران در میان بگذاریم؛

۱۰. برای وحدت مسلمین دعا کنیم.

۳- ده راهکار عملی برای اتحاد ملی

۱. اتحاد ملی در گرو انجام احکام اسلامی است؛

۲. قانون اساسی، محور اتحاد ملی باشد؛

۳. با «من» مبارزه کنیم و «ما» شویم؛

۴. در پیمودن راه امام خمینی رحمه الله پیمان ببندیم؛

۵. پشتیبان ولایت فقیه باشیم؛

۶. حضور فعال و پرشور و نشاط در انتخابات داشته باشیم؛

۷. مقتدر و عزیز باشیم؛

۸. به خود اتّکا کنیم؛

۹. صرفه جویی نماییم؛

۱۰. احساس مسئولیت عمومی نسبت به سرنوشت جامعه داشته باشیم.

ص:۹۴

۲۵. آمدی تمیمی، عبد الواحد، غررالحکم و دررالکلم، تحقیق: میر سید جلال الدین حسینی ارسوی، دانشگاه تهران ۱۳۶۶ ش.

۲۶. الأمانی، ابو جعفر محمد بن حسن، معروف به شیخ الطوسی، منشورات بعث، دار الثقافه، قم.

۲۷. البخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، منشورات دارالفکر، بیروت.

۲۸. البعثه، محمد بن اسماعیل، خلق افعال العباد والرد علی الجهمیه و أصحاب التعطیل، قم.

۲۹. الحرانی، ابن شعبه، تحف العقول، منشورات جماعه المدرسین، قم ۱۴۰۴ ق.

۳۰. السیوطی، جلال الدین عبد الرحمن بن ابی بکر، الجامع الصغیر، منشورات دار الفکر، بیروت ۱۴۱۴ ق.

۱. الشیخ أبی عبدا محمد بن محمد بن النعمان العکبری المعروف بالشیخ المفید، الأمالی، منشورات جماعه المدرسین، قم.

۲. الطباطبائی البروجردی، لمحقق السید حسین، جامع الأحادیث الشیعه فی احکام الشریعه، منشورات المهر، قم.

۳. الطبرسی، ابی علی، مکارم الاخلاق، منشورات الرضی، قم ۱۳۷۰ ش.

۴. العاملی، الحر، الوسائل الشیعه، منشورات مؤسسه آل البیت علیهم السلام، لاحیاء التراث، قم ۱۴۱۴ ق.

۵. الفیض الکاشانی، لمولی محمد حسن، الوافی، منشورات مکتبه الإمام امیر المؤمنین، اصفهان ۱۳۱۱ ق.

۶. القزوینی، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، منشورات دار الکتب العلمیه، بیروت.

۷. الکلینی، لشیخ ابی جعفر محمد بن یعقوب، الکافی، منشوارت دار الکتب الاسلامیه، طهران ۱۳۸۸ ه ش.

۸. اللخمی الطبرانی، سلیمان بن احمد بن ایوب، المعجم الاوسط، منشورات دار

الحرمین، القاهره.

۹. المجلسی، لعلامه الشیخ محمد باقر، بحارالأنوار، منشورات مؤسسه الوفاء، بیروت.

۱۰. النیسابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، منشورات دارالفکر، بیروت ۱۴۲۱ ق.

۱۱. الهندی، لمتقی، کنز العمال، منشورات مؤسسه الرساله، بیروت ۱۴۰۸/۱۸۶۸ ق.

۱۲. الهیثمی، نور الدین، مجمع الزواید، منشورات دارالکتب العلمیه، بیروت ۱۴۰۶ ق.

۱۳. بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با شرکت کنندگان در «هم اندیشی علمای شیعه و اهل تسنن» ۱۳۸۶.

۱۴. ترمذی، ابوعیسی محمد بن عیسی بن سوره، سنن الترمذی، (الجامع الصحیح)، تحقیق احمد محمد شاکره، دار احیاء التراث، بیروت ۱۴۲۱.

۱۵. ری شهری، محمد، میزان الحکمه، منشورات دار الحدیث (عربی و فارسی ترجمه)، قم ۱۳۷۹ ش.

۱۶. شیبانی، ضحاک بن مخلف البانی، کتاب السنه، محمد ناصر الدین، عمان المکتب اسلامی (عربی)، بیروت (دمشق).

۱۷. صالح بن عبد ا بن حمید و عبد الرحمن محمد بن عبد الرحمن بن ملوح، نضره النعیم فی مکارم اخلاق رسول الکریم، منشورات دارالوسیله، جده.

۱۸. طبرانی، سلمان بن احمد عظیم آبادی، المعجم الصغیر، دار الکتب العلمیه، بیروت.

۱۹. لامام احمد بن حنبل، مسند احمد، منشورات دار صادر، بیروت.

۲۰. مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چهل حدیث، سال انتشار ۱۳۷۶.

۲۱. محمد بن علی بن حسین بن بابویه قمی، ابو جعفر، الأمانی، معروف به شیخ الصدوق، منشورات بعثت، قم.

۲۲. میبدی، رشید الدین احمد بن ابی سعید، کشف الأسراروعده الأبرار، انتشارات امیرکبیر، تهران.

۲۳. نامه ای از امام موسوی، ص ۴۱، ۴۲.

۲۴. ورام بن ابی فراس، مجموعه ورام، انتشارات مکتبه الفقیه، قم.

فهرست منابع احادیث

۱. البحار الانوار، ج ۵۹، ص ۲۹۱.

۲. البحار الانوار، ح ۷۸۰۷۴، ص ۷۲۸۱.

۳. البحار الانوار، ص ۳۸۰، ج ۶۵.

۴. الجامع الصغیر، ج ۲، ص ۵۳۲.

۵. الکافی، ج ۲، ص ۳۴۵.

۶. الکافی، ج ۲، ص، ۱۶۶.

ص:۹۶

۷. الکافی، ج ۲، ص ۱۶۳، جامع احادیث الشیعه، ح ۳۴۵۲۰ و ح ۲۸۳۶۱؛ وسائل الشیعه، ح ۳۳۶۱۶ باب ۱۸؛ بحار الانوار، ح ۳۷۷۱، باب ۲۰.

۸. الکافی، ج ۲، ص ۱۷۴.

۹. الکافی، ج ۵، ص ۵۵.

۱۰. الکافی، ج ۶، ص ۲۷۴، وسائل الشیعه، ج ۲۴، ص ۲۷۰.

۱۱. الکافی، ح ۴۱۶۶۲.

۱۲. المعجم الاوسط، ج ۶، ص ۵۸ و کنز العمال، ص ۶۷۹.

۱۳. المعجم الاوسط، ج ۷، ص ۲۷۰؛ المعجم الصغیر، ج ۲، ص ۵۰.

۱۴. امالی الصدوق، ص ۴۳۱، مجلس ۶۶؛ بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۳۰۳، ج ۷۱، باب ۲۰.

۱۵. امالی الطوسی، ج ۲، ص ۴۷۸؛ جامع احادیث الشیعه، ج ۱۷، ص ۵۰۱.

۱۶. أمالی المفید، ح ۱۳۸۷.

۱۷. بحار الانوار، ج ۸۵، ص ۱۳.

۱۸. بحار، ص ۳۱۶، ج ۷۴ و ج ۷۳، ص ۲۹۸، ح ۳۲.

۱۹. بغیه الباحث لابن ابی اسامه، ص ۷۵.

۲۰. خلق افعال العباد للبخاری، ص ۶۱.

۲۱. سنن ابن ماجه، ص ۱۰۱۶ ۲.

۲۲. سنن الترمذی، ج ۴، ص ۲۲۶.

۲۳. سنن الترمذی، ج ۳، ص ۲۲۸، ح ۱۹۵۶.

۲۴. صحیح البخاری، ج ۴، ص ۱۵۱.

۲۵. صحیح مسلم، ص ۸۲۰؛ و کنز العمال، ص ۶۷۴.

۲۶. غرر الحکم و درر الکلم للآمدی، ص ۱۰۷۶، بحار الانوار ج ۳۳، ص ۳۷۲.

۲۷. غرر الحکم، ص ۴۴۵، فواید المداراه، ص ۴۴۵.

۲۸. غررالحکم، ح ۱۰۷۱۹.

۲۹. کتاب السنه، ص ۱۳۹.

۳۰. کشف الاسرار و عده الابرار، ج ۹، ص ۲۵۸.

۳۱. کنز العمال، ج ۱، ص ۲۰۶.

۳۲. کنز العمال، ج ۱، ص ۲۹.

۳۳. کنز العمال، ج ۲۰، ص ۵۱.

۳۴. کنز العمال، ص ۲۰۶۱.

۳۵. کنز العمال، ص ۶۷۴، میزان الحکمه، (ترجمه فارسی) ج ۱، ص ۳۹۶، بحارالانوار، ج ۵۸، ص ۱۵۰.

۳۶. مجمع الزوائد، ج ۹، ص ۱۴۲.

۳۷. مجمع الزوائد، ص ۲۳۲.

۳۸. مسند احمد، ج ۲، ص ۳۱۲.

۳۹. میزان الحکمه، ج ۱، ص ۴۰۶.

۴۰. نضره النعیم، ص ۲، ص ۴۶.

فهرست منابع نظرات مراجع

۱. حضرت آیه ا امامی کاشانی (امام جمعه موقت تهران) خطبه نماز جمعه تهران، ۱۳۸۶/۱/۲۴.

۲. حضرت آیه ا جنتی، (دبیر شورای نگهبان).

۳. حضرت آیه ا جواد آملی، در دیدار با اعضای شورای مرکزی جامعه ای اسلامی، ۱۳۸۵/۱۲/۲۳.

۴. حضرت آیه ا سلیمانی، (نماینده ولی فقیه در سیستان و بلوچستان)، دیدار با هیئت رئیسیه و اعضای هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد زاهدان.

۵. حضرت آیه ا سیستانی، در دیدار با علمای عراق، در روز ۲۹ فروردین ۸۶.

۶. حضرت آیه ا فاضل لنکرانی، در دیدار با رهبر شیعیان پاکستان، ۱۳۸۶/۱/۲۷.

۷. حضرت آیه ا مظاهری، ۱۷ ربیع الاول، ۱۴۲۸ ض ق، ۱۳۸۶/۱/۱۶.

۸. حضرت آیه ا مکارم شیرازی، در مصاحبه با روزنامه کیهان، ۱۳۸۶/۲/۵.

۹. حضرت آیه ا نوری همدانی، در دیدار با مسئول کمیته امداد امام خمینی.

۱۰. حضرت آیه ا واعظ زادهٔ خراسانی، دبیر کل سابق و عضو فعلی مجمع تقریب مذاهب اسلامی، مصاحبه با روزنامه جمهوری اسلامی ۱۳۸۶/۱/۱۹.

۱۱. حضرت آیه ا واعظ طبسی، (تولیت حرم امام رضا علیه السلام جلسهٔ شورای عالی فرهنگی آستان قدس رضوی).

۱۲. حضرت آیه ا هاشمی رفسنجانی، (سخنرانی در بیستمین کنفرانس وحدت اسلامی) فروردین ۱۳۸۶.

۴- اتحاد و انسجام در احادیث نبوی

اشاره

بشیر احمد بتّ

دعوت به اتحاد و برادری در میان مسلمانان و دوری از تفرقه و پراکندگی، بارها در کلام الهی مورد تأکید قرار گرفته است. قرآن کریم مسلمانان را دعوت می کند تا به ریسمان خداوندی تمسک جویند تا دچار تفرقه نشوند.(وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّهِ جَمِیعاً وَ لا تَفَرَّقُوا...)۱ و همه مسلمین از هر نژاد و طایفه و فرهنگ، امت واحدی هستند:(إِنَّ هذِهِ أُمَّتُکُمْ أُمَّهً واحِدَهً)۲ فرقی میان عرب و عجم نیست؛ تفاخر و برتری های قومی، نژادی و زبانی همگی باطل بوده و تنها ملاک برتری تقوا و پرهیزگاری است. (إِنَّ أَکْرَمَکُمْ عِنْدَ اللّهِ أَتْقاکُمْ)۳

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز از آغاز دعوت خود تا زمان رحلت، منادی وحدت بود. هرچند که ایشان از میان قوم عرب بود لکن دعوت ایشان

فراتر از هرگونه مرزبندی سیاسی، قومی و فرهنگی بود که این امر در سیره آن بزرگوار و در نحوه رفتار با مسلمانان عرب و غیر عرب به وضوح دیده می شود.

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله همواره در اندیشه و علم و عمل برای وحدت و یک پارچگی مسلمان تلاش فراوانی نمودند. مبارزه با عوامل اختلاف و سعی و تلاش در ایجاد هم بستگی و اتحاد امت اسلامی از تلاش های اولیه و اساسی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می باشد. امیرمومنان علی علیه السلام درباره تلاش ایشان برای ایجاد وحدت و هم دلی بین مسلمین این چنین می فرماید:

«قد صرفت نحو أفئده الابرار، وثُنت الیه أزمه الأبصار، دفن به الضغائن، وأطفأ به الثوائر، ألف به اخواناً، وفرق به أقراناً، أعز به الذله، وأذل به العزه...؛(۱) دل های نیکوکاران شیفتهٔ او گشت، نگاه چشم ها به او دوخته شد، خداوند به وسیلهٔ او کینه های دیرینه را دفن کرد، شعله های فروزان دشمنی و عداوت را خاموش نمود، دل ها را با هم الفت داد و مردم را با هم برادر ساخت و دوستان (در کفر و جهالت) را از هم جدا کرد، ذلت ها را به عزت و عزت ها را به ذلت، تبدیل کرد.»

«... فلم به الصدع، ورتق به الفتق، وألف به الشَمل بین ذوی الأرحام بعد العداوه الواغره فی الصدور، والضغائن القادحه فی القلوب؛(۲) خداوند به وسیله پیغمبر جدایی ها را وصل، و فاصله ها را پیوسته کرد، میان خویشان الفت داد و یگانگی برقرار ساخت پس از آن که دشمنی ریشه دار در سینه ها و کینه های برافروخته در دل ها جای داشت.»

۱- (۱) نهج البلاغه، صبحی صالح، خطبه ۹۶.

۲- (۲) همان، خطبه ۲۳۱.

ولی نباید خیال کنیم وحدتی را که پیامبر به وجود آورد بدون زحمت و سعی و تلاش بود. شهید مطهری رحمه الله دراین باره می فرماید:

ما می گوییم پیغمبر وحدت بی نظیری ایجاد کرد و خیال می کنیم تنها چیزی که مؤثر بود، این بود که رسول اکرم صلی الله علیه و آله ایمان به خدا به آنها یاد داد و به بعد هم فرمان داد متحد باشید و آنها متحد شدند. فکر نمی کنیم که موانع و عوائق اتحاد را که همان ناهماهنگی ها و ناهمواری ها و پستی و بلندی ها و دست اندازها از ناحیه مواهب اجتماعی را از بین برد، هم مقتضی را ایجاد کرد و هم مانع را مفقود کرد.(۱)

امروز یکی از نیازهای اولیه و اساسی جهان اسلام، بازگشت به اتحاد و اقتدار و وحدتی است که پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله برای بنیان نهادن آن زحمات طاقت فرسایی را متحمل شدند و فعالیت های زیادی انجام دادند. در عصر کنونی، خود شخصیت خاتم المرسلین، از اساسی ترین و محورهایی اتحاد مسلمین می باشد.

رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله) می فرماید:

«یکی از عواملی که می تواند در این زمینه (اتحاد بین ملت های اسلامی) مرکز باشد، عبارت است از وجود مقدس نبی اکرم صلی الله علیه و آله.»(۲)

«آن چه که همهٔ مسلمان ها از لحاظ فکر و اعتقاد وحدت و تفاهم، روی او اشتراک دارند، وجود مقدس پیامبرخاتم و نبی اکرم حضرت

۱- (۱) یادداشت های شهید مطهری؛ ج ۹، ص ۱۵۰ و ۱۵۱.

۲- (۲) دیدار کارگزاران نظام و میهمانان خارجی کنفرانس بین المللی وحدت اسلامی ۱۳۷۴/۵/۲۴.

محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله است. این نقطه را باید بزرگ شمرد.»(۱)

خداوندی که توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله همهٔ دعاوی مبتنی بر فرقه گرایی، تفاخر و تعصب ورزی های نامشروع و نامعقول را درهم شکست، در عصر کنونی می تواند توسط این رسول الهی دیوارهای تعصب، تفاخر و فرقه گرایی را در هم شکند و اتحاد و انسجام اسلامی را ایجاد کند.

پس خدا بر ما شریعت ختم کرد بر رسول ما رسالت ختم کرد

رونق از ما محفل ایام را او رسل ختم و ما اقوام را

خدمت ساقی گری با ما گذاشت داد ما را آخرین جامی که داشت

قوم را سرمایه قوت از او حفظ سر وحدت ملت از او

حق تعالی نقش هر دعوی شکست تا ابد اسلام را شیرازه بست(۲)

قبل از ورود به متن اصلی ذکر چند نکته الزامی است:

۱. در این مجموعه، ترتیب احادیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به حسب منابع فریقین است. در ابتدا احادیثی که در کتب فریقین آمده ذکر شده و سپس احادیثی که در کتب اهل تشیع و اهل تسنن آمده، مطرح گردیده است و در نهایت هم برخی از احادیث ائمه معصومین علیهم السلام را ذکر کرده ایم.

۲. برای هر حدیث شرحی کوتاه و مختصر آورده شده است.

۳. در بین توضیحات، از اقوال برخی از متفکران و بزرگان اسلامی و منادیان وحدت و انسجام اسلامی استفاده شده است.

۴. در پاورقی برخی از احادیث برای واژهای ناآشنا و نامأنوس و یا چند معنایی، توضیحاتی داده شده است.

۵. در بعضی از پاورقی ها احادیث مشابه ذکر شده است.

۱- (۱) سخنرانی در جمع قاریان چهل کشور جهان، ۱۳۶۸/۱۲/۴.

۲- (۲) رموز بی خودی، ص ۱۳۲.

۶. در برخی از پاورقی ها برای منبع حدیث عبارت (با اندکی تفاوت) نقل شده است. مراد عبارت این است که تفاوت حدیث مذکور در این منبع از جهت بعضی از کلمات کم و زیاد بودن و یا جابه جایی آنهاست، نه از لحاظ مفهوم و مضمون آن.

به امید آن روزی که پرچم اتحاد اسلامی در سراسر جهان برافراشته شود و مسلمان زیر این پرچم اتحاد کلمه توحید را جلوه ای دوباره بخشنده.

اللهم صل علی محمّد واله محمّد وحلّنی بحلیه الصّالحین واَلبسنی زینه المتقین فی بسط العدل وکظم الغیظ واطفاء النّائره وضمّ اهل الفرقه واصلاح ذات البین....(۱)

ذی الحجه ۱۴۲۸

۱- (۱) دعاء مکارم الاخلاق، مفاتیح الجنان.

۱– منشور اتحاد اسلامی

حدیث اول

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«یَا أَیُّهَا النَّاسُ، ان ربَّکُم واحِدٌ وان ابَائَکُم واحِدٌ کلُّکُم لأدَم وأدَمُ من ترَابٍ ان اکرَمَکُم عندَ اللهِ اتقَاکُم ولَیسَ لعَرَبِیٍّ علی عجَمِیٍّ فَضلٌ الاَّ بالتَّقوَی؛(۱) ای مردم! پروردگار شما یکی است، پدران شما یکی است. همه از آدمید و آدم از خاک است، کسی از شما نزد خدا گرامی تر است که پرهیزکارتر است. عرب بر عجم برتری ندارد مگر پرهیزکارتر باشد.»

در این حدیث، درون مایه اصلی وحدت و صمیمیت و اتحاد مسلمانان از هر قوم و نژاد و ملت را، تقوا دانسته شده است؛ چون هرچه ایمان، باور و عمل خالص تر شود، تقوای الهی نیز بیشتر می گردد، مهر و محبت افزایش می یابد، دل ها به هم می پیوندند و به وحدت و صمیمیت و اتحاد می رسند. باید توجه داشته باشیم که ریشه اصلی تفرقه در جامعه اسلامی، بی تقوایی افراد است.

امام خمینی رحمه الله می فرماید: «... همین نژادبازی که اسلام قلم سرخ روی آن کشیده و مابین سیاه و سفید و مابین ترک و عرب و عجم هیچ فرقی نگذاشت و فقط میزان را تقوای واقعی قرار داد.(إِنَّ أَکْرَمَکُمْ عِنْدَ اللّهِ أَتْقاکُمْ) .»

از دیدگاه اسلام تعصبات نژادی و گرایش های نامعقول و تند و افراطی نسبت به زبان و قوم و ملیت خویش، یکی از بزرگ ترین موانع اتحاد مسلمانان محسوب می شود.

۱- (۱) تحف العقول، ص ۴؛ با اندکی تفاوت: معالم الحکومه ۴۰۴؛ بلاغه الامام علی بن الحسین علیه السلام، ص ۵۵، باب الخطب؛ با اندکی اختلاف جامع الاحادیث، ج ۳، ح ۷۵۳۶، ص ۱۰۰، حافظ جلال الدین عبد الرحمن السیوطی.

۲- رمز اتحاد اسلامی

حدیث دوم

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«أَلمُسلِمُونَ إِخوَةٌ لاَفَضلَ لأَحدٍ علی أَحَدٍ إَلَّا بالتَّقوَی؛(۱) مسلمانان با هم برادرند و هیچ کس بر دیگری برتری ندارد، جز به تقوا.»

اخوت و برادری، عاطفی ترین و صمیمی ترین نوع رابطه ای است که بین مسلمانان وجود دارد و پیامبر خواسته تا به بهترین وجه مسلمان ها را به هم پیوند دهد. قرآن نیز رمز وحدت مسلمانان را اخوت و برادری دانسته است.

رهبر معظم انقلاب می فرماید: «یکی از کارهایی که پیامبر، شاید در همان ماه های اول ورود به مدینه انجام دادند، ایجاد عقد اخوت بین مسلمان ها بود؛ یعنی مسلمان ها را باهم برادر کرد. این که می گوییم باهم برادر هستیم، در اسلام یک تعارف نیست؛ یعنی حقیقتاً مسلمین نسبت به یک دیگر دارای حق برادری هستند و نسبت به هم طلبکارند؛ هم چنان که برادران نسبت به هم مدیون یک دیگر هستند و باید نسبت به هم حقوق متقابلی را عمل کنند؛ پیامبر، این را عملی کرد.»(۲)

هدف نهایی فطرت و رمز مسلمانی.

جهان شمولی اخوت و فراوانی محبت است.(۳)

ص:۱۰۵

۱- (۱) کنزالعمال فی سنن الاقوال و الافعال، ج ۱، ص ۱۴۹، علاءالدّین بن علی المتّقی الهندی، مؤسسه الرساله ۱۴۰۹ ه ق؛ نهج الفصاحه، ح ۳۱۱۲، ترجمه ابراهیم احمدیان، جامع الاحادیث، ج ۷، ح ۲۳۵۳۸، ص ۴۴۴.

۲- (۲) ۱۳۶۸/۷/۲۸. به نقل از منشور اتحاد ملی و انسجام اسلامی؛ علی اکبر سبزیان، ص ۱۵۸، ۱۵۹.

۳- (۳) سونیش دینار (دیدگاه های علامه اقبال)؛ محمد بقایی ماکان، ص ۵۲.

۳- مشارکت و اتحاد اسلامی

حدیث سوم

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«أَلمُؤمِنُ للمُؤمِنِ کَالبُنیَانِ المَرصُوصِ یشُدُّ بعضُهُ بعضًا؛(۱) مؤمن نسبت به مؤمن مانند بنای استواری است که اجزای آن، یک دیگر را استحکام می بخشند.»

در این مثال بر وحدت مسلمین تأکید شده است. همان گونه ساختمان محکم از اجزای مختلف و متفاوت به وجود آمده، هدف واحدی را دنبال می کند، مؤمنین و مسلمانانی که از اقوام، نژادها و سرزمین های مختلف هستند، هدف واحدی دارند که همان اعتلای کلمه توحید می باشد، می توان گفت که پیامبر صلی الله علیه و آله می خواهد مسلمانان در همه امور با یک دیگر مشارکت و معاونت نمایند تا در سایه این مشارکت و همکاری دین و ایمان خود را حفظ کنند و نگذارند اجانب بر آنان تسلط پیدا کنند.

۴- ضامن و بقای اتحاد اسلامی

حدیث چهارم

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«خَیرُ المُؤمِنِینَ من کَانَ مألَفَهً للمُؤمِنِینَ ولاَ خیرَ فِیمَن لاَیَألَفُ ولاَیُؤلَفُ؛(۲) بهترین مؤمنان، کسی است که محور الفت مؤمنان باشد، کسی که انس نگیرد و با دیگران مأنوس نشود خیری ندارد.»

ص:۱۰۶

۱- (۱) صحیح مسلم، جلد ۴، ص ۱۹۹۹؛ نهج الفصاحه، حدیث ۳۱۰۳؛ جامع الاحادیث، ج ۳، ح ۲۳۴۵۲، ص ۴۳۲؛ تفسیر ابوالفتوح، ج ۲، ص ۴۵۰.۱۴ ابوالفتوح رازی، (در دو منابع اخیر کلمه المرصوص نیامده است).

۲- (۲) بحار الانوار، جلد ۷۱، ص ۳۹۳؛ با اندکی تفاوت جامع الاحادیث، ج ۳، ح ۲۳۴۶۴، ص ۴۳۴.

شکی نیست که محبت و دوستی یکی از عوامل و رموز اتحاد و انسجام دل هاست. جامعه ای که مهر و مودت و دوستی در آن حاکم باشد، از هر نوع اختلاف و فساد باز می ماند. محبت نه فقط فرد را به تعالی می رساند بلکه ضامن سلامتی و پیشرفت جامعه و ملت نیز می باشد. پیامبر نه تنها از مؤمنین و مسلمانان خواستار محبت و دوستی با یک دیگر است، بلکه تأکید دارد که محور محبت و الفت دیگران قرار بگیرید تا هر یک از شما بتواند هم بستگی نسبت به یک دیگر را حفظ نماید.

۵- امداد الهی در سایه اتحاد اسلامی

حدیث پنجم

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«مَا كَانَ اللهُ لِيَجمَعَ هذِهِ الأُمَّةَ على الضَّلاَلَةِ أَبَدًا، ويَدُ اللهِ على الجَمَاعَةِ... فَعَلَيكُم بسَوادِ الأَعظَمِ، فَإنَّهُ من شَذَّ شَذَّ فِي النَّارِ؛(۱) خداوند هیچ گاه اجتماع این امت را بر گمراهی و ضلالت قرار نداده است که دست خدا با جماعت است... پس به جمعیّت عظیم مسلمانان بپیوندید؛ همانا انسان تنها، بهره اش آتش است.»

تأکید بر چنگ زدن به اجتماع مسلمین و امداد الهی برای جماعت مسلمین، نشان از اهمیت اتحاد اسلامی و انسجام مسلمانان دارد.

امام خمینی رحمه الله می فرماید: «باید همه دست به هم بدهند» هر کسی به مقداری که قدرت دارد، خیال نکند یک نفر است - وقتی پهلویش نفرها واقع شد هم چون قطره های متصل سیل می شود و چون سیل ها با

۱- (۱) السنه لإبن أبی عاصم، ج ۱، ح ۶۸، ص ۹۰؛ با اندکی تفاوت نهج الفصاحه، ۳۲۱۱، ص ۸۸.

هـم متحـد شدنـد دریـا درسـت می شـود. جمـاعت وقـتی که بـاهم شـد پشتیبانشـان خـدای تبـارک و تعـالی است: «يَـدُ اللهِ مَعَ الجَمَاعَهِ».(۱)

اقبال لاهوری می گوید:

حرز جان کن گفته خیر البشر هست شیطان از جماعت دورتر(۲)

۶- اتحاد اسلامی، رحمت الهی

حدیث ششم

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«أَلجَمَاعَهُ رحمَهٌ والفُرقَهُ عذَابٌ؛(۳) جماعت وحدت، مایه رحمت و تفرقه موجب عذاب است.»

پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله هماننـد کتاب خدا، وحدت و انسـجام مسـلمانان را مایه رحمت شـمرده و حتی مؤمنین را منشـأ رحمت دانسـته و لـذا جـدایی و تفرقه بین آنها را جز عـذاب و ذلت چیزی نمی داند. مسـلمان به هر اندازه ای که به جماعت و وحدت مسلمین پیوند داشته باشد، به همان اندازه استقلال و استحکام خواهد داشت، ولی دوری از این جماعت باعث نکبت و خواری او می گردد.

اقبال لاهوری اشاره ظریفی در بیانات خویش به رحمت بودن وحدت مسلمین را دارد و چنین می سُراید:

فرد را ربط جماعت رحمت است جوهر او را کمال از ملت است

تا توانی با جماعت یار باش رونق هنگامه احرار باش(۴)

ص:۱۰۸

۱- (۱) امام خمینی، صحیفه نور، ج ۶، ص ۷۹.

۲- (۲) رموز بی خودی؛ محمد اقبال، ص ۴۷.

۳- (۳) السنه لإبن أبی عاصم، ج ۱، ص ۱۰۴؛ نهج الفصاحه، حدیث ۱۳۲۳.

۴- (۴) رموز بی خودی؛ محمد اقبال، ص ۷۷

۷. وحدت ستیزی، گسستن از اسلام

حدیث هفتم

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«مَن فَارَقَ الجَمَاعَهَ شبرًا خلَعَ اللهُ ربقَهَ(۱) الإِسلَامِ من عنُقِهِ؛(۲) هر کس یک وجب از جامعه مسلمین دور شود، خداوند رشته مسلمانی را از گردن او باز کند.»

در این حدیث اشاره به وحدت ستیزی شده و پیامبراکرم صلی الله علیه و آله حتی یک وجب گسستگی و دوری از جماعت مسلمانان را مساوی با گسستگی از اسلام دانسته است؛ یعنی مسلمان بودن مقید به اتحاد و انسجام با مسلمانان شده، لذا کسی که در پی اختلاف باشد از چارچوب اسلام خارج گشته است.

۸- نماد اتحاد مسلمین

حدیث هشتم

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«بُنِیِ الاِسلَامُ علی خمسَه: علی ان یوَحَّدَ الله واَقَامَ الصَّلَاه واَیتَاءَ الزَّکَاه وصیامَ رمضَانَ والحَجِّ؛(۳) اسلام بر پنج پایه نهاده شده است: توحید و یکی دانستن خدا، برپاداشتن نماز، پرداختن زکات، روزه ماه مبارک رمضان و حج بیت الحرام.»

۱- (۱) الرّبْقه: در واقع نام حلقه ای است در ریسمان که در گردن یا پای حیوان می بندند برای نگهداری او، پس این جا به عنوان استعاره برای اسلام آمده است، یعنی مسلمان توسط حلقه های اسلام جان و ایمان خویش را مراقبت می کند که عبارتند از: حدود، احکام، امر و نهی های آن. السنه لإبن أبی عاصم، ج ۲، ص ۴۲۱.

۲- (۲) کافی، ج ۱، ص ۴۰۴، محمد بن یعقوب کلینی، نهج الفصاحه ۲۷۶۹؛ السنه لابن ابی عاصم، ج ۲، ص ۴۲۱، با اضافه چند کلمه و بحارالانوار، ج ۲۷، ص ۶۷ و ۷۳، محمد باقر مجلسی.

۳- (۳) صحیح مسلم؛ ج ۱، ص ۴۵، در کتب شیعه ای به جای کلمه توحید، لفظ ولایت اهل بیت علیهم السلام ذکر شده است نگاه کنید! امالی، شیخ مفید؛ ۳۵۳.

در این حدیث مبارک به نمادهای اساسی و بنیادی اتحاد و انسجام اسلامی اشاره شده است: توحید، نماز، زکات، روزه، حج و یا به عبارتی ولایت ائمه، همه اینها سمبل و نماد وحدتند. اعتقاد موحدانه، برپایی نماز (بالأخص نماز با جماعت)، پرداخت زکات برای برطرف ساختن نیازهای مسلمانان، روزه گرفتن در یک ماه و در همه جای جهان، اجتماع عظیم الشأن حج در زمان و مکان معین، ارادت مسلمانان به اهل بیت پیامبراکرم صلی الله علیه و آله، همه در راستای اتحاد مسلمانان است. امام خمینی رحمه الله می فرماید: «وحدت کلمه، در زیر لوای توحید قابل جمع است.»

رهبر معظم انقلاب نیز می فرماید: «جای جای حج، مظهر اتحاد و انسجام اهل قبله و رنگ باختنِ تفاوت های طبیعی و اعتباری و برجسته شدن وحدت و برادری حقیقی و ایمانی آنهاست.»(۱)

شهید مطهری رحمه الله درباره این نماد وحدت می فرماید: «حج، رمز ریختن و شکستن تعیّن ها و غلاف ها و حصارهای خیالی و اعتباری است. همه دور یک خانه طواف کردن، رمز هدف واحد، فکر واحد و ایده واحد است.»(۲)

قوم را ربط و نظام از مرکزی روزگارش را دوام از مرکزی

راز دارد راز ما بیت الحرام سوز ما هم ساز ما بیت الحرام(۳)

۹- تفرقه، مرگی جاهلانه

حدیث نهم

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«مَن فَارَقَ الجَمَاعَةَ ماتَ میتَةً جاهِلِیَّةً؛(۴)

۱- (۱) پیام حج.

۲- (۲) سید حمید جاوید موسوی، اتحاد اسلامی در آثار شهید مطهری؛ ص ۶۷.

۳- (۳) رموز بی خودی، ص ۲۷۶.

۴- (۴) نهج الفصاحه، ح ۲۸۵۵؛ مسند ابن راهویه جزء ۱، ص ۱۹۲ و السنه لابن ابی عاصم، ج ۱، ح ۷۸، ص ۱۰۰ و ج ۲، ح ۷۵۰ ص ۴۲۹. با اضافه کلمه (من خرج عن الطاعه) در اول حدیث.

هر کس از گروه «مسلمانان» جدا شود بر مرگ جاهلیت بمیرد.»

تفرقه، یعنی جهالت و گمراهی. آری؛ کسی که همراه جماعت مسلمانان نباشد نمی تواند شناخت خوبی نسبت به رفتار و سلوک فردی و اجتماعی آنان داشته باشد ازاین رو همیشه در جهالت و گمراهی خواهد ماند و هیچ گاه به حقیقت و واقعیت دست پیدا نخواهد کرد. رسیدن مرگ نیز در چنین حالتی، جز مرگ جاهلیت چیز دیگری نیست. در مقابل اگر انسان با جماعت باشد و رفتار، کردار و اعتقادات یک دیگر را بشناسد، می تواند به حقیقت برسد و مرگ او نیز عالمانه خواهد بود.

۱۰- هم بستگی، حیات جامعه مسلمین

حدیث دهم

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«اَلْمُسْلِمُونَ کَالرَّجُلِ الْواحِدِ اذا اشْتَکی عضْوٌ منْ اعْضائهِ تداعی لهُ سائِر جسَدِهِ؛(۱) مسلمانان نسبت به هم دیگر هم چون یک مرد هستند که هرگاه عضوی از اعضای او دردمند شود، اعضای دیگر او نیز احساس درد می کنند.»

وحدت و هم بستگی جامعه مسلمانان، به وحدت و هم بستگی اعضای انسان تشبیه شده است.

شهید مطهری رحمه الله در توضیح این حدیث مبارک می فرماید: «یکی از

۱- (۱) کنزالعمّال، ح ۷۵۹؛ با اندکی تفاوت در جامع الاحادیث، ح ۲۳۴۷۰، ۲۳۴۷۱، ۲۳۴۵۷، ص ۴۳۳ و ۴۳۵؛ و نهج الفصاحه، ح ۱۱۳۹ و ح ۳۱۰۶، ص ۵۲۷ و ۵۳۰.مضمونی مشابه این حدیث در کتب دیگر مانند: صحیح بخاری؛ ص ۳۷، مسند احمد بن حنبل؛ ج ۴, ص ۲۷. این چنین آمده است: «مَثَل الْمُؤمنِینَ فِی توَادهِم وترَاحُمِهم وتعَاطُفِهم کَمَثَلِ الجَسَدِ الْواحِدِ اذا اشْتَکی منهُ عضْوٌ تداعی لهُ سائِرَ الجَسَدِ بالسَهَرِ والحِمی». به نقل از: تأملی بر مسئله وحدت از دیرباز تا دیروز؛ محمد حسین امیر اردوش، ص ۱۹.

علائم حیات جامعه این است که هم بستگی میان افرادش بیشتر است. خاصیت مردگی، متلاشی شدن و متفرق شدن و جدا شدن اعضای آن از یک دیگر است. خاصیت اجتماع نیز هم بستگی و پیوستگی بیشتر اعضا و جوارح آن اجتماع است.»(۱)

سعدی این حدیث را در قالب شعر بدین گونه می سراید:

بنی آدم اعضای یک دیگرند که در آفرینش ز یک گوهرند

چون عضوی بدرد آورد روزگار دگر عضوها را نماند قرار

۱۱- آثار اتحاد اسلامی

حدیث یازدهم

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«الْمُسْلِمُ منْ سلِمَ الْمُسْلِمُونَ منْ لسَانِهِ ویَدِهِ والْمُؤمن منْ أمنه الناس علی دمائَهم واموالهم؛(۲) مسلمان کسی است که مسلمانان از دست و زبانش در امانند و مؤمن کسی است که مردم او را بر جان و مال خویش امین بدانند.»

این حدیث بیانگر اثرات وحدت و هم بستگی - که بر اثر تعلیمات اسلامی، یک فرد مسلمان و مؤمن در پی سلامتی دیگر مسلمانان می باشد - و نیز، بیانگر رفتار اجتماعی مسالمت آمیز یک فرد مؤمن و مسلمان در سطح کلان جامعه مسلمین است که اثر این رفتار در بین مسلمانان، وحدت، هم دلی و اعتماد به یک دیگر خواهد بود.

۱- (۱) مرتضی مطهری، احیاء تفکر اسلامی؛ ص ۲۲.

۲- (۲) جامع الاحادیث، ج ۷، ح ۲۳۵۲۶، ص ۴۴۴؛ صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۵ و ج ۱، ص ۱۲۸؛ صحیح مسلم، ج ۱، ح ۵۰۰۶، ص ۱۱۴۵؛ سنن الترمذی جزء ۹، ح ۲۵۵۱، ص ۲۱۵؛ سنن النسائی، ح ۵۰۰۶، ص ۱۱۴۵؛ مسند احمد، جزء ۱۷، ح ۸۵۷۵، ص ۱۱۷ و جزء ۴۸، ح ۲۲۸۴۱، ص ۴۲۶، ۷۹، ۱۳۳، ۱۹۷ و ج ۱۸ ص ۱۱۷؛ با اندکی تفاوت در نهج الفصاحه، ح ۲۱۶۶، ص ۷۰؛ معانی الاخبار ۲۳۹.

اقبال لاهوری درباره هم زیستی مسالمت آمیز می گوید: معنای هم زیستی مسالمت این است که به کسی نگوییم خط و ربطت باطل است. اختلاف نباید سبب شود سر یک دیگر را بشکنیم.(۱)

فطرت مسلم سراپا شفقت است درجهان دست وزبانش رحمت است(۲)

۱۲- پرهیز از دشنام و لعن

حدیث دوازدهم

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«سِبَابُ الْمُسْلِمِ فُسُوقٌ وقِتَالُهُ کُفْرٌ؛(۳) دشنام دادن به مسلمان فسق است و کشتن وی مساوی است با کفر.»

یکی از اسباب اختلاف که در جامعه اسلامی مشاهده می گردد دشنام و تکفیر بعضی از گروه های مسلمین نسبت به یک دیگر است. برای ایجاد وحدت، پرهیز از این کارهای زشت واجب است. تکفیر و دشنام، افراد و گروه های مسلمان را به انزوا می کشاند و خشم و تعصب را شعله ورتر می کند. مسلمانان باید به این حدیث پیامبر توجه کامل داشته باشند. بعضی کشتن برخی مسلمانان را مباح دانستند و آن را امری پسندیده

۱- (۱) سونش دیدار؛ م. ب. ماکان، ص ۳۰۴.

۲- (۲) رموز بی خودی؛ ص ۲۶۷.

۳- (۳) صحیح بخاری، جزء ۱، ح ۴۶، ص ۸۴ و جزء ۱۸، ح ۵۵۸۴، ص ۴۷۵ و جزء ۲۱، ح ۶۵۴۹، ص ۴۶۷؛ صحیح مسلم، جزء ۱، ح ۹۷، ۲۰۲؛ سنن الترمذی جزء ۷، ح ۱۹۰۶، ص ۲۵۵ و جزء ۹، ح ۲۵۵۸، ص ۲۲۵؛ سنن النسائی، ح ۴۱۱۰ تا ۴۱۱۹، ص ۹۸۰ تا ۹۸۱؛ سنن ابن ماجه جزء ۱، ح ۶۸ ص ۷۸ و جزء ۱۱، ح ۳۹۲۹ تا ۳۹۳۱، ص ۴۲۷ تا ۴۲۹؛ مسند احمد، جزء ۳، ح ۱۴۵۵، ص ۴۶۵ وجزء ۷، ح ۳۴۶۵، ص ۵۰۰ و جزء ۸، ح ۳۷۰۸، ص ۲۴۳ و ح ۳۹۱۰، ص ۴۵۱ و جزء ۹، ح ۴۰۴۱، ص ۷۱؛ الکافی، ج ۲، ص ۳۵۹؛ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۸۰؛ بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۲۴۶، و ج ۷۲، ص ۱۴۸ و ۱۵۰؛ با اندکی تفاوت نهج الفصاحه، ح ۲۲۴۰.

می دانند غافل از این که طبق این حدیث، آنها خودشان کافرند و مرتکب گناه عظیمی شده اند.

۱۳- زمینه ها و مقدمات وحدت

حدیث سیزدهم

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«لِلْمُسْلِمِ علَی الْمُسْلِمِ ستٌّ بالْمَعْرُوفِ یسَلِّمُ علَیْهِ إِذَا لَقِیَهُ ویُجِیبُهُ إِذَا دعَاهُ ویُشَمِّتُهُ إِذَا عطَسَ ویَعُودُهُ إِذَا مرِضَ ویَتْبَعُ جنَازَتَهُ إِذَا ماتَ ویُحِبُّ لهُ ما یحِبُّ لنَفْسِهِ؛(۱) مسلمان را بر مسلمان شش حق است: وقتی او را می بیند سلامش می گوید و چون دعوتش می کند می پذیرد و چون عطسه می زند، خدا را برایش سپاس می گوید و چون بیمار می شود، عیادتش می کند و چون می میرد جنازه اش را تشییع می کند و آن چه برای خویش می پسندد برای او هم می پسندد.»

در این حدیث به برخی از رفتارهای اجتماعی هم چون سلام کردن، عیادت، اجابت دعوت مسلمان، شرکت در تشییع جنازه و... اشاره شده است که یک فرد مسلمان باید در روابط اجتماعی با دیگران به این نوع رفتار توجه داشته باشد چون این اعمال باعث صمیمت و مودت در سطح جامعه می شوند هم بستگی میان مسلمانان می شود.

۱- (۱) سنن الترمذی، ج ۹ ص ۳۸۶؛ صحیح مسلم، جزء ۱۱، ح ۴۰۳۲، ص ۱۲۷؛ سنن ابن ماجه، ج ۴، ح ۱۴۲۳، ص ۳۶۲؛ مسند احمد، جزء ۲، ح ۶۳۶، ص ۱۴۲ و جزء ۱۸، ح ۸۴۹۰، ص ۱۳۲؛ جزء ۱۹، ح ۸۹۷۳، ص ۱۶. (در کتب مذکور در برخی از احادیث به پنج و برخی دیگر به چهار حقوق اشاره شده است.) با اندکی تفاوت نهج الفصاحه، ح ۱۳۹۲ و ۲۲۷۲، ص ۱۹۴.

۱۴- زمینه های اختلاف و تفرقه

حدیث چهاردهم

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«لَاتَحَاسَدُوا ولَاتَنَاجَشُوا ولَا تبَاغَضُوا ولَا تدَابَرُوا ولَا يبِعْ بعْضُكُمْ علَى بيْعِ(۱) بَعْضٍ وكُونُوا عبَادَ اللَّهِ إِخْوَانًا الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ لا يظْلِمُهُ ولَا يخْذُلُهُ(۲) ولَا يحْقِرُهُ...؛(۳) حسودی مکنید و در معامله هم دیگر پا مگذارید و دشمنی مکنید و به هم پشت مکنید و در معاملات با هم دیگر خصومت مکنید. ای بندگان خدا! با هم برادر باشید. مسلمان برادر مسلمان است به او ظلم نمی کند و او را تنها و بی یاور نمی گذارد؛ یعنی اگر احتیاج به کمک داشته باشد به او کمک می کند و او را تحقیر نمی کند.»

حسد، کینه، تجسس، دخالت بی جا و... عواملی هستند که آتش تفرقه را شعله ور می کند، لذا پیامبر تأکید دارد که باید از این مسائل پرهیز نمود.

رهبر معظم انقلاب می فرماید: «مردمی که در بین خود دچار حسد باشند، دچار بدخواهی یک دیگر باشند، دچار حیله گری با یک دیگر باشند، دچار حرص به دنیا و غل نسبت به مال دنیا باشند و دچار کینه ورزی با یک دیگر باشند، در این جامعه حتی اگر قانون هم به طور دقیق عملی شود، سعادت در این جامعه نیست... این جامعه بشری مطلوب نیست، جامعه ای

۱- (۱) یقال باع فلان علی بیع فلان: این یک ضرب المثل قدیمی عرب است که برای مردی به کار می برند که با صاحبش بر سر چیزی خصومت می کند و او از روی نیرنگ می خواهد او را مغلوب نماید وقتی آن چیزی را با مهارت به دست می آورد می گویند: باع فلان علی بیع فلان. لسان العرب؛ ج ۸، ص ۳۶.

۲- (۲) . خذل: بمعنی ترک معونت و اعانت می باشد. همان.

۳- (۳) . صحیح مسلم، جزء ۱۲، ح ۴۶۵۰، ص ۴۲۶؛ سنن الترمذی، ج ۷، ص ۱۶۶؛ مسند احمد، جزء ۱۵، ح ۷۴۰۳، ص ۴۴۳، موطا مالک، ج ۵، ص ۳۹۶، مالک بن انس، با اندکی تفاوت نهج الفصاحه، ۲۴۴۲ و ۲۴۳۶، ص ۷۰

که انسان در آن احساس ناامنی کند، احساس کند که به او حسد می ورزند و نسبت به او بد دلی و کینه ورزی می کنند، برای او تؤطئه می چینند و نسبت به او و دارایی او حرص می ورزند، راحتی در این جامعه نیست.(۱)

۱۵- مبانی حقوقی وحدت مسلمین

حدیث پانزدهم

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«... كُلُّ الْمُسْلِمِ عَلَى الْمُسْلِمِ حرَامٌ دمُهُ وَمَالُهُ وعِرْضُهُ حسْبُ امْرِئٍ منْ الشَّرِّ أن يحْقِرَ أَخَاهُ الْمُسْلِمَ؛(۲) همه چیز مسلمان بر مسلمان حرام است؛ خونش، مالش، آبرویش. برای مرد همین شر بس است که برادر مسلمان خویش را تحقیر کند.»

بسیاری از فقهای اسلامی این روایت را زیربنای روابط اجتماعی و حقوقی می دانند و معتقدند: از آن جا که این روایت شامل سه حوزه مال، آبرو و جان مسلمانان می باشد، نقش پایه ای در تأمین حقوق هر انسان مسلمان پیدا می کند و همه عرصه های حقوقی مربوط به فرد را دربر می گیرد. احترام به مال و آبرو و جان مسلمان مسئله بنیادی اسلام است و احترام گذاشتن صرفاً یک عدم تعرض محدود نیست؛ بلکه رابطه ای برخوردار از سطحی عالی، یک تعامل مبتنی بر اصل کرامت انسانی و اسلامی و یک عامل شکل دهنده نظم جامعه اسلامی است. بنابراین جامعه ای که بر پایه احترام متقابل و نبود تعرض مستقیم و غیر مستقیم به حقوق دیگران شکل گرفته باشد، جامعه ای متحد، منسجم و خالی از هر نوع اختلاف و تفرقه است.

۱- (۱) سخنرانی در جمع بسیجیان، ۱۶.۱.۱۳۸۵.

۲- (۲) صحیح مسلم، ج ۱۲، ص ۴۲۶؛ سنن الترمذی ج ۷، ص ۱۶۶؛ سنن ابن ماجه، جزء ۱۲ ص ۲۵۷؛ نهج الفصاحه، ۲۱۶۶، ص ۷۰ و ۲۴۰.

۱۶- بهترین مسلمان، اتحادآور

حدیث شانزدهم

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«الْمُسْـلِمُ إِذَا کَانَ مخَالِطًا النَّاسَ ویَصْبِرُ علَی أَذَاهُمْ خیْرٌ منْ الْمُسْلِمِ الَّذِی لا یخَالِطُ النَّاسَ ولَا یصْبِرُ علَی أَذَاهُمْ؛(۱) مسلمانی که با مردم بیامیزد و بر آزارشان شکیبایی کند، بهتر است از مسلمانی که با مردم نیامیزد و بر آزارشان شکیبایی نکند.»

این حدیث بر اختلاط و اجتماع مسلمانان تأکید فراوان دارد، به گونه ای که حتی باعث اذیت و آزار برخی افراد نباید صحنه اجتماع مسلمین را ترک کرد بلکه باید با جماعت مسلمین متحد شد. البته این بدان معنا نیست که در رذایل اخلاقی و ناهنجاری های اجتماعی با آنها شریک باشیم، بلکه مراد از اجتماع و جماعت مسلمانان همان طور که در برخی از کتب های فریقین آمده است جماعت اهل حق است.

۱۷- ایمان واقعی در سایه هم بستگی

حدیث هفدهم

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«لَا یؤْمِنُ أَحَدُکُمْ حتَّی یحِبَّ لأَخِیهِ ما یحِبُّ لنَفْسِهِ؛(۲) هیچ یک از شما مؤمن (واقعی) نمی شود تا موقعی که آن چه برای خویش دوست دارد برای برادر (مسلمان) هم دوست داشته باشد.»

دوست داشتن، یکی دیگر از عوامل اتحاد و هم دلی محسوب می شود. پیامبر در این گفتار بر آن است تا ایمان واقعی مردم را در پی

۱- (۱) سنن الترمذی، ج ۹، ص ۴۷؛ جامع الاحادیث، ج ۷، ص ۴۶۲؛ کنز العمال، ج ۱، ص ۶۸۶، نهج الفصاحه، ص ۳۸۲.

۲- (۲) سنن النسائی، ح ۵۰۴۹، ص ۱۱۵۴؛ با اندکی تفاوت نهج الفصاحه، ح ۲۷۰۰، ص ۸۸.

دوست داشتن یک دیگر و خواسته های یک دیگر ارزیابی نماید. وقتی خواسته ها یکی شوند دیگر جایی برای تفرقه نخواهد بود، بلکه هم بستگی کامل برفرد و جامعه مسلمانان حاکم خواهد گشت.

۱۸- راهکارهای اتحاد اسلامی

حدیث هجدهم

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«ثَلَاثٌ لا یغِلُّ علَیْهِنَّ قلْبُ امْرِئٍ مسْلِمٍ إِخْلَاصُ الْعَمَلِ للَّهِ والنَّصِیحَهُ لأَئِمَّهِ الْمُسْلِمِینَ والُّلزُومُ لجَمَاعَتِهِمْ؛(۱) سه خصلت است که دل هیچ فرد مسلمانی به آن خیانت نکند: خالص نمودن عمل برای خدا خیرخواهی پیشوایان مسلمین، همراه بودن با جماعت مسلمین.»

در این حدیث به راه کارهای اساسی اتحاد اسلامی اشاره شده است؛ خلوص عمل، که جوهر عبادت و کارهای مسلمانان باید باشد؛ و خیرخواهی پیشوایان، که محور اتحاد هستند و اتحاد جز در سایه اطاعت و فرمانبری از آنها میسر نیست و سوم، همراه بودن با جماعت مسلمانان، که به معنای جدا نشدن و اختلاف و پراکندگی ایجاد نکردن در بین مسلمانان می باشد.

۱۹- هم بستگی مسلمانان نسبت به بیگانگان

حدیث نوزدهم

پیامبراکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«اَلْمُسْلِمُونَ یدٌ علی منْسواهُم تَتَکَافَا دمَاؤُهُم؛(۲) مسلمانان، یک دست (یک پارچه هم چون یک دست نیرومند) نسبت به

۱- (۱) جامع الاحادیث، ج ۷، ح ۲۳۸۲۲ و ر. ک: ح ۲۳۸۲۴، ۲۳۸۲۵ و ۲۳۸۲۷ تا ۲۳۸۳۰، ص ۴۸۴ تا ۴۸۶؛ الکافی، ج ۱، ص ۴۰۳.

۲- (۲) کنزالعمّال، ج ۲، ح ۴۴۱، ص ۴۰۲، ج ۱۱، ص ۳۱۶۴۷؛ الکافی، ج ۱، ص ۴۰۳؛ و با اندکی تفاوت در جامع الاحادیث، ج ۷، ح ۲۳۴۶۹، ص ۴۳۵.

بیگانگان هستند و خونشان برابر است.»

این گفتـار در واقع، بخشـی از قـدرت و عظمت مسـلمین را نشان می دهـد که مسـلمانان می توانـد با اتحاد و یک پارچگی در مقابل تجاوز بیگانگان صف آرایی کنند. امام خمینی رحمه الله در توضیح این حدیث مبارک می فرماید: «حتی تعبیر دو دست نفرمودند و باید شما اجتماع و وحدتتان را به جایی برسانید که بین خودتان جدایی نبینید و این دستور اسلامی است که با یک دیگر برادر باشید که هیچ قدرتی نتواند بر شما چیره شود.»(۱)

۲۰- نرمی و آسان گیری دو عامل اتحاد

حدیث بیستم

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله:

«اَلمُومِنُونَ هیِّنَونَ لیِّنُونَ کالجَمَلِ الالِفِ ان قیدَ انقَادَ واِذَا انیخَ علی صـخرَهٍ استِناخَ؛(۲) مؤمنان آسان گیر و نرمنـد؛ هم چون اشتر دست آموز که اگر ریسمانش را بکشند، می رود و اگر بر سنگی بخوابانش می خوابد.»

آسان گیری و نرمش، دو عامل اصـلی در تفاهمات اجتماعی، فرهنگی و... مسـتوجب بقا و پیشرفت یک قوم و ملت است. اگر روح تسامـح و نرمش، بر روابط فردی و اجتماعی یک ملت حاکم گردد اختلاف در سـطح جامعه به وجود نخواهـد آمد. اینها از عوامل تضمین کننده هم دلی و هم بستگی مسلمانان است.

۱- (۱) امام خمینی، ۱۶، ۱۰، ۶۱. به نقل از جهان اسلام مشکلات و راهکارها، سیدجلال میرآقوی.

۲- (۲) نهج الفصاحه، ح ۳۰۹۹، ص ۵۳۰؛ جامع الاحادیث، ج ۳، ح ۲۳۴۷۲، ص ۴۳۵.

۲۱- تفرقه باعث دین زدایی

حدیث بیست ویکم

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«أَلَا ان فِی التَّبَاغُضِ الحَالِقَهَ(۱) لَا أَعنِی حالِقَهُ الشِّعرِ ولکِن حالِقَهُ الـدِّینِ(۲) ؛ آگاه باشـید که در دشمنی ها، ستردن و تراشیدن نهفته است، اما نه تراشیدن مو، بلکه ستردن دین.»

دشـمنی بـا یک دیگر باعث تضـعیف نیرو و قـدرت مسـلمان می شود؛ در نتیجه، دین و عظمت آن که جز در سایه اتحاد و هم بسـتگی مسـلمان بقا و دوام نمی یابـد، از بین خواهـد رفت. بایـد از کینه و دشـمنی به طور جدی پرهیز کنم تا بتوانیم عظمت و قدرت اسـلام و مسـلمانان را در سـطح وسـیعی حفظ نماییم. در غیر این صورت سـرنوشت اسلام و مسلمانان مانند عصرکنونی خواهـد بود که مشاهـده می کنیم در حـال حاضـر کینه توزی هـا و دشـمنی هـای بی مورد و غیرمعقول، بسیاری از ملت هـا و کشورهای اسلامی، عظمت و قدرت خویش را از دست داده اند و اجانب بر آنان مسلط شده اند.

۲۲- اختلاف مایه دگرگونی قلب ها

حدیث بیست ودوم

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«إِستَوُوا ولَا تختَلِفُوا فَتَختَلِف قلُوبُکُم؛(۳) با

ص:۱۲۰

۱- (۱) الحالقه: مراد ازحالقه قطع رحم و ظلم به یک دیگر هم می باشد. لسان العرب: ج ۱۰، ص ۶۶.
۲- (۲) کافی، جلد ۲، ص ۳۴۶. با اندکی تفاوت در منابع گوناگون اهل سنت هم به همین مضمون روایت آمده است از جمله این دو حـدیث را ملاحظه فرماییـد!«اَلَا اخبِرَکُم بِاَفضَـلِ من درَجهِ الصَّلَاهِ والصِّیَام والصَّدَقهِ؟ قالُوا: بلی، قالَ: اصلَاح ذَات البَینِ، قـالَ: وفَسَـادُ ذَاتُ البَینِ هی الحَـالِقَهُ، ولَا اقُولُ تحلَقُ الشِّعرِ ولکِن تحلَقُ الـدِّینِ.» تفسـیر ابن کثیر، ج ۲ و ۳، ص ۴۱۲ و ۹۰. «دَبَّ اَلیکُم داءُ الاُمَمِ قبلَکُم الحَسَدُ والبَغضَاءُ والبَغضَاءُ هی الحَالِقَهُ، حالِقَهَ الدِّینِ لَا حالِقَهُ الشِّعرِ...» مسند احمد، ج ۳، ص ۳۴۷.
۳- (۳) نهج الفصاحه، ح ۲۸۸ و با اندکی تفاوت، ح ۲۸۹، ص ۸۸ کنزالعمال، حدیث ۸۹۵.

یک دیگر برابر باشید و دگرگون مشوید که دل هایتان دگرگون می شود.»

برابری و مساوات نکته قوت اتحاد و وحدت ملت هاست مسلمانان باید این محور را حفظ نمایند و از اختلافات پرهیز کنند؛ چون تفرقه مایه اختلاف قلب - که محور کارهای یک انسان است - می شود. لذا نباید به کارهایی دست زد که منجر به دگرگونی قلب ها گردد.

۲۳- دایره مسلمانی

حدیث بیست سوم

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«لَیسَ مِنّا من دعَیا إلی عصَبِیَّهٍ،(۱) ولَیسَ مِنّا من قاتَلَ علی عصَبِیَّهٍ ولَیسَ مِنّا من ماتَ علی عصَبِیَّهٍ؛(۲) کسی که برای تعصب و عصبیت دعوت کند از ما نیست و کسی که برای تعصب بجنگد از ما نیست و کسی که بر عصبیت بمیرد از ما نیست.»

در این حدیث، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یکی از زشت ترین خصلت ها که تعصب بی جا و باطل است را مورد مذمت شدید قرار می دهد. ایشان دعوت به عصبیت و جنگیدن برای آن و مردن در حالت عصبیت را، خروج از دایره اتحاد و اسلام دانسته؛ زیرا تعصب ورزی بی جا عمده ترین عامل اختلاف میان مسلمانان می باشد.

امام خمینی رحمه الله می فرماید: «عصبیت، یکی از اخلاق باطنه نفسانیه است که آثار آن مداخله کردن و حمایت نمودن از خویشاوندان و مطلق

۱- (۱) عصبیّه: یعنی دفاع از خویشاوندان و گروه چه ظالم باشد چه مظلوم. کتاب العین؛ ج ۲، ص ۳۶۷.

۲- (۲) سنن ابی داود، ۵۱۲۱. وباتوضیحات بیشتر در مسند ابن راهویه، جزء ۱، ص ۹۲، مثل همین حدیث در کتب شیعه با مضمون دیگری آمده است. «من تَعَصَّبَ وتُعُصِّبَ له فَقَدَ خلَعَ ربقَهَ الاِیمَانِ من عنقِه». اصول کافی، ج ۲، ص ۳۰۸.

متعلقان است، چه تعلق دینی و مذهبی و مسلکی باشد، یا تعلق وطنی و آب و خاکی و غیر آن، که منشأ بسیاری از مفاسد اخلاقی است و خود آن فی نفسه مذموم است، گرچه برای حق با امر دینی باشد و منظور اظهار حق نباشد بلکه منظور غلبه خود با هم مسلک خود یا بستگان خود باشد.»(۱)

۲۴- خیرخواهی برای اتحاد اسلامی

حدیث بیست وچهارم

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«مَن یضمِنُ لی خمسَه اضمِنُ له الجَنَه: النَّصِیحَه لله عزَّوَجَلَّ، والنَّصِیحَه لرَسُولِه، والنَّصِیحَه لِکِتَابِ الله، والنَّصِیحَه لدِین، والنَّصِیحَه لجَمَاعَهِ المُسلِمِین؛(۲) هرکس پنج چیز را برای من ضمانت کند من نیز در عوض بهشت را برایش تضمین می نماییم: خیرخواهی برای خدا، خیرخواهی برای پیامبرش، خیرخواهی برای کتاب خدا، خیرخواهی برای دین اسلام، خیرخواهی برای جماعت مسلمین.»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این گفتار وحدت آمیز خویش، خواستار خیرخواهی برای جماعت مسلمین هستند و در عوض آن بهشت را تضمین می نمایند. اهمیت خیرخواهی برای اتحاد مسلمین با توجه به سیاق گفتار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بیشتر روشن می گردد؛ چون جماعت مسلمین را هم ردیف خدا، پیامبر، قرآن و اسلام قرار داده است و از این جا معلوم می شود که مسئله وحدت مسلمانان یک مسئله توحیدی

۱- (۱) امام خمینی، چهل حدیث، ص ۱۲۵ و ۱۲۶.

۲- (۲) مشکاه الانوار ۳۱۰. علی بن حسن طبرسی، مشابه این حدیث در کتب اهل سنت آمده است از جمله... هنگامی که شخصی معنی (الدِّینُ النَّصِیحَهُ) را از پیامبر گرامی اسلام| می پرسد و ایشان می فرمایند: «مراد از آن خیر خواهی خدا، و برای کتاب خدا، و برای پیامبر خدا، و برای رهبران مسلمین و عامه مسلمین می باشد». صحیح مسلم، ح ۵۵، ص ۵۵.

است. به نظر می رسد جمله ارزشمند شیخ کاشف الغطاء: «بنی الاسلام علی کلمتین؛ کلم التوحید وتوحید الکلمه» ناظر به همین بیان باشد.

۲۵- محور اتحاد اسلامی

حدیث بیست وپنجم

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«أَنتُم اهلَ البَیتَ» أَهلُ اللهِ عزَّوَجَلَّ الَّذِینَ بهم تَمَتِ النِّعمَهَ وإِجتَمَعَت الفُرقَهَ وائتَلَفَت الکَلِمَهَ؛(۱) شما اهل بیت، اهل الله هستید که به برکت شما، نعمت کامل گشته و پراکندگی برطرف شده و اتحاد کلمه پدید آمده است.»

اتحاد و انسجام مسلمانان بر محور اهل بیت علیهم السلام امری ممکن و پسندیده است و همه مسلمانان جهان عظمت آن بزرگواران و نقش آنان در ترویج و تبیین دین مبین اسلام را قبول دارند؛ رفتار و گفتارشان می تواند الگو و نمونه ای مناسب برای مسلمانان باشد.

مقام معظم رهبری در این خصوص می فرماید: امیرالمؤمنین علیه السلام محور وحدت است. همهٔ دنیای اسلام در مقابل امیرالمؤمنین خاضعند و عامه دنیای اسلام امیرالمؤمنین علیه السلام را تجلیل می کنند... درباره او اشعار مدح آمیز دارند، نه فقط درباره امیرالمؤمنین بلکه درباره همه یا اغلب ائمه معصومین علیهم السلام اینها خاضعند.(۲)

۲۶- خطر تک روی

حدیث بیست وششم

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«ثَلَاثَهٌ لاتَسأَل عنهُم: رَجُلٌ فَارَقَ الجَمَاعَهَ

۱- (۱) الکافی، ج ۱، ص ۴۴۶.

۲- (۲) خطبه نماز جمعه تهران؛ ۱۵.۸.۱۳۸۳.

وعصَىِ إمَامَهُ وماتَ عاصِیاَوَ أَمَهٌ او عبدٌ ابقَ من سیِّدِهِ فَمَاتَ. وَ امرَأَهٌ غَابَ عنهَا زَوجُهَا وقد کَفَاهَا مؤُونَهُ الدُّنیَا فَتَبَرَّجَت بعدَهُ، فَلاَتَسأَل عنهُم؛(۱) از سه کس مپرس: ۱. مردی که از جماعت مسلمین دوری گزینند و امام خود را نافرمانی کند و در آن حال بمیرد. ۲. کنیز یا بنده ای که در حال گریز از آقای خود بمیرد. ۳. زنی که شوهرش از او دور باشد و مخارج او را بپردازد و در غیبت شوهرش، آرایش و خودنمایی کند، از اینها مپرس.»

اگرچه در این حدیث شاهد مثال همان مورد اول است، ولی هر سه مورد نوعی دوری از هم بستگی و عقوبت آن را بیان می دارد. از دیدگاه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله کسی که از جماعت مسلمانان فاصله گرفته و نیز از امام مسلمین که محور اتحاد و انسجام است، نافرمانی کرده باشد، نباید درباره اش نگرانی بد، خرج داد چون چنین کسی عصیان نموده است و اگر بمیرد عاصی خواهد مرد.

۲۷- وحدت، شرط مسلمانی

حدیث بیست وهفتم

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«مَن اصبَحَ ولَما یهتَمَّ بأَمُورِ المُسلِمِینَ فَلَیسَ منهُم. من سمِعَ رجُلاً ینَادِی یا للمُسلِمِین فَلَم یجِبهُ فَلَیسَ بمُسلِمٍ؛(۲) هرکس روز خویش را آغاز کند و به کارهای مسلمانان اهمیتی، مسلمان نیست و هرکس بشنود که کسی مسلمانی را به کمک فرا می خواند، ولی پاسخش ندهد، مسلمان نیست.»

ص:۱۲۴

۱- (۱) نهج الفصاحه، ح ۱۲۲۴.

۲- (۲) وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۳۳۶ محمد بن حسن حر عاملی، مؤسسه آل البیت قم ۱۴۰۹ ه. ق؛ اصول کافی، ج ۲، ص ۱۶۳؛ با اندکی تفاوت نهج الفصاحه، ح ۲۹۵۵، ص ۴۱، ۱۳۸۵.

اهتمام ورزیدن به کارهای مسلمانان، هم بستگی و وحدت را در پی خواهد داشت. تأکید پیامبر صلی الله علیه و آله نیز به همین علّت است؛ چون مسلمان وقتی مسلمان است که به فکر امور و کارهای دیگر مسلمانان باشد. به گفته شهید مطهری رحمه الله مسلمان شرط مسلمانی اش، هم دردی و هم دلی است.(۱)

۲۸- نهی از ترساندن مسلمان

حدیث بیست وهشتم

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«لَاتَرَوَّعُوا المُسلِمَ فَإِنَّ روعَةَ المُسلِمِ ظلمٌ عظِیمٌ؛(۲) مسلمان را مترسانید او ستمی است بزرگ.»

یکی از موانع اتحاد و انسجام مسلمانان ایجاد رعب و وحشت و ترس در دل های مسلمانان است. با ترجمه به اهمیت امر اتحاد از دیدگاه پیامبر ایشان ترساندن مسلمان را مساوی با ظلمی بزرگی دانسته است. این ترس همه انواع آن را دربر می گیرد چه از حیث جان، مال، آبرو، پیشرفت و... چه از حیث دائره و محدوده آن.

حدیث بیست ونهم: اطاعت، مساوی با وحدت

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«إِسمَعُوا وأَطِیعُوا لمَن ولَّاهَ اللهُ الأَمرُ، فَإِنَّهُ نظَامُ الإِسلَام؛(۳) به فرمان حاکمان الهی گوش فرا دهید و از آنها اطاعت کنید؛

زیرا اطاعت از رهبری مایه وحدت امت اسلام است.»

در این حدیث به نظام و وحدت امت اسلامی اشاره شده که جز در سایه اطاعت و پیروی از حاکمان اسلامی میسر نیست؛ چون رهبریت و

۱- (۱) احیاء تفکر اسلامی، ص ۲۸

۲- (۲) نهج الفصاحه، ح ۲۴۵۰، ص ۱۰۷ و با اندکی تفاوت، ح ۲۵۲۶، ۲۹۰۱.

۳- (۳) امالی مفید، ج ۱، ص ۱۴، مجلس ۲، ح ۲.

حاکمیت اسلامی نقش محوری در اتحاد اسلامی دارند. لذا اطاعت از آنها بر امت اسلامی واجب.

۳۰- ایمان، بنیاد اتحاد اسلامی

حدیث سی ام

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«اَلْمُؤْمِنُونَ کَالنَّفْسِ الْواحِدَهِ؛(۱) مؤمنان هم چون یک روح هستند.»

این حدیث، اساس و بنیاد وحدت و هم دلی را، ایمان می داند.

استاد شهید مطهری رحمه الله می فرماید: «آن عاملی که واقعاً افراد را هم روح می کند، ایمان است. هرگز تاریخ جهان اتحادی را که در میان هم دین ها و هم ایمان ها بوده است در میان گروه های دیگر نشان نداده است که اصلاً خودشان را یکی ببینند.»(۲)

اقبال لاهوری چه زیبا سروده:

مؤمنان معدود لیک ایمان یکی جسمشان معدود لیکن جان یکی(۳)

۳۱- پیامدهای اختلاف

حدیث سی ویکم

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«مَا اختَلَفَ أُمَهٌ بعدَ نبِیِّهَا الاَّ ظهَرَ أَهلُ باطِلِهَا علی اهلِ حقِهَا؛(۴) هیچ امتی پس از پیامبرشان، اختلاف نکردند مگر آن که گروه باطل بر حق گرایان چیره شدند.»

۱- (۱) ابوالفتوح رازی، تفسیر ابوالفتوح، ج ۲، ص ۴۵۰.

۲- (۲) اتحاد اسلامی در آثار شهید مطهری؛ ص ۱۰۱.

۳- (۳) رموز بی خودی؛ ص ۱۷۹

۴- (۴) کنزالعمال، ح ۹۲۹.

وقتی امت و ملتی دچار اختلافات می شوند، اهل باطل و فرصت طلبان از این اختلافات به نفع خویش استفاده می کنند و زمام امور آن ملت را که بر حق هم بوده اند، به دست خویش می گیرند. این هشداری است که پیامبراکرم صلی الله علیه و آله به امت واحده خویش گوش زد می کند تا مبادا این امت هم دچار سرنوشت امت گذشته گردد. ولی متأسفانه مسلمانان و بالأخص حاکمان دولت های اسلامی این هشدار را نادیده گرفته و لذا در عصر حاضر شاهد سیطره و چیرگی اهل باطل بر مملکت های اسلامی و سرزمین های مسلمانان هستیم.

رهبرمعظم انقلاب می فرماید: «امروز این ضعف و ذلتی که مسلمانان کشورهایی در دنیا دچار آن شده اند، ناشی از همین تفرق و اختلاف است.»(۱)

۳۲- اختلاف، موجب هلاکت

حدیث سی ودوم

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«لَا تختَلِفُوا، فَإِنَّ من كَانَ قبلَكُم اختَلَفُوا فَهَلَكُوا؛(۲) اختلاف نکنید، آنان که قبل از شما بودند اختلاف کردند و هلاک شدند.»

یکی از پیامدهای مهم اختلاف ملت ها، هلاکت و نابودی آنهاست. تاریخ شاهد بر این وقایع است که اقوام گذشته بر اثر اختلاف و تفرقه نابود شدند. قرآن کریم نیز به صراحت به این پیامد نابودکننده اشاره دارد سوره انفال آیه شماره ۳۶ می فرماید:(وَ لا تَنازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِيحُكُمْ) .

اولین منادی اتحاد اسلامی در قرن بیستم، سید جمال الدین اسدآبادی در این زمینه می گوید: «تجربه تاریخی نشان می دهد که عروج و سقوط نژادها و اقوام و ملل، در گرو اتحاد و عدم آن بوده است این ناموس

۱- (۱) روز ولادت پیامبر اکرم| و امام صادق علیه السلام، ۱۴.۶.۱۳۷۲.

۲- (۲) کنزالعمال، ح ۴۸۹.

خداونـدی است که نصـیب هر ملتی از هستی، تنها به مقـدار بهره ای است که از اتحاد و اتفاق برده است و خداوند هیچ قومی را هلاک نساخته مگر پس از آن که به تفرقه و نفاق مبتلا شدند.»(۱)

شهید مطهری رحمه الله می فرماید: «یکی از عواملی که مایه فنای اقوام است تفرق و تشـتت است: دست دست شدن، فرقه فرقه شـدن، دو قـبیله شـدن، هر دسـته ای یـک فکری، عقیـده ای، مسـلکی داشـتن، هر دسـته ای در گوشه ای یـک کشور تشـکیل دادن.»(۲)

۳۳- عوامل مثبت اتحاد اسلامی

حدیث سی وسوم

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«الْمُسْلِمُ أَخُو الْمُسْلِمِ لایَظْلِمُهُ ولَا یسْلِمُهُ ومَنْ کَانَ فِی حاجَهِ أَخِیهِ کَانَ اللَّهُ فِی حاجَتِهِ ومَنْ فَرَّجَ عنْ مسْلِمٍ کُرْبَهً فَرَّجَ اللَّهُ عنْهُ کُرْبَهً منْ کُرُبَاتِ یوْمِ الْقِیَامَهِ ومَنْ ستَرَ مسْلِمًا ستَرَهُ اللَّهُ یوْمَ الْقِیَامَهِ؛(۳) مسـلمان برادر مسـلمان اسـت، نه به او ظلم می کنـد و نه از او دست می کشـد تا هر کاری بخواهـد انجام دهـد؛ (یعنی او را به حال خود وانمی گـذارد. و کسـی که حاجت برادر (مسـلمان) خویش را برآورده کند خدا حاجت او را برآورده می کند و کسـی که مصـیبتی از مسلمان دور کند خدا غمی از غم های روز قیامت را از او دور می نماید و کسی که مسلمانی را بپوشاند خداوند در روز قیامت او را خواهد پوشاند.»

برخی از عواملی که می تواند نقش مثبت و سازنده ای در امر اتحاد و انسجام

ص:۱۲۸

۱- (۱) مقـاله الوحـده و السـیاسه، ص ۷۴؛ بـه نقـل از انـدیشه اصـلاحی در نهضت هـای اسـلامی اخیر، ص ۱۸۳، محمد جواد صاحبی، دفتر تبلیغات اسلامی قم، ۱۳۷۴.

۲- (۲) مجموعه آثار؛ ج ۲۵، ص ۳۰۷.

۳- (۳) صحیح بخاری، جزء ۸، ح ۲۲۶۲، ص ۳۰۹.

مسلمانان داشته باشد، کمک و یاری آنان نسبت به هم دیگر است بالأخص برطرف کردن نیازهای اقتصادی، اجتماعی، فردی و غم های یک دیگر است. در چنین موارد انسان بیشتر نیازمند به هم یاری و هم دردی است. به علاوه این کارها منجر می شود به وحدت و هم دلی مسلمانان که مقصد و هدف اصلی این سخن گران بهای پیامبراکرم صلی الله علیه و آله است و اجر معنوی نیز دربر دارد.

۳۴- اختلاف، نابودگر مسلمانان

حدیث سی وچهارم

پیامبراکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«إِذَا أَشَارَ الْمُسْلِمُ علَى أَخِيهِ الْمُسْلِمِ بالسِّلَاحِ فَهُمَا علَى جرُفِ(۱) جهَنَّمَ فَإِذَا قتَلَهُ خرَّا جمِيعًا فِيهَا؛(۲) وقتی مسلمانی اسلحه ای علیه برادر مسلمان دیگر می کشد پس هر دوی آنها درآبکند دوزخ می باشند و وقتی او را می کشد هر دو در آن می افتند.»

این حدیث مبارک به اثر نابود کردن مسلمان اشاره کرده است. کشیدن اسلحه که باعث از بین رفتن اتحاد و هم بستگی مسلمانان، می شود و نه فقط منجر به ذلت و خواری در دنیا می گردد، بلکه اگر این اسلحه کشی به مسلمان کُشی تبدیل شود جایگاه آنها جهنم خواهد بود. لذا مسلمانی که کلمه لا اله الا الله بر لبش زمزمه می کند به هیچ وجه راضی به انجام چنین کار قبیحی نمی شود. بنابراین ما کسانی که به اسم مسلمان علیه برادران مسلمان دیگر در کشورهای مختلف اسلامی اسلحه می کشند و آنان را به طرزی فجیع به قتل می رسانند، نمی توانند مسلمان باشند، بلکه آلت و دست استعمار و دشمنان اسلام هستند.

ص:۱۲۹

۱- (۱) جرف: یعنی پایه ضعیف.

۲- (۲) سنن النسائی ح ۴۱۲۲، ص ۹۸۱؛ کنز العمال، ح ۳۹۸۹۹.

۳۵- سزای تفرقه انداز

حدیث سی وپنجم

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«لَا یحِلُّ دمُ امْرِئٍ مسْلِمٍ إِلَّا بِإِحْدَی ثَلَاثٍ النَّفْسُ بالنَّفْسِ والثَّیِّبُ(۱) الزَّانِی والتَّارِکُ دینَهُ الْمُفَارِقُ أَوْ الْفَارِقُ الْجَمَاعَهَ؛(۲) ریختن خون مسلمان جز در سه حالت روا نمی باشد؛ کسی که مرتکب قتل نفس شود، مردی که زن داشته باشد و زنا کند و کسی که از اسلام دست بردارد و یا از جماعت (مسلمین) جدا شود.»

از نگاه پیامبراکرم صلی الله علیه و آله کسی که از جماعت مسلمین دوری گزیند و باعث تفرقه مسلمین گردد، سزای او کشتن است، زیرا بالاترین عامل شکست و ذلت و سقوط امت اسلامی، تفرقه و اختلاف است. لذا فتنه انگیز و تفرقه افکن مستحق قتل است، بلکه حتی کسی که شعار تفرقه دهد و قدم نخستین در اختلاف میان مسلمانان را بردارد، سزاوار قتل می باشد.

۳۶- گستره اتحاد اسلامی

حدیث سی وششم

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«اَلمُؤمِنُونَ بعضُهُم لبَعضٍ نصحَهٌ(۳) وادُّونَ وان افتَرَقَت مَنازِلُهُم وَاَبدَانُهُم والفَجَرَهُ(۴) بعضُهُم لبَعضٍ غَشَشَهٌ(۵) یتَخاذَلُونَ وان اجتَمَعَت مَنَازِلُهُم واَبَدَانُهُم؛(۶) افراد با ایمان، بعضی برای بعضی دیگر، خیرخواه هستند و با

۱- (۱) الثَّیِّبُ: زن بیوه و یا مردی که همسر داشته باشد. لسان العرب.

۲- (۲) مسند احمد، جزء ۹، ح ۴۱۹۷، ص ۲۳۲؛ کنز العمال، ح ۳۸۰.

۳- (۳) نصحه: نصح الشیء یعنی خلص و اصل النّصح أی الخلوص. لسان العرب، ج ۲، ص ۶۵.

۴- (۴) الفجره: حلف فلان علی فجره و اشتمل علی فجره اذا رکب امرا قبیحا من یمین کاذب أو زنا أو کذب. همان؛ ج ۵، ص ۴۷.

۵- (۵) غشش: الغش، نقیض النصح و هو مأخوذ من الغشش المشرب المکدر. همان، ج ۶، ص ۳۲۳.

۶- (۶) جامع الاحادیث، ج ۳، ح ۲۳۶۱۶، ص ۴۵۳. کنز العمال، ح ۷۵۷.

یـک دیگر مهر و محبت می ورزنـد، گرچه منزل هایشـان و جسم هایشـان از یـک دیگر جـداست و گنـاه کاران، بعضـی برای بعضی دیگر، بدخواه هستند و یک دیگر را یاری نمی کند گرچه منزل هایشان و جسم هایشان یکی باشد.»

ایمـان ملاـک و اسـاس وحـدت اسـت، مؤمنین چـون هرجـا و هر کجـا که باشـند دلشـان برای یـک دیگر می تپـد و مرزهـا و محدودیت های جغرافیایی و منطقه ای و نسلی و نژادی و... مانع اتحاد آنها نمی شود.

امام خمینی رحمه الله می فرمایـد: «مرزها جدا، قلب ها باهم. اگر چنان چه مسـلمین با هم اتحاد کنند با حفظ مرزهای خودشان لکن قلب های شان باهم متحد باشد اینها جمعیت کثیری هستند.»(۱)

اقبال لاهوری می فرماید:

جوهر ما با مقامی بسته نیست باده تندش به جامی بسته نیست

هندی و چینی و سفال جام ماست رومی و شامی گل اندام ماست

قلب ما از هند و روم شام نیست مرز و بوم او به جز اسلام نیست(۲)

۳۷- اختلاف افکن، ملعون درگاه الهی

حدیث سی وهفتم

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«ثلاثَه لعَنَهم الله تعَالی: رجلٌ رغِبَ عن والِدَیه ورَجلٌ سـعَی بینَ رجُلٍ واِمرَأه یفَرِّقُ بینَهمَا ثُمَ یخلُفُ علَیها من بعدِه ورجُلٌ سـعَی بینَ المُؤمِنِینَ بالاَحـادِیثِ لیتَبَاغَضُوا او یتَحَاسَـدُوا؛(۳) سه کس هسـتند کـه خـدا آنهـا را لعنت کرده است: کسـی که به پـدر و مادرش بی اعتنایی کند، کسی که میان مرد و زنی سعایت کند تا میان آنها

۱- (۱) صحیفه نور؛ ج ۱۰، ص ۲۲۳.

۲- (۲) رموز بی خودی، ۱۷۹.

۳- (۳) کنز العمال، ح ۴۳۹۳۰.

جدایی و اختلاف بیندازد و سپس خودش با آن زن ازدواج کند، و کسی که میان مؤمنین سخن چینی کند تا آنان نسبت به یک دیگر دشمنی و حسد بورزند.»

اگر اندکی به حدیث مذکور توجه کنیم، خواهیم فهمید که هر سه گروه یعنی پدر و مادر، زن و شوهر و مؤمنین، نوعی اتحاد و هم بستگی را برای جامعه مسلمین به وجود می آورند و نقش اساسی در یک پارچگی جامعه ایفا می کنند؛ لذا قرآن اطاعت از پدر و مادر را در شش جا هم ردیف توحید الهی دانسته و زن و شوهر را منبع وحدت و مجسمه رحمت و مودت می داند و برادری و یک پارچگی مؤمنان را نیز دلیلی بر رحمت الهی دانسته است.

۳۸- اصول و مبانی اتحاد اسلامی

حدیث سی وهشتم

امیرمؤمنان علی علیه السلام فرمود:

«و الظَّاهِرُ ان دینُنَا واحِدٌ ونَبِیُّنَا واحِدٌ ودَعوَتُنَا فِی الِاسلَامِ واحِدَهٌ...؛(۱) بدیهی است که پروردگار ما یکی است و پیغمبر ما یکی است و دعوت ما در اسلام یکی است.»

این جمله بخشی از نامه ای است که امام علی علیه السلام برای مردم جهان اسلام نوشته و در آن از سرپیچی مردم شام شکایت کرده است. پس از آن در توضیح این جمله فرموده است:

«ما چیزی بیش از شامیان دربارهٔ ایمان به خدا و تصدیق رسولش نداریم، آنها نیز در این خصوص فزونی بر ما ندارند. ما و آنها در همهٔ امور شریک و متحد هستیم.»

۱- (۱) نهج البلاغه، نامهٔ ۵۸.

در این نامه امام علی علیه السلام به مبانی و محورهای اصلی اتحاد اسلامی اشاره دارد.

رهبر معظم انقلاب می فرماید: به نظر ما اختلاف شیعه و سنی، در حقیقت اختلاف نیست، زیرا در اصول اصلی اسلامی - که اگر کسی آنها را نداشت، مسلمان نیست - مشترکند؛ یعنی هر دو مذهب، به قبله واحد، خدای واحد، پیامبر واحد، قرآن واحد و احکام و ارکان واحد اسلامی معتقدند.(۱)

چون مبانی و اصول ما یکی است نباید به اختلافات جزئی بها دهیم، زیرا دشمنان اسلام به این اختلاف ها اهمیت زیادی می دهند.

اقبال لاهوری در این زمینه می گوید:

سود یکی است این ملت را هم نقصان یکی پیامبر هم یکی است و نیز ایمان یکی

کعبه یکی، خدا یکی و قرآن هم یکی چه کار بزرگی! گر بود مسلمان یکی(۲)

۳۹- رهبر عامل وحدت

حدیث سی ونهم

فاطمه زهرا علیها السلام فرمود:

«وَ طَاعَتَنَا نظَامًا للمِلَّهِ وإمَامَتَنَا لمَا للفُرقَهِ والَجَهَادُ عزُّ الاِسلَام؛(۳) پیروی از ما «اهل بیت» نظام امت و رهبری ما عامل وحدت و جهاد مایه عزت و سربلندی اسلام است.»

از دیگر عوامل وحدت اسلامی جایگاه رهبری است. رهبر نقش اساسی در وحدت مسلمین ایفا می کند، زیرا رهبر در نظام اسلامی، محور و تکیه گاه مردم محسوب می شود و مردم در همه شئونات زندگی مادی و معنوی خویش به او پناه می برند و از رهنمودهایش در همه زمینه ها استفاده می نمایند.

۱- (۱) ۴.۴.۱۳۶۸.

۲- (۲) محمد اقبال، کلیات اقبال؛ ص ۲۶۰، ندیم یونس پرینترز، لاهور پاکستان.

۳- (۳) علی بن حسین اربلی، کشف الغمه، ج ۲، ص ۱۰۹.

۴۰- شیوه های اتحاد اسلامی

حدیث چهلم

امام صادق علیه السلام فرمود:

«صَدَقَهٌ یحِبُّهَا اللهُ اصلاَحَ بینَ النَّاسِ إِذَا تفَاسَدُوا وتقَارُبَ بینَهُم إِذَا تبَاعَدُوا؛(۱) صدقه ای که خداوند آن را دوست دارد، ایجاد وحدت هنگام پیدایش اختلاف و تباهی امت و نزدیک کردن آنها در هنگام جدایی است.»

اصلاح ذات البین یکی از شیوه های اتحاد اسلامی است که قرآن هم بر آن تأکید دارد: «مؤمنان برادر یک دیگرند پس میان برادرانتان صلح و آشتی برقرار کنید.» قرآن و فرمایشات پیامبر بیشترین اهمیت را به سالم سازی روابط انسانی می دهد.

بر این اساس اگر فضایل اخلاقی در تمام سطوح و لایه های درونی جامعه توسعه پیدا کند، فضایی آکنده از انسانیت و اخلاق اسلامی به وجود می آید و نوعی هم بستگی درونی و معنوی میان مردم حاکم می شود.

در این صورت، مردم نه تنها با هم دیگر اختلاف نمی کنند بلکه همه به یک دیگر احترام گذاشته و شخصیت قائل می شوند و پیشنهادها و خواسته های هم دیگر را می پذیرند و یاری به هم نوع را افتخار خود می دانند.

۱- (۱) الکافی، ج ۲، ص ۲۰۹.

کتاب نامه

۱. ابن منظور، محمدبن مکرم، لسان العرب، ادب حوزه، قم ۱۴۰۵ ق.

۲. ابوعبد الرحمن بن شعیب، سنن النسائی، دارالفکر، بیروت ۱۴۲۱ ق.

۳. ابوعبدالله، احمدبن محمد، مسند احمد بن حنبل، دارصادر، بیروت.

۴. اربلی، علی بن حسین، مکتبه بنی هاشمی، کشف الغمه، تبریز ۱۳۸۱ ه. ق.

۵. الاقبال لاهوری، محمد، رموز بی خودی، کوه نور پریس دهلی نو ۱۹۹۷.

۶. السنه لابن ابی عاصم.

۷. السیوطی، حافظ جلال الدین عبدالرحمن، جامع الاحادیث، دارالفکر، بیروت ۱۴۱۴.

۸. المتّقی الهندی، علاء الدّین بن علی، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، مؤسسه الرساله ۱۴۰۹ ه ق.

۹. امام خمینی، چهل حدیث.

۱۰. امام خمینی، صحیفه نور..

۱۱. امیر اردوش، محمد حسین، تأملی بر مسئله وحدت از دیرباز تا دیروز، مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۸۴.

۱۲. بخاری، محمدبن اسماعیل، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت ۱۴۰۱ ق.

۱۳. ترمزی، محمد بن عیسی، سنن الترمذی، داراحیاء التراث العربی، بیروت ۱۳۵۷ ق..

۱۴. جاوید موسوی، سید حمید، اتحاد اسلامی در آثار شهید مطهری، صدرا، ۱۳۸۶.

۱۵. جمشیدی، مسلم، صحیح مسلم، دار الفکر، بیروت ۱۴۲۱ ه. ق.

۱۶. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، مؤسسه آل البیت، قم ۱۴۰۹ ق.

۱۷. حرانی ابومحمد حسن بن علی، تحف العقول، مکتب لجیرقی، قم ۱۳۹۴ ق.

۱۸. خنطلی مرزوی، اسحاق بن ابراهیم بن محمد، مسند ابن راهویه، دارالکتاب العربی، بیروت ۱۴۲۳ ق.

۱۹. رازی، ابوالفتوح، تفسیر ابوالفتوح، شرکت به نشر، مشهد ۱۳۸۱ ق.

۲۰. سبزیان، علی اکبر، منشور اتحاد ملی و انسجام اسلامی، انتشارات خادم الرضا، خرداد ۱۳۸۶.

۲۱. سجستانی، سلیمان بن اشعث، سنن ابی داوود، دارالإحیاء التراث العربی، بیروت ج ۲.

۲۲. سید رضی، نهج البلاغه، صبحی صالح.

۲۳. شیخ مفید، امالی؛ کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ه.

۲۴. صاحبی، محمد جواد، اندیشه اصلاحی در نهضت های اسلامی اخیر، دفتر تبلیغات اسلامی، قم ۱۳۷۴.

۲۵. صدوق، محمدبن علی، معانی الاخبار، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین، قم ۱۴۱۸ ق.

۲۶. قریشی دمشقی، ابوالفداء، اسماعیل بن محمد کشیر، تفسیر ابن کثیر، دار الطیبه للنشر و التوزیع الریاض، ۱۴۲۰ ق.

۲۷. قزوینی، ابو عبدالله محمدبن یزید، دارالفکر، بیروت ۱۴۱۵ ق.

۲۸. قمی، شیخ عباس، مفاتیح الجنان.

۲۹. کتاب العین.

۳۰. مالك بن انس، موطأ مالك، دار احیاء التراث العربیه، ۱۴۲۴ ق.

۳۱. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، مؤسسه الوفاه، بیروت ۱۴۰۴ ه. ق.

۳۲. محمد اقبال، کلیات اقبال، ندیم یونس پرینترز، لاهور پاکستان.

۳۳. محمد بقایی ماکان، سونیش دینار (دیدگاه های علامه اقبال)، فردوس، تهران ۱۳۸۰.

۳۴. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، دار الکتب الاسلامیه، طهران ۱۳۶۵ ش.

۳۵. مطهری، مرتضی، احیاء تفکر اسلامی، انتشارات صدرا، تهران ۱۳۸۰.

۳۶. مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، صدرا، تهران ۱۳۸۰.

۳۷. مطهری، مرتضی، یادداشت های شهید مطهری، انتشارات صدرا.

۳۸. معالم الحکومه.

۳۹. میر آقوی، سید جلال، جهان اسلام مشکلات و راهکارها، جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ۱۳۷۹.

۴۰. نرم افزار، المکتبه الشامله (مجموعه کتب اهل سنت) کتاب های اهل تسننی که بدون ذکر تاریخ و محل انتشار در این مجموعه استفاده گردید از این نرم افزار بوده است.

۴۱. نرم افزار؛ جامع الاحادیث (مجموعه کتب اهل تشیع) کتاب های اهل تشیع که بدون ذکر تاریخ و محل انتشار در این مجموعه استفاده گردید از این نرم افزار بوده است. www:leader.ir پایگاه اطلاع رسانی مقام معظم رهبری.

۴۲. نهج الفصاحه، ترجمه ابراهیم احمدیان، نشر شهاب الدین، ۱۳۸۵.

ص:۱۳۶

۵- بازشناسی اتحاد و انسجام اسلامی

اشاره

فدا حسین عابدی

مقصود از وحدت و انسجام اسلامی چیست؟ آیا مقصود این است، از میان مذاهب اسلامی یکی انتخاب شود و سایر مذاهب کنار گذاشته شود. یا مقصود این است که مشترکات همه مذاهب گرفته شود و مفترقات همه آنها کنار گذاشته شود و مذهب جدیدی اختراع شود، که عین هیچ یک از مذاهب موجود نباشد؟ یا این که وحدت اسلامی، به هیچ وجه ربطی به وحدت مذاهب ندارد و مقصود از اتحاد مسلمین، اتحاد پیروان مذاهب مختلف، در عین اختلافات مذهبی، در برابر بیگانگان است؟

بدیهی است که منظور از وحدت اسلامی، حصر مذاهب به یک مذهب و یا اخذ مشترکات مذاهب و طرد مفترقات آنها - که نه معقول و منطقی است و نه مطلوب و عملی - نیست. این که منظور از وحدت و انسجام اسلامی، اتحاد مسلمین است در یک صف در برابر دشمنان مشترکشان.

مسلمین زمینه های وفاق بسیاری دارند که می تواند مبنای یک اتحاد محکم گردد. مسلمین همه خدای یگانه را می پرستند و همه به نبوت رسول اکرم صلی الله علیه و آله ایمان و اذعان دارند؛ کتاب همه قرآن و قبله همه کعبه

است؛ با هم و مانند هم حج می کنند و مانند هم نماز می خوانند و مانند هم روزه می گیرند و مانند هم تشکیل خانواده می دهند و داد و ستد می نمایند و وحدت در جهان بینی، فرهنگ، سابقه تمدن، بینش و منش، معتقدات مذهبی، پرستش ها و نیایش ها، آداب و سنن اجتماعی می تواند از آنها ملتی واحد بسازد و قدرتی عظیم به وجود آورد که باعث شود قدرت های عظیم جهان ناچار در برابر آنها خضوع نمایند، خصوصاً این که در متن اسلام بر این اصل تأکید شده است. مسلمانان به نصر صریح قرآن، برادر یک دیگرند و حقوق و تکالیف خاصی آنها را به یک دیگر مربوط می کند. با این وضع، چرا مسلمین از این همه امکانات وسیع که از برکت اسلام نصیبشان گشته استفاده نکنند؟ هیچ ضرورتی ایجاب نمی کند که مسلمین به خاطر اتحاد اسلامی، صلح و مصالحه و گذشتی در مورد اصول یا فروع مذهبی خود بنمایند. هم چنان که ایجاب نمی کند درباره اصول و فروع اختلافی فیمابین، بحث و استدلال نکنند و کتاب ننویسند. تنها چیزی که وحدت اسلامی به وجود می آورد این است که مسلمین برای این که احساسات کینه توزی در میانشان پیدا نشود، یا شعله ور نگردد، متانت را حفظ کنند، یک دیگر را سب و شتم ننمایند، به یک دیگر تهمت نزنند و دروغ نبندند، منطق یک دیگر را مسخره نکنند و بالأخره، عواطف یک دیگر را مجروح نسازند و از حدود منطق و استدلال خارج نشوند و حدودی را که اسلام در دعوت غیر مسلمان به اسلام، لازم دانسته است، درباره خودشان رعایت کنند.(ادْعُ إِلی سَبِیلِ رَبِّکَ بِالْحِکْمَهِ وَ الْمَوْعِظَهِ الْحَسَنَهِ وَ جادِلْهُمْ بِالَّتِی هِیَ أَحْسَنُ)۱ . وحدت و اتحاد مسلمانان از مهم ترین مسائل جهان اسلام به شمار می رود. ازاین رو قرآن مجید در آیات متعدد بر آن تأکیده کرده است.

ص:۱۳۸

با جست وجو در منابع اسلامی و به ویژه روایات پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در منابع فریقین، اهمیت، ضرورت و آثار وحدت و انسجام اسلامی به وضوح روشن می گردد; و به این نتیجه حاصل می شود که وحدت کلمه، نسخهٔ اکسیری برای حل مشکلات عالم اسلام و جوامع اسلامی است. نقاط مشترک بین فرق های اسلامی بیشتر از مسائل اختلافی بین آنها می باشد. نقاط مهمی که می تواند همهٔ فرقه ها و مسالک اسلامی را گرد هم آورد، مانند: قرآن، سنت پیامبر اهل بیت علیهم السلام، معاد، کعبه، نماز، روزه، حج، جهاد، زکات، امر به معروف و نهی از منکر و....

سالی که رهبر عظیم شان انقلاب اسلامی حضرت آیه الله خامنه ای «مدظله العالی» به سال وحدت ملی و انسجام اسلامی، نامیده است، فرصت خوبی برای بررسی این موضوع است، بنده نیز به نوبه خود سعی کرده ام قدم کوچکی در این زمینه بردارم و به جوامع اسلامی هدیه کنم. ما در این نوشتار سعی کرده ایم که احادیث مشترک بین فریقین به ویژه احادیثی که از رسول اسلام صلی الله علیه و آله در زمینه وحدت و انسجام اسلامی در کتب فریقین آمده است جمع آوری و دسته بندی کرده و به عنوان «چهل حدیث درباره اتحاد و انسجام اسلامی» به دوستداران وحدت و انسجام اسلامی تقدیم کنیم.

نوشتار حاضر از چهار گفتار تشکیل یافته است که در گفتار اول، به مبانی وحدت و انسجام اسلامی پرداخته شده است. در گفتار دوم، اهمیت و ضرورت وحدت و انسجام اسلامی ترسیم شده است. در گفتار سوم عوامل انسجام و اتحاد اسلامی اشاره شده است. و در گفتار چهارم، عوامل افتراق وحدت و انسجام اسلامی بررسی شده است. در گفتار پنجم، آثار و فواید اتحاد و انسجام اسلامی را برشمرده ایم. با این امید که خداوند سعی این جانب را شرف قبولیت بخشیده و این تلاش

گام کوچکی برای اتحاد و انسجام بین مسلمانان جهان باشد.

لازم به ذکر است که این نوشتار براساس چهل حدیث دسته بندی شده و برای هر روایت، عنوانی مناسب انتخاب شده که از گفتار دوم بحث اصلی چهل حدیث شروع خواهد شد.

۱- مبانی وحدت و انسجام اسلامی

الف) اسلام و ایمان

در منابع اسلامی، مسلمان به کسی گفته می شود که به وحدانیت خداوند و رسالت پیامبراکرم صلی الله علیه و آله و به معاد، ایمان داشته باشد و آن را به زبان آورد. این شخص در داره الاسلام داخل شده است و جان، مال و آبروی او محترم و حفظ آن بر همه واجب است، باید به او احترام بگذارند و روایات فراوانی دراین باره در منابع فریقین وارد شده اند که برخی از آنها را متذکر می شویم:

از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است:

«من قال لا اله الاّ الله وکفر بما یعبدون من دون الله حرم ماله ودمه وحسابه علی الله؛(۱) هرکس لا اله الاّ الله بگوید و عبادت غیر خدا را انکار کند، جان و مال او محترم است و حساب او با خداوند است.»

انس بن مالك نقل می کند:

«ما من احد یشهد ان لا اله الاّ الله وانّ محمداً رسول الله صادقاً من قلبه الاّ حرّمه علی النار؛(۲) هرکس با صداقت به شهادت لا اله الاّ الله وانّ محمداً رسول الله، اقرار کند، آتش (جهنم) بر او حرام گشته است.»

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«اشهد ان لا اله الاّ الله وانّ محمداً عبّده

۱- (۱) مسلم بن حجاج نیشابوری، صحیح مسلم، ج ۱، ص ۴۰.

۲- (۲) صحیح بخاری، ج ۱، ص ۴۱؛ عبدالحسین امینی، الغدیر، ج ۱، ص ۶۶، مسنداحمد، ج ۵، ص ۲۲۵.

ورسوله والذی نفسی بیده لا یقولها احد الاّ حرّمه الله علی النّار؛(۱) قسم به کسی که جانم به دست اوست، هیچ کس لا اله الاّ الله وانّ محمداً عبّده ورسوله نمی گوید مگر این که خداوند او را بر آتش حرام می کند.»

عمربن خطاب نقل می کند؛ ما خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله بودیم، شخصی آمد و از آن حضرت پرسید: ای محمد صلی الله علیه و آله! ایمان چیست؟ فرمود:

«ان تؤمن بالله وملائکته وکتبه ورسله والیوم الاخر...» وقال: فما الاسلام؟ قال: «شهاده ان لا اله الاّ الله وانّ محمداً عبده ورسوله واقامه الصلاه وایتائ الزکاه وحجّ البیت وصوم رمضان...؛(۲) ایمان یعنی به خدا، فرشتگان، کتاب های خدا و رسولشان و به روز رستاخیز ایمان بیاورد.» گفت اسلام چیست؟ فرمود: «اسلام عبارت است از شهادت به لاـ اله الاّ الله وانّ محمداً عبده ورسوله و اقامه نماز دادن زکات و انجام حج و روزهٔ ماه مبارک رمضان...»

انس بن مالک از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده است:

«من صلّی صلاتنا واستقبل قبلتنا وأکل ذبیحنا فذالک المسلم؛(۳) کسی که مانند ما به طرف قبله نماز بخواند ذبیحه ما را بخورد، مسلمان است.»

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در بیانی دیگر فرمود:

«من صلی صلاتنا واستقبل قبلتنا واکل ذبیحنا فذالک المسلم الذی له ذمّه الله وذمّه رسوله...؛(۴) هرکس مانند ما نماز را به طرف قبله بخواند و ذبیحهٔ ما را بخورد، مسلمان است و در پناه خدا و رسول می باشد.»

۱- (۱) مستدرک الوسائل، ج ۵، ص ۳۶۶، ح ۱.

۲- (۲) السنن الترمزی، ج ۴، ص ۱۳۰.

۳- (۳) صحیح بخاری، ج ۱، ص ۱۰۲؛ احمد بن شعیب، سنن نسائی، ج ۸، ص ۱۰۵؛ بحارالانوار، ج ۲۶، ص ۴۲، ح ۷۴.

۴- (۴) محی الدین نووی، المجموع فی شرح المهذب، ج ۴، ص ۲۵۲؛ عبدالرحمان بن قدامه، الشرح الکبیر، ج ۱، ۳۸۰؛ بصائر الدرجات، ۱۵۶.

امیرالمؤمنین علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده است که فرمود:

«انّ الله تبارک وتعالی جعل الاسلام زینه وجعل کلمه الاخلاص حصناًللدماء فمن استقبل قبلتنا وشهد شهادتنا واکل ذبیحتنا فهو المسلم له مالنا وعلیه ما علینا(۱) ؛ خداوند، اسلام را زینت و کلمهٔ اخلاص را نگه دارندهٔ خون (مسلمان) قرار داده است. پس هرکس به قبله ما رخ کند و مانند ما کلمه به زبان جاری کند و ذبیحه ما را بخورد، او مسلمان است و هر چیزی که برای ماست برای او است و هر چیزی علیه ماست، علیه او نیز به حساب می آید.»

ب) قرآن

اشاره

یکی از اساسی ترین مبانی و محور انسجام اسلامی، قرآن کریم می باشد. همهٔ مسلمانان با اختلاف فرق و مکاتب گوناگون بر این باورند که قرآن مجید وحی الهی است و در آن هیچ گونه تحریفی صورت نگرفته است. مسلمانان احکام و دستورات قرآن را بدون هیچ گونه تردیدی واجب الاتباع و منکر آن را از زمرهٔ اسلام خارج می دانند. قرآن مجید وسیلهٔ محکمی است که چنگ زدن به آن باعث سعادت دنیوی و اخروی بشر است. از این رو خداوند قرآن را به ریسمان خود تعبیر کرده است و فرموده:(وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّهِ جَمِیعاً وَ لا تَفَرَّقُوا)۲ در چندین آیه از قرآن مجید، بر انسجام اسلامی تأکید شده که به چند نمونه اشاره می شود.

یکم. تأکید به انسجام

(وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّهِ جَمِیعاً وَ لا تَفَرَّقُوا وَ اذْکُرُوا نِعْمَتَ اللّهِ عَلَیْکُمْ إِذْ کُنْتُمْ

۱- (۱) مستدرک الوسائل، ج ۱۱، ص ۱۲۵، ح ۱.

أَعْداءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكَمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْواناً) ؛(۱) و همگی به ریسمان خدا، تمسک جویید و پراکند نشوید و نعمت خدا را بر خودتان، به یاد آورید، آن گاه که دشمن (یک دیگر) بودید و [او] میان دل های شما الفت قرار داد. پس به (برکت) نعمت او برادران (هم دیگر) شدید.

(وَ لا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَ اخْتَلَفُوا مِنْ بَعْدِ ما جاءَهُمُ الْبَيِّناتُ وَ أُولئِكَ لَهُمْ عَذابٌ عَظِيمٌ) ؛(۲) و مانند کسانی نباشید که پراکنده شدند و اختلاف کردند (آن هم) پس از آن که نشانه های روشن به آنان رسید و آنها عذاب عظیمی دارند.»

(وَ أَطِيعُوا اللّهَ وَ رَسُولَهُ وَ لا تَنازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَ اصْبِرُوا إِنَّ اللّهَ مَعَ الصّابِرِينَ) ؛(۳) فرمان خدا و پیامبرش را اطاعت کنید و نزاع نکنید که سست می شوید و قدرت و (شوکت) شما از میان می رود! و صبر و استقامت کنید که خداوند با استقامت کنندگان است.

(يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِي السِّلْمِ كَافَّةً وَ لا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّيْطانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ) ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! همگی در صلح [و آشتی] درآیید و از گام های شیطان، پیروی نکنید که او دشمنی آشکار برای شماست.

(هُوَ الَّذِی أَيَّدَكَ بِنَصْرِهِ وَ بِالْمُؤْمِنِينَ وَ أَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ ما فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً ما أَلَّفْتَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَ لكِنَّ اللّهَ أَلَّفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ) ؛(۴) و از خدا و فرستاده اش اطاعت کنید و با هم دیگر کشمکش مکنید که سست می شوید و مهابت شما از بین می رود، و شکیبایی کنید، [چرا] که خدا با شکیبان است.

ص:۱۴۳

۱- (۱) آل عمران، آیهٔ ۱۰۳.

۲- (۲) همان، آیهٔ ۱۰۵.

۳- (۳) انفال، آیهٔ ۴۶.

۴- (۴) همان، آیهٔ ۶۳.

دوم. اصل واحد

قرآن مجید تصریح دارد که ریشهٔ همهٔ انسان ها یکی است و از یک نفس به وجود آمده اند و دین همه نیز واحد است:

(یـا أَیُّهَـا النّـاسُ اتَّقُوا رَبَّکُمُ الَّذِی خَلَقَکُمْ مِنْ نَفْسٍ واحِـدَهٍ وَ خَلَقَ مِنْهـا زَوْجَهـا وَ بَثَّ مِنْهُمـا رِجالاً کَثِیراً وَ نِساءً)۱ ؛ ای مردم! [خودتان] را از عذاب پروردگارتان حفظ کنید! (همان) کسـی که شـما را از یک شخص آفرید و از او همسرش را آفرید و از آن دو مردان و زنان فراوانی منتشر ساخت.

(شَرَعَ لَکُمْ مِنَ الدِّینِ ما وَصّی بِهِ نُوحاً وَ الَّذِی أَوْحَیْنا إِلَیْکَ وَ ما وَصَّیْنا بِهِ إِبْراهِیمَ وَ مُوسی وَ عِیسی أَنْ أَقِیمُوا الدِّینَ وَ لا تَتَفَرَّقُوا) ؛(۱) برای شـما از دیـن مقرر کرد آن چـه را که نـوح را بـدان سـفارش کرده، و آن چه را که ابراهیم و موسـی و عیسـی علیهم السلام را بدان سفارش کردیم که دین را برپا دارید و در آن تفرقه افکنی مکنید.

سوم. هدف واحد

(وَ ما خَلَقْتُ الْجِنَّ وَ الْإِنْسَ إِلاّ لِیَعْبُدُونِ) ؛(۲) و جن و انس را جز برای پرستش [خود] نیافریدم.

(یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا ادْخُلُوا فِی السِّلْمِ کَافَّهً وَ لا تَتَّبِعُوا خُطُواتِ الشَّیْطانِ) ؛(۳) ای کسانی که ایمان آورده اید! همگی در صلح [و آشتی] در آیید و از گام های شیطان، پیروی نکنید.

۱- (۲) شوری، آیهٔ ۱۳.

۲- (۳) ذرایات، آیهٔ ۵۶.

۳- (۴) بقره، آیهٔ ۲۰۸.

چهارم. خدمت و ایثار

یکی از عناصر انسجام ایثار و قربانی است که به معنای قربانی کردن ذات و منافع ذاتی خود کریم برای دیگران و داشتن روحیه ایثارگرانه است. قرآن کریم در توصیف مسلمانان صدر اسلام می گوید:

(وَ الَّذِینَ تَبَوَّؤُا الدّارَ وَ الْإِیمانَ مِنْ قَبْلِهِمْ یُحِبُّونَ مَنْ هاجَرَ إِلَیْهِمْ وَ لا یَجِدُونَ فِی صُدُورِهِمْ حاجَةً مِمّا أُوتُوا وَ یُؤْثِرُونَ عَلی أَنْفُسِهِمْ وَ لَوْ کانَ بِهِمْ خَصاصَةٌ وَ مَنْ یُوقَ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولئِکَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ) ؛(۱) (ونیز) کسانی (از انصار) که پیش از آن (مهاجران) در سرای (اسلام) و ایمان [مدینه] جای گرفته بودند هرکس به سوی آنان هجرت کرده دوست می دارند و در سینه هاشان نسبت به آن چه به آن (مهاجران) داده شده، نیازی نمی یابند و مهاجران را بر خودشان برمی گزینند و ترجیح می دهند و گرچه آنان نیازمند باشند، و هرکس از (بی گذشتگی و) آزمندی خودش نگاه داشته شود پس تنها آنان رستگارند.

بنابراین باید در همهٔ زمان ها در مسلمانان روحیه ایثار و فداکاری زنده باشد که دراین صورت موفق خواهند بود و بین آنها عنصر تفرق و جدایی راه نخواهد یافت؛ چون همه کارهایشان برای خداست و جدایی و افتراق جایی است که مصالح ذاتی و شخصی را بر مصالح اسلام و اهداف آن مقدم داشته شود:(إِنَّما نُطْعِمُکُمْ لِوَجْهِ اللّهِ لا نُرِیدُ مِنْکُمْ جَزاءً وَ لا شُکُوراً) .(۲)

پنجم. معیار برتری

قرآن مجید همهٔ افتخارات برتری در جاهلیت را باطل شمرده و معیار برتری را امور ذیل قرار داده است:

۱- (۱) حشر، آیهٔ ۹.

۲- (۲) انسان، آیهٔ ۹.

– تقوا:(إِنَّ أَکْرَمَکَمْ عِنْدَ اللّهِ أَتْقاکُمْ)۱ ؛ ارجمندترین شما نزد خدا، خود نگه دارترین (و پارساترین) شماست.

– علم: (هَـلْ یَسْـتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَ الَّذِینَ لا یَعْلَمُونَ) ؛ بگو آیا کسانی که می داننـد با کسانی که نمی داننـد یکساننـد؟ فقط خردمندان متذکر می شوند.

– جهاد:(فَضَّلَ اللّهُ الْمُجاهِدِینَ عَلَی الْقاعِدِینَ) ؛ خدا مجاهدان را بر فرونشستگان (از جهاد) برتری بخشیده است.

قرآن نه فقط به مسـلمانان دعوت انسـجام داده است بلکه همـهٔ بشـر را دعوت به وحـدت کرده است، مانند این آیه که خداوند می فرماید:

(قُلْ یا أَهْلَ الْکِتابِ تَعالَوْا إِلی کَلِمَهٍ سَواءٍ بَیْنَنا وَ بَیْنَکُمْ أَلّا نَعْبُدَ إِلَّا اللّهَ وَ لا نُشْـرِکَ بِهِ شَـیْئاً وَ لا یَتَّخِذَ بَعْضُـنا بَعْضاً أَرْباباً مِنْ دُونِ اللّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنّا مُسْلِمُونَ) ؛(۱) بگو! ای اهل کتاب! بیایید، به سوی سخنی که میان ما و شما یک سان است که جز خـدا را نپرستیم و هیـچ چیزی را شـریک او قرار نـدهیم؛ و بعضـی از مـا بعض [دیگر] را – به غیر خـدا – به پروردگاری بر نگزینیم. و اگر [از این دعوت] روی برتابند پس بگویید: گواه باشید که ما مسلمانیم.

ج) سنت

از دیگر محورهای اساسـی انسجام اسلامی، سنت پیامبراکرم صلی الله علیه و آله است که همهٔ مسلمانان بدون استثنا، بر عمل به سنت آن حضرت تأکید دارند و به آن افتخار می کنند. بنابراین بر ماست که سنت حقیقی آن حضرت را بشناسیم و همه مطابق آن عمل کنیم تا در مسـیر واحـد قرار بگیریم و به نقطه ای برسـیم که همگی به سـنت ناب محمـدی عمل کرده به طور حقیقی مصداق امت واحده

۱– (۲) آل عمران، آیهٔ ۶۴.

قرار بگیریم. رسول خدا صلی الله علیه و آله به انسجام اسلامی و وحدت امت اسلامی بسیار اهمیت می داد، به گونه ای که بعد از هجرت یکی از مهم ترین کارهایی که انجام داد، بستن عقد اخوت و برادری بین مهاجرین و انصار بود. ایشان تمام انصار و مهاجرین را جمع کرد و بین آنها پیمان برادری برقرار کرد.

نوشتار حاضر مشتمل بر روایاتی است که در آن، سنت آن حضرت از نظر گفتار وکردار در بحث انسجام اسلامی ترسیم شده است؛ لذا از آوردن روایات در این جا صرف نظر می کنیم.

د) مرجعیت اهل بیت

در نگرش فریقین، عترت پیامبر صلی الله علیه و آله، شایسته ترین افراد جامعه بعد از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می باشند چنان که برخی از اهل سنت، عترت را در مراتب مختلف هم چون وجوب محبت، تحریم صدقه، طهارت، سلام و صلوات، با پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله هم سان می داند.(۱) بنابراین یکی از مهم ترین راهکارهای انسجام اسلامی، پذیرش رهبری و مرجعیت اهل بیت علیهم السلام می باشد. که به شرح زیر امکان پذیر است:

مرجعیت علمی; پذیرش مرجعیت اهل بیت علیهم السلام یکی از بهترین راه های تمسک به آنان است که اهل سنت نیز این مرجعیت را قبول دارند و کلمات بزرگان دلیل بر این مدعاست. چنان که خلیفه دوم می گوید: «لا ابقانی الله فی معضله لیس فیها ابوالحسن؛(۲) خداوند مرا در هیچ مشکلی باقی نگذاشت که برای حل آن اباالحسن نباشد».

۱- (۱) نظم دررالسمطین، ص ۲۳۹; تفسیر آیه الموده، ص ۹۶; فراید السمطین، ج ۱، ص ۳۵; ینابع الموده، ج ۱ و ۳، ص ۵۰.
۲- (۲) المناقب، ص ۱۰۱: «لا ابقانی الله بعدک یا علی»

عایشه می گوید: «علی هو اعلم الناس بالسنه;(۱) علی نسبت به سنت از همه آگاه تر است.»

مرجعیت سیاسی؛ با نگاهی ژرف در منابع اهل سنت به وضوح روشن می گردد که حضرت علی علیه السلام از نظر علم; زهد، تقوا، شجاعت، اقربیت به رسول خدا صلی الله علیه و آله و.... از همهٔ صحابه افضل بوده است. افضلیت، یکی از معیارهایی انکارناپذیر مرجعیت سیاسی نزد اهل سنت می باشد و به این مطلب حتی خلفا، در مقامات مختلف اعتراف کرده اند، چنان که ابوبکر می گوید: «اقیلونی فان علیا احق منی بهذا الامر واقیلونی اقیلونی فانی لست بخیر منکم وعلی فیکم؛(۲) مرا رها کن در مورد این امر (خلافت)، علی از من مستحق تر است، مرا رها کن، مرا رها کن، من از شما بهتر نیستم و علی در میان شماست.»

بنابراین یکی از بهترین راه کارهای تمسک به اهل بیت علیهم السلام، پذیرش مرجعیت و رهبری آنها در صحنه های مختلف زندگی بشر مانند: اخلاق، علم، عقاید، احکام، سیاست و حکومت است. اگر عالم اسلام از ابتدا، رهبری اهل بیت را قبول می کردند؛ امت اسلامی به مشکلات کنونی گرفتار نمی شد؛ زیرا بنیان اسلام بر رهبری اهل بیت نهاده شده است.

در روایتی از امام باقر علیه السلام می خوانیم:

«بنی الاسلام علی خمس دعائم: اقام الصلوه، وایتاء الزکاه، وصوم شهر رمضان، وحج البیت، والولایه لنا اهل

۱- (۱) زرندی حنفی، نظم درر السمطین، ص ۱۳۳; احمد بن عبدالله، ص ۷۸; تفسیر ثعالبی، ج ۱، ص ۵۲; محمد بن اسماعیل بخاری، التاریخ الکبیر، ج ۲، ص ۲۵۵ و ج ۳، ص ۲۲۸; ابن عساکر تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۴۰۸; المناقب، ص ۹۱.

۲- (۲) محمد ابن حسن شیبانی، شرح کتاب السیر الکبیر، ج ۱، ص ۳۶: «اقیلونی فلست بخیرکم»; دکتر خلیلی، السقیفه ام الفتن، ص ۱۰۰ می نویسد: ابابکر قصور خود را اعتراف کرد و گفت «اقیلونی بیعتکم فلست بخیرکم».

البیت;(۱) اسلام بر پنج پایه استوار شده است: نماز، و زکات، و روزه ماه رمضان، و حج، و ولایت و رهبری عترت.» آیات و روایات فراوان دیگری نیز بر این مطلب صراحت دارد که نوشتار حاضر نمی توانیم به بررسی آنها بپردازیم.

در تاریخ می توانیم نمونه های زیادی به دست آوریم که در مراحل مختلف – چه در زمان خلفای صدر اسلام چه در زمان بعد از آن – به اهل بیت علیهم السلام مراجعه می شد و آنها با این که در مسئلهٔ امامت با آنها اختلاف داشتند – و این مطلب را در مواضع مختلف به صراحت بیان کرده اند – ولی برای حفظ مصالح مسلمین از کمک کردن جهت حل آن مشکل به هیچ وجه دریغ نمی کردند. نمونه بارز آن سیرهٔ امیرالمؤمنین علیه السلام است که برای انسجام اسلامی، پایمال شدن حق خود و حتی توهین به خاندان عصمت را به جان خود خرید تا به اصل اسلام، ضربه ای وارد نشود.

شهید مطهری رحمه الله در این مورد می گوید: «سیرهٔ حضرت علی علیه السلام بهترین درس آموزنده در زمینه وحدت است. علی علیه السلام از اظهار و مطالبهٔ حق خود و شکایت از ربایندگان آن خودداری نکرد. با کمال صراحت ابراز داشت و علاقه به اتحاد اسلامی را مانع آن قرار نداد. در عین حال، این تظلم ها موجب نشد که از صف جماعت مسلمین در مقابل بیگانگان خارج شود. در جمع و جماعت شرکت می کرد و سهم خویش را از غنایم جنگی آن زمان دریافت می کرد. از ارشاد خلفا دریغ نمی نمود، طرف شور [و مشورت] قرار می گرفت و ناصحانه نظر می داد. در جنگ مسلمین با ایرانیان که خلیفهٔ وقت مایل است خود شخصاً شرکت نماید علی علیه السلام پاسخ می دهد که: خیر، شرکت نکن، زیرا تا تو در مدینه هستی دشمن فکر می کند که فرضاً سپاه میدان جنگ را از بین ببرد از مرکز مدد

۱- (۱) الخصال صدوق، ص ۲۷۸; وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۳; بحار الانوار، ج ۶۵، ص ۳۷۶.

می رسد، ولی اگر شخصاً به میدان نبرد بروی، خواهند گفت: «هذا اصل العرب؛ ریشه و بن عرب این است، نیروهای خود را متمرکز می کنند تا تو را از بین ببرند و با روحیهٔ قوی تر به نبرد با مسلمانان خواهند پرداخت.»(۱)

علی علیه السلام قربانی وحدت امت اسلام شده است؛ و الا رفتار علی علیه السلام در مورد حقوق از دست رفته خویش طوری دیگر بود، چنان چه خود ایشان می فرماید:

«وایم الله لولا مخافه الفرقه بین المسلیمن وان یعود الکفر ویبور الدّین لکنّا علی غیر ما کنّا لهم علیه؛(۲) به خدا سوگند اگر بیم وقوع تفرقه میان مسلمانان و بازگشت کفر و تباهی دین نبود، رفتار ما با آنان طور دیگر بود.»

علی علیه السلام صبر کرد تا افتراق بین مسلمین ایجاد نشود:

«فرایت ان الصبر علی ذالک افضل من تفریق کلمه المسلمین وسفک دمائهم والناس حدیثوا عهد بالاسلام والدین یمخض مخض الوطب یوفسده ادنی وهن ویعکسه اقل خلق؛(۳) دیدم صبر از تفرقه کلمهٔ مسلمین و ریختن خونشان بهتر است. مردم تازه مسلمانند و دین مانند مشکی است که تکان داده می شود، کوچک ترین سستی آن را تباه می کند وکوچک ترین فردی آن را وارونه می کند.»

امیرالمؤمنین علیه السلام در جواب ابوسفیان، آن گاه که آمد و می خواست تحت عنوان حمایت از علی علیه السلام فتنه برپا کند، فرمود:

«شقّوا امواج الفتن بسفن النجاه وعرّجوا عن طریق المنافره وضعوا تیجان المفاخره؛(۴) امواج دریای فتنه را با کشتی های نجات بشکافید، از راه خلاف و تفرقه دوری گزینید و نشانه های تفاخر بر دیگران را از سر بر زمین نهید.»

۱- (۱) سید حمید جاوید موسوی، اتحاد اسلامی در آثار شهید مطهری، ص ۲۲-۲۳.

۲- (۲) ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۳۰۷.

۳- (۳) همان، ص ۳۰۸.

۴- (۴) همان، ص ۲۱۳.

و در شورای شش نفری پس از تعیین و انتخاب عثمان فرمود:

«لقد علتم انی احق الناس بها ووالله لاسلمنّ امور المسلین ولم یکن فیها جور الاّ علی خاصّةً؛(۱) شما خود می دانید من از همه برای خلافت شایسته ترم. به خدا سوگند مادامی که کار مسلمین روبه راه باشد و تنها بر من جوروجفا شده باشد، مخالفتی نخواهم کرد.»

اگر به سیرهٔ دیگر ائمهٔ اطهار علیهم السلام هم نگاه کنیم، می بینیم همه آنها برای ایجاد وحدت اسلامی تلاش کرده اند. امام حسن علیه السلام برای انسجام امت اسلامی، با معاویه صلح کرد. امام حسین علیه السلام نیز در حقیقت برای حفظ یک پارچگی امت جدش قیام کرد تا اسلام از مسیر اصلی اش خارج نشود دراین باره فرمود:

«انی لم اخرج اشراً ولا بطراً ولا مفسداً انما خرجت لطلب الاصلاح فی امّت جدی وارید ان آمر بالمعروف وانهی عن المنکر اسیر بسیره جدی وابی علی بن ابی الطالب؛(۲) من برای فساد و ظلم و ستم قیام نکرده ام، بلکه قیام من فقط برای این است که می خواهم به نیکی، امر و از بدی، نهی کنم و به سیرهٔ جد امجد و پدرگرامی عمل نمایم.»

پس قیام امام حسین علیه السلام برای این بود که مردم را که بعد از رحلت پیامبر و حضرت علی علیه السلام از مسیر اصلی خارج شده بودند، به مسیر اصلی برگرداند و به راه واحد که همان اسلام ناب است، راهنمایی کند و این همان انسجام حقیقی اسلام است.

امام باقر علیه السلام و امام صادق علیه السلام نیز این راه را ادامه دادند و به مردم توصیه می کردند که با مسلمانان هم زیستی مسالمت آمیزی داشته باشند معاویه بن وهب نقل می کند که من از امام صادق علیه السلام پرسیدم که ما (شیعیان) با دیگران (اهل تسنن) چگونه معاشرت کنیم، تکلیف ما

۱- (۱) همان، ج ۶، ص ۱۶۶.

۲- (۲) ابن شهرآشوب، مناقب آل أبی الطالب، ج ۳، ص ۲۴۱.

چیست؟ امام فرمود: «ببینید ائمه شما چگونه رفتار می کنند، مانند امامان خود رفتار کنید. به خدا قسم امامان شما بیماران آنها را عیادت می کنند، جنازه های آنها را تشییع می کنند و برای آنها شهادت می دهند.»(۱)

برخی می پندارند که بحث دربارهٔ اهل بیت باعث افتراق است، لذا نباید به آن پرداخت! ولی در حقیقت این طور نیست. اگرچه امامت اهل بیت علیهم السلام مورد بحث در بین فرق اسلامی است، ولی همهٔ این فرقه ها اهل بیت علیهم السلام را به عنوان مرجعیت علمی قبول دارند. بهترین دلیل، حدیث ثقلین است که شیعه و اهل سنت این حدیث را در کتاب های حدیثی و تفسیری شان به گونه های مختلف نقل کرده اند و آن را حداقل حدیث معتبر و قابل قبول می دانند. برخی از فرازهای حدیث این است:

«انّی تارک فیکم الثقلین»، «انّی تارک امرین ان اخذتم بهما لن تضلوا بعدی ابداً»، «ترکت فیکم ما لن تضلوا ان اعتصمتم کتاب الله وعترتی»، «ایّهاالناس انی تارک فیکم امرین لن تضلوا ان اتبعتموهما کتاب الله واهل بیتی.»(۲) حدیث ثقلین، تمسک به قرآن و عترت را ضامن

۱- (۱) پیشین، اتحاد اسلامی در آثار شهید مطهری، ص ۳۳، به نقل کافی، ج ۲، ص ۳۶۳.

۲- (۲) برخی کتاب های اهل سنت که در آن حدیث ثقلین به صورت های محتلف نقل شده است: مسند احمد، ج ۳، ص ۱۴، ج ۴، ص ۳۱۷، ج ۵، ص ۱۸۲، ۱۸۹؛ سنن الترمزی، ج ۵، ۳۲۹؛ المستدرک، ج ۳، ص ۱۱۰، ۱۴۸، مجمع الزواید، ج ۹، ص ۱۶۲، ۱۶۳؛ تحفه الاحوذی، ج ۱۰، ص ۱۹۷؛ المصنف، ج ۷، ص ۱۷۶، ۴۱۸؛ منتخب مسندعبد بن حمید، ص ۱۰۸؛ کتاب السنه، ص ۳۳۷، ۴۱۸، ۶۲۹، ۶۳۰؛ مسند ابی یعلی، ج ۲، ص ۳۳؛ المعجم الصغیر، ج ۱، ص ۱۳۱، ۱۳۵؛ المعجم الاوسط، ج ۳، ص ۳۷۴، ج ۴، ص ۳۳؛ المعجم الکبیر، ج ۳، ص ۶۵، ج ۵، ص ۱۵۴، ۱۶۶، ۱۷۰، ۱۸۲، ۱۸۶، الفواید المنتقاه، ص ۷۴؛ دستور المعالم الحکم، ص ۱۴۶، شرح نهج البلاغه (ابن ابی الحدید) ج ۶، ص ۳۷۵؛ نظم دررالسمطین، ص ۲۳۱، جامع الصغیر، ج ۵، ص ۴۰۲، کنزالعمال، ج ۱، ص ۱۷۲، ۱۷۵، ۱۸۶، ۱۸۷، ۳۸۱، ج ۵، ص ۱۹۰؛ فیض القدیر، ج ۳، ۱۹، ۲۰؛ شواهد التنزیل، ج ۲، ص ۴۲؛ تفسیر ابن کثیر، ج ۴، ص ۱۲۲، ۱۲۳؛ الدر المنثور، ج ۲، ص ۶۰، ج ۶، ص ۷.

رستگاری بشر دانسته است و قدر متیقن از تمسک نیز همان مرجعیت علمی می باشد؛ چرا که اهل بیت علیهم السلام اعلم قرآنند؛ چنان که در ضمن حدیث ثقلین آمده:

«فلا تقدموهم فتهلكوا ولا تقصروا عنهم فتهلكو ولا تعلموهم فانهم اعلم منكم؛(۱) از اهل بیت نه مقدم شوید و نه متأخر بمانید که هر دو سبب هلاکت است و نه سعی کنید آنها را تعلیم دهید، زیرا آنها از شما اعلم ترند.»

بنابراین حدیث، مرجعیت اهل بیت نزد همهٔ فرق اسلامی مسلّم است، آنان بهتر و بیشتر از همه استعداد درک قرآن را دارند، چنان که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در مورد امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است:

«معاشر الناس هذا علی اخی ووصیی وواعی علمی وخلیفتی فی امتی علی من آمن بی، الا ان تنزیل القرآن علی وتأویله وتفسیره بعدی علیه(۲)؛ ای مردم!

این علی؛ برادر، وصی، امین علم و خلیفه من است برای کسانی که بر من ایمان آورده اند». و خود امیرالمؤمنین نیز ارتباط خود با قرآن را به این صورت بیان داشته است:

«والله ما نزلت آیه الا ـ وقد علمت فیما نزلت وأین نزلت وعلی من نزلت ان ربی وهب لی قلبا عقولاً ـ ولسانا ناطقاً؛(۳) به خدا سوگند آیه ای نازل نشده است مگر من خوب می دانم درباره چه، کجا و بر چه کسی نازل شده است، زیرا خدا به من قلب فکرگرا و زبان گویا عنایت فرموده است.»

۱- (۱) قندوزی، ینابیع الموده، ج ۲، ص ۴۳۸، عبدالحسین شرف الدین، المراجعات، (ناشر جمعیت اسلامیه تحقیق حسین الراضی.) ص ۶۱.

۲- (۲) ابن طاووس، الیقین، ص ۳۵۲.

۳- (۳) ینابیع الموده، ج ۱، ص ۲۴۴ و ج ۲، ص ۴۰۸؛ حاکم حسکانی، شواهد التنزیل، ج ۱، ص ۴۰، ۴۵، ۴۶، ۵۱؛ الطبقات الکبری، ج ۲، ص ۳۲۸؛ ابن عساکر، تاریخ مدینه دمشق، ج ۴۲، ص ۳۹۸؛ انساب الاشراف، ص ۹۹؛ خوارزمی، المناقب، ص ۹۰.

۲- اهمیت و ضرورت وحدت و انسجام اسلامی

اشاره

لازم به ذکر است که از این گفتار به بعد در ذیل چهل عنوان احادیث فریقین مورد بررسی قرار شده است.

الف) ضرورت وحدت و انسجام

حدیث اول

ضرورت وحدت و انسجام اسلامی را رسول خدا صلی الله علیه و آله این گونه بیان می فرماید:

«اثنان خیر من واحد وثلاثه خیر من اثنین واربعه خیر من ثلاثه فعلیکم بالجماعه فانّ یدالله مع الجماعه ولم یجمع الله عزّ وجلّ امّتی إلاّ علی هدی واعلموا ان کلّ شاطن من النار؛ دو نفر از یک نفر بهترند، سه نفر از دو نفر بهترند و چهار نفر از سه نفر بهترند. بر شما باد که با جماعت باش، چرا که دست خدا با جماعت است. خداوند امت من را صرفاً بر هدایت جمع کرده

است و بدانید هرکس از حق دور است، مقامش در آتش است.»(۱)

در جای دیگر رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«ایّها الناس علیکم بالجماعه وایّاکم والفرقه؛ ای مردم! با جماعت باش و از جدایی و افتراق پرهیز کن.»(۲)

وحدت به معنای یگانه شدن و انفراد است.(۳) و اتحاد در لغت به معنای یکی شدن دو چیز موجود می باشد

«صیروره الشیئین الموجود شیئاً واحداً»(۴) چنان که گفته شد، وحدت، یگانه و یکی شدن دو چیز موجود است، ولی وقتی ما می گوییم وحدت مسلمانان یا اتحاد بین مسلمین مراد

۱- (۱) متقی هندی، کنز العمال، ج ۱، ح ۱۰۲۵؛ میزان الحکمه.

۲- (۲) کنزالعمّال، ج ۱، ص ۲۰۶، ح ۱۰۲۸.

۳- (۳) خلیل احمد فراهیدی، کتاب العین، ج ۳، ص ۲۸۱، ه جوهری، الصحاح، ج ۲, ص ۵۴۷، ابن اثیر، النهایه فی غریب الحدیث; زبیدی تاج العروس، ج ۲ ص ۵۲۶.

۴- (۴) مجمع البحرین، ج ۴، ص ۴۷۴.

معنـای لغوی آن نیست، بلکه معنـا جـدا از لغت است. تمـام مکـاتب فکری مسـلمانان بـا حفـظ اصولشان - که همه آن را قبول دارند از قبیل: توحید، رسالت، معاد، قبله مشترک، قرآن، اهل بیت - در مقابل دشـمن مشترک در یک صف جمع می شوند و اتحاد اسلامی به معنای دست برداشتن گروهی از عقاید خود و اختیار نمودن مذهب دیگر، نیست.

رهبر معظم انقلاب حضرت آیه الله خامنه ای مقصود از وحدت و انسجام را این گونه بیان می کند:

«منظور ما از وحـدت، هماهنگی و یک نوایی و هم صـدایی است، تا برادران دیگر در مقابل هم قرار نگیرند و لوله های تفنگ از دشمن به دوست منصرف نشود».(۱) حرف ما به عنوان پیام وحدت این است که مسلمانان بیایند با هم متحد بشوند و با یک دیگر دشـمنی نکنند و محور هم کتاب خدا و سنت نبی اکرم و شریعت اسلامی باشد. این حرفی است که هر عاقل بی غرض و منصفی آن را قبول خواهد کرد.

بنـابراین وحـدت اسـلامی به این معناست که تمام مسـلمانان عالم با حفظ اصول و عقایـدشان، مسائل اختلافی را روی میز حل کنند و در مقابل دشـمنان اسلام یک پارچه قیام کنند و به این آیه عمل کنند:(مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللّهِ وَ الَّذِینَ مَعَهُ أَشِدّاءُ عَلَی الْکُفّارِ رُحَماءُ بَیْنَهُمْ)۲ ؛ محمـد صـلی الله علیه و آله رسول خـدا و کسـانی که بـا آن حضـرتند در مقابل کفار سـخت گیر و در مقابل خودشان رحم دل و مهربانند.

از ژرف نگری در منابع اسلامی به وضوح روشن می شود که وحدت و اتحاد بین مردم در نزد رسول اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه هدی علیهم السلام بسیار با اهمیت است. در روایات فراوانی، رسول خدا علاوه بر تأکید به وحدت،

۱- (۱) دفتر مقام معظم رهبری, حدیث ولایت، مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری، ج ۴، ص ۹۱.

راهکارهای وحدت و محبت بین مردم را بیان نموده است که به برخی از این روایات را مورد بررسی قرار می دهیم:

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است:

«ذمه المسلمین واحده یسعی بها أدنا هم و هم ید علی من سواهم فمن اخفر مسلما فعلیه لعنه الله والملائکه والناس اجمعین لا یقبل منه یوم القیامه صرف و لاعدل؛(۱) همه مسلمانان در سایه یک پیمان بوده و ضعیف ترین افرادشان در سایه آن کار می کند و همه باهم چون یک دست بر سر بیگانگانند. وای بر کسی که این پیمان را حتی نسبت به یک فرد مسلمان بشکند که بر اوست لعنت خدا و فرشتگان و همه مردم و از او در روز قیامت هیچ عملی پذیرفته نخواهند شد.»

«وعنه ایضاً، ایاکم والظن فان الظن أکذب الحدیث ولاتجسسوا ولاتحسسوا، ولا تناجشوا ولا تحاسدوا ولا تدابروا، ولا تباغضوا وکونوا عبادالله اخواناً(۲) ولا ـ یحل لمسلم ان یهجراخاه فوق ثلاثه ایّام؛(۳) از گمان بد بپرهیزید، زیرا دروغ ترین گفتار همان است که از روی گمان گفته می شود برای به دست آوردن اخبار مخفی به یک دیگر گوش نکشید. در امور یک دیگر تجسس و پی جویی نکنید، حسد نورزید و از هم فاصله نگیرید و با هم دشمنی نکنید، بندگان خدا بوده و چون برادران باشید و روا نیست مسلمانی بیش از سه روز از برادر مسلمانش دوری کند.»

۱- (۱) مسند احمد، ج ۱، ص ۱۲۶; ج ۸، ص ۱۴۵; صحیح بخاری، ج ۲، ص ۲۲۱; السنن الکبری، ج ۵، ص ۱۹۶، ج ۸ ص ۱۹۳ و ج ۹، ص ۹۴; نسائی، السنن الکبری، ج ۲، ص ۴۸۶; مسند ابی یعلی، ج ۱، ص ۲۵۵; صحیح ابن حبان، ج ۹، ص ۳۰، ۳۳; المعجم الاوسط، ج ۶، ص ۵; کنزالعمال; ج ۱۴، ص ۱۲۸، اضواء علی السنه المحمدیه، ص ۹۴.

۲- (۲) مسند احمد، ج ۲، ص ۲۸۷، ۳۴۲، ۴۶۵، ۴۷۰، ۴۸۲، ۴۹۲، ۵۱۷، ۵۳۹; صحیح البخاری، ج ۶، ص ۱۳۶ و ج ۷، ص ۸۸ و ج ۸، ص ۳; صحیح مسلم، ج ۸، ص ۱۰.

۳- (۳) صحیح بخاری، ج ۷، ص ۸۸، ۹۰; صحیح مسلم، ج ۸، ص ۸; السنن الکبری، ج ۱۰، ص ۲۳۲; صحیح ابن حیان، ج ۱۲، ص ۴۷۶.

«وعنه ایضاً، المسلم اخو المسلم لا یظلمه ولا یسلمه ومن کان فی حاجه اخیه کان الله فی حاجته ومن خرج عن مسلم کربه فرج الله عنه کربه من کربات یوم القیامه ومن ستر مؤمناً سترالله یوم القیامه؛(۱) مسلمان برادر مسلمان است و بد و ظلم نکرده و تنهایش نمی گذارد. کسی که سرگرم مورد نیاز برادر خود بود خداوند کار او را اصلاح می کند، کسی که گرفتاری مسلمانی را برطرف کرد خداوند گرفتاری روز قیامت را برطرف می کند و کسی که بر زشتی مسلمانی پرده پوشی نمود خداوند زشتی های وی را در روز قیامت مستور می دارد.»

از روایات مذکور به این نتیجه می رسیم که اگر کسی بین برادران ایمانی و اسلامی تفرقه اندازی بکند، از رحمت الهی دور می شود؛ دوری از برادر مؤمن از سه روز بیشتر روا نیست؛ برآوری حاجت مؤمن باعث الفت و مورد توجه خدا قرار می گیرد؛ محبوب ترین فرد نزد خدا کسی است که با دیگران دوستی کند و دوست یاب باشد و مبغوض ترین فرد نزد خدا کسی است که جدایی و افتراق بیاندازد.

عبدالمؤمن انصاری از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که گفت: «من از امام صادق علیه السلام پرسیدم که مردم می گویند: که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است که:

«اختلاف امتی رحمه؛ در میان امت من اختلاف رحمت است.» امام فرمود: آنها راست گفته اند. عرض کردم: بنابراین اتفاق امت عذاب خواهد شد؟! فرمود: «خیر، آن چه را آنها فکر می کنند آن طور نیست، بلکه رسول خدا این آیه را اراده کرده است: (فَلَوْ لا نَفَرَ مِنْ کُلِّ فِرْقَهٍ مِنْهُمْ طائِفَهٌ لِیَتَفَقَّهُوا...) که مردم خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله بیایند و در مسائل گوناگون گفت وگو کنند و [حقیقت را] از ایشان یاد بگیرند و سپس در میان قوم خویش رفته،

۱- (۱) احمد بن حنبل، مسند احمد، ج ۲، ص ۹۱؛ بخاری، صحیح بخاری، ج ۳، ص ۹۸، ج ۸، ص ۵۹؛ مسلم نیشابوری صحیح مسلم، ج ۸، ص ۱۸.

آن چه از محضـر رسول خـدا یاد گرفته اند به مردم یاد بدهند. همانا مقصود از اختلافشان اختلاف شـهرهاست، نه اختلاف در دین شان.(۱)

سیرهٔ حضـرت علی علیه السـلام به ما نشان می دهد که ایشان پس از رحلت رسول خدا صلی الله علیه و آله، با وجود مشکلات فراوان و با این که حق خویش را از دست داده بود، اما با تـدبیر مـدبّرانه خویش، انسـجام اسـلامی را در مقابل دشـمنان اسـلام حفظ نمود؛ و کسانی که به بهانه حمایت از اهل بیت علیهم السـلام می خواسـتند از پشت به اسـلام خنجر بزنند، برخورد نمود. حضرت در جایی می فرماید:

«خیر النـاس فی حالاًـ النّمـط الاوسـط فـالزموه والزموا السواد الاـعظم فـانّ یـدالله مع الجماعه وایّاکم والفرقه فانّ الشاذ من النّاس للشـیطان کما ان الشاذ من الغنم للـذئب إلا من الدعا الی هذا الشـعار فاقتلوه ولو کان تحت عمامتی هذه؛ بهترین مردم نسـبت به من گروه میـان رو هسـتند. از آنهـا جـدا نشویـد، همواره بـا بزرگ ترین جمعیت هـا باشـید که دست خـدا با جماعت است. از پراکنـدگی بپرهیزید که انسان تنها بهره شـیطان است آن گونه که گوسـفند تنها طعمه گرگ خواهد بود، آگاه باشـید هرکس که مردم را به اشعار تفرقه وجدایی دعوت کند، او را بکُشید هرچند که زیر عمامه من باشد.»(۲)

از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده است که فرمود:

«وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّهِ جَمِیعاً وَ لا تَفَرَّقُوا»

فـانی، سـمعت رسول الله صـلی الله علیه و آله یقول: «انّ صـلاح ذات الـبین اعظم من عـامه الصـلاه والصـیام» ؛ «همه به ریسـمان خداوند چنگ بزنید وتفرقه نیندازید»، من از رسول خدا شـنیده ام که فرمود: «مصالحه بین دو نفر بهتر از نماز و روزه یک ساله است.»(۳)

۱- (۱) علل الشرایع، ج ۱، ص ۸۵.

۲- (۲) شرح نهج البلاغه، ج ۸، ص ۱۱۲، خطبه ۱۲۷.

۳- (۳) نورالدین هیثمی، مجمع الزواید، ج ۹، ص ۱۴۲؛ بحار الانوار، ص ۲۲۶، ح ۴.

ب) ضرورت پرهیز از افتراق

حدیث دوم

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«انّ الاختلاف والتنازع والتثبط من امرالعجز والضعف وهوممّا لایحبّه الله ولایعطی علیه النصر والظفر؛ اختلاف، جنگ و دعوا از اسباب تضعیف است و از چیزهای است که خداوند آن را دوست ندارد و به آن کمکی نمی کند و بر آن پیروزی عنایت نمی کند.»(۱)

علی بن ابی الطالب علیه السلام اختلاف را در زمرهٔ گناهان کبیره و همراه شرک به خدا قرار داده است:

«الکبائر: الشرک باالله وقتل النفس... و فراق الجماعه؛(۲) شرک قتل نفس و جدایی از جماعت، از گناهان کبیره اند.»

ابن عباس از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل کرده است که فرمود

: «من فارق المسلمین قید شبر فقد خلع ربقه الاسلام من عنقه؛(۳) کسی که بین مسلمان ها تفرقه بیندازد (از دایره اسلام خارج شده است) ریسمان اسلام را از گردنش انداخته است.»

از امام صادق علیه السلام نقل شده است:

«من خلع جماعه المسلمین قدرشبرخلع ربقه الایمان من عنقه؛(۴) کسی که از جماعت مسلمین خارج شود از دایره اسلام خارج شده است.»

از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است:

«ثلاثه لا تسئل عنهم: رجل فارق الجماعه وعصی امامه ومات عاصیاً...؛(۵) سه گروه هستند که در مورد آنها

۱- (۱) شرح نهج البلاغه، ج ۱۴، ص ۲۳۲؛ بحار الانوار، ج ۸۵ ص ۱۳، ح ۲۳.

۲- (۲) ابن کثیر، تفسیر القرآن الکریم، ج ۲، ص ۱۹۱، در ذیل تفسیر آیهٔ ۱۵۳، سوره انعام و آیهٔ ۱۳، سورهٔ شوری.

۳- (۳) محمدیعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۴۰۹، ح ۴؛ کنز العمّال، ج ۱، ص ۲۰۷، ح ۱۰۳۵.

۴- (۴) بحارالانوار، ج ۸۵ ص ۱۳، ح ۲۳.

۵- (۵) مسند احمد، ج ۶، ص ۱۹.

سؤال نخواهـد شد (به آنها توجهی نخواهد شد) شخصـی که از جماعت جدا شده و از امامش سـرپیچی کرده و با آن عصـیان بمیرد...»

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«اربعه لیست غیبتهم غیبه.... والخارج عن الجماعه الطاعن علی امتی الشاهر علیهم بسـیفه؛(۱) چهار گروه هستند که غیبت شان، غیبت محسوب نمی شود... کسی که از جماعت خارج شود، به امت من ناسزا بگوید و بر آنها با شمشیر حمله کند.»

۳- عوامل وحدت و انسجام اسلامی

الف) برابری

حدیث سوم

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود:

«انّ المسـلمین ید واحده علی من سواهم وانّ لا یخرج من جماعه المسلمین الاّ مفارق معاندلهم مظاهرم علیهم؛(۲) مسلمانان در مقابل دیگران مانند دست واحدند و از جماعت مسلمانان خارج نمی شود جز کسانی که دشمن آنان باشد.»

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود:

«المسـلون تتکافـأ دمـائهم یسـعی بـذمتهم أدناهم ویجبر علیهم اقصاهم والمسـلمون یـد علی من سواهم یردّ مشـدّ علی مضـعفهم ومتسرّعهم علی قاعدهم.»(۳)

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله مؤمنان را مانند جسم واحد دانسته است:

«انّ المؤمن من اهل الایمان بمنزله الرأس من الجسد یألم المؤمن لأهل الإیمان کما یألم الجسد لما فی الرأس؛(۴) یک مؤمن از اهل ایمان مانند سر نسبت

۱- (۱) مستدرک سفینه البحار، ج ۸، ص ۸۹.

۲- (۲) معجم الاوسط, ج ۶ ص ۳۰۵؛ بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۱۰۴.

۳- (۳) سنن ابن ابی داود، ج ۱، ص ۶۲۵، ح ۲۷۵۱.

۴- (۴) تفسیرالقرآن العظیم، تفسیر، ج ۴، ص ۲۲۶.

به جسم است که هرگاه مؤمنی را مشکلی پیش آیـد مؤمنان دیگر نیز احساس درد کننـد، چنان که درد و الم سر، در جسم او نیز اثر می کند.»

در روایت دیگری همه مؤمنان را به شخص واحد تشبیه کرده است:

«المؤمنون کرجل واحد اذا اشتکی رأسه تداعی له سائر الجسد بالسهر(۱) والحمی؛(۲) مؤمنان مانند شخص واحدی هستند که هرگاه، سر شخص به درد آید بقیه جسم نیز در اثر آن به درد آید.»

امام صادق علیه السلام:

«انّما المؤمنون رأس واحد؛(۳) مؤمنان، مانند رأس واحدند.»

از این روایات به این نتیجه می رسیم که در ظاهر همهٔ انسان ها برابر هستند و عضوی از یک خانواده واحد به شمار می آیند. هیچ کس بر دیگری برتری ندارد جز به تقوا:(إِنَّ أَکْرَمَکُمْ عِنْدَ اللّهِ أَتْقاکُمْ) ؛ گرامی ترین شما، پرهیزکارترین شماست.

بنابراین مشکل یک نفر مشکل همه است و درد یکی، درد همه است. اگر مؤمن این احساس را نداشته باشد، گویا مسلمان نیست و بلکه از زمرهٔ اسلام خارج خواهد بود.

ب) برادری

حدیث چهارم

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است:

«لاتحاسدوا ولاتنافسوا(۴) ولاتباغضوا

ص:۱۶۱

۱- (۱) «السهر» به معنای تب و درد شدیدی که او نتواند بخوابد و «الحمی» به معنای تب معمولی است», فتح الباری، ج ۱۰، ص ۳۶۸.

۲- (۲) الجامع الصغیر، ج ۲، ص ۵۳۲.

۳- (۳) وسائل الشیعه. ج ۱۵، ص ۳۵۲، ح ۱۲.

۴- (۴) به معنای حسد ورزیدن، فخر فروشی آمده است.

ولاتدابروا(۱) وکونوا عبیدالله (عبادالله) اخواناً؛(۲) با یک دیگر حسد، دشمنی، و خصومت نکنید و با هم برادر باشید.»

و نیز رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است:

«علیکم بالتواصل والتباذل وایّاکم والتقاطع والتحاسد والتدابر وکونوا عبادالله اخواناً؛(۳) بر شما باد که با یک دیگر مرابطه و تباذل داشته باشید و از قطع رابطه، حسد و خصومت بپرهیزید و با هم برادر باشید.»

در مورد دیگری پیامبراسلام صلی الله علیه و آله فرموده است:

«ألا ان المسلم اخوالمسلم فلیس یحلّ لمسلم من اخیه شیء الاّ ما احلّ من نفسه؛(۴) آگاه باشید! مسلمان برادر مسلمان دیگر است، برای هیچ یک از مسلمانان چیزی روا نیست جز آن که آن را برای خود سزاوار می داند.»

در این روایت نیز پیامبراسلام صلی الله علیه و آله امر به برادری اهل اسلام حکم فرمود است:

«کونوا عبادالله اخواناً کما أمرکم المسلم اخو المسلم..؛(۵) چنان که به شما امر کرده ام که برای خدا با هم برادر باشید.»

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در روایتی مؤمن را به آینه تشبیه کرده فرموده است:

«المؤمن مرآه المؤمن والمؤمن اخو المؤمن من حیث؛(۶) مؤمن آینه مؤمن و برادر یک دیگر است.»

در روایتی که از امام صادق علیه السلام نقل شده، علاوه بر اوصاف مؤمن که در احایث نبوی بیان شده، ویژگی های دیگری نیز آمده است:

«المسلم

۱- (۱) به معنای با هم خصومت کردن، قطع رابطه و اختلاف کردن آمده است.

۲- (۲) مسند احمد، ج ۲، ص ۳۱۲.

۳- (۳) نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، ج ۹، ۴۹، ح ۲۴.

۴- (۴) سنن الترمزی، ج ۴، ص ۳۳۷، ح ۵۰۸۲؛ عوالی اللئالی، ج ۳، ص ۱۸۴.

۵- (۵) الکافی، ج ۲، ص ۱۰۱.

۶- (۶) سنن البیهقی، ج ۸ ص ۱۶۷.

اخو المسلم هو عینه ومرآته ودلیله لا یخونه ولا یخدعه ولا یظلمه ولا یکذبه ولا یغتابه؛(۱) مؤمن، برادر، چشم و راهنمای مؤمن دیگر است که نه خیانت می کند، نه فریب می دهد، نه ظلم می کند، نه دروغ می گوید و نه از برادر خود غیبت می کند.»

برای هر مؤمن بر مؤمن دیگر حقوقی است که شماری از آنها در روایات ذکر شده است؛ از جمله این که یک برادر نسبت به دیگری مانند آینه رفتار کند، چنان که کار آینه این است که هر عیبی در او است، آن را بدون هیچ نقص به صاحبش نشان دهد. مؤمن هم نسبت به مؤمن دیگر باید مانند آینه و بلکه بالاتر از آن باشد، چرا که آینه فقط عیب هایی نشان می دهد که جلوی او و روبه روی او باشد ولی مؤمن هر عیب ظاهری و باطنی را به برادر دینی هشدار می دهد و عیب و نقص او را نشان می دهد و او را به راه سعادت دنیوی و اخروی راهنمایی می کند.

ج) حسن خلق

در معنای حسن خلق گفته شده است:

«هو طلاقه الوجه، وبذل المعروف، وکف الأذی؛(۲) حسن خلق عبارت است از، چهرهٔ باز، نیکی به دیگران و اذیت و آزار نرساندن به دیگران.»

حدیث پنجم

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «لن تؤمنوا حتی تراحموا»، قالوا: یا رسول الله صلی الله علیه و آله، کلّنا رحیم قال: انه لیس برحمه احدکم صاحبه ولکنّها رحمه للعامه؛(۳) شما هرگز ایمان

۱- (۱) الکافی، ج ۲، ص ۱۶۶، ح ۵.
۲- (۲) ریاض الصالحین، ص ۳۲۵.
۳- (۳) سنن بیهقی، ج ۹، ص ۶۸.

نیاورده اید مگر این که باهم مهربان باشید. اصحاب گفتند: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله! ما همه با یک دیگر مهربان هستیم. فرمود: مهربانی این نیست که شما فقط با یک دیگر مهربان باشید، بلکه باید با همهٔ مردم مهربانی و مدارا کنید.»

آن حضرت در جایی دیگر، شرط ورود به بهشت را حسن خلق قرار داده است:

«لا تدخلوا الجنه حتی تراحموا قالوا یا رسول الله کلنا رحیم قال انه لیس برحمه احدکم ولکن رحمه العامه؛(۱) اگر با هم حسن اخلاق نداشته باشید به بهشت وارد نمی شوید گفتند: ای رسول خدا! ما که با دیگران با حسن اخلاق رفتار می کنیم فرمود: این حسن اخلاق نیست که شما با یک دیگر رفتار شایسته داشته باشید، بلکه بر عموم مردم ترحم نمایید و حسن اخلاق را رعایت کنید.»

در روایت دیگری، رسول الله صلی الله علیه و آله صاحب اخلاق حسنه را شبیه خود قرار داده است:

«الاـ اخبرکم باشبهکم بی؟ قالوا بلی یا رسول الله فقال: احسنکم خلقاً والینکم کنفاً وابّرکم بقرابته واشدّکم حباً لاخوانه فی دینه؛(۲) آیا به شما خبر بدهم که از شما کدام شخص به من شبیه تر است؟ همه گفتند: بلی ای رسول خدا صلی الله علیه و آله! فرمود: هرکدام از شما از نظر اخلاقی نرم تر و نیکی کننده تر به خویشاوندان و به برادران دینی و مهربان تر باشد به من شبیه است.»

از نبی اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود:

«ما وضع فی المیزان أرجح من حسن الخلق؛(۳) ارزشمندترین چیزی که در قیامت به میزان گذاشته می شود، حسن خلق است.»

هم چنین از علی بن الحسین علیه السلام نقل شده که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود:

«ما

۱- (۱) مجمع الزواید، ج ۸، ص ۳۰.

۲- (۲) الکافی، ج ۲، ص ۲۴۰، ح ۳۵.

۳- (۳) المعجم الصغیر، ج ۱، ص ۱۹۹.

یوضع فی میزان امری یوم القیامه أفضل من حسن الخلق؛(۱) در روز قیامت، افضل ترین چیزی که به میزان گذاشته می شود، حسن خلق (انسان) است.»

عن أبی عبدالله علیه السلام قال: «إن الله تبارک وتعالی لیعطی العبد من الثواب علی حسن الخلق کما یعطی المجاهد فی سبیل الله.»(۲)

از نبی اسلام صلی الله علیه و آله پرسیده شد که بهترین اعمال کدام است، فرمود:

«حسن الخلق؛(۳) حسن خلق است.»

ایشان در بیانی دیگر فرمودند:

«إن من الإیمان حسن الخلق وأفضلکم إیمانا أحسنکم خلق؛(۴) حسن خلق از نشانه های ایمان است و بهترین شما از لحاظ، ایمان نیکوترین شما در خلق و رفتار است.»

در روایت دیگر از رسول خدا صلی الله علیه و آله آمده است:

«إن حسن الخلق لیذیب الخطیئه کما تذیب الشمس الجلید؛(۵) حسن خلق، هم چون خورشید که پوست (حیوان) را خشک می کند، گناهان را می زداید.»

در روایتی نبوی، صاحب اخلاق حسنه، از عابد بدخلق، شایسته تر دانسته شده است.

«شاب سخیّ حسن الخلق أحب إلی الله من شیخ بخیل عابد شیء الخلق.»(۶)

در روایتی دیگر، از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل شده است که حسن خلق از شایسته ترین حسب ها به شمار می آید:

«أکرم الحسب حسن الخلق.»(۷)

۱- (۱) الکافی، ج ۲، ص ۹۹.

۲- (۲) همان، ج ۲، ص ۱۰۱.

۳- (۳) المعجم الکبیر، ج ۱، ص ۱۸۰-۱۸۱.

۴- (۴) همان، ج ۸، ص ۱۸۲.

۵- (۵) الجامع الصغیر، ج ۱، ص ۳۴۵.

۶- (۶) همان، ج ۲، ص ۷۴.

۷- (۷) ابن سلامه، دستورمعالم الحکم، ص ۲؛ ابن أبی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱۸، ص ۱۵۷.

د) حسن سلوک

حدیث ششم

ابوذر از رسول اسلام صلی الله علیه و آله نقل کرده است که فرمود:

«تبسمک فی وجه اخیک لک صدقه»(۱)

از امام باقر علیه السلام نقل شده که شخصی خدمت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله آمد و از آن حضرت خواست که نصیحتش کند، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«الق اخاک بوجه منبسط؛(۲) با برادر خود با چهرهٔ باز ملاقات کن.»

ه) مدارا

«مدارا» یعنی ملاینه و نرم خویی و این که شخص با مردم رفتاری نرم و خوش و مناسب شخصیت آنان داشته باشد.(۳)

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

«انّ الله امرنی بمداراه الناس کما امرنی باقامه الفرائض؛(۴) خداوند به من امر کرده است که هم چون ادای واجبات، با مردم نرمش رفتار کنم.»

از رسول خدا صلی الله علیه و آله سؤال شد که:

ایّ الاعمال افضل؟ قال: «الحنیفیه السمحه.»(۵)

قال رسول الله صلی الله علیه و آله:

«الا اخبرکم بمن یحرم علی النار وبمن تحرم علیه النار؟ علی کلّ قریب هیّن سهل؛(۶) آیا به شما خبر بدهم که چه کسانی بر آتش و آتش بر چه کسانی حرام شده است؟ فرمود: به هر

۱- (۱) سنن الترمزی، ج ۳، ص ۲۲۸، ح ۱۹۵۶.

۲- (۲) الکافی، ج ۲، ص ۱۰۳، ح ۳.

۳- (۳) الصحاح، ص ۵۷.

۴- (۴) الجامع الصغیر، ج ۱، ص ۲۵۴.

۵- (۵) المصنف، ج ۱۱، ح ۲۰۳۰۴.

۶- (۶) سلیمان بن احمد بن طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۱، ص ۲۳۱.

کس که با نرمی با مردم رفتار کند و بر آنها آسان بگیرد.»

علی علیه السلام هنگامی که ابن عباس را والی تعیین کرد به او فرمود:

«یابن عباس! علیک بتقوی الله والعدل بمن ولّیت علیه وان تبسط للناس وجهک وتوسع علیهم مجلسک وتسعهم بحلمک؛(۱) ای ابن عباس! تقوا را پیشه کن و به مردم با عدل برخورد کن، با چهرهٔ باز و گشاده با آنها رفتار کن، در مجلس خود آنها را جا بده و با مردم بردبار باش.»

از عایشه نقل شده است که رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود:

«انّ الله عزّ وجلّ رفیق ویحبّ الرفق فی الامر کلّه؛(۲) خداوند رفیق (نرم خو) است و در تمام امور نرمی را دوست دارد.»

آن حضرت صلی الله علیه و آله مدارا را نصف ایمان و رفقت را نصف زندگی شمرده است:

«مداراه الناس نصف الایمان والرفق بهم نصف العیش.»(۳)

هم چنین رسول اکرم صلی الله علیه و آله بعد از ایمان به خدا، مدارا را رأس عقل قرار داده است:

«رأس العقل بعد الایمان بالله مداراه الناس.»(۴)

در روایتی رسول خدا صلی الله علیه و آله کسی که با ویژگی مدارا بمیرد، شهید نام نهاده است:

«من عاش مداریا مات شهیدا.»(۵)

حضرت علی علیه السلام مدارا را ثمره عقل قرار داده است:

«ثمره العقل مداراه الناس.»(۶)

۱- (۱) الکافی، ج ۲، ص ۱۷، ح ۱.
۲- (۲) سنن الترمزی، ج ۴، ص ۱۶۲، ۲۸۴۴؛ میزان الحکمه، ج ۲، ص ۱۱۰۳،
۳- (۳) ابن شعبه الحرانی، تحف العقول، ص ۴۲.
۴- (۴) همان، ص ۴۲؛ ابن أبی شیبه الکوفی، المصنف، ج ۶، ص ۱۰۲.
۵- (۵) روضه الواعظین، ص، ۳۸.
۶- (۶) عیون الحکم والمواعظ، ص ۲۰۹.

هم چنین علی علیه السلام مدارا را رأس حکمت و باعث سلامت دین و دنیا قرار می دهد:

«رأس الحکمه، مداراه الناس»(۱) و

«سلامه الدین والدنیا فی مداراه الناس.»(۲)

و) هم زیستی

هم زیستی مسالمت آمیز با مردم یکی از تعلیمات قرآن و سنت و سیرهٔ مستمره بزرگان دین می باشد و خصوصاً سیرهٔ اهل بیت علیهم السلام در این مورد، الگویی شایسته برای ماست.

حدیث هشتم

رسول الله صلی الله علیه و آله در این مورد می فرماید:

«لاـ تقـاطعوا ولاـ تـدابروا ولا تباغضوا ولا تحاسـدوا وکونوا عبادالله اخواناً ولا یحلّ لمسـلم ان یهجر اخاه فوق ثلاث؛(۳) با یک دیگر قطع رابطه، خصومت، دشـمنی و حسد نکنید و با هم برادر باشید. برای هیچ کس از مسلمانان جایز نیست که بیشتر از سه روز از برادر مسلمان ناراضی و قهر باشد.»

قال الصادق علیه السلام:

«علیکم بالصّلاه فی المساجـد وحسن الجوار للنـاس وحضور الجنـائز انه لابـدّ لکم من النّـاس ان احـداً لا یسـتغنی عن الناس فی حیاته والناس لابدّ لبعضهم من بعض؛(۴) بر شـما لازم است، نمازهایتان را در مساجد بخوانید و با همسایگان رفتار خوب داشته باشـید و در تشـییع جنـازه هـا شـرکت کنیـد، زیرا در زنـدگی هیـچ کس بی نیـاز از دیگری نیسـت و برخی به دیگران نیـازمند هستند.»

۱- (۱) همان، ص ۲۶۴.

۲- (۲) همان، ص ۲۸۵.

۳- (۳) صحیح مسلم، ج ۸، ص ۱۰، ح ۸؛ الخصال، ص ۱۸۳.

۴- (۴) وسائل الشیعه، ج ۱۲،، ص ۶، ح ۵؛ الکافی، ج ۲، ص ۶۳۵.

معاویه بن وهب نقل می کند: من از امام صادق علیه السلام پرسیدم که ما (شیعیان) با دیگران (اهل تسنن) چگونه معاشرت کنیم، تکلیف ما چیست؟ امام فرمود:

«کیف ینبغی لنا ان نصنع فیما بیننا وبین قومنا وفیما بیننا وبین خلطائنا من الناس؟ قال: تؤدون الأمانه إلیهم وتقیمون الشهاده لهم وعلیهم وتعودون مرضاهم وتشهدون جنائزهم؛(۱) امانت آنها را بدهید، برای آنها (اگر شهادت لازم باشد) شهادت بدهید، بیماران شان را عیادت کنید، (کسی از آنها بمیرد) در تشییع جنازه شان شرکت کنید.»

امام حسن بن علی صلی الله علیه و آله معاشرت خوب با مردم را، رأس عقل می شمارد:

«رأس العقل معاشره الناس.»(۲)

امام علی علیه السلام معیار زندگی با دیگران را این گونه بیان می فرماید:

«اجعل نفسک میزانا فیما بینک وبین غیرک، وأحب لغیرک ما تحب لنفسک، واکره له ما تکره لها، لاتظلم کما لا تحب ان تظلم، وأحسن کما تحب ان یحسن إلیک، واستقبح لنفسک ما تستقبحه من غیرک، وارض من الناس ما ترضی لهم منک؛(۳) در معاشرت با مردم، خودت را میزان قرار بده. آن چه را خود دوست می داری برای دیگران نیز همان را بخواه آن چه را نمی پسندی، برای دیگران نیز نخواه. اگر ستم به خود را نمی خواهی به دیگران هم ستم نکن. آن چه را برخود روا می دادی همان را بر دیگران روا بدار و آن چه را برای خود ناپسند می دار، برای دیگران نیز آن را مکروه بشمار.»

امام حسن علیه السلام می فرماید:

«صاحب الناس مثل ما تحب ان یصاحبوک به؛(۴) همان رفتاری را به مردم روا دار که آن برای خود نیز می پسندی.»

ص:۱۶۹

۱- (۱) الفصول المهمه فی أصول الأئمه، ج ۳، ص ۳۵۳.

۲- (۲) بحار الأنوار، ج ۷۵، ص ۱۱۱.

۳- (۳) میزان الحکمه، ج ۳، ص ۱۹۷۸.

۴- (۴) همان، ج ۳، ص ۱۹۷۸.

امام صادق علیه السلام معتقد است که حتی با یهودی هم با رفتار خوب باید برخورد شود:

«صانع المنافق بلسانک، وأخلص ودک للمؤمن، وإن جالسک یهودی فأحسن مجالسته؛(۱) با منافق به زبان خوش برخورد کن، با مؤمن با اخلاص کامل رفتار نما و با یهودی هم مجالست نیکو داشته باش.»

ابوذر می گوید: روزی رسول الله صلی الله علیه و آله به من فرمود:

«اتق الله حیث ما کنت، وأتبع السیئه الحسنه تمحها، وخالق الناس بخلق حسن؛(۲) هرجا که هستی از خدا پروا کن، بدی را با خوبی جواب بده، با مردم، با اخلاق حسنه رفتار کن.»

رسول الله صلی الله علیه و آله در روایت دیگری، فلسفه حسن معاشرت را چنین بیان فرموده است:

«أحسن مصاحبه من صاحبک تکن مسلما؛(۳) با کسی که با شما معاشرت دارد، خوب رفتار کن تا او (اگر کافر باشد به سبب حسن اخلاق) اسلام بپذیرد.»

حسن معاشرت با مردم تأثیر به سزایی دارد، به گونه ای که در صدر اسلام تعداد زیادی با دیدن حسن اخلاق پیامبر صلی الله علیه و آله، اسلام را پذیرفتند.

عایشه نقل می کند: روزی شخصی اذن دخول خواست، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: این مرد بدترین شخص فلان قبیله است. وقتی او داخل شد، آن حضرت با چهرهٔ بشاش از او استقبال کرد و به او رفتار خوب نشان داد وقتی آن فرد مرخص شد، عایشه از آن حضرت پرسید: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله! آن سخن شما و این رفتار شما! آن حضرت فرمود:

«إن من شر عباد الله من تکره مجالسته لفحشه؛(۴) بدترین مردم کسی است که به سبب بدی کسی، رفتار بدی داشته باشد.»

۱- (۱) الاختصاص، ص، ۲۳۰.

۲- (۲) سنن الترمذی، ج ۳، ص ۲۳۹.

۳- (۳) الأمالی، ص ۱۶۸.

۴- (۴) وسائل الشیعه، ج ۸، ۴۰۱، باب ۲.

ز) محبت

حدیث نهم

معاذ نقل می کند که از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیده شد: بهترین ایمان کدام است؟ فرمود:

«ان تحبّ لله وتبغض لله وتعمل لسانک فی ذکر الله» قال وماذا یا رسول الله؟ قال: «وان تحبّ للناس ما تحبّ لنفسک وتکره لهم ما تکره لنفسک؛(۱) بهترین ایمان این است که محبت و دشمنی با افراد برای خدا باشد و زبان در ذکر خدا مشغول باشد.» سپس پرسید که مقصود از ذکر خدا چیست؟ ایشان فرمود: «آن چه را برای خود دوست دارید، برای دیگران نیز همان را بخواهی و آن چه را برای خود نمی پسندی، برای دیگران هم نخواهی.»

روایات زیادی در مورد محبت مردم از رسول الله صلی الله علیه و آله رسیده است که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

بهترین عمل:

«افضل الاعمال بعد الایمان بالله التودّد إلی الناس؛(۲) بعد از ایمان به خدا، محبت به مردم از بهترین عمل هاست.»

خردمندی:

«رأس العقل بعد الایمان بالله عزّ وجلّ التودّد إلی الناس؛(۳) بعد از ایمان، خردمندانه ترین کار، محبت به مردم است.»

میزان نیکوکاری: حضرت علی علیه السلام محبت به مردم را میزان نیکوکاری قرار داده است:

«اجعل نفسک میزاناً فیما بینک وبین غیرک احبّ لغیرک ما تحبّ لنفسک واکره له ما تکره لها واستقبح من نفسک ما استقبح من غیرک؛(۴) نفس خود را بین خود و دیگران میزان قرار بده

۱- (۱) مسند احمد، ج ۵، ص ۲۴۷؛ میزان الحکمه، ج ۱، ص ۱۹۸.
۲- (۲) جامع الصغیر، ج ۱، ص ۱۸۶.
۳- (۳) السنن الکبری، ج ۱۰، ص ۱۰۹.
۴- (۴) نهج البلاغه، ج ۳، ص ۴۵؛ دستور معالم الحکم، ص ۶۷، شبیه این روایت در کتب مکتب اهل بیت نیز وارد شده است، غررالحکم، ج ۱، ص ۱۲۳.

که هرچه برای خود دوست داری برای دیگران هم دوست بدار و هرچیزی که از آن کراهت داری، برای دیگران هم آن را مکروه بدان.»

دوست دور بهتر از خویشاوند نزدیک: شیعه و اهل سنت هر دو از علی بن الحسین علیه السلام این روایت را نقل کرده اند:

«القریب من قربته الموده وان بعد نسبته والبعید من باعدته البغضاء وان قرب نسبه وشیء أقرب من ید الی جسد وانّ الید اذا غلت(۱) قطعت واذا قطعت حسمت(۲) ؛(۳) قریب کسی است که دوستی داشته باشد اگرچه از نظر خویشاوندی دور باشد، و اجنبی کسی است که با فردی پیوند دوستی نداشته باشد اگرچه از لحاظ خویشاوندی با او نزدیک باشد. از نظر نزدیکی و نسبی، از همه نزدیک تر با انسان، دست او است، ولی هرگاه از دست خیانتی رخ دهد، قطع می گردد و آن را می بندد.»

این روایت نزدیکان را به دست تشبیه کرده است، برای این که بگوید صرف قربت فایده ندارد. دست نزدیک ترین عضو انسان است، ولی این دست هنگامی که دزدی می کند در حقیقت دشمن او است و یا این که انسان دشمن دستش می شود و این امر سبب می شود که دستش قطع بشود.(۴) پس هرکس انسان را دوست داشته باشد گرچه از نظر حسب و نسب دور باشد به او نفع می رساند، ولی کسی که از نظر حسب و نسب انسان به او نزدیک است ولی به جای این که به او کمکی کند باعث ذلت او می شود شخص اجنبی از او بهتر است.

۱- (۱) «غلت» به معنای خیانت است.

۲- (۲) «حسمت» به معنای بستن خون و زخم است.

۳- (۳) کنز العمال، ج ۱۶، ص ۱۲۲، ح ۴۴۱۴۳؛ وسائل الشیعه، ج ۸ ص ۴۳۳، ح ۴.

۴- (۴) کافی، ج ۲، ص ۶۴۲، به نقل النهایه الغلول.

ح) احترام

حدیث دهم

قال رسول الله صلی الله علیه و آله: «من اکرم اخاه فانّما یکرم الله؛(۱) هرکس به برادر دینی خود احترام کند گویا به خداوند احترام کرده است.»

شبیه این روایت را امیرالمؤمنین علیه السلام نیز از رسول الله صلی الله علیه و آله نقل کرده است:

«من اکرم اخاه المسلم فانّما یکرم ربّه؛(۲) هرکس به برادر مسلمانی احترام کند، به پروردگار احترام کرده است.»

رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود:

«من اکرم اخاه المسلم بکلمه یلطفه بها وفرّج عنه کربته لم یزل فی ظلّ الله الممدود علیه الرحمه ما کان فی ذالك؛(۳) کسی به برادر مسلمانی، با کلمه ای اظهار لطف کند و مشکلی را از او برطرف کند، تا وقتی در آن کار مشغول است در سایهٔ رحمت الهی خواهد بود.»

هم چنین از آن حضرت نقل شده است:

«من أکرم أخاه فانما یکرم الله فما ظنکم بمن یکرم الله عزوجل ان یفعل به؟؛(۴) هرکس به برادر (دینی) خود اکرام کند به خدا اکرام کرده است و کسی که خدا به او احترام کند چه مقامی خواهد داشت!»

در روایت دیگری چنین آمده است: کسی که به برادر دینی مسلمانی احترام کند در سایهٔ فرشتگان قرار می گیرد:

«من أکرم أخاه المسلم بمجلس یکرمه، أو بکلمه یلطفه بها أو حاجه یکفیه إیاها، لم یزل فی ظل من الملائکه ما کان بتلك المنزله؛(۵) کسی برادر مسلمانی را در مجلسی احترام کند، یا

۱- (۱) کنز العمّال، ج ۹، ص ۱۵۴، ح ۲۵۴۸۸.
۲- (۲) بغیه الباحث، ص ۷۵، شبیه این روایت در امالی الصدوق نیز آمده است، ص ۴۳۱.
۳- (۳) الکافی، ج ۲، ص ۲۰۶، ح ۵.
۴- (۴) بحار الأنوار، ج ۷۱، ص ۳۱۹.
۵- (۵) کتاب المؤمن، ص ۵۲.

توسط کلمه ای او را گرامی بدارد و یا حاجت برادر دینی را برآورده کند، در سایه فرشتگان قرار خواهد گرفت تا زمانی که در آن کار مشغول است.»

ط) کمک

حدیث یازدهم

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«المؤمنون اخوه یقضی بعضهم حوائج بعض فبقضاء بعضهم حوائج بعض یقضی الله حوائجهم یوم القیامه؛(۱) مؤمنان برادرند برخی حاجات برخی دیگر را برآورده می کنند و هرکه (در دنیا) حوایج دیگر را برآورده کند، خداوند روز قیامت حاجات او را برآورده می کند.»

از عمربن خطاب نقل شده است که از رسول الله صلی الله علیه و آله پرسیده شد:

ایَّ الاعمال افضل؟ فرمود: «إدخالک السرور علی مؤمن اشبعت جوعته أو سترت عورته أو قضیت له حاجته؛(۲) کدام عمل بهتر است؟ فرمود: «با سیر کردن مؤمنی یا پوشاندن سرش و یا برآورده کردن حاجتش او را خوش کند.»

هم چنین روایت دیگری، ادخال سرور، سیر کردن و رفع کردن مشکل مؤمن را سبب مغفرت دانسته است:

«ان الموجبات المغفره ادخال السرور علی اخیک المسلم واشباع جوعته وتنفیس کربته.»(۳)

ی) حسن ظن

حدیث دوازدهم

ابن عمر می گوید: من رسول خدا صلی الله علیه و آله را در حال طواف به خانه کعبه دیدم که می فرمود:

«... والذی نفس محمد بیده لحرمه المؤمن اعظم

۱- (۱) بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۳۱۱، ح ۶۴.

۲- (۲) مجمع الزواید، ج ۳، ۱۳۰.

۳- (۳) عوالی اللئالی، ج ۱، ص ۳۷۶.

عندالله حرمه منک: ماله ودمه وان یظنّ به الاّ خیراً؛(۱) قسم به کسی که جان محمد در دست اوست، حرمت مؤمن بزرگ تر از حرمت تو (کعبه) است؛ یعنی مال و جان او، دربارهٔ او جز گمان خیر نباشد.» در روایات مختلف از حسن ظن تعبیرهای مختلفی شده است که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

حرمت سوء ظن:

«انّ الله تعالی حرّم من المسلم دمه وماله وان یظنّ به ظنّ السوء؛(۲) خداوند خون، مال و گمان بد نسبت به مسلمان را حرام قرار داده است.»

قیمت بهشت:

«لاـ یموتن أحـدکم إلاـ وهو یحسن الظن بـالله فان حسن الظن بالله ثمن الجنه؛(۳) هیـچ کس از شـما نمیرد، جز این که به خـدا حسن ظن داشته باشد: زیرا حسن ظن به خدا، قیمتش بهشت است.»

رأس عبادت:

«حب الـدنیا رأس کـل خطیئه ورأس العباده حسن الظن بالله؛(۴) دوستی با دنیا ریشـهٔ همه بـدی هاست و حسن ظن، ریشـهٔ همه خوبی ها و سردار عبادت است.»

بهترین سرشت وعادت:

«حسن الظن من أحسن الشیم وأفضل القسم؛(۵) حسن ظن، از فطرت و عادت خوب است.»

اخلاق خوب:

«حسن الظن من أفضل السجایا وأجزل العطایا؛(۶) حسن ظن از اخلاق وعطایای خوبی است.»

۱- (۱) سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۲۹۷؛ الدر المنثورفی تفسیر المأثور، ج ۶، ص ۹۲.

۲- (۲) بحار الانوار، ج ۷۲، ص ۲۰۱، ح ۲۱.

۳- (۳) روضه الواعظین، ص ۵۰۳.

۴- (۴) بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۲۵۸.

۵- (۵) میزان الحکمه، ج ۲، ص ۱۷۸۴.

۶- (۶) همان.

سکون قلب:

«حسن الظن راحه القلب؛(۱) حسن ظن باعث آرامش دل هاست.»

آسانی کار:

«خذ من حسن الظن بطرف تروح به قلبك ويروح به أمرك؛(۲) حسن ظن را پیشه کن، زیرا آن سبب آرامش دل ها و آسانی کار هست.»

دوری از گناه:

«حسن الظن يخفف الهمّ، وينجي من تقلد الإثم؛(۳) حسن ظن، مشکلات را آسان و از طوق گناه، رها می کند.»

باعث جلب محبت:

«من حسن ظنه بالناس حاز منهم المحبه؛(۴) حسن ظن نسبت به مردم، محبت آنها را جلب می کند.»

بهترین پرهیزکاری:

«أفضل الورع حسن الظن؛(۵) حسن ظن، بهترین پرهیزکاری است.»

از بررسی روایاتی که در این زمینه ذکر شد، به این نتیجه می رسیم که اگر مسلمان ها در گفتمان وکارکردهای شان نسبت به یک دیگر حسن ظن داشته باشند، دوری ها و دشمنی ها به نزدیکی و محبت تبدیل خواهد شد؛ زیرا آن چه سبب دشمنی می شود، ابتدا از سوءظن شروع می شود. این سوءظن کم کم به دشمنی و سپس به افتراق می انجامد. ازاین رو قرآن از ظن بد به شدت نهی کرده است:(يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيراً مِنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ) ؛(۶) ای صاحبان ایمان! از سوءظن خودداری کنید، زیرا برخی از گمان ها انسان را به گناه می کشاند.

۱- (۱) همان.

۲- (۲) همان.

۳- (۳) همان.

۴- (۴) همان.

۵- (۵) میزان الحکمه، ج ۲، ص ۱۷۸۵.

۶- (۶) حجرات: آیهٔ ۱۲.

ک) خیرخواهی و نصیحت

حدیث سیزدهم

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود:

«انّما الدین النصیحه» قالوا:

«لمن یا رسول الله صلی الله علیه و آله؟ لله ولکتابه والائمه المسلمین وعامتهم؛(۱) دین، خیرخواهی است. گفتند: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله! برای چه کسی خیرخواهی کنیم؟ فرمود: برای خدا، رسول، کتاب خدا، ائمه مسلمین و عموم مردم.»

در روایت دیگری

(والائمه المؤمنین ولجماعتهم)(۲) آمده است. در روایتی دیگر، امام خیرخواهی را علامت کمال دین دانسته است:

«وأدی النصیحه لأهل بیت نبیه فقد استکمل حقیقه الایمان.»(۳)

واژۀ «نصیحت» در لغت به معنای «خلوص» و مقصود آن خواستن خیر برای کسی است که مورد توصیه قرار گرفته است. البته کارکرد آن در موارد مختلف فرق می کند. اگر این واژه در مورد خدا استعمال شود به معنای صحت اعتقاد و اخلاص نیت در عبادت است. مثلاً: «نصیحه الله؛ یعنی اعتقاد به وحدانیت خدا و اخلاص در عمل. و نصیحه رسوله، یعنی تصدیق به نبوت و انقیاد به آن چه که او امر ونهی کرده است. هم چنین، نصیحه عامه المسلمین، یعنی ارشاد و هدایت و خیرخواهی برای آنها در دنیا و آخرت.(۴)

ضرورت و اهمیت خیرخواهی و نصیحت مسلمانان، روایات زیادی در فریقین آمده است که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱- (۱) مسنداحمد، ج ۲، ص ۲۹۷؛ السنن الکبری، ج ۴، ص ۴۳۲، ۷۸۲۰؛ دعائم الاسلام، ۱۳۸۳، ج ۱، ص ۱۳۴.

۲- (۲) دعائم الاسلام، ج ۱، ص ۱۳۴.

۳- (۳) وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۳۴۲.

۴- (۴) الخصال، ص ۲۹۴؛ شرح اصول کافی، ج ۴، ص ۲۱۰.

اهتمام به امور مسلمین: پیامبراسلام صلی الله علیه و آله فرمود:

«من لایهتمّ بامر

المسلمین فلیس منهم ومن لا یصبح ویمس ناصحاً لله ولرسوله ولکتابه ولامامه ولعامه المسلین فلیس منهم؛(۱) هرکس به امور مسلمانان اهتمام نکند، صبح و شام [در فکر] عمل به دستورات خدا رسول، کتاب و امام نباشد و به مسلمانان خیرخواهی نکند، از آنها (مسلمان) نیست.»

محبوب خدا: پیامبراسلام صلی الله علیه و آله کسی را که به فکر خیرخواهی برای مسلمانان و مؤمنین باشد، محبوب ترین فرد نزد خدا قرار داده است:

«احبّ المؤمنین إلی الله من نصب نفسه فی طاعه الله ونصح لامه نبیه؛(۲) محبوب ترین مؤمنان کسی است که خود را به اطاعت خدا و خیرخواهی برای مسلمانان وقف کند.» خیرخواهی برای دیگران به قدری اهمیت دارد که گویا به خود نصیحت می کند:

«لینصح الرجل منکم أخاه کنصیحته لنفسه.»(۳)

خیرخواهی موجب ورود به بهشت: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود:

«من یضمن لی خمسا أضمن له الجنه، قیل: وما هی؟ یا رسول الله قال: النصیحه لله عزّوجلّ، والنصیحه لرسوله، والنصیحه لکتاب الله، والنصیحه لدین الله والنصیحه لجماعه المسلمین»؛(۴) هرکس پنج چیز را به من ضمانت بدهد، من بهشت را برای او ضمانت می دهم. پرسیده شد: آن امور کدامند؟ فرمود: نصیحت به خدا، رسول، دین و گروه مسلمانان.

موجب نجات:

«فاقبل النصیحه کی تنجو عن العذاب؛(۵) خیرخواهی را قبول کن، زیرا آن موجب نجات از عذاب است.»

۱- (۱) المعجم الاوسط، ج ۷، ۲۷۰.

۲- (۲) میزان الحکمه، ج ۲، ۲۱۹.

۳- (۳) همان، ج ۴، ص ۳۲۷۹.

۴- (۴) الخصال، ص ۲۹۴.

۵- (۵) میزان الحکمه، ج ۳، ص ۲۰۶۶.

اخلاق کرام: علی علیه السلام می فرماید:

«النصیحه من أخلاق الکرام»؛(۱) خیرخواهی، از اخلاق کرام است.»

محبت ثمرهٔ نصیحت: علی علیه السلام:

«النصح یثمر المحبه، النصیحه تثمر الود؛(۲) نصیحت وخیرخواهی، محبت و مودت را به بار می آورد.»

با خیرخواهی کدورت ها زدوده می شود و محبت ها افزوده می شود و در نتیجه این کار باعث انسجام اسلامی خواهد شد.

ل) اصلاح

حدیث چهاردهم

پیامبراسلام صلی الله علیه و آله فرمود:

«یـا أبـا أیوب! ألاـ اخبرک وأدلک علی صـدقه یحبها الله ورسوله؟» قلت: بلی یا رسول الله صـلی الله علیه و آله قال: «تصـلح بین الناس اذا تفاسدوا؛(۳) ای ابا ایوب! آیا تو را به صدقه ای راهنمایی کنم که خدا و رسولش، آن را دوست داشـته باشـند. گفتم: بلی ای رسول خدا صلی الله علیه و آله! فرمود: هرگاه بین مردم فسادی رخ بدهد بین آنها اصلاح کن».

شبیه این روایت در منابع مکتب اهل بیت علیهم السلام از امام صادق نیز روایت شده است که فرمود:

«صدقه یحبّها الله: اصـلاح بین الناس اذا تفاسدوا وتقارب بیهم اذا تباعدوا(۴) صدقه ای که خدا آن را دوست دارد، اصـلاح بین مردم و نزدیک آوردن آنهاست هرگاه از یک دیگر دور شوند.»

اصلاح مردم یکی از اموالی صریح قرآن است که در آیات متعدد به آن حکم شده است؛ از جمله:(وَ أَصْلِحُوا ذاتَ بَیْنِکُمْ)۵

۱- (۱) همان، ج ۳، ص ۲۶۸۷.

۲- (۲) . همان، ج ۴، ص ۳۲۷۹.

۳- (۳) المعجم الکبیر، ج ۸، ص ۲۵۷؛ میزان الحکمه، ج ۲، ص ۱۶۲۲.

۴- (۴) تفسیرالصافی، ج ۵، ص ۵۲؛ الکافی، ج ۲، ص ۲۰۹.

(إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَ اتَّقُوا اللّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ) ؛(۱) همانا مؤمنان برادر یک دیگرند. بین برادران اصلاح کنید و از خدا پروا کنید، شاید به شما رحم شود.

(وَ إِنْ طائِفَتانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُما) ؛(۲) اگر بین دو گروه از مؤمنان جنگ شود، بین برادرانتان اصلاح کنید. از پیامبراسلام صلی الله علیه و آله و دیگر ائمه اطهار علیهم السلام روایات متعددی در زمینه اصلاح مردم با تعبیرهای گوناگونی ارائه شده است که به چند نمونه اشاره می کنیم:

بهترین عبادت: رسول خدا

صلی الله علیه و آله فرمود: «إصلاح ذات البین أفضل من عامه الصلاه والصیام؛(۳) اصلاح بین دو نفر از نماز و روزهٔ یک ساله بهتر است.»

بهتر از صدقه: پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود:

«ألا اخبرکم بأفضل من درجه الصیام والصلاه والصدقه؟ إصلاح ذات البین، فإن فساد ذات البین هی الحالقه؛(۴) آیا چیزی که بهتر از نماز، روزه و صدقه است به شما بگویم؟ آن اصلاح ذات بین است، زیرا فساد ذات بین تباهی است.»

مقصد قیام امام حسین علیه السلام از زبان ایشان بدین گونه بیان شده است:

«وإنما خرجت لطلب الاصلاح فی امه جدی صلی الله علیه و آله؛(۵) من جز برای اصلاح امت جدم قیام نکرده ام.»

اگر در این رمان، امت اسلامی به جای دست به گریبان هم دیگر شدن به فکر اصلاح امت اسلامی بیفتد، بعید نیست که اسلام و مسلمانان، عزت از دست رفته را دوباره به دست آورند.

۱- (۱) حجرات، آیهٔ ۱۰.

۲- (۲) همان، آیهٔ ۹.

۳- (۳) ثواب الاعمال، ص ۱۴۸.

۴- (۴) میزان الحکمه، ج ۲، ص ۱۶۲۲.

۵- (۵) بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۲۹، کلمات الإمام الحسین علیه السلام، ص ۲۹۱.

م) ادای حقوق

حدیث پانزدهم

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

«خمس من حق المسلم علی المسلم رد التحیه واجابه الدعوه وشهود الجنازه وعیاده المریض وتشمیت العاطس إذا حمد الله عزّوجلّ؛(۱) برگردن مسلمان پنج حقوق برای دیگری است؛ جواب سلام، قبول دعوت، شرکت در تشییع جنازه، عیادت مریض، او هرگاه عطسه کند والحمدلله بگوید، خداوند در جوابش یرحمک الله بگوید.»

در روایت دیگری، رسول الله صلی الله علیه و آله شش حقوق برای مسلمان قرار داده است که علاوه بر حقوق مذکور، نصیحت و خیرخواهی را نیز بر آن اضافه شده است:

«حق المسلم علی المسلم ستّ: إذا لقیته فسلم علیه، وإذا دعاک فأجبه، وإذا استنصحک فانصح له، وإذا عطس فحمد الله فسمته، وإذا مرض فعده، وإذا مات فاتبعه؛(۲) در روایت دیگری پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله جادادن سلمان در مجلس و از جای خود برخاستن به احترام او را، نیز از حقوق یک مسلمان به حساب آورده است:

«إن حق المسلم علی المسلم إذا رآه یرید الجلوس إلیه ان یتزحزح له؛(۳) حق مسلمان بر دیگری این است که هرگاه او بخواهد در مجلسی بنشیند، (به احترام او) از جای خود تکان بخورد.»

امام صادق علیه السلام ادای حق مؤمن را بهترین عبادت شمرده است:

«والله ما عبد الله بشیء أفضل من أداء حق المؤمن؛(۴) قسم به خدا! خداوند به چیزی بهتر از ادای حق مؤمن، عبادت نشده است.»

ص:۱۸۱

۱- (۱) صحیح مسلم، ج ۷، ص ۳؛ صحیح البخاری، ج ۲، ص، ۷۰؛ مسند احمد، ج ۲، ص ۳۳۲.

۲- (۲) میزان الحکمه، ج، ص ۶۶۳.

۳- (۳) همان، ج ۱، ص ۳۹۶.

۴- (۴) کتاب المؤمن, ص ۴۲.

امام صادق علیه السلام در روایت دیگری، حق مؤمن را بزرگ تر از حق کعبه دانسته است:

«إن المؤمن أفضل حقا من الکعبه؛(۱) حق مؤمن بزرگ تر از کعبه است.»

در روایتی دیگر نیز امام صادق علیه السلام حق مسلمان را بر دیگری این گونه بیان کرده است:

«ومن حق المسلم علی المسلم ان لا یشبع ویجوع أخوه، ولا یروی ویعطش أخوه، ولا یلبس ویعری أخوه، وما أعظم حق المسلم علی أخیه المسلم؛(۲) حق مسلمان بر دیگری این است که او شکم سیر نخورد وقتی که برادرش گرسنه باشد، هم چنین او سیراب نشود درحالی که برادر مسلمانش تشنه باشد، لباس نپوشد درحالی که برادرش عریان باشد، چه بزرگ است حق مسلمان بر دیگری.»

معلّی یکی از یاران امام صادق علیه السلام از ایشان نقل می کند: من از مولایم امام صادق علیه السلام سؤال کردم که حقوق مسلمان بر مسلمان دیگری چیست؟ فرمود: «هفت حق است که ادای آن واجب است؛ هرکس یکی از آنها را ضایع کند از ولایت و اطاعت خداوند خارج شده است. عرض کردم: ای فرزند رسول خدا آنها کدامند؟ فرمود: من می ترسم که آنها را به تو بگویم ولی تو نتوانی ادا کنی؟ عرض کردم لاقوه الاـ بالله. امام فرمود: آسان ترین آنها این است که آن چه را دوست داری برای دیگر همان را دوست بدار و آن چه را خودت دوست نداری برای دیگری هم نخواه. دوم این که. از ناراحت کردن او اجتناب کن و در حال مریضی از او عیادت کن و اوامر او را اطاعت کن. حق سوم این که: به او با جان ومال و زبان، دست و پا کمک کنی. حق چهارم این که: برای او مانند چشم او، آینه و راهنمای او

۱- (۱) همان.

۲- (۲) همان.

بشوی. حق پنجم این که: تا او گرسنه است تو سیر نشو، تا او تشنه است تو سیراب نشو و تا او عریان است تو لباس به تن نکن. حق ششم، این که: اگر تو خادم داری و مسلمان دیگری خادم ندارد، خادم خود را در خانه او بفرست که لباس او را بشوید و غذاهای او را درست کند و برای او تخت خوابش را پهن کند. حق هفتم این است که... دعوت او را قبول کن، مریض او را عیادت کن، در تشییع جنازه او شرکت کن و هر وقت باخبر شدی که او نیازی دارد، آن را فوراً برآورده کن و نگذار که او برای قضای حاجت به تو التماس کند. هرگاه این کارها را کردید، در این صورت ولایت خود را به ولایت او و ولایت او را به ولایت خودت متصل کرده ای.»(۱)

ن) احترام به مال و جان مسلمان

حدیث شانزدهم

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«المسلم علی المسلم حرام دمه وعرضه وماله المسلم أخو المسلم لا یظلمه ولا یخذله؛(۲) خون، آبرو ومال مسلمان بر دیگری حرام است و مسلمانان به یک دیگر نه ظلم می کنند و نه یک دیگر را خوار می شمرند.»

در قرآن این مطلب بدین گونه بیان شده:«وَ مَنْ یَقْتُلْ مُؤْمِناً مُتَعَمِّداً فَجَزاؤُهُ جَهَنَّمُ خالِداً فِیها وَ غَضِبَ اللّهُ عَلَیْهِ وَ لَعَنَهُ وَ أَعَدَّ لَهُ عَذاباً عَظِیماً؛۳ هرکس عمداً مؤمنی را بکشد، پس کیفرش، (آتش) جهنم است، در حالی آن جا ماندگار است و خدا بر او خشم می گیرد و او را از رحمتش دور می سازد و عذابی بزرگ برایش آماده ساخته است.»

۱- (۱) کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۱۶۹.

۲- (۲) مجمع الزوائد، ج ۸، ص ۱۸۵.

نقل شده است که پیامبراسلام صلی الله علیه و آله، همیشه از برداشتن سلاح علیه مسلمان، نهی می کرد:

«کان ینهی ان یسل المسلم علی المسلم السلاح؛(۱) همیشه نهی می کرد که کسی از مسلمان علیه دیگری اسلحه بر دارد.»

رسول خدا صلی الله علیه و آله در بیان چنین می فرماید:

«إذا تواجه المسلمان بسیفیهما فقتل أحدهما صاحبه فالقاتل والمقتول فی النار قالوا یارسول الله هذا القاتل فما بال المقتول قال انه أراد قتل صاحبه؛(۲) هرگاه بین دو مسلمان، یکی بر دیگری با اسلحه در مقابل بیاید و او را به قتل برساند، هر دو دوزخی هستند! پرسیدند: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله! این چطور رواست که قاتل و مقتول هردو اهل جهنم بشوند؟ فرمود: برای این که مقتول نیز قصد داشت که او را بکشد.»

هم چنین ایشان می فرماید:

«إذا أشار المسلم علی أخیه المسلم بالسلاح فهما علی جرف جهنم فإذا قتله خرا جمیعا فیها؛(۳) هرگاه مسلمانی به مسلمان دیگر با اسلحه اشاره کند، هردو در کنار جنهمند، ولی وقتی که او را بکشد همه به جهنم خواهند رفت.» علتش همان است در روایت قبلی ذکر شد.

مقداد بن اسود نقل می کند، از رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدم: اگر من با کافری جنگ کنم و او یکی از دستانم را قطع کند و سپس بگوید: من اسلام را قبول کردم، آیا بعد از آن (پذیرش اسلام) با او بجنگم یا خیر؟ پیامبر صلی الله علیه و آله در جواب فرمود: اگر تو با او بجنگی او در مقامی خواهد بود که تو در آن بودی و تو به مقامی خواهی رسید که او قبل از اقرار به اسلام بوده است!

ص:۱۸۴

۱- (۱) مجمع الزوائد، ج ۷، ص ۲۹۱.

۲- (۲) سنن النسائی، ج ۷، ص ۱۲۵.

۳- (۳) همان، ج ۷، ص ۱۲۴.

ابوحـاتم می گويـد: مقصود از «فـان قتلته بمنزلتـک قبل ان تقتله» اين است که قبل از قبول اسـلام خون کافر برای تو مباح بود، ولی بعـد از قبولی اسـلام توسـط آن کـافر، گويـا يـک مسـلمان را به قتل رسانـده ای و قتل مسـلمان موجب کفر است و باعث خروج از ملت اسـلام می شود؛ چون که خدا فرموده است:(يا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصاصُ فِی الْقَتْلی) يعنی: اسلام با اقرار شهادتين، ثابت می شود.(۱)

رسول خدا صلی الله عليه و آله می فرمايد:

«لا يحل دم رجل يشهد ان لا إله الا الله وأنی رسول الله إلا ثلاثه نفر التارک للإسلام المفارق للجماعه والثيب الزانی...؛(۲) خون کسـی که شـهادت به وحـدانيت خداوند و رسالت من بدهد، (ريختن آن) حلال نيست، مگر برای سه نفر: کسـی که از اسـلام برگردد، کسی که از جماعت مسلمين خارج شود، و زانی سيّب...».

اسامه بن زيد می گويد، رسول خدا صلی الله عليه و آله ما را برای معرکه با کفار فرستاد. يک انصاری در مقابل يک کافر قرار گرفت ولی وقتی ما می خواستيم او را بکشـيم، شهادتين بر زبان جاری کرد در اين هنگام انصاری دست از او برداشت ولی من او را کشتم. وقتی اين خبر به رسول خدا صلی الله عليه و آله رسيد به من فرمود:

«يا اسامه! قتلته بعد ما قال لااله الاّالله» من گفتم ای رسول خدا صلی الله عليه و آله! اقرار شهادتين او جز برای حفظ جانش نبود. باز رسول خدا صـلی الله عليه و آله همان جمله را تکرار کرد، به گونه ای که من اين قدر از آن کار پشيمان شدم که آرزو می کردم ای کاش قبل از اين روز اسلام نپذيرفته بودم!(۳)

۱- (۱) صحيح ابن حبان، ج ۱، ص ۳۸۱.

۲- (۲) همان، ج ۱۰، ص ۲۵۶.

۳- (۳) همان، ج ۱۱، ص ۵۶.

۴- عوامل افتراق وحدت و انسجام اسلامی

الف) سخن چینی

حدیث هفدهم

پیامبراسلام صلی الله علیه و آله فرمود:

«ألاـ انبئکم بشرارکم؟ قالوا: «بلی یا رسول الله»، قال: المشاؤون بالنمیمه، المفرقون بین الأحبه، الباغون(۱) للبراء(۲) المعایب؛(۳) آیا به شما از بدترین شما خبر بدهم؟ گفتند: بلی ای رسول خدا صلی الله علیه و آله! فرمود: سخن چینی که بین دوستان جدایی می اندازد.»

حقیقت نمّامی، افشای سر است، چون صاحبش کشف آن را نمی پسندد. در تعریف نمّامی، از غزالی نقل شده است: «کشف قولی یا فعلی از کسی که افشای آن را نمی پسندد و نقل این قول برای ایجاد فتنه و فساد باشد».(۴) ممکن است این کار با زبان یا اشاره یا کتابت و غیر آن باشد. مثلاً بگوید: فلانی درباره تو این چیز را گفته است. این کار حرام است و هرکس چنین سخنی را از کسی بشنود نباید آن را تصدیق کند؛ چون ناقل آن طبق آیه قرآن فاسق است.(۵) سخن چینی، آتش دشمنی را می افروزد و دوستی را به دشمنی و وحدت را به افتراق تبدیل می کند. در روایات مختلف سخن چینی با تعبیرات مختلف، نکوهش شده است که به چند نمونه از آنها اشاره می کنم:

بدترین مردم: رسول الله صلی الله علیه و آله فرمود:

«شرار الناس... المشاؤن بالنمیمه، المفرقون بین الأحبه الباغون للناس العیب اولئک لا ینظر الله إلیهم ولا یزکیهم

۱- (۱) به معنای طلب و خواستن.

۲- (۲) به معنای ایجاد وخلق و ساخت.

۳- (۳) شرح أصول الکافی، ج ۱۰، ص ۳۱؛ مسند احمد، ج ۴، ص ۲۲۷.

۴- (۴) همان، ج ۱، ص ۲۶۷؛ نووی، شرح مسلم، ج ۲، ص ۱۱۲.

۵- (۵) همان، ج ۱۰، ص ۳۱.

یوم القیامه؛(۱) بـدترین مردم، سـخن چینی است که بین دوسـتان جـدایی می انـدازد و عیب مردم را فاش می کنـد. خداوند به آنها نگاه نمی کند و روز قیامت آنها را پاک نمی کند.»

بذر دشمنی: علی علیه السلام فرمود:

«ایّاک والنمیمه فانّها تزرع الشحناء فی قلوب الرجال؛(۲) از سـخن چینی پروا کن، زیرا سخن چینی در دل های مردم دشمنی را می کارد.»

«بهترین افراد امت من کسانی انـد که با دیـدن آنها خـدا به یاد بیایـد و بدترین بندگان خدا کسانی اند که سـخن چینی کنند و بین دوستان جدایی بیاندازند.»

محروم از بهشت: عن أبی جعفر علیه السلام قال:

«محرمه الجنه علی القتاتین(۳) المشائین بالنمیمه؛(۴) بهشت بر سخن چینان حرام است.»

مراد از «قتـات» همـان سـخن چین است و این مطلب در روایتی که ابوذر از پیـامبر اسـلام صـلی الله علیه و آله نقل کرده است، تشریح شده است. ایشان فرمود:

«لا یدخل الجنه القتات.» اباذرپرسید، مقصود از قتات چیست؟ فرمود: «النمّام» یعنی قتات همان سخن چین است.(۵)

مبتلا به عذاب قبر: حضرت علی علیه السلام قال:

«عذاب القبر یکون من النمیمه؛(۶) عذاب قبر برای سخن چین است.»

مبتلا به عذاب دردناک: از علی علیه السلام نقل شده است که پیامبراسلام صلی الله علیه و آله فرمود:

«أربعه یزید عذابهم علی عذاب أهل النار إلی ان

۱- (۱) وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۱۸.

۲- (۲) بحار الانوار، ج ۷۵، ص ۲۰۱، ح ۶۰.

۳- (۳) «قتتات = سخن چین»

۴- (۴) شرح أصول الکافی، ج ۱۰، ص ۳۱.

۵- (۵) وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۳۰۷.

۶- (۶) همان، ج ۱، ص ۳۴۰.

قال ورجل اغتاب الناس، ومشی بالنمیمه، فهو یأکل فی النار لحمه؛ از چهار گروه از اهل جهنم، بیشتر از عذاب جهنم اذیت می کشند تا این که اهل جهنم به یک دیگر می گویند: اینها چه کسانی هستند که از عذاب جنهم بیشتر به ما آزار می دهند!.. یکی از آنها شخص سخن چین است که چه در حال خوردن گوشت خود است، اهل جهنم از او سؤال می کنند تو چه کرده ای که به این حال و روز افتاده ای، می گوید: من در دنیا سخن چینی می کردم.»(۱)

مبتلا به عذاب آتش: رسول الله صلی الله علیه و آله می فرماید:

«ومن مشی فی نمیمه بین اثنین سلط الله علیه فی قبره نارا تحرقه إلی یوم القیامه وإذا خرج من قبره سلط الله علیه تنینا أسود ینهش لحمه حتی یدخل النار؛(۲) کسی که بین دو نفر سخن چینی کند، خداوند آتشی در قبرش می فرستاد که تا روز قیامت او را می سوزاند، و هرگاه از قبرش بیرون آید خداوند بر او اژدهای سیاهی را مسلط می کند که او را می گزد تا این که او داخل آتش می شود.»

مبغوض ترین فرد: پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود:

«وأبغضکم إلی الله المشاؤون بالنمیمه، المفرقون بین الاحبه؛(۳) از شما مبغوض ترین فرد نزد خداوند، سخن چینی است که دوستان را از هم جدا می کند.»

بدترین فرد بر روی زمین: در روایتی آمده است که سخن چینی، از بزرگ ترین سحری است که بین دو دوست جدایی می اندازد، بین دو گروه دشمنی ایجاد می کند، خون ریزی راه می اندازد. بر اثر آن خانه ها ویران می گردد و اسرارها عیان می شود، بنابراین او بدترین فرد در روی زمین است:

«والنمام اشر من وطئ الارض بقدم.»(۴)

ص:۱۸۸

۱- (۱) همان، ج ۱۲، ص ۳۰۷.

۲- (۲) همان، ج ۱۲، ص ۳۰۸.

۳- (۳) مستدرک الوسائل، ج ۹، ص ۱۵۰.

۴- (۴) الاحتجاج، ج ۲، ص ۸۲.

از این روایات به وضوح روشن می شود که در افتراق بین مردم، بدترین نقش را سخن چینی دارد.

ب) جست وجوی اسرار مردم

حدیث هجدهم

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

«یا معشر من أسلم بلسانه ولم یسلم بقلبه لاتتبعوا عثرات(۱) المسلمین فإنه من تتبع عثرات المسلمین تتبع الله عثرته ومن تتبع الله عثرته یفضحه؛(۲) ای گروه که از زبان ایمان آورده ولی از قلب ایمان را نپذیرفته اید! به جست وجوی اسرار مردم نپردازید، زیرا هرکس به اسرار مسلمانان پردازد، خداوند از رازهای او پرده برمی دارد و هرکس خداوند از اسرارش پرده بردارد، رسوا خواهد شد.»

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود:

«أدنی ما یخرج به الرجل من الإیمان ان یؤاخی الرجل الرجل علی دینه فیحصی علیه عثراته وزلاته لیعیره بها یوما ما؛(۳) کمترین کاری که شخصی را از ایمان خارج می کند این است که با کسی برای دینش دوستی کند و سپس عیوب و لغزش های او را جمع کند تا روزی علیه او استفاده کند.»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«یا معشر من اسلم بلسانه ولم یدخل الایمان قلبه لا تؤذوا المؤمنین ولا تتبعوا عوراتهم فانّه من یتبع عوره اخیه یتّبع الله عورته ومن یتبع الله عورته یفضحه ولو فی جوف بیته؛(۴) ای کسانی که به زبان ایمان آورده اید و ایمان (حقیقی) در دلتان داخل نشده است! به

۱- (۱) «عثرات» به معنای اسرار است.

۲- (۲) شرح أصول الکافی، ج ۱۰، ص ۴.

۳- (۳) همان، ج ۱۱، ص ۲۴۶.

۴- (۴) المعجم الکبیر، ج ۱۱، ص ۱۴۹، ح ۱۱۴۴۴؛ کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۳۵۴.

مؤمنان آزار ندهید، و جست وجوی اسرارشان نپردازید، زیرا هرکس به اسرار برادرش بپردازد، خداوند اسرارش را فاش می کند و هرکس خدا اسرارش را فاش کند، [حتماً] رسوا می شود، اگرچه در درون خانه پنهان شود.»

امام صادق علیه السلام نیز شبیه حدیث مذکور را از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل فرموده است:

«یا معشر من اسلم بلسانه ولم یخلص الإیمان إلی قلبه لا تذموا المسلمین ولا تتبعوا عوراتهم فانّه من تتبع عوراتهم تتبع الله عورته ومن تتبع الله تعالی عورته یفضحه ولو فی بیته؛(۱) ای کسانی که به زبان ایمان آورده اید و ایمان (حقیقی) در دلتان داخل نشده است، مسلمانان را رسوا نکنید و به جست وجوی اسرارشان نپردازید، زیرا هرکس به دنبال اسرار مسلمانان برود، خداوند نیز به اسرارش توجه می کند و اگر خدا اسرار کسی را مورد توجه قرار دهد، رسوا خواهد شد اگرچه در خانه باشد.»

مراد از «تتبع عورات» هر عیبی است که انسان آن را به علت حیا و غیره می پوشاند.(۲) به عبارت دیگر اسرار هر فرد را می توان از این واژه استفاده کرد.

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید:

«من ستر علی مؤمن فی عوره فکأنما أحیا میتا؛(۳) کسی که عیب مؤمنی را بپوشاند، گویا مرده ای را زنده کرده است.»

ج) تعصب بی جا

حدیث نوزدهم

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله فرمود:

«لیس منّا من دعا إلی عصبیه ولیس منّا من

ص:۱۹۰

۱- (۱) همان.

۲- (۲) همان.

۳- (۳) مجمع الزوائد، ج ۶، ص ۲۴۷.

قاتـل علی عصبیه ولیس منّا من مات علی العصبیه؛(۱) کسـی که به عصبیّت دعوت کند، از ما نیست و کسـی که برای عصبیت کشته شود، از ما نیست و هم چنین کسی که بر عصبیت بمیرد از ما نیست.»

«العصـبه»، یعنی قوم و خویش انسـان که شدیـداً از انسـان، دفـاع می کنـد. و «تعصّب»، یعنی غیرت به خرج دادن و زیر بار حق نرفتن، پافشـاری کردن در عقیـدهٔ شخصـی. «عصبیت» نیز به معنـای هم بسـتگی شدیـد، طرفـداری حزبی یـا فـامیلی و عقیـدتی است.(۲) پس روایاتی که در آن از تعصب مـذمت شـده است، مقصودشان طرفـداری و حمایت های بی جایی است که بدون دلیل و به سبب روابط فامیلی و خویشاوندی نسبت به کسی ابراز کنند.

دوست داشـتن اقـوام و فامیـل به طور مطلق، منفی و مورد نکوهش روایت نیست، چنـان که از رسول خـدا صـلی الله علیه و آله سؤال شد:

«یـارسول الله أمن العصبیه ان یحبّ الرجـل قومه؟ قـال: «لا ولکن من العصبیه ان یعین الرجل قومه علی الظلم؛(۳) ای رسول خدا صلی الله علیه و آله! آیـا کسـی به قوم خویش، محبت کنـد، تعصب به شـمار می آیـد؟ فرمود: «خیر، ولی تعصب این است که کسی به علت فامیل بودن، به کمک او در ظلم بپردازد.»

هم چنین از امام سجاد علیه السلام نیز سؤال شد که عصبیت چیست؟ آن حضرت فرمود:

«العصبیه التی یـأثم علیهـا صاحبهـا ان یری الرجـل شـرار قومه خیراً من خیار قوم آخرین ولیس من العصبیه ان یحبّ الرجل قومه ولکنّ العصبیه ان یعین قومه علی الظلم؛(۴) تعصبی که گناه دارد این است که کسی آدم بد قوم

۱- (۱) سنن ابن ابی داود، ج ۲، ص ۵۰۳، ح ۵۱۱۹.
۲- (۲) محمد بندر ریگی، فرهنگ جدید، ص ۳۶۴.
۳- (۳) سنن ابن ماجه، ج ۲، ص ۱۳۲۰، ح ۳۹۴۹.
۴- (۴) الکافی، ج ۲، ص ۳۰۸، ح ۷.

خود را خوب بداند، ولی این تعصب نیست که کسی قوم خود را دوست بدارد ولی کسی که در ظلم به قوم خود کمک کند، این تعصب است.»

رسول اکرم صلی الله علیه و آله همواره مراقبت می کرد که بین مسلمانان، حرفی از تعصبات قومی، به میان نیاید.

پیامبرخدا صلی الله علیه و آله، در روایتی، با این افتخار به اقوام گذشته را چیزی گندناک می خواند و مردمی که با این کارها خود را مشغول می کنند به «جعل، یعنی سوسک» تشبیه می کند:

«لیدعن رجال فخرهم باقوام، إنّما هم فحم من فحم جهنّم او لیکوننّ اهون علی الله من الجعلان الّتی تدفع بانفها النّتن؛(۱) آنان که به قومیت خود تفاخر می کنند، این کار را رها کنند و بدانند که آن مایه های افتخار جز ذغال جهنم نیستند و اگر آنان دست از این کار نکشند، نزد خدا از جعل هایی (سوسک هایی) که کثافت را با بینی خود حمل می کنند پست تر خواهند بود.»

ابوعقبه که از اهل فارس بود می گوید: در جنگ احد با رسول خدا صلی الله علیه و آله بودم و به یکی از مشرکین ضربتی وارد کردم و از روی غرور گفتم:

«خذها وانا الغلام الفارسی؛ از جوان فارسی این ضربت را بگیر.» وقتی این سخن به گوش رسول خدا رسید، [با ناراحتی] فرمود:

«هلاّ قلت: خذها منّی وانا الغلام الانصاری»(۲) چون پیامبر احساس کرد که هم اکنون این سخن تعصبات دیگران را برخواهد انگیخت، فوراً آن جوان را از این کار نهی کرد و فرمود: چرا نگفتی منم غلام انصاری؛ یعنی چرا به چیزی که به آئین و مسلک مربوط است افتخار نکردی و پای تفاخر قومی و نژادی را به میان کشیدی؟ ایشان در جای دیگری فرموده است:

۱- (۱) مسند احمد، ج ۲، ص ۵۲۳؛ کنزالعمال، ج ۱، ص ۲۵۸.

۲- (۲) مسند احمد، ج ۵، ص ۲۹۵.

«الا ان العربیه لیست بأَب والد ولکنّها لسان ناطق فمن قصر به عمله لم یبلغ به حسبه؛ عربیت پدر کسی به شمار نمی رود و فقط زبان گویایی است. آن که عملش نتواند او را به جایی برساند حسب و نسبش هم او را به جای نخواهد رساند.»(۱)

هم چنین کمک کردن به خویشاوندان و حمایت از آنها در زمینه احقاق حق، تعصب نیست. بدین وسیله می شود هم به ظالم از انجام ندادن ظلمش و هم به مظلوم برای دفع ظلم بر او، کمک کرد.

نقل شده است: وقتی بین دو جوان انصاری و مهاجر دعوا شد و هرکدام به نام قوم خویش فریاد زدند، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «شما را چه شده که دعوای جاهلیت به راه انداخته اید! گفتند: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله! این دو جوان به جان هم افتاده اند! آن حضرت فرمود:

«ولینصرالرجل اخاه ظالماً او مظلوماً ان کان ظالماً فلیتنبّه فانّه له نصر وان کان مظلوماً فلینصره؛(۲) به برادر خود کمک کن، چه ستم دیده باشد و یا چه ستمکار. اگر ظالم باشد کمک به او در این است که متنبه اش کند و این کار در حقیقت کمک به او است اما اگر مظلوم باشد به او نیز کمک کند.»

از روایات نقل شده به این نتیجه می رسیم که، تعصب بی جا بین اقوام و حتی مذاهب مختلف، سبب ایجاد نفرت و عامل افتراق بین اقوام و مذاهب می شود که اسلام از آن به شدت نهی کرده است. اولین کسی هم که تعصب کرد، شیطان بود که رانده دربار الهی شد. از این رو رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«لیس منا من دعا إلی عصبیه، ولیس منا من قاتل

۱- (۱) سنن أبی داود، ج ۲، ص ۵۰۳؛ این واقعه در آثار شهید مطهری رحمه الله نیز نقل شده است؛ اتحاد اسلامی در آثار شهید مطهری رحمه الله، ص ۵۴، نقل به بحار الانوار، ج ۲۱، ص ۱۳۷.
۲- (۲) صحیح مسلم، ج ۸، ص ۱۹.

علی عصبیه، ولیس منا من مات علی عصبیه؛(۱) کسی که به تعصب دعوت کند و بر عصبیت کشته شود و بر عصبیت بمیرد، از ما نیست.»

د) دعواهای بی جا

حدیث بیستم

پیامبراسلام صلی الله علیه و آله فرمود:

«أبغض الرجال إلی الله الألد الخصام؛(۲) بدترین مردم نزد خداوند کسی است که دعوا و جدال می کند.»

در روایات دربارهٔ دعواهای بی جا حداقل سه واژه به کار برده شده است: جدال، مراء و خصومت. جدال، شدیدترین صورت خصومت و مناظره است.(۳) و خصومت به این معناست که با دلیل فاسد از چیزی و یا از کسی دفاع کند. مراء، با کسره «میم»، به معنای مجادله در امر دینی و دنیوی است و این کار حرام می باشد.(۴)

فرق بین این دو این است که مراء با اعتراض همراه است ولی جدال ممکن است با جدل باشد و ممکن است بدون اعتراض باشد. جدال اخص از خصومت است.

«مراء» گاهی مرادف مجادله است و گاهی اخص از آن می باشد و در خصومت شدت لازم نیست. غزالی گفته است، هر سخنی با مقابلش مخالف باشد در مراء داخل است. مثلاً کسی بگوید این شیرین است ولی شما بگویید که این ترش است. هرگاه مراء و خصومت با یک دیگر جمع شود که

۱- (۱) سنن أبی داود، ج ۲، ص ۵۰۳.
۲- (۲) شرح أصول الکافی، ج ۵ ص ۹۴.
۳- (۳) ابن کثیر، البدایه والنهایه، ج ۱، ص ۱۲۲.
۴- (۴) من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۸۷.

ممکن است که مراء به امور دینی مربوط شود و خصومت به امور دیگر.(۱)

ابودردا، ابو امامه باهلی، انس وواثله ابن الأسقع می گویند: ما در یک مسئله دینی با هم مشغول دعوا بودیم؛ در این هنگام رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شدند و وقتی ما را در حالت دعوا دیدند به قدری ناراحت شدند که تا به حال آن حضرت را در این حال ندیده بودیم: ایشان فرمود: «آیا من شما را از این کار نهی نکرده بودم؟ آیا نمی دانید اقوام دیگر به سبب جنگ و جدال به هلاکت رسیده اند؟ این دعواها را رها کنید که هیچ فایده ای ندارد جز این که بین برادران دشمنی ایجاد می شود و در فتنه گرفتار می شوند(۲) معصومین در روایات، از دعواهای بی جا تعبیرهای گوناگونی آورده اند که به برخی اشاره می کنیم:

ایجاد دشمنی: سلیمان ابن داود به پسرش می گوید:

«یا بنیّ! ایّاک والمراء فانّ لیست فیه منفعه وهو یهیج بین الاخوان العداوه؛(۳) ای فرزندم از مجادله بپرهیز، زیرا در آن هیچ گونه فایده ای نیست، بلکه بین برادران دشمنی ایجاد می کند.»

هم چنین از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود:

«ایاکم والخصومه فانها تشغل القلب وتورث النفاق وتکسب الضغاین؛(۴) از خصومت بپرهیزید، زیرا آن دل را مشغول می کند موجب نفاق و دشمنی خواهد بود.»

باعث گناه: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«کفی بک اثماً ان لا تزال مخاصماً؛(۵) خصومت دائمی برای گناه کافی است.»

۱- (۱) شرح أصول الکافی، ج ۹، ص ۳۰۶.

۲- (۲) کنز العمّال، ج ۳، ص ۸۸۲، ح ۹۰۲۵.

۳- (۳) بحار الانوار، ج ۱۴، ص ۱۳۴.

۴- (۴) وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۳۷.

۵- (۵) المعجم الکبیر، ج ۱۱، ص ۴۸، عوالی اللئالی، ج ۱، ص ۱۹۱.

تباهی دین: امام محمد باقر علیه السلام

«الخصومه تمحق الدین وتحبط العمل وتورث الشک؛(۱) خصومت باعث تباهی دین و عمل و موجب شک است.»

بی تقوایی: امام صادق علیه السلام می فرماید:

«لایخاصم إلا شاک أو من لا ورع له؛(۲) خصومت نمی کند مگر کسی که شک کننده و بی تقوا باشد.»

ایجاد نفاق: امیرالمؤمنین علیه السلام در بیانی زیبا می فرمایند:

«ایاکم والمراء والخصومه فإنهما یمرضان القلوب علی الإخوان، وینبت علیهما النفاق؛(۳) از جدال و خصومت پرهیز کنید، زیرا موجب بیماری (معنوی) قلبی می شود و بذر نفاق را می کارد.»

علامت کمال ایمان: امام زین العابدین علیه السلام می فرماید:

«إن المعرفه بکمال دین المسلم ترکه الکلام فیما لایعنیه وقله المراء وحلمه وصبره وحسن خلقه؛(۴) نشانه های کمال دین مسلمان، ترک سخن های بی جا و کم شدن خصومت ها و داشتن حلم و صبر و حسن اخلاق است.»

از این روایت ها روشن می شود که جدال و دعوا باعث دشمنی بین برادران و در نتیجه افتراق و تشتت بین مسلمانان خواهد بود.

ه) دشنام و تحقیر

حدیث بیست ویکم

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است:

«المسلم علی المسلم حرام دمه وعرضه وماله، المسلم اخو المسلم لا یظلمه ولا یخذله التقوی هاهنا - واشار بیده الی

۱- (۱) التوحید، ص ۴۵۸.

۲- (۲) وسائل الشیعه، ج ۱۶، ص ۲۰۱.

۳- (۳) همان، ج ۱۲، ص ۲۳۶.

۴- (۴) میزان الحکمه، ج ۱، ص ۱۹۶.

القلب – وبحسب امریء من الشرّ ان یحقر اخاه المسلم؛(1) خون، آبرو و مال هر مسلمان بر دیگری حرام است. مسلمانان، با هم برادرند و یکی بر دیگری ستم نکند و اورا رسوا ننماید. تقوا در دل انسان است و هر کس به حسب بدیش، مسلمان دیگر را تحقیر می کند!»

در روایت دیگری از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است که فرمود:

«سباب المسلم فسوق وقتاله کفر؛(2) سبّ و فحش یک مسلمان، فسق و کشتن او کفر است.

سب و فحش دادن به مسلمان در هر حالت قبیح است.(3) به طوری که اهل سنت حتی فحش به میت را حرام می داند،(4) چه رسد فحش به مسلمان زنده.

و) فتوای کفر و شرک

حدیث بیست و دوم

رسول الله صلی الله علیه و آله می فرماید:

«لایرمی رجل رجلا بالفسق أو الکفر، إلا ارتدت علیه ان لم یکن صاحبه کذلک؛(5) هیچ شخصی به دیگری فتوای کفر و فسق نمی زند مگر این که خود اهتمام کننده مرتد خواهد بود اگر او این گونه نباشد.»

یکی از مشکلات امروز جهان اسلام این است که فرقه های مسلمان یک دیگر را به تکفیر و تفسیق متهم می کند و از این عمل جاهلانه جز دشمنان اسلام کسی بهره نمی برد. قرآن مجید تکفیر و قتل کسانی که اقرار به وحدانیت خداوند و رسالت پیامبراسلام صلی الله علیه و آله اقرار می کنند را حرام دانسته است. چنان که در آیه زیر به این مطلب اشاره شده است:

۱- (۱) المعجم الکبیر، ج ۲۲، ص ۷۴؛ الامالی، ج ۳، ص ۸۲.

۲- (۲) صحیح مسلم، ج ۱، ص ۵۸؛ وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۸۱.

۳- (۳) جامع البیان، ج ۲، ص ۳۷۶.

۴- (۴) الأذکار النوویه، ص ۱۶۶.

۵- (۵) ریاض الصالحین، ص ۶۱۸.

(یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا إِذا ضَـرَبْتُمْ فِی سَبِیلِ اللّهِ فَتَبَیَّنُوا وَ لا تَقُولُوا لِمَنْ أَلْقی إِلَیْکُمُ السَّلامَ لَسْتَ مُؤْمِناً تَبْتَغُونَ عَرَضَ الْحَیاهِ الدُّنْیا)۱ ؛ ای کسانی که ایمان آورده ایـد که برای (جهاد) در راه خـدا سـفر می کنید! پس تحقیق کنید؛ و به کسـی که اظهار اسـلام می کند و با شما طرح صلح می افکند، نگویید: مؤمن نیستی، درحالی که زندگی ناپایدار و پست دنیا و غنایمش را می جویید....

این آیه در مورد قتل یکی از یهودیان ناحیه خیبر است که وقتی از حمله لشکر اسلام احساس خطر کرد، اموال خود را در یک جا جمع کرده و اقرار به اسـلام کرد. ولی یکی از مسلمانان (اسامه بن زید) حرف او را قبول نکرد و او را کشت. وقتی این خبر به رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید و خطاب به اسامه فرمود:

«قتلت رجلاً شـهد ان لا اله الّاالله وانّی رسول الله؟!؛ آیا فردی را که به وحـدانیت خـدا و رسالت من گواهی داده بود کشتی؟!» اسامه گفت: ای رسول خدا صلی الله علیه و آله! شهادت او فقط برای حفظ جان و اموالش بود! فرمود: مگر تو قلبش را شکافته بودی یا درون او را می دانستی که شـهادت زبانی او را قبول نکردی؟! اسامه می گوید بعد از آن قسم خوردم که دوباره کسی را که شهادت به وحدانیت و رسالت بدهد به قتل نرسانم.(۱)

ز) آزار و اذیت

حدیث بیست وسوم

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«کلّ المسلم علی المسلم حرام دمه وعرضه وماله، المسلم اخو المسلم لا یظلمه ولا یعیبه ولا... ولا یوذیه بقتارقدره(۲)

۱- (۲) بحارالأنوار، ج ۲۱، ص ۱۱.

۲- (۳) «قدر» بکسر قاف به معنای دیگ و «قتار» به ضمه قاف به معنای دود دیگ است یکی از معناهای که در لغت برای آن ذکر شده، «زره» است.

الاّ ان یغرف(۱) له غرفه؛(۲) خون، آبرو و مال مسلمان، بر مسلمان دیگر حرام است. مسلمان ها با هم برادرند و نباید یکی بر دیگری ظلم و عیب تراشی کند و یا او را رسوا نماید و زره برابر بر دیگری ظلم نمی کند و مگر (حتی) او را قطعه قطعه کند.»

قرآن مجید نیز از آزار و اذیت منع کرده است و یکی از مصداق های آزار و اذیت را تهمت بی جا و ناروا قرار داده است:(وَ الَّذِينَ يُؤْذُونَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِناتِ بِغَيْرِ مَا اكْتَسَبُوا فَقَدِ احْتَمَلُوا بُهْتاناً وَ إِثْماً مُبِيناً) ؛(۳) کسانی که مردان با ایمان و زنان با ایمان را بدون آن که چیز (بد) ی کسب کرده باشند، آزار می دهند، به یقین [بار] تهمت و گناه آشکاری بر دوش گرفته اند. امیرالمؤمنین علیه السلام نیز مسلمان واقعی را کسی می داند که دیگران از اذیت و آزار لسانی او محفوظ بمانند:

«فالمسلم من سلم المسلمون من لسانه ویده الاّ بالحق ولا یحلّ أذی المسلم الاّ بما یجب»(۴) ؛ مسلمان کسی است که دیگر مسلمانان از زبان و دست او محفوظ بمانند و اذیت مسلمان جایز نیست مگر این که واجب باشد.» یعنی در جایی که کسی بر دیگری تجاوز کرده و در نتیجه مجازات شود، در این صورت اذیت به شمار نمی آید.

ح) آلودگی باطنی

حدیث بیست وچهارم

امام علی علیه السلام فرموده است:

«انّما انتم اخوان علی دین الله ما فرّق بینکم

ص:۱۹۹

۱- (۱) به معنی تکّه تکّه کردن.

۲- (۲) . الجامع لاحکام القرآن، ج ۱۶، ص ۳۲۲.

۳- (۳) احزاب، آیهٔ ۵۸.

۴- (۴) شرح نهج البلاغه، ج ۹، ص ۲۸۸؛ بحارالانوار، ج ۳۲، ص ۴۱.

الاّ خبث السرائر وسوء الضمائر فلا توازرون(۱) ولا تناصحون ولا تباذلون ولاتوادّون؛(۲) همانا شما برادران دینی هستید، شما را جدا نکرده است جز آلودگی های باطنی و ذهنی شما، زیرا شما نسبت به هم دیگر مساعدت، خیرخواهی، سخاوت و محبت نمی کنید.» از این فرمایش امیرالمؤمنین، معلوم می شود، یکی از اسباب جدایی برادران دینی و عدم انسجام اسلامی، کدورت و آلودگی های باطنی انسان است که نمی گذارد واقعیت و حقیقت اسلام نمایان شود و سوءتفاهم که یکی از موانع بزرگ انسجام اسلامی است از بین برود. اگر ما برادران دینی، درون خودمان را پاک و دیوارهای سوءتفاهم را بریزیم، بعید نیست که افتراق ما به اتفاق، دشمنی های ما به محبت و برادری تبدیل شود.

۵- آثار وحدت و انسجام اسلامی

الف) آثار وحدت و انسجام

یکم. موجب رحمت و رهایی از عذاب الهی

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«... وما تکرهون فی الجماعه خیر ممّا تحبّون فی الفرقه، فی الجماعه رحمه وفی الفرقه عذاب؛(۳) آن چه شما در اتفاق ناپسند می شمارید، بهتر از چیزی است که شما آن را در افتراق، خوب می پندارید.»

عجلونی اگرچه سند حدیث را ضعیف می داند ولی می گوید: قرائنی دارند که این مطلب را تأیید می کند، چنان که از ابن عباس نقل شده است

ص:۲۰۰

۱- (۱) «توازرون» به معنای مساعدت است؛ «لاتوازرون» یعنی به هم دیگر کمک نمی کنید.

۲- (۲) نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۲۲؛ میزان الحکمه، ج ۱، ص ۷۶۶.

۳- (۳) کنزالعمّال، ج ۳، ص ۲۶۶؛ معجم احادیث الإمام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۱، ص ۲۴۱.

که پیامبراکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

«یدالله مع الجماعه، واتبعوا السواد الاعظم، فان شذّ شذّ فی النّار» و هم چنین روایات،

«یدالله مع الجماعه فاذا شذّ الشاذ منهم اختطفته الشیاطین» و

«یدالله مع الجماعه، والشیطان مع من فارق الجماعه یرکض.» و شواهد عینی در طول تاریخ به این حقیقت دلالت دارند که آنسجام، رحمت الهی و تفرقه و اختلاف، عذاب خداوندی به شمار می آید. فرمایش امیرالمؤمنین علیه السلام نیز بر این حقیقت مهر تأیید می زند، آن جا که می فرماید:

«فانّ الاجتماع رحمه والفرقه عذاب؛(۱) انسجام و اتفاق، رحمت و افتراق و جدایی عذاب است.»

دوم. رهایی از هلاکت

حدیث بیست وششم

عبدالله بن مسعود در ضمن تفسیر آیهٔ اعتصام می گوید: «فانّ الله تعالی یأمر بالالفه وینهی عن الفرقه فانّ الفرقه هلکه والجماعه نجاه»(۲) قرطبی از ابن مسعود در تفسیر آیه:(وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللّهِ جَمِیعاً وَ لا تَفَرَّقُوا) نقل کرده است: مراد از آیه، جماعت است و معنای دیگر نیز ذکر شده، ولی همه متداخل یک دیگرند و در تفسیر ذیل آیه این روایت را نیز آورده است: «فإن الله تعالی یأمر بالالفه وینهی عن الفرقه فإن الفرقه هلکه والجماعه نجاه؛(۳) خداوند امر به الفت و نهی از افتراق کرده است.»

ابن جریر طبری نیز در ذیل آیه:(أَنْ أَقِیمُوا الدِّینَ وَ لا تَتَفَرَّقُوا

ص:۲۰۱

۱- (۱) بحارالانوار، ج ۲۸، ص ۱۰۴.

۲- (۲) الجامع لاحکام القرآن، ج ۴، ص ۱۵۹.

۳- (۳) تفسیر القرطبی، ج ۴، ص ۱۵۹.

فِيِه)۱ گفته است: «ولا تتفرقوا فيه تعلموا ان الفرقه هلكه، وأن الجماعه ثقه؛(۱) در دين افتراق نكن. بدان افتراق، هلاكت و انسجام، وثاقت است.»

خداوند الفت و انسجام مردم را نعمت الهى شمرده است: «واذكروا نعمه الله عليكم إذ كنتم أعداء فألف بين قلوبكم فأصبحتم بنعمته إخوانا» قرطبى مى گويد: مراد از اتفاق به اين معنا نيست كه اختلاف در فروعات، حرام باشد، بلكه مقصود از نهى اختلاف، اختلافى است كه مانع الفت و انسجام و سبب فساد باشد، و إلا رسول خدا صلى الله عليه و آله نيز اختلاف امت را موجب رحمت مى داند.(۲)

سوم. موجب ورود بهشت

حديث بيست وهفتم

اميرالمؤمنين در شام، در ضمن خطبه اى به نقل از پيامبراسلام صلى الله عليه و آله فرمود:

«فمن سرّه بحبوحه(۳) الجنّه فليلزم الجماعه فانّ يدالله على الجماعه وانّ الشيطان مع الواحد؛(۴) هر كس مى خواهد در وسط بهشت جاى بگيرد با جماعت باشد، زيرا شيطان با كسى است كه تنها باشد.» اين روايت در كتاب هاى اهل سنت نيز با كمى اختلاف، از عمربن خطاب نقل شده است.(۵)

۱- (۲) جامع البيان، ج ۲۵، ص ۲۱.

۲- (۳) تفسير القرطبى، ج ۴ ص ۱۵۹.

۳- (۴) «بحبوحه» به معنى وسط است، يعنى وسط بهشت.

۴- (۵) عوالى اللئالى، ج ۱، ص ۱۲۳.

۵- (۶) المسند، ص ۲۴۴؛ مسند احمد، ج ۱، ص ۱۸.

چهارم. باعث سربلندی و قدرت

حدیث: بیست و هشتم

پیامبراسلام صلی الله علیه و آله فرمود:

«یـد الله مع الجماعه فاذا شـذّ الشاذ(۱) منهم اختطفه(۲) الشیـطان کما یختطف الـذئب الشاه من الغنم؛(۳) دست خـدا با جماعت است، هرگاه کسی از جماعت جدا شود، شیطان او را می رباید چنان که گرگ بز را از گوسفندها می رباید.

پیامبراسـلام صـلی الله علیه و آله نیز بـا اشـاره به عزت و کرامت انسان؛ انسـجام را باعث عزت و افتراق را موجب فساد در امور مردم می داند و می فرماید:

«انتم اهل العزّه و.... فلا تختلفوا فتفسدوعلیکم امورکم؛(۴) شما اهل عزت هستید... بنابراین اختلاف نکنید، زیرا اختلاف باعث فساد امور شما می شود.»

پنجم. باعث برکت

حدیث بیست ونهم

پیامبراسلام صلی الله علیه و آله فرمود:

«کلوا جمیعاً ولاـ تفرقوا فانّ البرکه مع الجماعه؛(۵) بـا هم بخوریـد و از یک دیگر جـدا نشویـد، زیرا برکت، در باهم بودن و با جماعت است.»

اتفـاق و انسـجام حـتی در حـال غـذا خوردن نیز فوایـدی دارد که حـداقل آن نزدیکی دل هـاست که این موضوع اثبـات شـده است.(۶) در روایت است که

۱- (۱) در این جا به معنای انفراد و جدا از جماعت است.

۲- (۲) به معنای ربودن است.

۳- (۳) مجمع الزواید، ج ۵، ص ۲۱۸.

۴- (۴) بحار الانوار، ج ۲۸، ص ۳۲۳، ح ۵۴.

۵- (۵) ج ۲، ص ۱۰۹۳، ح ۳۳۸۷؛ بحار الانوار، ج ۶۳، ص ۳۴۹.

۶- (۶) فیض القدیر شرح جامع الصغیر، ج ۵، ص ۵۷.

اگر با هم غذا بخورید، غذای یک نفر برای دو نفر و غذای دو نفر برای سه نفر... کفایت می کند. بنابراین اگر این اتفاق را در مسائل اجتماعی قرار دهیم چه قدر برکت خواهد داشت؟! مثلاً ـ اگر به جای یک نفر دو نفر با دشمن مقابله کند و همهٔ مسلمانان یک صدا و یک دست با دشمنان اسلام و استکبار جهانی مبارزه کنند، برکت و پیروزی بسیاری خواهند داشت.

ب) آثار افتراق و عدم انسجام

یکم. فتنه و هلاکت

حدیث سی ام

پیامبراسلام صلی الله علیه و آله در ضمن واقعه ای فرمود:

«انما اهلک من کان قبلکم الفرقه؛(۱) اقوامی که قبل از شماها بودند به سبب اختلاف هلاک شدند.»

و نیز فرمود:

«انما هلک من کان قبلکم لمّا تنازعوا فی هذاالامر انی عزمت علیکم الاّ تنازعوا فیه؛(۲) کسانی که قبل از شما بودند به علت اختلاف در این امر (قدر) هلاک شدند و من تصمیم گرفته ام که شما در این امر اختلاف نکنید.»

در بیانی دیگر فرمود:

«لاـتختلفوا فانّ من کان قبلکم اختلفوا فهلکوا؛(۳) اختلاف نکنید، کسانی که قبل از شما بودند به علت اختلاف هلاک شده اند.»

هم چنین ایشان می فرماید:

«فلا تختلفوا من بعدی کما اختلف من کان قبلکم من بنی اسرائیل؛(۴) بعد از من اختلاف نکنید، چنان که قبل از شما

۱- (۱) المصنف، ج ۸، ص ۳۶۷، ح ۱؛ میزان الحکمه، ج ۱، ص ۴۸۳.

۲- (۲) مسند ابی یعلی، ج ۱، ص ۴۳۳، ح ۶۰۴۴.

۳- (۳) صحیح بخاری، ج ۳، ص ۸۸؛ میزان الحکمه، ج ۱، ص ۷۶۴.

۴- (۴) ارشاد القلوب، ج ۲، ص ۳۴۰.

بنی اسرائیل اختلاف کردند.» پیامبراسلام صلی الله علیه و آله برای جلوگیری از تفرقه بین امت اسلامی به قدری مراقب بود که هرگاه اختلاف حتی در مسئله ای کوچک ایجاد می باشد، فوری مداخله می کرد و آن را رفع و دفع می نمود. چنان که چند نمونه از این موارد را ملاحظه کردیم. مورد دیگری آمده است که دو نفر در قرائت آیه ای از قرآن اختلاف کردند، وقتی رسول خدا صلی الله علیه و آله باخبر شد با حالت ناراحتی فرمود:

«انما هلک من کان قبلکم باختلافهم فی الکتاب؛(۱) کسانی که قبل از شما بودند به علت اختلاف در کتاب (شان) هلاک شدند.»

دوم. مرگ جهالت

حدیث سی ویکم

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود:

«من خرج من الطاعه وفارق الجماعه مات میته جاهلیه؛(۲) هرکس از اطاعت و از گروه (مسلمین) خارج شود، به مرگ جاهلیت مرده است.» در روایت دیگر، کسانی که از جماعت جدا شده اند با کسانی که امام وقت را نشناخته اند در یک صف آورده شده اند، زیرا کسی که در اطاعت امام درآید و او را قبول کند دیگر معنا ندارد که از گروه مسلمانان خارج شود؛ چون امام حق، محور انسجام است:

«من فارق الجماعه قیاس او قید شبر فقد خلع ربقه الاسلام من عنقه من مات ولیس علیه امام فمیتته میته جاهلیه ومن مات تحت رایه عصبیه فقتلته قتله جاهلیه؛(۳) هرکس به اندازهٔ یک وجب از جماعت جدا شود، طوق اسلام

۱- (۱) صحیح مسلم، ج ۸، ص ۵۷.

۲- (۲) همان، ج ۶، ص ۲۱؛ بحار الانوار، ج ۲۹، ص ۳۳۱.

۳- (۳) مجمع الزواید، ج ۵، ص ۲۲۴.

را از گردن خود واکرده است و کسی که بـدون امـام بمیرد بر موت جـاهلیت مرده است و هم چنین کسی زیر پرچم تعصب درآید و زیر آن کشته شود به مرگ جاهلیت مرده است.»

روایت دیگری نیز به مطلب فوق اشاره کرده و جدایی از جماعت را به عنوان جاهلیت قبل از اسلام معرفی کرده است:

«من مات مفارق الجماعه فانه یموت موته الجاهلیه»(۱)

سوم. مرگ کفر

حدیث سی ودوم

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«من فارق شبراً فقد فارق الاسـلام؛(۲) هرکس به انـدازهٔ یک وجب از (جماعت مسـلمین) جدا شود، از اسـلام جدا شده است.» در روایت دیگری نیز رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«من فـارق الجمـاعه شبراً خلع ربقه الاسـلام من عنقه؛(۳) هرکس یـک وجب از جماعت جـدا شود، از دایرهٔ اسـلام جـدا شـده است.»

چهارم. باعث ورود جهنم

حدیث سی وسوم

پیامبراسلام صلی الله علیه و آله فرمود:

«من فارق الجماعه فهو فی النار علی وجهه؛(۴) هرکس از جماعت (اسلام) جدا شود، بر صورتش به جهنم وارد خواهد شد.» و نیز فرمود:

«یدالله مع الجماعه فاتبعوا السواد الاعظم فانّ من شذّ شذّ

۱- (۱) صحیح ابن حبان، ج ۱، ص ۴۳۹.

۲- (۲) معجم الاحادیث المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص ۲۴۹.

۳- (۳) مسند احمد، ج ۵، ص ۱۸۰.

۴- (۴) مجمع الزواید، ج ۵، ص ۲۲۰.

فی النار؛(۱) دست خـدا با جماعت است، به جمعیت اسـلام بپیوندیـد، زیرا که هرکس از جماعت مسـلمین جدا شود، به آتش داخل خواهد شد.»

پنجم. مهدورالدم

حدیث سی وچهارم

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«من فرّق بین امّتی وهم جمیع فاضـربوا رأسه کائناً من کان؛(۲) هرکس بین امت (اسـلام) تفرقه بیندازد، حتی بین گروه کثیری هم که باشد، هر جا بود گردنش را بزنید.» در این مورد امیرالمؤمنین علیه السلام نیز فرموده است:

«الا من دعا الی هذالشـعار فاقتلواه ولو کان تحت عمامتی هـذه؛(۳) هرکس به این (اختلاـف و افتراق) دعوت کنـد او را به قتل برسانید، حتی آن شخص زیر عمامه من باشد.» یعنی کسی که بین مسلمانان اختلاف ایجاد کند خون او ارزشی ندارد. درحالی که خون و آبرو و حتی مال مسلمان محترم است، ولی خون تفرقه کننده ارزش ندارد و هدر می باشد.

ششم. دوری دل ها

حدیث سی وپنجم

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است:

«لا تختلفوا فتختلف قلوبکم؛(۴) اختلاف نینداز، زیرا اختلاف باعث دوری دل ها می شود.» از امام صادق علیه السلام نقل شده است که پیامبراکرم فرمود صلی الله علیه و آله:

«ولاتختلفوا فیخالف الله بین قلوبکم؛(۵)

۱- (۱) المستدرک الصحیحین، ج ۱، ص ۱۱۵؛ میزان الحکمه، ج ۱، ص ۴۰۶.

۲- (۲) کنز العمال، ج ۱، ص ۲۰۸، ح ۱۰۴۵.

۳- (۳) نهج البلاغه، نامه ۱۲۷.

۴- (۴) میزان الحکمه، ج ۱، ص ۷۶۴.

۵- (۵) بحار الانوار، ج ۸۵، ص ۱۰۰.

اختلاف نکنید، [پس اگر کسی اختلاف ایجاد کند] خداوند بین دل هایتان اختلاف ایجاد می کند.» یعنی ایجاد اختلاف، سبب می شود که رحمت و لطف خداوند از او برداشته شود و او به خود واگذار کند. در نتیجه دل ها از هم دیگر دور می شود و باعث نابودی فرد و اجتماع خواهد شد.

هفتم. نابودی

حدیث سی وششم

رسول خدا صلی الله علیه و آله در ضمن وصیت به حضرت علی علیه السلام فرمود:

«یا علی! ثلاث موبقات:(۱) نکث(۲) الصفقه(۳) وترک السّنه وفراق الجماعه؛(۴) ای علی! سه چیز موجب نابودی (انسان) می شود: شکستن معامله و پیمان، ترک سنت و جدایی از جماعت (مسلمین).»

هشتم. عدم قبولی اعمال

حدیث سی وهفتم

جبرئیل از جانب خدا به رسول خدا صلی الله علیه و آله گفت:

«بلّغ امتک انه من مات مفارق الجماعه لا ـ یجیء رائحه الجنه وان کان اکثر عملاً ـ من اهل الارض لا اقبل منه صرفاً(۵) ولا عدلاً؛(۶) به امت بگو هرکس بمیرد و از جماعت جدا شود، بوی بهشت به مشام او نمی رسد، اگرچه عمل او از (همه) اهل زمین بیشتر باشد و از او هیچ چیز پذیرفته نمی شود.»

۱- (۱) «موبقات» به معنای نابودی است.

۲- (۲) «نکث» به معنای شکست پیمان و معامله است.

۳- (۳) «الصفقه» به معنای معامله است.

۴- (۴) نظم درر السمطین، ص ۱۵۵.

۵- (۵) به معنای یک دست است.

۶- (۶) معانی الاخبار، ص ۷۶.

نهم. موجب لعنت الهی و فرشتگان

حدیث سی وهشتم

«... یا محمد تارک الجماعه عندی ملعون وعند الملائکه ملعون وقد لعنتهم فی التوراه والانجیل والزبور والفرقان؛(۱) ای محمد! کسی که جمعیت را ترک کند نزد من و فرشتگان ملعون است و در تورات و انجیل و زبور و فرقان بر او لعنت شده است.»

دهم. عدم استجابت دعا

حدیث سی ونهم

«.. یا محمد! تارک الجماعه لا استجیب له دعوه ولا انزل علیه الرحمه وهم یهود امتک وان مرضوا فلا تعدهم وان ماتو فلا تشیّع جنائزهم؛(۲) ای محمد! کسی که جمعیت را ترک کند دعایش را استجابت نمی کنم و رحمت را بر او نازل نمی کنم: آنها یهود امت تو هستند و اگر مریض شوند به عیادت آنها نرو و اگر بمیرند، در تشییع جنازه شان شرکت نکن.»

یازدهم. مبغوض ترین مخلوق نزد خداوند عالم

حدیث چهلم

«ولایمشی علی الارض ابغض علیّ من تارک الجماعه؛(۳) مبغوض ترین جنبندگان روی زمین در نزد من کسی است که جماعت را ترک کند.»

۱- (۱) همان.

۲- (۲) همان.

۳- (۳) همان.

جمع بندی مباحث

اکنون برای حسن ختام، مطالب گذشته را در چند سطر خلاصه می کنیم:

- قرآن مجید، سنت پیامبراکرم صلی الله علیه و آله، مرجعیت علمی اهل بیت علیهم السلام مناسب ترین محور وحدت و انسجام اسلامی اند.

- قرآن مجید و احادیث پیامبراسلام صلی الله علیه و آله، انسجام اسلامی را یکی از ضروریات مسائل اسلامی دانسته است.

- احادیث اسلامی، رمز پیروزی و نجات از هلاکت را در گرو انسجام اسلامی می دانند.

- احادیث فریقین بر این مطلب تأکید دارند که هرکس، کلمهٔ شهادتین را بر زبان آورد؛ مسلمان می باشد و جان و مال و آبروی او محترم است.

- محبت، احترام، کمک، مدارا، حسن سلوک، حسن ظن، خیرخواهی و اصلاح ذات بین، طبق تعلیمات نبوی، از عوامل انسجام می باشد.

- سخن چینی، سوءظن، جست وجوی اسرار مردم، تعصب بی جا، خصومت و مجادله بی جا، دشنام و تحقیر، آزار واذیت، از عوامل اختلاف شمرده است.

ص:۲۱۱

- سربلندی و قدرت، موجب رحمت و رهایی از عذاب الهی و ورود به بهشت، از آثارانسجام اسلامی می باشند.

- سرخوردگی و هلاکت، افتراق و جدایی دل ها، مرگ کفر و جهالت، عدم استجابت دعا و ورود به جهنم و مبتلا به عذاب دائمی، از آثار شوم افتراق و جدایی هستند.

کتابنامه

۱. القرآن المجید، (با ترجمه، دکتر محمد علی رضایی اصفهانی)

۲. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، دارالاحیاالکتب العربیه، بی تا، بیروت.

۳. ابن اثیر، النهایه فی غریب الحدیث، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۳۶۴.

۴. ابن بلبان، علاءالدین علی، تحقیق: شعیب ارنووط، صحیح ابن حبان. بیروت: مؤسسه الرساله، ۱۴۱۴ ه.

۵. ابن حنبل احمد، مسند احمد، دار صادرات، بیروت.

۶. ابن سعد، الطبقات الکبری، دارصادرات، بیروت.

۷. ابن سلامه، دستورمعالم الحکم، مکتبه المفید، قم.

۸. -، محمد، مسند الشهاب، مؤسسه الرساله، بیروت.

۹. ابن شعبه حرانی، ابومحمدحسن بن علی، تحف العقول، مؤسسه نشراسلامی، قم.

۱۰. ابن شهرآشوب، مناقب آل ابی الطالب، نجف، مکتبه الحیدریه، ۱۳۷۶.

۱۱. ابن صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، مؤسسه اعلمی، تهران ۱۴۰۴.

۱۲. ابن طاووس، سیدعلی بن موسی، الطرائف، قم ۱۳۷۱ ه.

۱۳. -، الیقین، قم، مؤسسه دارالکتاب، ۱۴۱۳.

۱۴. ابن عساکر، ابی القاسم علی بن حسن بن هبه شافعی، تحقیق: علی شیری، تاریخ مدینه الدمشق، بیروت: دارالفکر، ۱۴۱۵ ه.

۱۵. ابن قدامه، عبدالرحمان، الشرح الکبیر، دارالکتاب العربی، بیروت.

۱۶. ابن ماجه قزوینی، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دار الفکر، بیروت.

۱۷. ابوریه محمود، اضواء علی السنه المحمدیه، دارالکتب اسلامی.

۱۸. الأحسائی، ابن ابی جمهور، عوالی اللئالی، مطبعه سید الشهدا، قم ۱۴۰۳ ه. ق.

۱۹. الدر المنثور فی تفسیر المأثور، دارالفکر، بیروت ۱۴۱۴ ه.

۲۰. امینی، عبدالحسین، الغدیر، دارالکتاب العربی، بیروت ۱۳۹۷ ه.

۲۱. بخاری، محمد بن اسماعیل، التاریخ الکبیر، المکتبه الاسلامیه.

۲۲. -، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، دارالفکر، بیروت ۱۴۰۱ ه.

۲۳. بلازری، انساب الاشراف، مؤسسه اعلمی، ۱۳۹۴ ه.

۲۴. بندر ریگی، محمد، فرهنگ جدید، قم ۱۳۷۴ ش.

۲۵. بیهقی، احمد بن الحسین، السنن الکبری، دارالفکر، بیروت.

۲۶. ترمزی، محمد بن عیسی، السنن الترمزی، دار الفکر، ۱۴۰۳ ه.

۲۷. تمیمی موصلی، احمدبن علی بن مثنی، تحقیق، حسین سلیم اسد، مسند ابویعلی موصلی، دارالمأمون للتراث.

۲۸. ثعالبی، عبدالرحمن بن محمد، تفسیر الثعالبی، دارالاحیاء التراث العربی، بیروت ۱۴۱۸ ه.

۲۹. جوهری، الصحاح، دارالعلم للملایین، چاپ چهارم، بیروت ۱۴۰۷ ه.

۳۰. حرعاملی، شیخ محمد بن حسن، وسائل الشیعه، داراحیاءالتراث العربی، بیروت.

۳۱. -، شیخ محمد بن حسن، الفصول المهمه، مؤسسه معارف اسلامی، قم ۱۴۱۸ ه.

۳۲. حسکانی، حاکم، شواهد التنزیل، وزارت ارشاد جمهوری اسلامی ایران.

۳۳. حسینی، شهاب الدین، الوحده الاسلامیه، مجمع تقریب المذاهب اسلامی، قم ۱۴۲۷ ه ق.

۳۴. خوارزمی، موفق، المناقب، مؤسسه نشر اسلامی، چاپ دوم، قم ۱۴۱۱ ه..

۳۵. دفتر مقام معظم رهبری، حدیث ولایت (مجموعه رهنمودهای مقام معظم رهبری)، سازمان تبلیغات اسلامی، تهران ۱۳۷۶ ش.

۳۶. دمشقی ابن کثیر، اسماعیل، البدایه والنهایه، داراحیاء التراثالعربی، بیروت ۱۴۰۸ ه.

۳۷. -، اسماعیل، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۰۷ ه.

۳۸. دمشقی ابن کثیر، اسماعیل، تفسیرالقرآن العظیم، بیروت، دارالمعرفه.

۳۹. زبیدی، تاج العروس، المکتبه الحیاه، بیروت.

۴۰. زرندی حنفی، جمال الدین محمد بن یوسف، نظم دررالسمطین فی فضائل المصطفی والمرتضی والبتول والسبطین، قم، مکتبه امام امیرالمؤمنین، ۱۳۷۷ ه.

۴۱. سجستانی، سلیمان بن اشعث، سنن ابن ابی داود، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۰ ه ق.

۴۲. سیوطی، جلال الدین، جامع الصغیر، بیروت، دارالفکر.

۴۳. شافعی، محمد بن ادریس، المسند، دارالکتب العلمیه، بیروت.

۴۴. شرف الدین، عبدالحسین، المراجعات، تحقیق: حسین الراضی، جمعیت اسلامیه.

۴۵. شیخ صدوق، (ابی محمد بن علی بن حسن بن موسی بن بابویه قمی)، ثواب الاعمال، منشورات رضی، چاپ دوم، قم ۱۳۶۸.

۴۶. -، الخصال، جامعه مدرسین، قم.

ص:۲۱۴

۴۷. -، علل الشرایع، مکتبه الحیدریه، نجف ۱۹۶۶ م.

۴۸. -، معانی الاخبار، انتشارات اسلامی، قم ۱۳۶۱ ش

۴۹. -، من لا یحضره الفقیه، جامعه مدرسین، چاپ دوم، قم ۱۴۰۴ ه.

۵۰. شیخ مفید، ابی عبدالله محمدبن نعمان بغدادی، الاختصاص، جامعه مدرسین، قم.

۵۱. طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، دارالحرمین.

۵۲. -، سلیمان بن احمد، المعجم الکبیر، مکتبه ابن تیمیه، قاهره.

۵۳. -، سلیمان بن احمد، معجم الاوسط، دار الحرمین.

۵۴. طبری، احمدبن عبدالله، ذخائرالعقبی فی مناقب ذوی القربی، مکتبه قدسی، ۱۳۵۶ ش.

۵۵. -، محمد بن جریر، تفسیر الجامع البیان عن تأویل آیات القرآن، بیروت، دار الفکر، ۱۴۰۸ ه.

۵۶. طریحی، شیخ فخرالدین، مجمع البحرین، وزارت فرهنگ وارشاد اسلامی، تهران ۱۳۶۹ ش.

۵۷. عبده، محمد، نهج البلاغه، دارالمعرفه، بیروت.

۵۸. عظیم آبادی، محمد شمس الحق، عون المعبود شرح سنن ابن ابی داود، دارالکتب العلمیه، چاپ دوم، بیروت ۱۴۱۵ ه.

۵۹. علم الهدی، سید مرتضی، الامالی، کتابخانه، آیه الله مرعشی، قم ۱۴۰۳ ه ق.

۶۰. فراهیدی، خلیل ابن احمد، کتاب العین، مؤسسه، دارالهجره چاپ دوم، قم ۱۴۰۹ ه ق.

۶۱. قرطبی، محمد بن عبدالله انصاری، الجامع لاحکام القرآن، مؤسسه التاریخ العربی، بیروت ۱۴۰۵ ه ق.

۶۲. قزوینی، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، دار الفکر، بیروت.

۶۳. قندوزی، سلیمان بن ابراهیم، ینابیع الموده، دارالاسوه چاپ اول ۱۴۱۶ ق.

۶۴. کلینی، محمد ابن یعقوب، الکافی، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۶۸ ش.

۶۵. کورانی، علی، معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، مؤسسه معارف الاسلامیه، قم ۱۴۱۱ ه.

۶۶. کوفی اهوازی، حسین بن سعید، کتاب المومن، مدرسه امام مهدی، قم ۱۴۰۴ ه.

۶۷. لیثی واسطی، علی بن محمد، تحقیق، حسین حسنی، عیون الحکم والمواعظ، قم، دار الحدیث، ۱۳۷۶ ش.

۶۸. مازندرانی، ملا محمد صالح، شرح اصول کافی.

۶۹. متقی هندی، کنز العمّال، مؤسسه الرساله، بیروت.

۷۰. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، مؤسسه الوفا، بیروت ۱۴۰۳.

۷۱. محمدی ری شهری، میزان الحکمه، دارالحدیث، قم.

۷۲. مغربی، قاضی نعمان، دعائم الاسلام، دار المعارف، ۱۳۸۳.

ص:۲۱۵

۷۳. مناوی، محمد عبدالرؤف، تحقیق، احمدعبدالسلامی، فیض القدیر شرح جامع

۷۴. الصغیر، دار الکتب العلمیه، بیروت ۱۴۱۵ ه.

۷۵. موسوی، سید حمید جاوید، اتحاد اسلامی در آثار شهید مطهری، انتشارات صدرا، قم ۱۴۲۸ ه.

۷۶. نسائی، احمد بن شعیب، سنن النسائی، دارالفکر، بیروت ۱۳۴۸ ه.

۷۷. نسوی، ابن سفیان، کتاب الاربعین، دارالبشائر الاسلامیه، ۱۴۱۴ ه.

۷۸. نمازی، علی، مستدرک سفینه البحار، مؤسسه نشر اسلامی، قم ۱۴۱۹ ه.

۷۹. نوری طبرسی، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل البیت لاحیا التراث، قم ۱۴۰۸ ه.

۸۰. نووی دمشقی، ابی زکریا یحیی بن شرف، ریاض الصالحین من حدیث سید المرسلین، دار الفکر، چاپ دوم، بیروت ۱۴۱۱ ه.

۸۱. نووی، محی الدین، المجموع فی شرح المهذب، دار الفکر.

۸۲. نیشابوری، محمدبن فتال، روضه الواعظین، منشورات رضی، قم.

۸۳. نیشابوری، مسلم بن حجاج، صحیح مسلم، دارالفکر، بیروت.

۸۴. هیثمی، نور الدین، مجمع الزواید، دار الکتب العلمیه، بیروت ۱۴۰۸ ه.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ یَسْتَوِی الَّذِینَ یَعْلَمُونَ وَالَّذِینَ لَا یَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹